

اگر مراد از تزکیه و تربیت مدیریت پنج مرحله‌ی شخصیت است، اساساً این کار تربیتی را می‌توانیم به سیستم آموزش و پرورش کشور تفویض کنیم؟ اساساً نهاد آموزش و پرورش صلاحیت و اختیارات لازم برای تحقق این معنا از تربیت را دارد یا نه؟ الآن در جامعه‌ی ما تلقی عمومی این است که سیستم آموزش و پرورش نهاد متکفل تربیت است، متکفل مسئله تربیت است. چرا این تلقی عمومی به وجود آمده است؟ چون درک از تربیت در ذهن‌ها تنزل پیدا کرده است.

چون همه فکر می‌کنند مسئله تربیت، یعنی انتقال بعضی از اطلاعات و بعضی از مهارت‌ها به فرد. بله اگر تربیت را خلاصه‌ی در ارتقاء آگاهی‌ها و مهارت‌ها بدانیم، سیستم آموزش و پرورش فعلی هم می‌تواند این کارها را انجام دهد. مثلاً اگر قائل بشویم به اینکه تربیت یعنی پیدا شدن تفکر نقاد در فرد، سیستم آموزش و پرورش فعلی می‌تواند این کار را انجام دهد؛ می‌تواند با برگزاری دوره‌هایی، یا چاپ کتاب‌هایی، فرد را وارد وادی نقادی در حوزه تفکر کند. یا مثلاً اگر قائل شدیم به اینکه تربیت عبارت است از اینکه فرد مثلاً در تنظیم روابط انسانی خودش، بتواند خشمش را کنترل کند و به اصطکاک با دیگران نرسد؛ در اینصورت ممکن است شما بگویید یک سیستم آموزشی می‌تواند این کار را به خوبی انجام بدهد، می‌تواند این را در دانش‌آموز و فرد جا بیاندازد. اما اگر درک ما از تربیت، ایجاد ظرفیت‌های اولیه بود، -مانند آنچه که در مرحله اول شکل‌گیری شخصیت بحث کردیم- دیگر این کار را سیستم آموزش و پرورش نمی‌تواند انجام بدهد، نهاد اصلی این کار نهاد خانواده است.

تاریخ برگزاری جلسات:  
۲۰ الی ۲۹ شهریور ۱۳۹۷

ارائه: حجت‌الاسلام کشوری  
در مسجد رکن‌الملک اصفهان



۳۵/۴/۱

دوره مباحثاتی با موضوع:

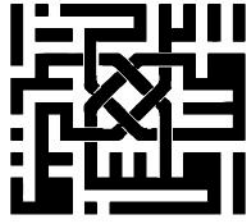
# آموزش و پرورش آینده

محورها:

۱. محورهای سه‌گانه اشکالات نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟
۲. ویژگی‌های سه‌گانه آموزش و پرورش آینده چیست؟ (پیشنهادات الگوی پیشرفت اسلامی برای رفع معایب سه‌گانه آموزش و پرورش فعلی چیست؟)
۳. گام اول برای حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده چیست؟
۴. تکنیک‌ها و مراحل پنجگانه ارتقاء ظرفیت (به عنوان گام اول حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده) کدام است؟
۵. نهاد اصلی مدیریت مراحل پنجگانه تربیت و ارتقاء ظرفیت چه نهادی است؟
۶. برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پیشنهادی برای تقویت نهاد خانواده و ارتقاء ظرفیت چیست؟
۷. سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش (به عنوان رقیب اصلی نظریه آموزش و پرورش آینده) چه معایب و انحرافات دارد؟

شورای راهبردی  
الگوی پیشرفت اسلامی  
دی‌ماه ۱۳۹۷





# آموزش و پرورش آینده

## دوره ده جلسه ای

عنوان دوره: تبیین ویژگی های آموزش و پرورش آینده و طریق حرکت به سمت آن  
ارائه دهنده: حجت الاسلام والمسلمین کشوری  
تاریخ برگزاری: شهریور (محرم الحرام) ۱۳۹۷  
مکان برگزاری: مسجد رکن الملک اصفهان  
مخاطبین دوره: نخبگان و مردم انقلابی شهر اصفهان  
مشخصات اثر: ۱۶۴ صفحه رحلی  
تاریخ انتشار: دی ماه ۱۳۹۷  
ویراست اول



## جلسه اول

### سوالات جلسه

مقدمه: ضرورت تغییر در نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟

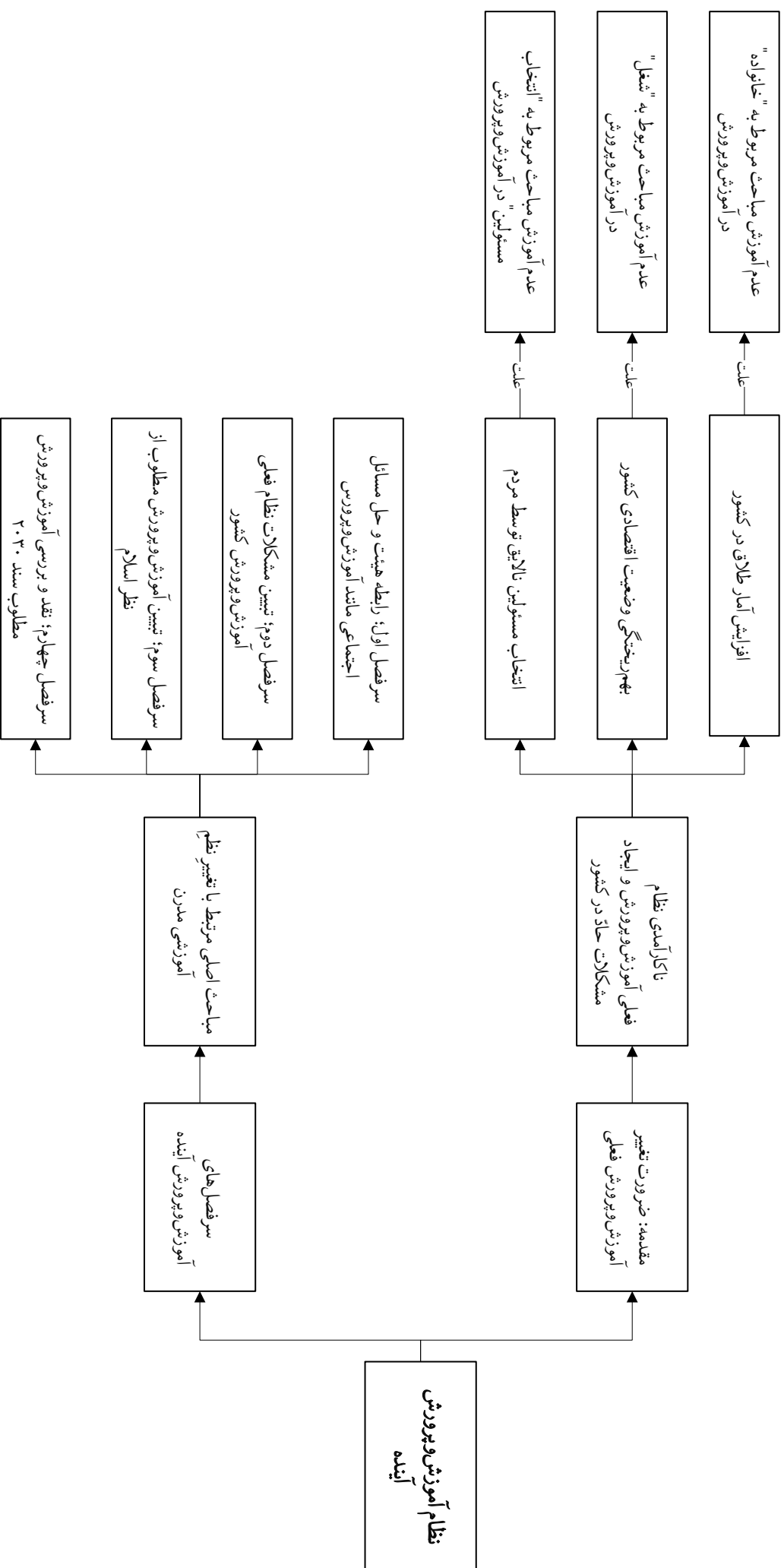
### عنوان جلسه

لزوم تغییر نظام آموزش و پرورش فعلی  
به دلیل ایجاد مشکلات فراوان در کشور در اثر ناکارآمدی این نظم

### خلاصه جلسه

در نخستین جلسه از دوره بحثی آموزش و پرورش آینده به عنوان مقدمه به این موضوع پرداخته می‌شود که ضرورت تغییر نظام آموزش فعلی کشور چیست و چرا الگوی پیشرفت اسلامی با نظم فعلی حاکم بر حوزه آموزش کشور مخالف است؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت: ناتوانی نظام آموزش و پرورش کشور در تربیت صحیح دانش‌آموزان، علت اصلی این مخالف است که این ناتوانی؛ مشکلات فراوانی مانند گسترش معضل خطرناک طلاق و فروپاشی نهاد خانواده، انتخاب مسئولین نالایق توسط مردم و مشکلات اقتصادی مانند احتکار را در کشور رقم زده است. علت اصلی مخالفت، ناکارآمدی این نظم فعلی و ایجاد مشکلات فراوان در کشور در اثر این ناکارآمدی است.

# تبیین ویژگی‌های آموزش و پرورش آینده و چگونگی حرکت به سمت آن (جلسه اول)



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام علیکم و رحمة الله و بركاته بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَيِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا وَ شَفِیْعِنَا فِیْ یَوْمِ الْجَزَاءِ اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ الْمَعْصُوْمِیْنَ الْمُتَنَجِّبِیْنَ الْمُكْرَمِیْنَ سِیَّمَا بَقِیَّةِ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِیْنَ اَرَوٰحُنَا لِاَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَ عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ الشَّرِیْفِ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلٰی اَعْدَائِهِ اَعْدَاءِ اللّٰهِ.

**۱. ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش فعلی و ایجاد مشکلات فراوان در کشور؛ دلیل ضرورت تغییر نظم**

### آموزشی فعلی

خوشحال هستم بار دیگر میهمان مردم تاریخ ساز شهر اصفهان هستم. همیشه در جلساتی که در شهر اصفهان برگزار می شود، در اول عرایض این نکته را عرض می کنم که قدر این مرز و بوم را بدانید؛ شیعه شدن ایران به صورت عمومی به مدیریت علماء در دوران صفویه، از این شهر شروع شده است. مردمان اصفهان، علمای اصفهان، خیرین اصفهان، معماران اصفهانی و شخصیت های این شهر، نقش قابل توجهی در گسترش تشیع در ایران داشته اند و ان شاء الله در آینده هم اینگونه خواهد بود.

بحثی را که می خواهم در این دهه ی بابرکت محضر شما ارائه بدهم در مورد یکی از مهم ترین مشکلات کشور خوبان است. ما در کشورمان مشکل آموزش و پرورش داریم؛ به صورت ساده یعنی نظام آموزش و پرورش کشور نمی تواند فرزندان ما را خوب تربیت کند، این یک مشکل است. فرزندان ما تقریباً ۱۶ الی ۱۷ هزار ساعت در این نظام آموزشی درس می خوانند؛<sup>۱</sup> ولی آنچنان که باید پخته و

۱. برای مشاهده ساعات درسی هریک از دوره های تحصیلی به صورت تفصیلی به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

تربیت نمی‌شوند. خروجی‌های نظام آموزش و پرورش، دختران و پسران و مردان و زنانی نیستند که ما انتظار داریم و شاخصه‌های اسلامی تعریف می‌کنند.

عمده‌ی شما پدر و مادر هستید و فرزندان دارید، فرزندان شما خانواده‌هایی تشکیل داده‌اند، پس عرایض بنده را با پوست و گوشت و استخوان درک می‌کنید. انتظاراتی که ما از فرزندانمان -چه در محیط خانوادگی، چه در محیط اداری و چه در فعالیتهای اجتماعی- داریم، خیلی بالاتر از وضعیت فعلی است. بنابراین اگر می‌خواهیم این مشکلات حل شود، باید به این سمت برویم که نظام آموزش و پرورش کشورمان را اصلاح کنیم.

من در آغاز عرایضم چند نمونه از این مشکلات را بحث می‌کنم و بعد ان‌شاء‌الله وارد مباحثات اصلی خودم می‌شوم. یکی از این مشکلات، مسئله طلاق است؛ میانگین طلاق در کشور ایران، حدود ۳۰ درصد است، در شهری مثل تهران میانگین طلاق بالای ۴۰ درصد است! <sup>۱</sup> طلاق یعنی چه؟ یعنی در عاطفی‌ترین ساختار جامعه -نهاد خانواده که پُر از مهر و محبت است- مردان و زنان آنچنان ناتوان‌اند که نمی‌توانند همدیگر را تحمل کنند. ساختار خانواده، ساختار خشک اداره نیست که قوانین و مقررات سختی بر آن حاکم باشد؛ ساختار خانواده، ساختار آسایش و محبت است. خب چگونه می‌شود که آدمی نمی‌تواند در این ساختار همسر خودش را تحمل کند؟ شما می‌دانید زن‌ها «کاملات‌العاطفه» هستند، سرچشمه‌های محبت‌اند. خب چطور می‌شود که مردی نمی‌تواند با یک معدن عاطفه زندگی کند و هویت او را به چالش می‌کشد؟ متقابلاً چرا بعضی از خانم‌ها نمی‌توانند در مسائل خانوادگی آنچنان که باید، همسررداری کنند و ثمره‌ی آن فروپاشی نهاد خانواده شده است؟ خب این یکی از مشکلاتمان است.

۱/۱. افزایش آمار طلاق؛ یکی از مشکلات ناشی از نظام آموزشی ناکارآمد کنونی

اما این مشکل کجا باید حل و فصل می‌شود؟ زمانی که دختران و پسران ما در نظام آموزش و پرورش درس می‌خوانند، باید علاج می‌شود؛ آنجا باید به دختران و پسران می‌گفتند همسررداری و تربیت فرزند یعنی چه، برای آن‌ها توضیح می‌دادند؛ ولی نظام آموزش و پرورش ما این مسائل اساسی را موضوع بحث قرار نمی‌دهد، بلکه ریاضی ۱، ریاضی ۲، ریاضی ۳، فیزیک ۱، فیزیک ۲، فیزیک ۳، زیست ۱، زیست ۲، زیست ۳ و این مبانی و معارف در آموزش و پرورش بحث می‌شود؛ ولی در مورد خانواده ۱، خانواده ۲، خانواده ۳ بحث نمی‌شود. این یکی از مشکلات نظام آموزش و پرورش است. وقتی می‌گوییم آموزش و پرورش ناکارآمد است، یکی از مصادیق ناکارآمدی آن همین است که نمی‌تواند انسان‌ها را آماده‌ی تشکیل نهاد خانواده کند، این یکی از مسائل است.

۱/۱/۱. آماده نکردن افراد برای تشکیل خانواده توسط نظام آموزشی؛ یکی از دلایل اصلی گسترش طلاق در کشور

۲. بنابر گزارش رسمی سازمان ثبت احوال کشور، آمار فراوانی ازدواج در کل کشور در سال ۱۳۹۶، ۶۰۵ هزار و ۴۰۴ نفر و آمار فراوانی طلاق در کل کشور ۱۷۶ هزار و ۹۲۲ نفر است و این یعنی میزان طلاق در سال ۱۳۹۶ در ایران به ۲۹ درصد و ۲۲ صدم درصد رسیده است. آمار رسمی درباره ازدواج و طلاق در استان تهران در سال ۱۳۹۶: آمار ازدواج: ۸۱ هزار و ۴۶ نفر / آمار طلاق: ۳۶ هزار و ۹۱ نفر و این یعنی آمار طلاق در تهران، ۴۵/۳۵ درصد است.



یکی دیگری از مشکلاتی که ما در جامعه‌مان با آن مواجهیم، مسائل اقتصادی است. مسائل و مصیبت‌های اقتصادی جامعه‌مان را مرور کنیم: یکی از این مصیبت‌ها، مصیبت بانک‌هاست؛ بانک‌ها رباخوارند، بانک‌ها خون مردم را در شیشه می‌کنند.<sup>۳</sup> شما به این علت به بانک می‌روید که مشکل دارید؛<sup>۴</sup> اگر منطق اسلام، حاکم باشد، می‌گوید کمکش کنید تا مشکلش حل شود. اما چون بانک‌ها بر مبنای منطق سرمایه‌داری عمل می‌کنند، ابتدا سود خودشان را محاسبه می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند ۲۰ درصد یا ۳۰ درصد سود می‌گیریم. یادم می‌آید که پرونده‌ی یکی از بانک‌ها را بررسی می‌کردیم؛ آن بانک ادعا کرده بود که می‌خواهد به مسائل اقتصادی کمک کند، داخل پراتنز هم نوشته بود: «اقتصاد مقاومتی.» بعد وامی را با حدود ۲۰ درصد سود برای روستائیان و کشاورزان تنظیم کرده بود. پس از بررسی دوستان ما مشخص شد کسب و کارهای روستا حداکثر تا ۱۰ درصد سود دارند؛ یعنی وامی که آن بانک می‌دهد، حتی اگر به کسب و کار تبدیل شود و به سود برسد، آن کشاورز بیچاره باید ۱۰ درصد دیگر [سود بانک] را از فروش املاک و زندگی‌اش تأمین کند و به بانک پیردازد. خب مسئله رباخواری بانک‌ها، مسئله غلط‌های بانک‌ها، مسئله‌ای است که همه را به چالش کشیده است.

یکی دیگر از مسائل ما در جامعه، مسئله احتکار است؛ الآن از مسائل تغذیه‌ی مردم تا پوشک بچه تا ساخت و ساز ساختمان‌ها و فلزات گران‌بها، همه چیز در مملکت ما احتکار می‌شود،<sup>۵</sup> این یعنی ملاحظه یکدیگر را نمی‌کنیم. خب به دلیل بی‌تدبیری دولت، ارز واسط گران شده است،<sup>۶</sup> ولی همه چیز که وابسته به ارز نیست؛ ما می‌بینیم که ذغال فروش هم قیمت ذغال خودش را بالا برده است، همه، مسابقه‌ی قیمت گذاشته‌اند، همه مسابقه‌ی ضرر رساندن به یکدیگر گذاشته‌اند. خب این فرهنگ اقتصادی صحیح باید کجا پایه‌گذاری شود؟ اینکه شغل چه ویژگی‌هایی دارد و چه قواعدی باید بر آن حاکم باشد در کجا باید پایه‌گذاری شود؟ این باید در مدارس جا انداخته شود. لذا باید در مدارس شغل ۱، شغل ۲، شغل ۳ داشته باشید و کسب و شغل باید از کودکی مورد مباحثه قرار گیرد. بحث راجع به شغل فقط نباید به دانشجویان رشته اقتصاد مربوط شود، خیلی

۳. به عنوان نمونه در ذیل اظهارات چندتن از مراجع تقلید پیرامون رباخواری بانک‌ها ذکر می‌گردد:

آیت‌الله نوری همدانی در صحبت‌هایی که واکنش‌های فراوانی را به دنبال داشت، به موضوع ربا در فعالیت‌های بانکی اشاره و تأکید کرد: «ربا، گناه کبیره‌ای است که در اسلام حرام است. اگر در مقابل یک قرض، پول بیشتری گرفته شود، حرام و ربا است و متأسفانه این کار در بانک‌های ما انجام می‌شود.

آیت‌الله جوادی آملی در دیدار با شهردار و استاندار قم که در بنیاد بین‌المللی علوم و حیاتی‌اسراء در ابتدای سال انجام شد، در بخشی از سخنان خود اظهار کرد: «ملت بدون ثروت مادی فقیر بوده و ستون فقرات او شکسته است؛ اکنون این ثروت‌ها در بانک‌های ربوی جمع‌آوری شده، در صورتی که ظرفیت‌های بسیاری در نقاط مختلف کشور نیازمند این سرمایه‌هاست. حقوق کارمندان بانک‌های ربوی حرام است، زیرا حقوق حلال در برابر کار حلال گرفته می‌شود.»

آیت‌الله علوی گرگانی در ۱۶ شهریورماه در دیدار با مدیران تعاونی اداره کار استان قم در بخشی از سخنان خود با بیان اینکه تعاونی باید به دستان مردم قرار گیرد اظهار کرد: بانک‌ها به جای اینکه مشکلات مردم را برطرف کنند، مشکلات جامعه را اضافه می‌کنند. پول‌هایی که در بانک‌ها قرار دارند باید برای از بین بردن مشکلات جامعه هزینه شود و در این راستا افراد نیازمند و قشرهای ضعیف شناسایی و حمایت شوند. باید در بانک‌ها بخشی مربوط به رسیدگی به قشرهای مستضعف تشکیل شود تا خیلی سریع مشکل مادی و اقتصادی آن‌ها برطرف شود.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایسنا 2 rebayon.ir

۴. حالا یا می‌خواهید برای فرزندتان زن بگیرید یا قصد دارید خانه‌تان را تعمیر کنید یا می‌خواهید یک کسب و کار راه بیندازید.

انتقال از متن

۵. اشاره به احتکارهای گسترده سال ۱۳۹۷ در زمان دولت دوازدهم جمهوری اسلامی ایران؛ به پیوست شماره ۲ مراجعه فرمایید.

۶. اشاره به افزایش بی‌سابقه قیمت ارز در سال ۱۳۹۷ در زمان دولت دوازدهم جمهوری اسلامی ایران؛ به پیوست شماره ۳ مراجعه فرمایید.

روشن است؛ همه مردم شغل دارند، پس همه مردم باید اطلاعات و قواعد مربوط به شغل را بلد باشند، ولی این اتفاق نمی‌افتد.

شما به دوران صفویه برگردید؛ در همین شهر اصفهان در همین بازار معروف منتهی به میدان امام خمینی علیه السلام<sup>۷</sup> - که بزرگ‌ترین بازار دنیا هم هست - شما می‌بینید در هر صدمتر یا یک حجره، یا یک مدرسه علمیه یا یک مسجد یا یک امام‌زاده هست. خب چرا طراحان این بازار، بین حجره‌های بازاری‌ها این مراکز آموزشی و تعلیمی را تعبیه کرده‌اند؟ برای اینکه علم مردم در مورد شغل‌شان ارتقا پیدا کند. نقل می‌کنند در قدیم اهالی بازار صبح‌های علی‌الطول سر درس مکاسب<sup>۸</sup> حاضر می‌شدند و در آنجا علما قواعد مربوط به شغل را تدریس می‌کردند، بعد از آن کسبه کرکره‌ی حجره را بالا می‌دادند و به کسب می‌پرداختند. الآن این پاساژها و این مگامال‌ها کجا آموزش شغل می‌بینند؟ قواعد کسب را کجا یاد می‌گیرند؟ اداری اماکن برای کنترل بعضی از مسائل یک نظارتی دارد، یا اداره مالیات برای گرفتن مالیات می‌آید، خلاصه دستگاه‌های مختلفی با مشاغل ما در ارتباط هستند؛ ولی در کشور ما هیچ دستگاهی نیست که بگوید واجب‌تر از همه این چیزها، آموزش مسائل مربوط به شغل است. مشکل کشور جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۷ این است که اطلاعات مردم نسبت به شغل، اطلاعات درستی نیست و بر احکام مربوط به شغل مسلط نیستند. حالا ان‌شاء‌الله در شب‌های آینده بیشتر توضیح می‌دهم. مسائل مختلفی هست که ما باید آن‌ها را در سیستم آموزشی مان وارد کنیم؛ یعنی مردم ما باید آن‌ها را یاد بگیرند تا زندگی‌شان یک زندگی ایده‌آل شود، یک زندگی رو به آرامش شود، یک زندگی رو به فرج شود. نظام آموزش و پرورش ما با این مسائل کاری ندارد، این عرض بنده است.

یکی دیگر از مسائلی که مردم ما نیاز دارند که اطلاعات و تعالیم مربوط به آن را فرا بگیرند، مسائل مربوط به انتخاب مسئولین است. چه کسی می‌تواند در نظام اسلامی مسئول باشد؟ کلید را دست چه کسی بدهیم؟ چه کسی را رئیس خودمان بکنیم؟ درباره‌ی این موضوع باید بحث شود. لذا بحث از امامت (به معنای عام) باید در مدرسه موضوع تدریس قرار گیرد. امام یعنی کسی که جلو قرار می‌گیرد، امام (به معنای عام) یعنی پیشرو و رهبر. لذا پدر یک خانواده یا رؤسای اصناف یا نمایندگان مجلس نیز امام هستند، یعنی مسئول‌اند و برای دیگران تصمیم می‌گیرند. خب این امام را ما انتخاب می‌کنیم؛ در حدیث هست روز قیامت کسانی که یک نفر را به عنوان امام انتخاب کرده‌اند - یعنی دنبالش حرکت کرده‌اند - امام را لعن می‌کنند و امام آن‌ها را لعن می‌کند. آن مسئول کسی را که او را به عنوان مسئول انتخاب کرده لعن می‌کند و می‌گوید تو چرا از من حمایت کردی، اگر از من حمایت نمی‌کردی من آن اختلاس را انجام نمی‌دادم. روز قیامت، روز عجیبی است! انتخاب‌کننده هم او را لعن می‌کند و طرفین یکدیگر را لعن می‌کنند. اما این یک استثنا دارد و آن هم

۱/۲/۱. کمتر بودن مشکلات اقتصادی در دوران‌های گذشته مانند دوران صفویه به دلیل آموزش مسائل مرتبط با شغل

۱/۳. انتخاب مسئولین نالایق به دلیل عدم آموزش مسائل مرتبط با انتخاب مسئول و امام؛ سومین مشکل ناشی از نظام آموزشی ناکارآمد کنونی

۷. بازار اصفهان که یکی از قدیمی‌ترین و بزرگترین بازارهای خاورمیانه می‌باشد.

۸. کتاب المکاسب یا کتاب المتاجر نام کتابی فقهی نوشته شیخ انصاری از علمای شیعه است که به مباحث معاملات پرداخته است. در گذشته این کتاب توسط علما برای بازاریان تدریس می‌شد.

کسی است که امامان معصوم علیهم السلام را به عنوان امام انتخاب کرده است؛<sup>۹</sup> یعنی قواعد بحث شده توسط امامان معصوم را به عنوان قواعد زندگی انتخاب کرده باشد، این‌ها دیگر در کارشان لعن طرفینی وجود ندارد.

خب در جمهوری اسلامی این‌همه مسئول داریم، چه کسی به آن‌ها رأی می‌دهد؟ مگر انتخابات نیست؟ موقع انتخابات که می‌شود سفره‌های رنگین پهن می‌شود، تبلیغات‌های آن‌چنانی، رایزنی‌های آن‌چنانی؛ خب اگر آموزش‌های مربوط به شناخت مسئولین وجود داشته باشد، مردم دقیق‌تر انتخاب می‌کنند و سره<sup>۱۰</sup> را از ناسره بهتر تشخیص می‌دهند. آموزش و پرورش باید تغییر پیدا کند؛ بنابراین باید امامت<sup>۱</sup>، امامت<sup>۲</sup> و امامت<sup>۳</sup> داشته باشیم، من در حال تشبیه بحث هستم. ولی الان فقط ریاضی<sup>۱</sup>، ریاضی<sup>۲</sup> و ریاضی<sup>۳</sup> داریم و اطلاعاتمان فقط اطلاعات مربوط به تصرف در طبیعت است، اطلاعات مربوط به تنظیم روابط انسانی نیست. نظام آموزش و پرورش را باید اصلاح کنیم.

الان ببینید در چه وضعیتی هستیم؛ مسئولین محترم جمهوری اسلامی، مسئولین زحمت‌کشی هستند، خداوند ان‌شاء الله بر توفیقاتشان بیفزاید اما بعضی‌هایشان کاربرد نیستند. الان وضعیت اقتصادی مملکت به هم ریخته است، خب آقای وزیر بین مردم تشریف بیاورید و با مردم صحبت کنید و راه حل بدهید. من یک مثال بزنم، هرچند نمی‌خواهم الان بحث را علیه کسی اجرا کنم ولی یک مثال بزنم تا واضح شود. الان مگر کشور از لحاظ اقتصادی بهم ریخته است؟ ما مشکل اقتصادی داریم و به تعبیر رهبر حکیم انقلاب ما در جنگ اقتصادی قرار داریم.<sup>۱۱</sup> خب من چند سؤال بپرسم: بزرگ‌ترین شریک اقتصادی ما کدام کشور است؟ چین؛<sup>۱۲</sup> درست است؟ بزرگ‌ترین وزارت‌خانه‌ی اقتصادی ما کدام وزارت‌خانه است؟ وزارت اقتصاد؛ درست است؟ دولت به عنوان یک نمونه باید بگوید برنامه جدید وزارت اقتصاد در این جریان تحریم‌ها - که آمریکای جنایتکار خون‌خوار و فرعون‌زمانه‌ی ما علیه ملت ایران راه انداخته - در زمینه‌ی تبادلات اقتصادی با کشور چین چیست؟ به مردم توضیح دهد که می‌خواهد چه کار کند؛ اما متأسفانه ما در چین حتی سفیر هم

۹. عَنْهُ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا مَالِكُ أَمَا تَرَضُونَ أَنْ تَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ تَتَكْفَرُوا وَ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ يَا مَالِكُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ قَوْمِ اتَّخَمُوا بِأَمَامٍ فِي الدُّنْيَا إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَلْعَنُهُمْ وَ يَلْعَنُونَهُ إِلَّا أَنْتُمْ وَ مَنْ كَانَ عَلَيَّ مِثْلَ خَالِكُمْ يَا مَالِكُ إِنَّ الْمَيِّتَ وَ اللَّهَ مِنْكُمْ عَلَيَّ هَذَا الْأَمْرُ لَشَهِيدٌ بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. امام صادق علیه السلام به مالک جهنی فرمودند: ای مالک! آیا خشنود نیستید که نماز بخوانید و زکات بدهید و زبان‌هایتان را ننگه دارید و [در عوض] به بهشت بروید؟ هیچ قومی نیست که در دنیا به امامش اقتدا کرده باشد، مگر آنکه در روز قیامت او آنان را لعنت می‌کند و آنان او را؛ مگر شما و کسانی که چون شما باشند. ای مالک برآستی که بخدا سوگند هرکه از شما بر این امر (و عقیده) بمیرد شهید مرده و همانند آن کسی است که در راه خدا شمشیر زده است.

الکافی، ج ۸، ص ۱۴۶

۱۰. ناخالص و معیوب

۱۱. من چند نکته را در باب اقتصاد عرض می‌کنم. نکته اول این است که امروز عرصه‌ی اقتصاد، به‌خاطر سیاست‌های خصمانه‌ی آمریکا، یک عرصه‌ی کارزار است، یک عرصه‌ی جنگ است، جنگی از نوع خاص. در این عرصه‌ی کارزار، هر کسی بتواند به نفع کشور تلاش کند، جهاد کرده است. امروز هر کسی بتواند به اقتصاد کشور کمک کند، یک حرکت جهادی انجام داده است. این جهاد است؛ البته جهادی است که ابزار خودش را دارد، شیوه‌های مخصوص خود را دارد، باید این جهاد را همه با تدبیر مخصوص خود و سلاح مخصوص خود انجام بدهند. این نکته‌ی اول.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار با زائران امام رضا علیه السلام در حرم مطهر رضوی، ۱ فروردین ۱۳۹۴

۱۲. سفیر جمهوری خلق چین در ایران با اشاره به افزایش حجم روابط تجاری دو کشور، گفت: در زمینه تجارت، چین جایگاه بزرگترین شریک تجاری ایران را حفظ کرده است.

نداریم، بی‌تدبیری از این واضح‌تر: مملکت وزیر اقتصاد هم ندارد! نه وزیر اقتصاد داریم و نه سفیر در چین!<sup>۱۳</sup>

ما به این بحث‌ها نیاز داریم؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛<sup>۱۴</sup> اگر می‌خواهیم وضعیت‌مان تغییر کند باید یکسری مسائل را در درون خود تغییر بدهیم، مسئولی که ما انتخاب می‌کنیم باید بر اساس قواعدی انتخاب شود. من نه طرفدار این جناح هستم و نه آن جناح! بحث ما، دعوی استقلال و پرسپولیس نیست و دعوی جناحی نداریم؛ بحث ما در مورد مشکلات مردم است منتهی یک بحث ریشه‌ای می‌کنیم.

۱/۴. لزوم حرکت به سمت تغییر نظام آموزشی فعلی و ساخت نظام آموزشی مطلوب

من به مثال‌ها خاتمه بدهم، فکر می‌کنم ضرورت بحث به اندازه کافی مشخص شد؛ بنده سه مثال زدم: بحث خانواده را بیان کردم، مباحث مربوط به اقتصاد را مثال زدم و به بحث انتخاب مسئولین اشاره‌ای کردم؛ هر سه‌ی این‌ها می‌توانند در نظام آموزش و پرورش ما مورد بحث قرار گیرند. اگر آموزش‌های نسل آینده ما اصلاح شود، زندگی بهتری پیش رو خواهد داشت. پس باید به بعضی امور، ریشه‌ای پرداخت. آموزش و پرورش فعلی ما یکسری آموزش‌هایی را تعلیم می‌دهد که معلوم نیست خیلی مفید باشند. عرض کردم: حدود ۱۷ هزار ساعت از عمر ما در اختیار نظام آموزش و پرورش است. اما اغلب این اطلاعاتی که ارائه می‌دهد مفید نبوده و علم نافع و به‌دردبخوری نیست و نمی‌تواند مشکلات زندگی مردم را حل کند، حالا ان‌شاء‌الله شب‌های آینده تفصیلی‌تر بحث خواهیم کرد. پس باید به سوی ساختن یک نظام آموزش و پرورش خوب برویم. حالا تقدیر اینطور رقم خورد که ما در شهر تاریخ‌ساز و جامعه‌ساز اصفهان در خدمت شما باشیم و حول آینده‌ی نظام آموزش و پرورش با همدیگر بحث کنیم.

۱۳. مدتی است که بسیاری از رسانه‌ها از نبود وزیر در وزارتخانه‌های اقتصاد و کار انتقاد می‌کنند و این در حالی است که سفارتخانه ایران در کشور چین که به عنوان بزرگترین شریک تجاری ایران محسوب می‌شود، سه ماه است که بدون سفیر است. به گزارش تابناک اقتصادی، بعد از آنکه تیم اقتصادی دولت با انتقادات فراوانی رو به رو شد، همگان منتظر بودند که دولت تغییر و تحولات گسترده‌ای را در تیم اقتصادی خود ایجاد کند اما رئیس‌جمهور تنها به تغییر رئیس کل بانک مرکزی تن داد و آن هم به این خاطر بود که دوره پنج‌ساله ریاست ولی‌الله سیف در بانک مرکزی به اتمام رسیده بود و طبق قانون باید جای خود را به فرد دیگری می‌داد.

همین تعلل دولت در تعویض یا ترمیم افراد تیم اقتصادی خود، باعث شد تا نمایندگان مجلس دست به کار شوند و در ابتدا علی‌ریبیعی وزیر سابق کار، تعاون و رفاه اجتماعی را در مورخه ۱۷ مرداد ۱۳۹۷ استیضاح و برکنار نمایند و سپس در مورخه ۴ شهریور ۱۳۹۷ رأی به برکناری مسعود کرپاسیان از وزارتخانه امور اقتصاد و دارایی بدهند. در مورخه ۲۰ مرداد ۱۳۹۷ رئیس‌جمهور، انوشیروان محسنی‌بندی را به عنوان سرپرست وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی برگزید و همچنین در مورخه ۵ شهریور ۱۳۹۷ طی حکمی سیدرحمت‌الله اکرمی را به عنوان سرپرست وزارت امور اقتصاد و دارایی اعلام کرد.

برخی رسانه‌ها معتقدند در شرایط کنونی که در جنگ اقتصادی به سر می‌بریم، رئیس‌جمهور روحانی باید هر چه زودتر وزرای پیشنهادی خود برای این دو وزارتخانه را به مجلس معرفی کند. البته این انتقادات رسانه‌ها از نبود وزیر در دو وزارتخانه مهم اقتصادی کشور، انتقادی بجا و شایسته است اما باید هم‌اکنون به نکته دیگری نیز از این تعللات در انتخاب افراد جهت در اختیار گرفتن تصدی امور اشاره کنیم و آن این است که تقریباً ۳ ماه است که سفارتخانه ایران در چین بدون سفیر می‌باشد.

آدرس مطلب در پایگاه خبری تابناک [yon.ir/chinairan2](http://yon.ir/chinairan2)

۱۴. سوره مبارکه رعد، آیه ۱۱: «لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مَن أَمَرَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مَن يُؤَلِّئُ»؛

برای انسان مأمورانی است که پی‌درپی، از پیش رو، و از پشت سرش او را از فرمان خدا حفظ می‌کنند و خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در وجود خودشان است تغییر دهند. و هنگامی که خدا برای قومی بدی (و عذاب) بخواهد، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا، (نجات‌دهنده و) سرپرستی نخواهند داشت.

## ۲. طرح چهار دسته بحث در این دوره بحثی به منظور تصویر نظام آموزشی مطلوب

بنده در شب‌های آینده در مجموع چهار موضوع را بحث خواهیم کرد، این‌ها را هم عرض می‌کنم و از خدمت شما مرخص می‌شوم؛ یکی اینکه وارد ارتباط هیئت و عزاداری با مسائل اجتماعی خواهیم شد و در حواشی بحثم به صورت اجمالی اشاره خواهیم کرد. یک دلیل مهمی که به این بحث می‌پردازم این است که ما متأسفانه با پدیده ناپسند هیئت سکولار روبرو هستیم؛ هیئت سکولار یعنی هیئت بی تفاوت نسبت به مشکلات جامعه. امام حسین علیه السلام - که در این ایام همه عالم حول وجود مبارک ایشان در حال حرکت است - برای "اصلاح" حرکت کردند؛ «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي».<sup>۱۵</sup> حالا جالب است که برای برخی از عزاداران حضرت در بعضی از هیئات، نیت اصلاح جامعه هنوز تصویر نشده است.

برخی‌ها سختشان می‌شود و می‌گویند هیئت در مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی دخالت نکند، در حالی که حرکت امام حسین علیه السلام اساساً یک حرکت سیاسی و حرکت اجتماعی-اسلامی بود؛ البته همه هیئت‌ها اینگونه نیستند. با این اوصاف چه نتیجه‌ای ایجاد می‌شود؟ این همه هیئت در سراسر کشور داریم ولی این همه مشکل هم داریم. در حالی که اگر هیئت‌های ما تعریف برنامه‌های خود را تغییر دهند، ما می‌توانیم از همین ظرفیت‌های مذهبی استفاده کرده و برای مشکلات جامعه راه حل بدهیم. بنابراین به این بحث خواهیم پرداخت، اما نه در متن بحث و به صورت بحث مستقل بلکه در حاشیه بحث.

سرفصل دومی که به آن می‌پردازم این است که سعی می‌کنم چند شب پیرامون نظام آموزش و پرورش فعلی کشور سخن بگویم. همین جا هم به دوستانی که مباحثات ما را رصد می‌کنند عرض کنم که ما دعوای شخصی با هیچ کسی نداریم. بنده هیچ قصدی مبنی بر تخریب وزیر محترم آموزش و پرورش و نقد کردن و اعتراض به شخص ایشان ندارم، نمی‌خواهیم الان به مسئولی اعتراض کنیم؛ این موضوع، سر جای خودش و در جای دیگری لازم است. الان اعتراض مان به نظم و سیستم آموزش و پرورش است. چه بسا در نظام آموزش و پرورش فعلی، معلمان و نخبگان و شخصیت‌هایی وجود دارند که خودشان مخالف این نظم هستند. پس کسی تلقی نکند که ما می‌خواهیم برای طایفه محترمی در آموزش و پرورش یا برای شخصیت خاصی چالش ایجاد کنیم. من در شب‌های آینده بدون تقیه سخن خواهیم گفت، ولی بدانید که این مباحث برای حل مسائل است و نه برای دعوای پست سیاسی که برخی دنبال می‌کنند.

مسئله سومی که در شب‌های آینده به آن خواهیم پرداخت بررسی ماهیت آموزش و پرورش مطلوب از نظر اسلام است؛ سعی می‌کنم در مورد آموزش و پرورش مطلوب چند شب صحبت کنم تا مشخص شود که اساساً آموزش و پرورش مطلوب باید چگونه باشد. این فهرست در واقع اصل و عمده‌ی

۱۵. قال الحسين عليه السلام: إِنِّي لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مَفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِرَّةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ

امام حسین علیه السلام فرمودند: من از روی شرارت و مفسده و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، من فقط برای اصلاح در امت جدم از وطن خروج کردم. قصد دارم به معروف امر کنم و از منکر بازدارم و به سیره و روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب عمل نمایم.

بحث بنده است؛ در واقع این بحث سوم، پیشنهاد جایگزین ما به جای نظام آموزش و پرورش فعلی است.

موضوع چهارم و آخری هم که به آن خواهم پرداخت، آموزش و پرورش مطلوب سند ۲۰۳۰ است.<sup>۱۶</sup> است. <sup>۱۶</sup> بالاخره سازمان ملل و سازمان یونسکو سند معروف ۲۰۳۰ را ارائه داده‌اند؛ مقداری نیز راجع به این سند و پیشنهادهایی که برای تحول در آموزش و پرورش داده‌اند مباحثه خواهیم کرد. به هر حال ما گرفتار تئوری‌های ضالّ سازمان ملل هستیم و در کشور ما بسیاری از افراد نیز این تئوری‌ها را پذیرفته‌اند، بنابراین باید گفتگو و نقد کنیم و اشکالات این پیشنهادهای بین‌المللی را مطرح کنیم تا ان‌شاء الله تربیت فرزندانمان به صورت بهتری صورت گیرد. این‌ها مجموع مباحثاتی هست که خدمت شما ارائه خواهم داد.

۲/۴. نقد و بررسی آموزش و پرورش مطلوب سند ۲۰۳۰؛ محور چهارم مباحث این دوره بحثی

ان‌شاء الله خدای متعال از همه‌ی ما قبول کند و این همراهی با امام حسین علیه السلام در اصلاح جامعه را جزء باقیات‌الصالحات عمر ما قرار دهد و ان‌شاء الله بینیم روزی را که به محوریت مردم ایران و کمک‌های مردم ایران در منطقه، راه ظهور باز شده و حکومت جهانی ولیّ عصر ارواحنا فداه شروع شده است.<sup>۱۷</sup>

والحمد لله رب العالمین

۱۶. در جلسه دهم از همین دوره به تشریح سند ۲۰۳۰ و ابعاد خطرناک آن پرداخته می‌شود.

۱۷. از نظر من این روز، روز دیری نیست؛ نمی‌خواستم این را بگویم اما تقریباً عمده‌ی علائم ظهور تحقق پیدا کرده است. ما اگر بتوانیم برنامه‌ها و نظم‌های زندگی‌مان را بهتر تنظیم کنیم، ان‌شاء الله آن روز را خواهیم دید، این برای ما یک بشارت بزرگ است. البته در آن سوی قضیه نیز امام صادق علیه السلام به شیعیان نشان یک انذار بزرگ را داده‌اند، فرموده‌اند: «اکثریت شما قبل از ظهور، دچار فتنه‌ها می‌شوید و از یاری امام باز می‌مانید.» این را به شیعیان فرمودند و سپس فرمودند: «مگر کسانی که خدای متعال قلبشان را به علم احیا کند، علم اهل بیت علیهم السلام؛ (نهج الفصاحه، ص ۵۲۲، ح ۱۷۳۴) یعنی اگر ما بتوانیم مسئله‌ی علم و آموزش و پرورش را جدی‌تر بگیریم، ان‌شاء الله جزء الزامات امداد ولیّ عصر ارواحنا فداه است.»

### پیوست‌ها

#### پیوست شماره ۱: زمان صرف‌شده توسط افراد برای تحصیل در نظام آموزشی کشور

ساعات درسی پایه‌های درسی آموزش و پرورش طی ۱۲ سال طبق قانون رسمی وزارت آموزش و پرورش کشور به شرح زیر می‌باشد. طبق جدول بالا جمع ساعات درسی در طول دوره ۱۲ ساله آموزشی ۱۳۳۶۵ ساعت می‌باشد.  
منبع گزارش سایت رسمی وزارت آموزش و پرورش کشور به آدرس زیر می‌باشد:

<http://medu.ir/fa/regulations/category/1?ocode=100010876>



برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران



### ۲-۱۳- زمان تعلیم و تربیت

۱- سال تحصیلی از اول مهر ماه هر سال شروع و تا پایان شهریور ماه سال بعد ادامه خواهد داشت؛

زمان آموزش<sup>۱</sup> هر پایه تحصیلی در دوره ابتدایی ۹۲۵ ساعت، در دوره متوسطه اول ۱۱۱۰ ساعت و در دوره متوسطه دوم شاخه نظری ۱۲۹۵ ساعت و شاخه فنی و حرفه‌ای و کار دانش ۱۴۸۰ ساعت خواهد بود. علاوه بر این، در تمامی پایه‌ها ۵۰ ساعت به فعالیت‌های خارج از کلاس و مدرسه متناسب با اقتضات برنامه درسی هر حوزه یادگیری اختصاص می‌یابد و ۵۰ ساعت متناسب با شرایط و اقتضات محیطی در اختیار استان‌ها، مناطق و مدارس قرار می‌گیرد<sup>۲</sup> (جمعاً ۱۰۰ ساعت).

۲- با عنایت به راهکار ۵-۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش<sup>۳</sup> و بنا به ضرورت پاسخگویی به نیازها و اقتضات محلی و منطقه‌ای، برنامه‌ریزی و تأمین محتوای بخشی از زمان رسمی تعلیم و تربیت در اختیار استان، منطقه و مدرسه خواهد بود که در چارچوب آئین‌نامه‌های ابلاغی برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود؛

۳- ساعات کار هفتگی دوره ابتدایی ۲۵ ساعت در کلیه پایه‌ها و زمان هر جلسه در پایه‌های اول، دوم و سوم ۴۵ دقیقه و در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ۵۰ دقیقه می‌باشد. میانگین ساعات کار

۱- منظور از زمان آموزش زمان اختصاص یافته به کلیه فعالیت‌های رسمی آموزشی و پرورشی درون و بیرون مدرسه است که در برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری برای آن‌ها تعیین تکلیف می‌شود.

۲- از نمونه فعالیت‌های رسمی خارج از کلاس و مدرسه می‌توان: مشاهده طبیعت، انجام فعالیت میدانی و بازدید از موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و مراکز علمی، تولیدی، فرهنگی (موزه‌ها، کانون‌های تربیتی محله و ...)، مذهبی (مساجد، زیارتگاه‌ها، دارالقرآن‌ها و ...)، نهادها و مؤسسات اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های ورزشی، شرکت در فعالیت گروه‌ها و انجمن‌های علمی، اردوهای علمی، زیارتی و سیاحتی و ... را نام برد.

۳- اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم، نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان‌ها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی- ایرانی دانش‌آموزان در چارچوب ایجاد کار آمدی و تقویت هویت ملی.

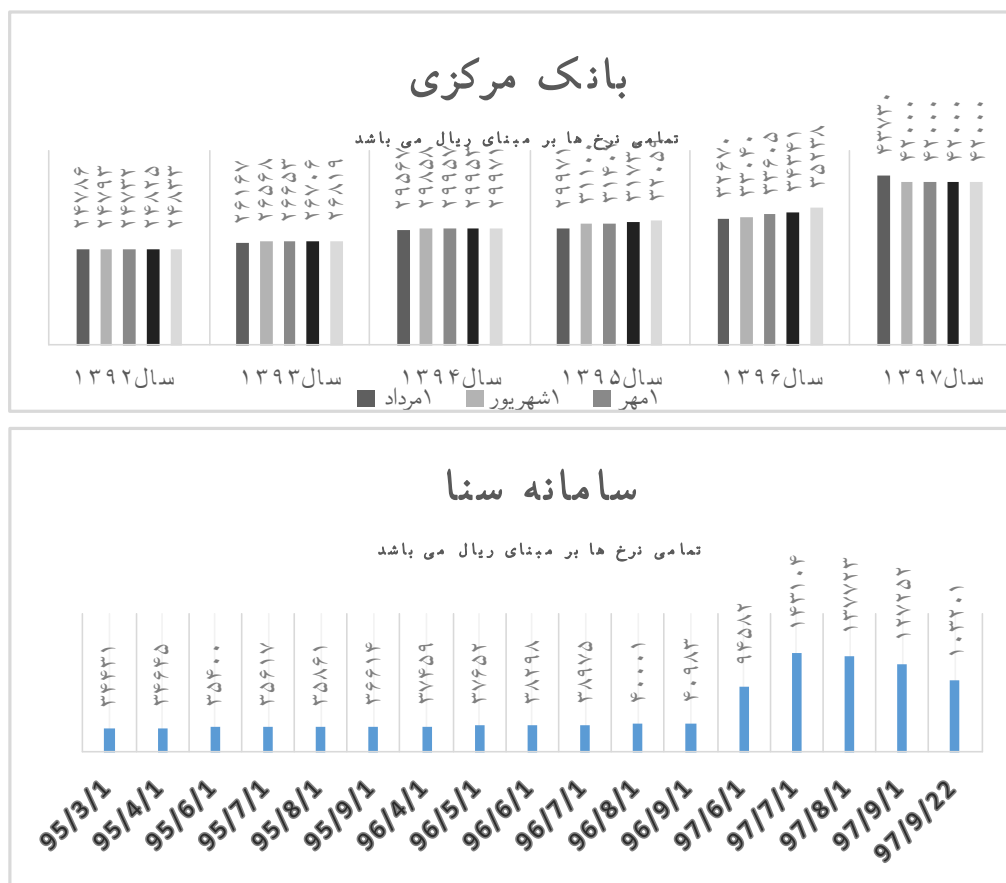
**پیوست شماره ۲: آماری اجمالی از اختکارهای گسترده در سال ۱۳۹۷ در دولت دوازدهم**

- اختکار ۴۳۵ تن برنج در کرمانشاه؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar1](http://yon.ir/ehtekar1)
- اختکار ۱۱۳ هزار لاستیک در کانتینرهای پایانه بندرعباس؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar2](http://yon.ir/ehtekar2)
- اختکار ۲۰۰ هزار موبایل وارداتی؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar3](http://yon.ir/ehtekar3)
- اختکار لوازم یدکی به ارزش ۲۰۰ میلیارد ریال در پیشوا؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar4](http://yon.ir/ehtekar4)
- کشف ۲۰ تن گوجه اختکاری در یزد؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar5](http://yon.ir/ehtekar5)
- پلمب دو انبار رب و رنگ اختکار شده در مشهد؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar6](http://yon.ir/ehtekar6)
- کشف لاستیک‌های اختکار شده در ابرکوه؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar7](http://yon.ir/ehtekar7)
- کشف ۳۵۰ تن برنج اختکار شده در سرخس؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar8](http://yon.ir/ehtekar8)
- کشف ۱۶۱۰ تن برنج وارداتی اختکار شده؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar9](http://yon.ir/ehtekar9)
- کشف ۱۱۶ تن مقوای اختکار شده در باقرآباد شهرری؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar10](http://yon.ir/ehtekar10)
- ۶۰ میلیارد دلار اجناس در گمرکات اختکار شده است؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar11](http://yon.ir/ehtekar11)
- از اختکار ۵۰ میلیاردی لوازم خانگی تا انبار نیم تن گوشت؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar12](http://yon.ir/ehtekar12)
- کشف ۳۲۰ میلیارد تومان کالای اختکار شده؛ آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/ehtekar13](http://yon.ir/ehtekar13)



### پیوست شماره ۳: کاهش ارزش پول ملی در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی و مخصوصاً دوران پذیرفتن برجام

نرخ ارز از مرداد سال ۹۲ شروع به افزایش کرده است. [۱] بنابر آمار بانک مرکزی، نرخ ارز مبادلاتی در اواخر خرداد ۱۳۹۵ (ژانویه ۲۰۱۶ و روز اجرایی شدن برجام) شروع به افزایش کرد و از آذر ماه ۱۳۹۵ (زمان انعقاد قرارداد با شرکت خدمات نفتی خارجی با موضوع نفت و گاز بعد از اجرا شدن برجام) تا تاریخ ۱ آذر ۱۳۹۷ این افزایش حدود ۱/۳ محاسبه شد. [۲] و در مدت مشابه، در سامانه سنا (سامانه نظارت ارز، متعلق به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) از آذر ماه ۱۳۹۵ تا تاریخ ۱ مهر ۱۳۹۷ نرخ ارز مبادلاتی را ۳/۹ برابر محاسبه کرد. [۳] این بدان معنا است که دولت یازدهم و دوازدهم نرخ ارز مؤثر اسمی [۴] را به عنوان نرخ ارز انتخاب کرده و نرخ ارز مؤثر حقیقی [۵] را کنار گذاشته است. [۶]



تمامی آمارها استخراج شده از سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نشانی [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir) است و از سایت نیما با نشانی [www.sanarate.ir](http://www.sanarate.ir) استخراج شده است.

- [۱] ۱ مرداد ۱۳۹۲، سامانه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نرخ ارز
- [۲] ۱۲ آبان ۱۳۹۷ و ۱ آذر ۱۳۹۷، سامانه اطلاع رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نرخ ارز
- [۳] ۱ مهر ۱۳۹۷، سامانه میانگین موزون سنا
- [۴] نرخ ارز مؤثر اسمی ارزش پول یک کشور را برحسب یک میانگین وزنی از پول سایر کشورها اندازه گیری می کند که در آن وزن ها انعکاس دهنده سهم هر کشور در تجارت بین المللی این کشور می باشد. به همین دلیل به آن نرخ ارز با وزن تجاری هم می گویند.
- [۵] نرخ ارز مؤثر حقیقی از تقسیم یک میانگین وزنی از قیمت سبد کالایی در کشورهای طرف تجاری بر حسب پول داخلی نسبت به قیمت آن در کشور به دست می آید.
- [۶] ۸ مرداد ۱۳۹۷، خبرگزاری فارس، مجله فارس پلاس

### نظام سؤالات

۱. ضرورت تغییر در نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟
  - ۱/۱. آموزش و پرورش فعلی چطور منجر به افزایش طلاق در کشور شده است؟
  - ۱/۲. نقش آموزش و پرورش در مشکلات اقتصادی کشور چیست؟
  - ۱/۳. آموزش و پرورش فعلی چه نقشی در انتخاب مسئولین نالایق توسط مردم دارد؟
۲. محورهای چهارگانه تبیین آموزش و پرورش مطلوب چیست؟
  - ۲/۱. محور اول تبیین آموزش و پرورش مطلوب چیست؟
  - ۲/۲. محور دوم تبیین آموزش و پرورش مطلوب چیست؟
  - ۲/۳. محور سوم تبیین آموزش و پرورش مطلوب چیست؟
  - ۲/۴. محور چهارم تبیین آموزش و پرورش مطلوب چیست؟

## جلسه دوم

### سؤالات جلسه

مقدمه: ضرورت تغییر در نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟  
سرفصل اول آموزش و پرورش آینده: محورهای سه‌گانه اشکالات نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟  
سرفصل دوم آموزش و پرورش آینده: ویژگی‌های سه‌گانه آموزش و پرورش آینده چیست؟

### عنوان جلسه

تربیت انسان؛ هدف تعریف‌شده توسط اسلام برای آموزش و پرورش

### خلاصه جلسه

پس از اینکه در جلسه نخست در مورد ضرورت تغییر در نظام آموزش و پرورش کشور بحث شد، در جلسه دوم به دو سؤال از سؤالات اصلی آموزش و پرورش آینده پرداخته می‌شود؛ سؤال اول این است که نظام آموزش و پرورش فعلی از چند حیث دارای اشکال است و سؤال دوم نیز که به تبع این سؤال مطرح می‌گردد این است که نظام آموزش و پرورش مطلوب، چگونه این معایب را برطرف می‌کند و به عبارت دیگر محورهای آموزش و پرورش آینده چیست؟

در پاسخ به سؤال اول باید گفت نظام آموزش و پرورش فعلی از سه حیث ۱. هدف ۲. محتوا و ۳. روش دارای اشکال است؛ در محور اول یعنی هدف تربیت تکنسیین برای بخش خدمات و تولید را به عنوان هدف قرار داده است. در محور دوم محتوای آموزش و پرورش فعلی به دلیل حاکمیت نگاه بیکنسی بر علم و تقسیم محتوای علوم طبق این نگاه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. محور سوم اشکالات نیز روش آموزش و پرورش فعلی است که حفظ‌محوری می‌باشد.

سؤال دوم نیز با توجه به اینکه ناظر به سؤال اول می‌باشد دارای سه ساختار است: ۱. هدف آموزش و پرورش مطلوب ۲. محتوای آموزش و پرورش مطلوب و ۳. روش آموزش و پرورش مطلوب؛



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام علیکم و رحمة الله و بركاته بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا وَ شَفِیْعِنَا فِیْ یَوْمِ الْجَزَاءِ اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ الْمَعْصُوْمِیْنَ الْمُكْرَمِیْنَ الْمُتَنْجِبِیْنَ سِیِّمًا بِقِیَّةِ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِیْنَ اَرْوَاْحُنَا لَا مَالِهِ الْفِدَاءُ وَ عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ الشَّرِیْفِ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلٰی اَعْدَائِهِ اَعْدَاءِ اللّٰهِ .

**۱. ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش فعلی و ایجاد مشکلات حاد در جامعه؛ علت ضرورت تغییر نظم**

### **آموزشی کشور**

دیشب محضر شما گزارش دادم که موضوع مباحثه بنده در دهه اول محرم ۱۴۴۰ در شهر اصفهان، معایب نظام آموزش و پرورش کشور است. گزارش دادم که آموزش و پرورش فعلی، فرسوده، پوسیده و آسیب دیده است و توان تربیت فرزندان ما را به نحو صحیح ندارد.

مواردی را به عنوان نمونه عرض کردم؛ مثلاً ما در جامعه مان با پدیده طلاق روبه رو هستیم، خانواده های ما استحکام خودشان را به تدریج از دست می دهند. یکی از دلایل آن، آموزش هایی است که در نظام آموزشی مطرح می شود؛ آموزش های ما، فرزندان ما را برای تشکیل نهاد خانواده آماده نمی کند. اگر خانواده ی خوب می خواهیم، باید نظام آموزش و پرورش در محتوای مباحث خودش به بحث خانواده بپردازد و ابعاد مختلف خانواده را به صورت تفصیلی بحث کند.

۱/۱. گسترش طلاق در کشور؛ یکی از شواهد ناکارآمدی نظم آموزشی کشور

۱/۲. ایجاد مشکلات اقتصادی در کشور؛ یکی دیگر از شواهد ناکارآمدی نظم آموزشی فعلی

همچنین عرض کردم کشور ما به بلای مشکلات اقتصادی مبتلا شده است؛ نه مردم در مسائل اقتصادی ملاحظه همدیگر را می‌کنند، نه مسئولین دولتی برنامه‌هایشان آنچنان که باید به نفع مردم است. من همین امروز در اخبار دیدم که جناب آقای رئیس جمهور محترم فرموده‌اند: رشد اقتصادی چهار سال اخیر، دو برابر ۳۵ سال گذشته است. رشد اقتصادی چهار سال اخیر را با رشد اقتصادی ۳۵ سال گذشته مقایسه کرده و فرموده‌اند که وضع ما از حیث این شاخص، وضعیت خوبی است و نباید همه ارزیابی‌های مان بر اساس ارزش خارجی باشد،<sup>۱</sup> فرموده‌اند این بی‌انصافی است. من به آقای رئیس جمهور از اینجا عرض می‌کنم جناب آقای رئیس جمهور، دستگاه کارشناسی شما معیوب است، آن دستگاه کارشناسی که شما بر اساس آن ارزیابی می‌کنید و یک شاخصه‌هایی را به شما می‌دهد، این شاخصه‌ها عیب دارد. عیب هم از شما نیست و شما قصدتان خیر است، بلکه دستگاه فکری شما یک دستگاه معیوب است. براساس رشد ناخالص ملی<sup>۲</sup> که نمی‌شود وضع زندگی مردم را ارزیابی کرد؛ مردم همه وضعیت نابسامان اقتصادی را درک می‌کنند و با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. مثلاً در مورد مسکن شما ملاحظه کنید که قیمت مسکن حداقل دو برابر شده است؛<sup>۳</sup> حدوداً ۲۵ الی ۳۰ درصد از مردمان مستأجرند<sup>۴</sup> و این‌ها امسال مجبورند هزینه تأمین مسکن را دو برابر بپردازند! حالا روی کاغذ یا در بانک مرکزی یا در کتاب‌های اقتصاد گفته شده است که اگر رشد اقتصادی خوب شود، وضعیت اقتصادی خوب می‌شود. خوب این روی کاغذ و در مراکز محاسباتی است، اما در زندگی مردم شاخصه‌ها چیز دیگری است، به این باید توجه کنید. خوب ما این وضعیت اقتصادی و این مشکلات اقتصادی را داریم. این‌ها را کجا باید حل کنیم؟ در نظام آموزش و پرورش مان و در دستگاه علمی مان باید حل کنیم.

همچنین دیشب راجع به مسئله مسئولین بی‌کفایت با شما گفتگو کردم. بعضاً این مسئولین بی‌کفایت را خود ما انتخاب می‌کنیم؛ ما در انتخاب‌های متفاوتی که نظام جمهوری اسلامی در اختیار مردم قرار داده است، به این مسئولین رأی می‌دهیم. اگر نظام آموزش و پرورش درباره مسئول

۱/۳. انتخاب مسئولین بی‌کفایت توسط مردم؛ یکی دیگر از شواهد ناکارآمدی نظم آموزشی فعلی

۱. آقای روحانی در جلسه هیأت دولت در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۹۷ خطاب به اقتصاددانان، محققان، روزنامه‌نگاران و رسانه ملی افزود: بنشینیم و محاسبه کنیم که رشد اقتصادی ما به طور متوسط در چهار سال گذشته نسبت به ۳۵ سال قبل دو برابر بوده یا نه. وی با بیان اینکه اگر رشد اقتصادی ما دو برابر بوده است پس چرا واقعیات گفته نمی‌شود افزود: در همین شرایط امسال صادرات را نسبت به سال گذشته مقایسه کنید که آیا کمتر یا بیشتر شده است.

آدرس مطلب در خبرگزاری صدا و سیما [yon.ir/roshd2](http://yon.ir/roshd2)

۲. ارزش پولی مجموع کالاها و خدمات نهایی تولید شده در داخل یک کشور در یک سال مشخص (تولید ناخالص داخلی) منهای ارزش پولی کالا و خدمات تولید شده در داخل توسط خارجی‌ها به اضافه ارزش پولی کالا و خدمات تولید شده توسط شهروندان آن کشور در سایر کشورهای خارجی.

۳. نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با خبرگزاری خانه ملت در تاریخ ۵ آذر ۱۳۹۷ گفت: در شرایط کنونی قیمت اجاره مسکن در تهران به صورت متوسط دو برابر افزایش پیدا کرده و این مسئله نشأت گرفته از نگاه سودجویانه مالکان است.

آدرس مطلب در خبرگزاری خانه ملت [yon.ir/maskan3](http://yon.ir/maskan3)

دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان در گفتگو با خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۹۷ با اشاره به افزایش قیمت تولید مسکن در سال جاری گفت: در حالی که هزینه ساخت هر متر مربع مسکن در سال گذشته ۱/۵ میلیون تومان بود امسال قیمت تولید هر متر مربع مسکن با حداقل تجهیزات و امکانات کمتر از ۲/۵ میلیون تومان نیست.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایلنا [yon.ir/maskan4](http://yon.ir/maskan4)

۴. نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران سال ۱۳۹۶ توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: «بررسی نحوه تصرف محل سکونت خانوارها در سال مورد بررسی نشان می‌دهد که ۶۴/۸ درصد خانوارها در مسکن شخصی (مالک‌نشین)، ۲۵/۹ درصد در مسکن اجاری، ۰/۴ درصد در مسکن در برابر خدمت و ۸/۹ درصد در مسکن رایگان سکونت داشته‌اند.»

آدرس گزارش: [yon.ir/maskan6](http://yon.ir/maskan6)

خوب و مسئول بد مباحثه داشته باشد، انتخاب‌ها بهینه می‌شود. الان نمی‌توانیم بگوییم که دستگاه حکومتی ما، منتخب مردم ما نیست؛ منتخب خود ماست. خب چرا ما انتخاب فتنی نداریم؟ پاسخ بنده به این سؤال خیلی روشن است؛ چون اطلاعات ما راجع به ویژگی‌های مسئول و امام در جامعه، اطلاعات شبکه‌های اجتماعی است و اطلاعات عمیقی نیست. در حدیثی از پیامبر نقل شده است: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْإِنَّمَةُ الْمُضَلُّونَ»؛<sup>۵</sup> پیامبر ﷺ می‌فرماید: بیشترین چیزی که من از آن برای امتم می‌ترسم، مسئولین گمراه‌کننده هستند، مسئولین گمراه هستند. خب شاخصه‌های مسئول خوب و شاخصه‌های مسئول بد، باید به افراد انتقال داده شود تا انتخابشان، انتخاب احساسی نباشد، بلکه انتخاب از سر قواعد و اصول قابل دفاع باشد. بنابراین ما نیاز داریم نظام آموزش و پرورش خودمان را اصلاح کنیم. این‌ها خلاصه‌ی عرایض بنده در شب گذشته بود.

## ۲. وجود سه اشکال اصلی در نظام آموزش و پرورش فعلی کشور

الآن می‌خواهم به یک شکل دقیق‌تر نظام آموزش و پرورش را بررسی کنم. اولاً به این نکته توجه کنید که ما در طول تاریخی که مردم ایران در این سرزمین سکونت داشته‌اند، مدل‌ها و شیوه‌های آموزشی مختلفی داشتیم. در دوره‌های حکومتی مختلف، آموزش به شکل‌های مختلف پیگیری می‌شده است؛ ولی این شکل از آموزش که الان همه‌مان می‌بینیم و در آن درس خواندیم و فرزندانمان را تشویق می‌کنیم که در آن حضور داشته باشند، از اوائل دوره‌ی پهلوی به وجود آمده است<sup>۶</sup> و در طول این حدود صدسال تغییراتی هم کرده است؛ منتها تغییر، تغییر عمده‌ای نیست که شما بگویید یک نظام آموزشی کاملاً متفاوت به وجود آمده است. مثلاً در آخرین تغییرات نظام آموزشی، به چهار تا سه‌سال تبدیل شده و یک تغییر جزئی کرده است؛ قبلاً ابتدائی، راهنمایی و دبیرستان بود، ولی حالا تغییرات آن به چهار تا سه‌سال تبدیل شده و یک تغییر شکلی متفاوتی در آن اتفاق افتاده است.<sup>۷</sup> یا قبل‌تر از این ما دوره پیش‌دانشگاهی نداشتیم ولی بعداً دوره پیش‌دانشگاهی اضافه شد.<sup>۸</sup> بنابراین این نظام آموزشی، با تغییرات جزئی و ساختاری که در آن اتفاق افتاده، دستاورد و پیشنهاد دوره پهلوی است. به دوره جمهوری اسلامی هم که رسید مثل خیلی از چیزها در آن تغییر بنیادین رخ نداد و بر همین شکل اساسی خودش باقی ماند. مثلاً در دوره جمهوری اسلامی،

۵. قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْإِنَّمَةُ الْمُضَلُّونَ»

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «بیشترین چیزی که بر امت خویش می‌ترسم، پیشوایان گمراه‌کننده‌اند.»

کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۸۸، ح ۲۸۹۸۶

۶. به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

۷. به گزارش سرویس «اجتماعی» ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، حمیدرضا حاجی بابایی گفت: نظام آموزشی کشور ابتدا به یک دوره ۶ ساله و دو دوره ۳ ساله تبدیل (۳-۳-۶) و در مرحله بعد به ۴ دوره ۳ ساله (۳-۳-۳) تقسیم خواهد شد. حاجی بابایی در پاسخ به برخی انتقادات مبنی بر اینکه وزارت آموزش و پرورش با اجرای نظام آموزشی ۳-۳-۶ از مسیر سند تحول بنیادین منحرف می‌شود، گفت: سند تحول بنیادین نظام آموزشی را به ۴ دوره ۳ ساله تقسیم کرده و ما هم به دنبال تحقق آن هستیم؛ اما در مرحله اول نمی‌توان آن را به طور کامل اجرا کرد لذا ابتدا نظام ۳-۳-۶ و سپس نظام ۳-۳-۳ اجرا خواهد شد.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایسنا [yon.ir/nazm633](http://yon.ir/nazm633)

۸. دکتر علاء‌الدین کیا، مدیرهماهنگی امور پژوهشی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش در گفتگو با خبرگزاری خبرآنلاین گفت: در سال ۱۳۷۰ شورای عالی آموزش و پرورش تصمیم گرفت تا دوره پیش‌دانشگاهی را از دوره متوسطه جدا کند. در این نظام آموزشی جدید که به «نظام جدید» معروف شد، دانش‌آموزان پنج سال ابتدایی، سه سال راهنمایی، سه سال تا دیپلم و یک سال دوره پیش‌دانشگاهی را می‌گذرانند تا بتوانند به دانشگاه راه یابند.

آدرس مطلب در خبرگزاری خبرآنلاین [yon.ir/pishdenesh](http://yon.ir/pishdenesh)

معاونت پرورشی هم اضافه کردند و یک سری کتاب‌های دینی و قرآن هم اضافه کردند، ولی اصل نظام آموزش و پرورش تغییر نکرد.

خب، اگر اجازه دهید من می‌خواهم راجع به ماهیت نظام آموزش و پرورش فعلی - فارق از جزئیات و حواشی آن - با شما گفتگو کنم. اصل نظام آموزش و پرورش به دنبال چیست؟ این را بررسی کنیم تا زمینه برای بحث‌های مهمی که شب‌های آینده دارم آماده شود.<sup>۹</sup> نظام آموزش و پرورش فعلی ما، باید از سه حیث بررسی شود تا بفهمیم این نظام آموزشی چه نظامی است و آیا به درد ما می‌خورد یا نمی‌خورد؟ از سه حیث باید بررسی کنیم.

۲/۲. نقد و بررسی نظام آموزش و پرورش فعلی کشور از سه حیث توسط اولین نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی

حیث اول، حیث هدف است؛ اولین سؤالی که باید از خودمان بپرسیم این است که این دستگاه عریض و طویل آموزشی - که دیشب عرض کردم ۱۶ یا ۱۷ هزار ساعت از وقت هر انسانی را می‌گیرد - برای چه هدفی ایجاد شده است؟ این اولین سؤال است. وقتی ما کتب و منابع مربوط به آموزش و پرورش را بررسی کردیم، پاسخ را این یافتیم: تربیت تکنسین بخش خدمات و تولید<sup>۱۰</sup> قبل از اینکه جوامع صنعتی شوند، مشاغل مردم عمدتاً خانگی و به شکل سنتی بود، یعنی کارخانه‌ها به شکل فعلی وجود نداشتند و لذا مثلاً کسی کنار منزل خودش یک مغازه‌ای داشت یا در بازار، آهنگر بود و حجره‌ای داشت یا به شغل دیگری می‌پرداخت. این فرد آموزش‌های مرتبط با شغل خودش را از طریق شاگردی به دیگران منتقل می‌کرد؛ الآن هم البته هنوز این [شکل از آموزش] به صورت حاشیه‌ای وجود دارد و صاحبان مشاغل خرد - اصطلاحاً - شاگرد اختیار می‌کنند و به شاگردشان یاد می‌دهند که شغلشان به چه شکل است. مثلاً یک آهنگر در طول یکسال، دوسال به شاگردش نحوه تفت آهن و شکل دادن آهن را آموزش می‌دهد؛ یا همچنین کسی که در بازار کار می‌کند، نحوه چرتکه انداختن، معامله کردن، جذب اعتماد سایر بازاری‌ها [و غیره] را آموزش می‌دهد، در قدیم اینطور بود.

۲/۲/۱. محسور اول اشکالات: هدف از ایجاد نظم آموزشی فعلی (تربیت تکنسین بخش خدمات و تولید)

با صنعتی شدن جوامع و به وجود آمدن کارخانه‌ها، سازمان‌های بزرگ و ادارات،<sup>۱۱</sup> دیگر نمی‌شد آموزش‌های مورد نیاز جوامع صنعتی را از طریق استاد و شاگردی قدیم محقق کرد. لذا در اروپا چه کار کردند؟ یک دوره‌های آموزشی از پیش تدوین شده‌ای را طراحی کرده و انسان‌ها را از سنین کودکی وارد این دوره‌های آموزشی نمودند تا وقتی که زمان اشتغالشان رسید، آموزش‌های مورد نیاز را فراگرفته باشند. بنابراین هدف این نظام آموزشی، تربیت نیروی کار است، تربیت تکنسین بخش

۹. اصل این جلسات برای این است که ما یک پیشنهاد اثباتی و یک الگوی جدید را مطرح کنیم ولی لازم است این مقدمات هم بحث شود.

انتقال از متن

۱۰. اگر به واقع دنبال توسعه اقتصادی جامعه هستیم، یکی از جاهایی که باید قویاً و وسیعاً مورد توجه باشد مدارس ابتدایی و راهنمایی است. در اینجاهاست که باید پول خرج کرد، منابع تخصیص داد، نیروی انسانی دلسوز را در مدارس به کار گمارد، به زندگی و به تعلیم و تربیت معلمان رسیدگی کرد و مدارس را به محل‌هایی تبدیل کرد که کودکان با ذوق و شوق به آنجا سرازیر می‌شوند.

مدارهای توسعه‌نیافتگی، ص ۱۸۹

پس یکی از استراتژی‌های ویژه برای توسعه اقتصادی این است که به سراغ مدارس برویم... حتی اگر لازم باشد برای مدتی از پروژه‌های بزرگ چشم‌پوشیم.

همان، ص ۱۹۱

۱۱. اشاره به انقلاب صنعتی اروپا که از اواسط قرن هجدهم میلادی از انگلستان آغاز شد.



خدمات و تولید جامعه است؛ این سیستم آموزشی را برای تأمین نیازهای آموزشی جوامع صنعتی ساختند.

وقتی موج صنعتی شدن وارد ایران شد -مثلاً با تأسیس دارالفنون<sup>۱۲</sup> که بعد از امیر کبیر به ثمر رسید- این نوع آموزش‌ها وارد کشور ما هم شد و تا الآن هم ادامه دارد. پس بنابراین از حیث هدف، این سیستم آموزشی را برای تربیت انسان طراحی نکردند، این حرف من است. اگر شما قائل هستید که انسان نیاز به تربیت و تزکیه هم دارد، باید توجه کنید که این سیستم آموزشی را برای تربیت و تزکیه انسان آماده نکرده‌اند؛<sup>۱۳</sup> بلکه برای تربیت نیروی کار و تکنسین طراحی شده است، مثلاً اگر در این سیستم درس بخوانید، خواهید توانست محاسبه کنید که اگر لاستیکی ساخته شود باید مقاومتش در سرعت صد کیلومتر چقدر باشد تا شما را به هدف برساند و وسط جاده لاستیک تترکد. شما می‌توانید محاسبه کنید که میزان استفاده از سوخت را چطور کاهش دهید یا آلودگی هوا را چطور کاهش دهید. نوع معادلاتی که به شما می‌آموزند به درد تصرف در طبیعت می‌خورد و نه به درد تنظیم روابط انسانی، این سیستم آموزشی را برای این تنظیم کرده‌اند. پس این یک حیث است.

از وزیر محترم آموزش و پرورش و از دوستان مدیر در نظام آموزش و پرورش باید پرسیم که این نظام آموزش و پرورش فعلی برای تربیت تکنسین بخش خدمات و تولید پایه‌گذاری شده است، پس کجاست نظام آموزش و پرورش که تنظیم روابط انسانی را به عهده دارد؟ آیا هر دوی این‌ها در این نظام آموزشی هست؟ اگر هست نشان بدهید که کجای آن تنظیم روابط انسانی و لوازم آن را آموزش می‌دهد؟ این یک حیث است و فعلاً از آن عبور می‌کنم.

بحث بعدی که در مورد سیستم آموزش و پرورش وجود دارد، از حیث محتواست. خب شما از حیث هدف، بحث را در خدمت خدمات و تولید قرار دادید. تابع این هدف‌گذاری، محتوا هم تعریف شده است. محتوا چیست؟ در این نظام آموزش و پرورش سه دسته علم وجود دارد: ۱. علوم پایه شامل ریاضی و فیزیک و زیست ۲. علوم تجربی و ۳. علوم انسانی. این‌ها سه دسته علم مطرح در نظام آموزش و پرورش ما هستند. خب فایده این سه دسته علم چیست؟ اگر شما آن‌ها را یاد گرفتید می‌توانید تصرف در طبیعت و بخش خدمات و تولید را مدیریت کنید؛ الآن عمده محتوای ما در نظام آموزش و پرورش همین است.

۲/۲/۲. محاور دوم  
اشکالات: محتوای آموزش  
و پرورش فعلی (تکیه صرف  
بر علوم پایه، علوم تجربی و  
علوم انسانی برای تصرف در  
طبیعت)

۱۲. در تاریخ یکشنبه ششم دی‌ماه ۱۳۳۰ تقریباً ۱۳ روز قبل از قتل امیرکبیر تأسیس شد.

۱۳. حالا یک عده هم قائل‌اند که انسان نیاز به تربیت ندارد، خب حالا ما با آن‌ها کاری نداریم؛ ولی شما جمع مؤمن می‌دانید که تزکیه و تربیت، زیرساخت زندگی است. مثلاً کسی که مسئولیت یک خانواده را برعهده دارد -یک مرد را تصور کنید- اگر تزکیه شده باشد و اگر خوب تربیت شده باشد همسرش از دست او آزار نمی‌بیند و این مسئله خیلی مهمی است، فرزندان او دست او تحمل ظلم نمی‌کنند. یکی از فوائد مسئله تربیت و تزکیه، تنظیم روابط انسانی است. اگر شما قائل شدید که روابط انسانی نیازی به تنظیم و تکامل ندارد، می‌توانید قائل شوید که نیازی به تربیت و تزکیه هم وجود ندارد. حالا من توضیح واضح‌تر دادم بخاطر اینکه بعضی اگر بعداً این بحث را گوش کردند توجه کنند که نمی‌شود مسئله تربیت و تزکیه را نادیده گرفت.

اجازه دهید من یک توضیح فنی بدهم؛ نگاه نظام آموزش و پرورش به علم، نگاه فرانسیس بیکن<sup>۱۴</sup> است؛ تمدن مدرنیته، روی دوش شش الی هفت نفر شکل گرفته است و یکی از آن‌ها فرانسیس بیکن است. فرانسیس بیکن تعریف علم را تغییر داد و گفت تعریف علم این است: Knowledge is Power؛<sup>۱۵</sup> او گفت «علم قدرت است»، علم آن معادله‌ای است که به ما قدرت تصرف در طبیعت را می‌دهد. مثلاً شما وقتی ریاضیات کاربردی<sup>۱۶</sup> می‌خواندید بعداً می‌توانید آلیاژهای جدیدی به وجود بیاورید، بخش عمده‌ای از مهندسی مواد، ریاضیات کاربردی است؛ مثلاً برج میلاد تهران نیاز به مصالحی دارد که از حیث مقاومت با مصالح سایر بناها و ابنیه‌ها خیلی تفاوت دارد، محاسبات خاصی می‌خواهد که احتیاج به ریاضی دارد؛ مقاومت بتن آن چقدر باشد؟ مقاومت فولاد آن چقدر باشد؟ شما نمی‌توانید با آهن عادی یا سیمان معمولی سازه عظیمی مثل برج میلاد را بسازید. علم از نظر فرانسیس بیکن یعنی این معادلات؛ یعنی مثلاً شما قواعدی را یاد می‌گیرید که مثلاً می‌توانید مقاومت مصالح ساختمانی را ارتقا دهید. یا مثلاً وقتی می‌خواهید سفینه‌ای را به هوا بفرستید وقتی این سفینه می‌خواهد از جو خارج شود حرارت عجیبی به آن وارد می‌شود، پس فلز آن نمی‌تواند از فلزهای عادی باشد؛ شما در بدنه سفینه‌ها به یک آلیاژ خاص نیاز دارید تا وقتی از جو خارج می‌شود ذوب نشود؛ معادلات این کار را به شما یاد می‌دهند. یکی از رشته‌های برتر دانشگاه‌ها، همین مهندسی مواد است؛ شما چند سال در این حوزه درس می‌خوانید و قدرت تصرف شما در طبیعت بالا می‌رود. علم از نظر نظام آموزش و پرورش فعلی کلاً یک تعریف بیکنی دارد؛ یعنی شما وقتی این معادلات را یاد می‌گیرید می‌توانید متصرف در طبیعت باشید و تصرفاتان متفاوت می‌شود. البته علوم تجربی نیز دسته دیگری از معادلات بیکنی هستند، علوم انسانی‌هایی هم که در غرب هست باز هم از دیدگاه بیکنی است، یعنی به معنای تصرف در طبیعت و بررسی نقش انسان‌ها در ایجاد تمدن متصرف در طبیعت است.

خب آیا محتوای علم از نظر اسلام همین است؟ بنده دیشب عرض کردم نظام آموزش و پرورش ما علم نافع ندارد، علم نافع چیست؟ امیرالمؤمنین علیه السلام در یک روایتی می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالَ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيَلَ عَلَيْهِ»؛<sup>۱۷</sup> حضرت می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ»؛ این جمله در واقع به تعریف علم پرداخته است؛ علم تسلط و سلطان ایجاد می‌کند. در عرف ما مردم ایران، سلطان و

۲/۲/۲/۱. تنظیم روابط انسانی (العلم سلطان)؛ محور محتوای علم از نگاه اسلام

۱۴. فرانسیس بیکن: زاده ۲۲ ژانویه ۱۵۶۱ - مرگ ۹ آوریل ۱۶۲۶؛ فیلسوف، سیاستمدار، دانشمند، حقوقدان و نویسنده انگلیسی بود. بسیاری وی را محور اصلی تحول فکری در قرون وسطی می‌دانند تا جایی که او را از بانیان انقلاب علمی می‌شمارند و پایان سلطه کلیسا بر تفکر را به اندیشه‌های او نسبت می‌دهند. او آغازگر زمینه‌ی تجربه‌گرایی در اروپا می‌باشد.

15. human knowledge and human power meet in one: for where the cause is not known the effect cannot be produced. nature to be commanded must be obeyed: and that which in contemplation is as the cause is in operation as the rule.

علم انسان با تصرف او در طبیعت، با یکدیگر مترادفند؛ زیرا وقتی علت شناخته شده نیست اثری ایجاد نمی‌شود. برای حکومت کردن بر طبیعت باید از آن اطاعت نمود؛ و آنچه در عالم تفکر، علت است؛ در عالم عمل نیز یک قاعده است.

نو ارغنون، ص ۳۴

۱۶. ریاضیات کاربردی شاخه‌ای از ریاضیات است که از یک سو به کاربرد ریاضیات در رشته‌های دیگر می‌پردازد؛ (مدل)، و از سوی دیگر سعی دارد مبانی نظری ریاضیات محض را به مبانی عملی نزدیک‌تر کند و به عنوان پلی بین ریاضیات محض و علوم کاربردی عمل کند. از زمینه‌های مختلف آن، می‌توان به آنالیز عددی، نظریه معادلات دیفرانسیل، بهینه‌سازی، نظریه اطلاعات، نظریه بازی‌ها و فیزیک ریاضی اشاره کرد.

۱۷. به پیوست رجالی شماره ۱ در پایان کتاب مراجعه فرمایید.

پادشاه کسی است که در بین انسان‌ها نفوذ کلمه دارد، کلمه سلطان در روابط انسانی ظهور دارد.<sup>۱۸</sup> دیدید برخی افراد در برخی دیگر از انسان‌ها نفوذ کلمه دارند ولی برخی دیگر از انسان‌ها اینگونه نیستند؛ انسان‌ها از حیث نفوذ کلمه متفاوت‌اند و اصطلاحاً برخی مقبول‌اند و حرفشان خیلی تأثیر دارد. خود شما این را در زندگی‌تان تجربه کرده‌اید؛ مثلاً می‌خواهید به یک نفر توصیه کنید، می‌گویید فلانی بگوید چون تأثیرش بیشتری دارد. خب حضرت می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ»؛ علم آن معادله‌ای است که تسلط شما، نفوذ کلمه شما و تأثیر شما در دیگران را ارتقا می‌دهد؛ اصلاً موضوع علم، تنظیم روابط انسانی است نه تصرف در طبیعت.

شما می‌خواهید علم را آموزش دهید، پس باید بحث کنید که علم چیست؟ اجازه دهید بحث را بیشتر خدمت‌تان توضیح دهم. مسئله تنظیم روابط انسانی برای همه انسان‌ها در تمام ادوار تاریخ - در گذشته حال و آینده - و در همه مکان‌ها - مردمانی که در آمریکا، ایران، پاکستان و... هستند - موضوعیت دارد، مثلاً شما یک خانواده را تصور کنید؛ خانواده شامل زن و شوهر و فرزندان هستند و باید روابط انسانی آن‌ها تنظیم شود، در غیر اینصورت نظم خانه بهم می‌ریزد. کلاس درس را تصور کنید؛ معلم و شاگردان هستند، روابط آن‌ها باید تنظیم شود، باید مشخص شود چگونه رفتار کنند تا روابط انسانی به ضرر کسی دیگر تمام نشود. محیط کار را تصور کنید؛ کارگر و کارفرما هستند، باید روابط انسانی تنظیم شود؛ در غیر اینصورت به ظلم ختم می‌شود. در هر جایی که انسان‌ها وجود دارند، مسئله تنظیم روابط انسانی هم موضوعیت دارد.

اگر روابط انسانی را تنظیم نکنیم، اولین اتفاقی که می‌افتد این است که انسان‌ها از حیث روحی، ذهنی و جسمی خسته، فرسوده و پژمرده می‌شوند. وقتی روابط انسانی درست تنظیم نشود، انسان از حیث روح، ذهن، جسم و از حیث همه ظرفیت‌ها دچار چالش می‌شود. مثلاً اگر خدا به شما توفیق داده باشد و به شما یک همسر خوب داده باشد، می‌دانید که گاهی اوقات یک همسر خوب با یک لبخند خستگی یک روز را از وجود شما بیرون می‌کند.

همه به تنظیم روابط انسانی نیاز دارند. یک معلم خوب هم اینطور است؛ مثلاً در دانشگاه بعضی‌ها مبتلا به معلم بد هستند، معلمی که خواسته‌های نامعقول دارد. بعضی از دانشگاه‌ها اینطور نیستند و استادشان خوب است. وقتی استاد خوب بود، از او بهتر یاد می‌گیرید، با او مأنوس می‌شوید و

۱۸. «العلم سلطان»، علم سلطان است. «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه.» (شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۵۳). حضرت می‌فرماید که اگر «علم نداشته باشید زبردست قرار می‌گیری.» به شما ظلم خواهد شد و در نظامات اجتماعی شما دون و پست خواهید شد. «و من لم یجده صیل علیه». وقتی می‌خواهیم روایت را خوب بفهمیم باید به فرموده امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی در مورد ادب رجوع کنیم؛ حضرت در آنجا درباره ادب صحبت می‌کنند و بعد می‌فرماید: «من طلبه صال و لم یجده صیل علیه» (اعلام الدین فی صفات المومنین، ص ۸۴)؛ یعنی همین عبارتی را که در ادامه روایت «العلم سلطان» به کار می‌برند در ادامه روایتی که در موضوع ادب است به کار می‌برند. ادب که ظهور خیلی واضح در حوزه روابط انسانی دارد. حضرت می‌فرماید: «من طلبه صال»؛ هرکسی آداب را در حوزه‌های مختلف طلب کند و عمل کند، زبردست و دارای اقتدار می‌شود. هرکس آداب را نداند و ادب را در حوزه‌های مختلف رعایت نکند، زبردست واقع می‌گردد و محروم واقع می‌شود. البته در عرف ما، معنای ادب یک نگاه حداقلی دارد؛ مثلاً به احترام به بزرگ‌تر و سلام کردن و بعضی از آداب خاص ختم می‌شود، درحالی‌که آداب در روایات ما بعد از فرایض و سنت، مجموعه‌ای از امور را در همه حوزه‌ها شامل می‌شود؛ مثلاً ما ادب علم‌آموزی هم داریم، ادب در حوزه شغل هم داریم، ادب در حوزه عبادت هم داریم. ادب در روایات یک مفهوم عامی است که مربوط به بهینه کردن روابط انسان‌ها با سایر امورشان و در سایر حوزه‌های خودشان است. حالا حضرت در اینجا می‌فرماید که ادب چیزی است که: «یسود غیر سید» (اعلام الدین فی صفات المومنین، ص ۸۴)؛ ادب، کسی را که آقا نیست آقا می‌کند، یعنی منزلت انسان را در روابط انسانی ارتقا می‌دهد. پس وقتی شما در این مجموعه روایات دقت می‌کنید، متوجه می‌شوید علم از سنخ ادب و آداب تنظیم‌کننده روابط انسانی است.

مشکلاتتان را به او می‌گویید. معلم خوب، جزء رزق‌هایی است که خدا به هرکسی نمی‌دهد. در همه‌جا اینطور است؛ مثلاً در محیط کار یک کارفرمای منصف چقدر به نفع کارگش است، در حالی که یک کارفرمای ظالم چقدر اعصاب و روح و روان کارگر و خانواده‌اش را به چالش می‌کشد.<sup>۱۹</sup> همه‌جا موضوع روابط انسانی موضوعیت دارد. مگر شما به دنبال سکینه و آرامش فرد نیستید؟ مگر نظام آموزش و پرورش نمی‌خواهد کاری بکند تا آدم‌ها راحت‌تر زندگی کنند؟ خب باید محتوای آن به شکلی باشد که تنظیم روابط انسانی را در حوزه‌های مختلف به انسان‌ها یاد بدهد. اگر آدم‌ها یاد نگیرند در حوزه‌های مختلف به چه شکل روابط انسانی را تنظیم کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟ زندگی انسان‌ها به چالش کشیده می‌شود. پس محتوای ما در آموزش نباید بیکنی باشد، باید «العلم سلطان» باشد؛ یعنی مجموعه معادلاتی که به ما کمک می‌کند تا رابطه‌مان را با سایر انسان‌ها بهتر تنظیم کنیم، این نیاز به علم و مباحثه دارد.

من چند مثال راجع به خانواده بزنم؛ مثلاً خیلی از آقایان هنوز نمی‌دانند که باید با صدای بلند به همسر خود بگویند: «من شما را دوست دارم»،<sup>۲۰</sup> این را خلاف شئون مردانگی می‌دانند، خب علم ندارند. شما می‌دانید وقتی به همسرتان ابراز محبت می‌کنید، چقدر به ایشان امید و انگیزه می‌دهید؟ غیر از هدایایی که برایشان می‌خرید و غیر از نفقه‌ای که تأمین می‌کنید - که وظیفه مرد است - و غیر از غیرتی که به خرج می‌دهید<sup>۲۱</sup> شما باید این معادله را رعایت کنید؛ در محیط‌های خانوادگی به خصوص در محیطی که همسر شما به چالش کشیده شده است، ابراز محبت کنید. صدها معادله مانند این وجود دارد که آموزش و پرورش این‌ها را آموزش نمی‌دهد و زندگی انسان‌ها به چالش کشیده می‌شود.

۲/۲/۲/۱/۱. بیان چند

مثال از نقش روابط انسانی

در آسایش و رفاه افراد

در حدیث هست «مرد خانه باید غذایش را به شهوت خانواده‌اش تنظیم کند»؛<sup>۲۲</sup> یعنی از نظر روایات مرد خوب، مردی است که به خانواده‌اش حتی در حد تعیین غذا ظلم نکند؛ نمی‌دانم از این مردهای افسانه‌ای پیدا می‌شود یا نه. یعنی اجازه بدهید تا خانم و بچه‌های خانه نوع غذا را تعیین کنند، شما نوع غذا را تعیین نکنید؛ یعنی به این اندازه هم حق ندارید به خانواده فشار بیاورید. خانواده دوست دارد فلان غذا را تناول کند، شما هم همان را بخورید. می‌دانید که در حدیث آمده

۱۹. این سرمایه‌داران زالوصفت را در کشور خودمان ببینید؛ وقتی اندک مشکل اقتصادی در جامعه به وجود می‌آید، صدها کارگر را اخراج می‌کنند. وقتی به آن‌ها می‌گویید: شما مقداری از سود خود بکاهید تا زندگی این‌ها یک مدتی به هم نریزد - درست است که همانند گذشته سود نمی‌کنید، اما ملاحظه کنید - می‌بینید که برای آن‌ها فقط سود اقتصادی مطرح است. در غرب که بدتر از اینجاست؛ گاهی اوقات تا ۱۰۰ هزار نفر در شرکت‌های بزرگ تعدیل نیرو رخ می‌دهد.

انتقال از متن

۲۰. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أَحْبَبْتُكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: این سخن مرد به زن که «دوستت دارم» هرگز از دل زن بیرون نرود.

الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹، ح ۵۹

۲۱. در روایات آمده است «غیرت حفاظت مرد از زن در برابر خطر هاست.» (سفینة البحار، ج ۶، ص ۷۱۱ و ۷۱۲)

انتقال از متن

۲۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ وَ الْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ.

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «مومن غذا را به شهوت خانواده خود می‌خورد و منافق غذا را به شهوت خودش می‌خورد.»

الکافی، ج ۴، ص ۱۲، ح ۶

است: «مردی که این کار را نمی‌کند، ملعون واقع می‌شود»؛<sup>۲۳</sup> یعنی خدای متعال یک باب از رحمت را به رویش می‌بندد. خب این‌ها علم است؛ امثال این بحث‌ها را آموزش نمی‌دهید که خانواده‌های ما زود به چالش کشیده می‌شوند.

چون من خانم‌ها را از سمت آقایان تحت فشار می‌بینم چند مثال دیگر از مباحث مربوط به آقایان بیان کنم؛ البته خانم‌ها هم باید «العِلْمُ سُلْطَانٌ» را یاد بگیرند، ولی بخش مردان را امشب پرننگ کنم. از جمله آدابی که اسلام در مورد مردان در خانه توصیه کرده و جزء معادلاتی است که نفوذ مرد را در خانواده‌اش افزایش می‌دهد، این است که مرد نفقه خانه را تأمین کند. در روایات آمده است منظور پولِ نفقه نیست، بلکه باید عین نفقه را تأمین کند؛ یعنی باید خود نان، خود گوشت، خود میوه و هر چیزی که مصداق نفقه هست را خودتان تأمین کنید؛<sup>۲۴</sup> در این حد باید خدمتگزار خانواده‌تان باشید. اینکه فقط پول را بدهید، ممکن است حرام نباشد ولی اصل اولی این است که خودتان آن‌ها را تهیه کنید. حالا یک زمانی مسافرتی هست یا مشکلی هست، این بحث دیگری است. خب این چقدر زندگی‌ها را بهینه می‌کند.

حال امثال این معادلات را به محیط تدریس و علم ببرید؛ مثلاً به استاد گفته‌اند وقتی شاگردتان از شما سؤال می‌کند، بلافاصله وارد جواب نشوید و بگذارید سؤالش را خوب مطرح کند؛<sup>۲۵</sup> این یک معادله ساده است که بسیاری از اساتید این کار را نمی‌کنند. خب چه اتفاقی می‌افتد؟ رابطه استاد و شاگرد قطع می‌شود. در محیط‌های انسانی اگر بحث‌ها یک‌طرفه شود، زدگی ایجاد می‌شود. ده‌ها قاعده در محیط‌های علمی و کاری هست، خب ما این‌ها را آموزش نمی‌دهیم.<sup>۲۶</sup>

روایات باب تجارت را ببینید؛ چون وقت کم است فقط مجبورم اشاره کنم، این‌ها ابواب علمی ما هستند. مثلاً روایت است که اگر به کسی مالی را فروختید و معامله منعقد شد و مجلس معامله ترک شد، اگر معامله درست باشد دیگر طرفین نمی‌توانند معامله را به هم بزنند. اما در جای دیگر فرمود با اینکه معامله درست است، اگر فسخ معامله را پذیرفتید - به اصطلاح روایی اقاله در معامله را پذیرفتید - «أَقَالَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ خدای متعال در روز قیامت حسابش را با تاجری که این کار را می‌کند از نو می‌گیرد.<sup>۲۷</sup> انگار که در پرونده عملش هیچ گناهی نبوده است؛ این‌ها همه علم هستند

۲۳. در روایت از جنین فردی به منافق تعبیر شده است و طبق آیه ۱۴۵ سوره مبارکه نساء «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الذَّرِكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ»، منافقین در فرودترین درجات دوزخ هستند. حال فردی که به این روایت عمل نمی‌کند در درجه کمی از نفاق قرار دارد و درهایی از رحمت الهی به روی او بسته می‌شود.

۲۴. به پیوست شماره ۲ مراجعه فرمایید.

۲۵. قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَ الْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَ الْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ.

امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند: از ویژگی‌های نادان، پاسخ گفتن پیش از شنیدن و ستیزه کردن پیش از فهمیدن و حکم دادن به چیزی است که نمی‌داند.

بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۲، ح ۴

۲۶. شعرا در قدیم می‌گفتند: «بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش زیک گوهرند» در حال حاضر می‌گویند: بنی آدم روی اعصاب یکدیگرند. الآن به این شکل است و انسان‌ها در عصر معاصر همدیگر را به چالش می‌کشند. ما با این پدیده تلخ روبرو هستیم. شما روایات باب همسایگی را ببینید؛ امیرالمومنین (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمود: آنقدر پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) برای ما راجع به همسایه صحبت کردند که ما فکر می‌کردیم همسایه از همسایه ارث می‌برد. (الأمالی (للطوسی)، ص ۵۲۰، ح ۱۱۴۵) الآن همسایه‌ها مراعات یکدیگر را می‌کنند؟ خب بخشی از این‌ها برمی‌گردد به اینکه این آموزش‌ها حذف شده است.

انتقال از متن

۲۷. أَحْمَدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ زَيْدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ هَازُونَ بْنِ حَمْرَةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عُبَيْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: أَيُّمَا عَبْدٍ أَقَالَ مُسْلِمًا فِي بَيْعِ أَقَالَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فرمودند: «هرکسی اقاله‌ی مسلمانی را در بیع قبول کند، خداوند نیز از لغزش‌های او در روز قیامت صرف نظر می‌کند.»

الکافی، ج ۵، ص ۱۵۳، ح ۱۶

ولی ما این علوم را آموزش نمی‌دهیم. لذا کشورهای توسعه‌یافته از حیث تنظیم روابط انسانی پس‌رفته‌ترین کشورهای دنیا هستند؛ اما در ایران به برکت محرم و صفر و مناسبت‌های مذهبی به آن اندازه که علما اهتمام داشتند، یک قدری از این علوم را به مردم یاد دادند و مردم زندگی‌شان بهتر شده است؛ ولی الآن نظام آموزش و پرورش، همین بحث‌ها را هم از مردم گرفته است و دیگر وقت منبر و این مباحثات وجود ندارد.

پس قسمت دوم نقد بنده به سیستم آموزش و پرورش این است که علم و محتوای مورد گفتگو در آموزش و پرورش با نگاه بیکنی تنظیم شده است. حالا قضاوت با شما! اگر شما تا آخر عمرتان Knowledge is Power خواندید، فردا فرزندان را نمی‌توانید تربیت کنید، فردا نمی‌توانید روابطتان را با همسر با مادر با پدر با استاد با شاگرد با همسایه با کارگر با کارفرما تنظیم کنید. شما را به خدا از این ظلماتِ مدرنیته عبور کنید؛ اگر نتوانیم روابطمان را تنظیم کنیم، نمی‌توانیم زندگی خوبی داشته باشیم. چرا بعضی‌ها یکمقدار تأمل نمی‌کنند؟ از رفاه صحبت می‌کنند بدون توجه و برنامه‌ریزی برای بهینه‌سازی روابط انسانی. مهم‌ترین عامل رفاه و خوشی انسان‌ها، روابط انسانی صحیح است نه صنعت و نه بعضی امور دیگر؛ من نمی‌گویم صنعت نباشد و الآن هیچ بحثی در این موضوع نمی‌کنم، بلکه من می‌گویم چرا کسی به فکر بهینه‌سازی روابط انسانی نیست؟<sup>۲۸</sup> نظام آموزش و پرورش ما حتماً باید تغییر کند.

اشکال دیگری که به نظام آموزش و پرورش وارد است از حیث روش است که آن را فردا شب عرض می‌کنم؛ روش نظام آموزش و پرورش ما افزایش محفوظات است در حالی که باید بتواند قدرت تفکر ایجاد کند، این هم اشکال سوم به نظام آموزش و پرورش است که فردا شب به آن می‌پردازم. عرائض امشب را جمع‌بندی کنم و از خدمت شما مرخص شوم؛ سؤال این است که چرا ما در حوزه علمیه قم با نظام آموزش و پرورش فعلی مخالف هستیم؟ به سه دلیل: ۱. هدفش را تربیت تکنسین بخش خدمات و تولید قرار داده است نه تربیت و ترکیه انسان؛ یعنی به جای درست کردن انسانِ رشدیافته‌ی رشیدِ مدنظر پیامبران، نیروی کار درست می‌کند. ۲. از حیث محتوا نظام آموزش و پرورش ما به نگاه بیکنی مبتلا بوده و معتقد است که علم، معادلات متصرف در طبیعت است و گزاره معروف Knowledge is Power را مبنای طراحی سیستم خود قرار داده است؛ در حالی که ما نیاز به «العِلْمُ سُلْطَان» داریم و «العِلْمُ سُلْطَان»، مجموعه معادلات بهینه‌کننده روابط انسانی است. ۳. اشکال سوم - که فردا این اشکال بسیار مهم را می‌شکافم - این است که نظام آموزش و پرورش ما متفکر تربیت نمی‌کند، بلکه دائماً بچه‌ها را تشویق به حفظ می‌کند و گسترش محفوظات، ضد خلاقیت است؛ ما نیاز داریم که انسان متفکر تربیت کنیم به شرحی که فردا شب خواهم گفت.

و الحمد لله رب العالمین

۲/۲/۳. محور سوم  
اشکالات: روش آموزش  
در آموزش و پرورش  
فعلی (حفظ‌محوری)

۲۸. در زمان تدوین برنامه ششم با صدای بلند به همه مسئولین کشور گفتم طلاق شهر تهران به ۳۸ درصد رسیده است، بفهمید! خانواده در کشور دچار فروپاشی شده است. این را به عنوان بحران در کشور اعلام کنید. آقایان گفتند: نه، بحران ما مسائل دیگر است. الآن که با شما صحبت می‌کنم بعد از دو سه سال طلاق در شهر تهران به نزدیک ۴۵ درصد رسیده است. مسئله، مسئله ساده‌ای نیست؛ اگر خانواده نباشد، هیچ چیز نیست.

### پیوست‌ها

#### پیوست شماره ۱: پیدایش آموزش مدرن در ایران

مراحل، نحوه و نقش ورود نظام آموزشی غربی در تحول جامعه ایرانی به سه دوره اصلی تقسیم می‌گردد:

بخش ۱. دوره ی قاجار (۱۳۰۴-۱۱۵۸)

بخش ۲. آموزش در دوره ی رضاخان (۱۳۲۰-۱۳۰۴)

بخش ۳. آموزش در دوره ی محمدرضاشاه (۱۳۷۰-۱۳۵۷)

مراحلی که با اعزام اولین دانشجویان برای فراگیری فنون نظامی غرب در اولین قرن نوزدهم آغاز می‌گردد، با شکل گرفتن ایده «اقتباس نظام آموزشی غرب برای دستیابی به آزادی و پیشرفت اجتماعی - اقتصادی - علمی غرب» در اذهان برخی روشنفکران کشورهای جهان اسلام (عثمانی، مصر، تونس و ایران) به صورت تقریباً هم‌زمان در نیمه قرن نوزدهم، به مطالبه یک تغییر درونی و تأسیس اولین مدرسه علمی غربی ایران یعنی دارالفنون می‌انجامد. و با توسعه طرح اعزام فرزندان طبقه ممتاز به فرنگ و بازگشت تدریجی آن‌ها، به شکل‌گیری طبقه نخبگان جدید در نظام اجتماعی اواخر قرن نوزدهم و نقش‌آفرینی جدی آن‌ها در انقلاب مشروطه منجر می‌شود.

سپس با وارد شدن قانون نظام آموزشی اجباری فراگیر در قانون اساسی مشروطه، گام بلندی در جایگزین شدن آموزش جدید به جای آموزش سنتی حوزوی و استقرار آموزش جدید در مرکز جامعه ایرانی برداشته می‌شود. سپس فلسفه آموزشی رژیم جدید پهلوی، رابطه آن با رفرم اجتماعی - سیاسی - فرهنگی مدنظر رضاشاه و نحوه تحقق آن در مدارس جدید تحلیل می‌شود. اعزام دانشجویان به فرنگ با برنامه‌ریزی جدیدی در دوره ی رضاشاه ادامه می‌یابد. که با شکست طرح تأمین طبقه نخبگان سیاسی - اجتماعی رژیم از طریق اعزام دانشجویان به اروپا، به طرح اولین دانشگاه ایران یعنی دانشگاه تهران می‌انجامد. و بعد دیدگاه محمدرضا پهلوی و سیاستگذاران دربار و تحولاتی که با آغاز انقلاب سفید در فلسفه آموزشی وی پیدا شد بررسی می‌شود تا میزان رسوخ نظام آموزشی جدید در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی ارزیابی شود. با تغییر سیاست‌های آموزشی شاه در انقلاب سفید که با عنوان «انقلاب آموزشی» شناخته می‌شود، خاستگاه اجتماعی طبقات تحصیلکرده در ایران دچار تحول می‌شود و آموزش تا حد زیادی در طبقات سنتی و پایین جامعه هم جایگاه می‌یابد. آموزش مردان و اعزام دانشجویان به اروپا و آمریکا در طول دوره ی پهلوی مهم‌ترین وسیله ساختن طبقه نخبگان جدید است که به تدریج طبقه نخبگان سنتی و به ویژه فارغ‌التحصیلان حوزوی را از صحنه سیاست کشور حذف می‌کند. با این حال رژیم محمدرضا شاه در انقلاب آموزشی کاملاً موفق نیست و نمی‌تواند دانشگاه تهران، دژ سرسخت روشنفکران لیبرال ملی‌گرا، را تسخیر کند که به بروز آشوب‌های دانشگاهی اواخر سلطنت شاه می‌انجامد.

برگرفته از کتاب نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن؛ برای مطالعه دقیق و بررسی تاریخچه پیدایش نظام آموزشی مدرن در ایران به کتاب "نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن" نوشته دیوید مناشری مراجعه فرمایید.

### پیوست شماره ۲: لزوم تأمین نفقه خانواده و نه پرداخت بهای آن

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع لَأَنْ أُدْخَلَ السُّوقَ وَ مَعِيَ دَرَاهِمٌ أَبْتِئَاعُ بِهِ لِعِيَالِي لِحَمًا وَ قَدْ قَرَّمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ نَسَمَةً.

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: همانا اینکه به بازار درآیم و با درهم‌هایی که دارم، برای خانواده ام که بسیار گوشت دوست می‌دارند - گوشت بخرم، نزد من دوست داشتنی‌تر از آن است که بنده‌ای را آزاد کنم.

الکافی، ج ۴، ص ۱۲، ح ۱۰

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ شَهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مَا حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا قَالَ يَسُدُّ جُوعَ نَفْسِهَا وَ يَسْتُرُ عَوْرَتَهَا وَ لَا يَتَّبِعُ لَهَا وَجْهًا - فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَ اللَّهِ أَدَى حَقِّهَا قُلْتُ فَالذَّهْنُ قَالَ غِبًّا يَوْمًا وَ يَوْمًا لَا قُلْتُ فَاللَّحْمُ قَالَ فِي كُلِّ ثَلَاثَةِ فَيَكُونُ فِي الشَّهْرِ عَشْرَ مَرَّاتٍ لَا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ قُلْتُ فَالصَّبْغُ قَالَ وَ الصَّبْغُ فِي كُلِّ سِنَةِ أَشْهُرٍ وَ يَكْسُوها فِي كُلِّ سِنَةٍ أَرْبَعَةَ أَثْوَابٍ تَوْبَتَيْنِ لِلشَّتَاءِ وَ تَوْبَتَيْنِ لِلصَّيْفِ وَ لَا يَتَّبِعِي أَنْ يُفْقِرَ بَيْنَهُ مِنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ ذَهْنِ الرَّأْسِ وَ الْخَلِّ وَ الرَّيْتِ وَ يَمُوتُهُنَّ بِالْمَدِّ فَإِنِّي أَفُوتُ بِهِ نَفْسِي وَ عِيَالِي وَ لِيُقَدَّرَ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ قُوتُهُ فَإِنْ شَاءَ أَكَلَهُ وَ إِنْ شَاءَ وَهَبَهُ وَ إِنْ شَاءَ تَصَدَّقَ بِهِ وَ لَا تَكُونُ فَالْكَهَّةُ عَامَّةً إِلَّا أَطْعَمَ عِيَالَهُ مِنْهَا وَ لَا يَدَعُ أَنْ يَكُونَ لِلْعَبْدِ عِنْدَهُمْ فَضْلٌ فِي الطَّعَامِ أَنْ يُسْتَيَّ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا لَا يُسْتَيَّ لَهُمْ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ.

شهاب بن عبد ربّه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: حقوق زن بر شوهرش چیست؟ فرمود: گرسنگی‌اش را برطرف کند و ناموسش را بپوشاند و با او با ترش‌رویی رفتار نکند. پس اگر شوهر چنین رفتار کرد به خدا سوگند که حق همسرش را ادا کرده است. گفتم: روغن (به چه مقدار کفایت می‌کند؟) فرمود: یک روز آری و یک روز نه (یعنی یک روز در میان). گفتم: گوشت چه؟ فرمود: در هر سه روز (یک بار)، بنابراین در هر ماه ده بار؛ نه بیشتر. گفتم: رنگ (وسایل آرایش)؟ فرمود: رنگ در هر شش ماه یک بار. (یعنی به اندازه شش ماه تهیه کند). بایستی برای همسرش در هر سال چهار دست لباس تهیه کند: دو دست لباس برای زمستان و دو دست لباس برای تابستان. و روا نیست که خانه‌اش از این سه چیز خالی بماند: روغن (موی) سر، سرکه و زیتون. خوراک زنان یک مد است؛ چرا که من هم خودم و خانواده‌ام را به همین اندازه تغذیه می‌کنم. و باید سهم هر کدام از افراد خانواده‌اش را در نظر بگیرد. پس اگر آن عضو خانواده تمایل داشته باشد سهم خود را می‌خورد و اگر هم بخواهد آن را می‌بخشد و اگر هم بخواهد آن را صدقه می‌دهد. او باید میوه هر فصلی را برای خانواده‌اش تهیه و در اعیاد برای خانواده‌اش غذای بیشتری تهیه کند به گونه‌ای که در روزهای دیگر فراهم نمی‌کرد.

همان، ج ۶، ص ۵۳۷



### نظام سؤالات

۱. مقدمه: ضرورت تغییر در نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟
  - ۱/۱. آموزش و پرورش فعلی چطور منجر به افزایش طلاق در کشور شده است؟
  - ۱/۲. نقش آموزش و پرورش در مشکلات اقتصادی کشور چیست؟
  - ۱/۳. آموزش و پرورش فعلی چه نقشی در انتخاب مسئولین نالایق توسط مردم دارد؟
۲. سرفصل اول آموزش و پرورش آینده: محورهای سه گانه اشکالات نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟
  - ۲/۱. هدف گذاری آموزش و پرورش فعلی چه اشکالی دارد؟
  - ۲/۲. محتوای آموزش و پرورش فعلی دچار چه اشکالی است؟
    - ۲/۲/۱. طبق محتوای فعلی، علوم آموزش و پرورش به چند دسته تقسیم می شوند؟
    - ۲/۳. روش تدریس و تدارس در آموزش و پرورش فعلی چه اشکالی دارد؟
۳. سرفصل دوم آموزش و پرورش آینده: ویژگی های سه گانه آموزش و پرورش آینده چیست؟ (پیشنهادات الگوی پیشرفت اسلامی برای رفع معایب سه گانه آموزش و پرورش فعلی چیست؟)
  - ۳/۱. هدف گذاری آموزش و پرورش مطلوب باید چه باشد؟
  - ۳/۲. محتوای آموزش و پرورش مطلوب چه باید باشد؟
  - ۳/۳. روش تدریس و تدارس در آموزش و پرورش مطلوب چگونه است؟



## جلسه سوم

### سوالات جلسه

سرفصل اول آموزش و پرورش آینده: محورهای سه‌گانه اشکالات نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟  
سرفصل دوم آموزش و پرورش آینده: ویژگی‌های سه‌گانه آموزش و پرورش آینده چیست؟

### عنوان جلسه

تعریف محتوای آموزش و پرورش مطلوب بر اساس العِلْمُ سُلْطَانٌ و  
ففتقسیم‌بندی محتوای آموزش و پرورش مطلوب به نه دسته علم

### خلاصه جلسه

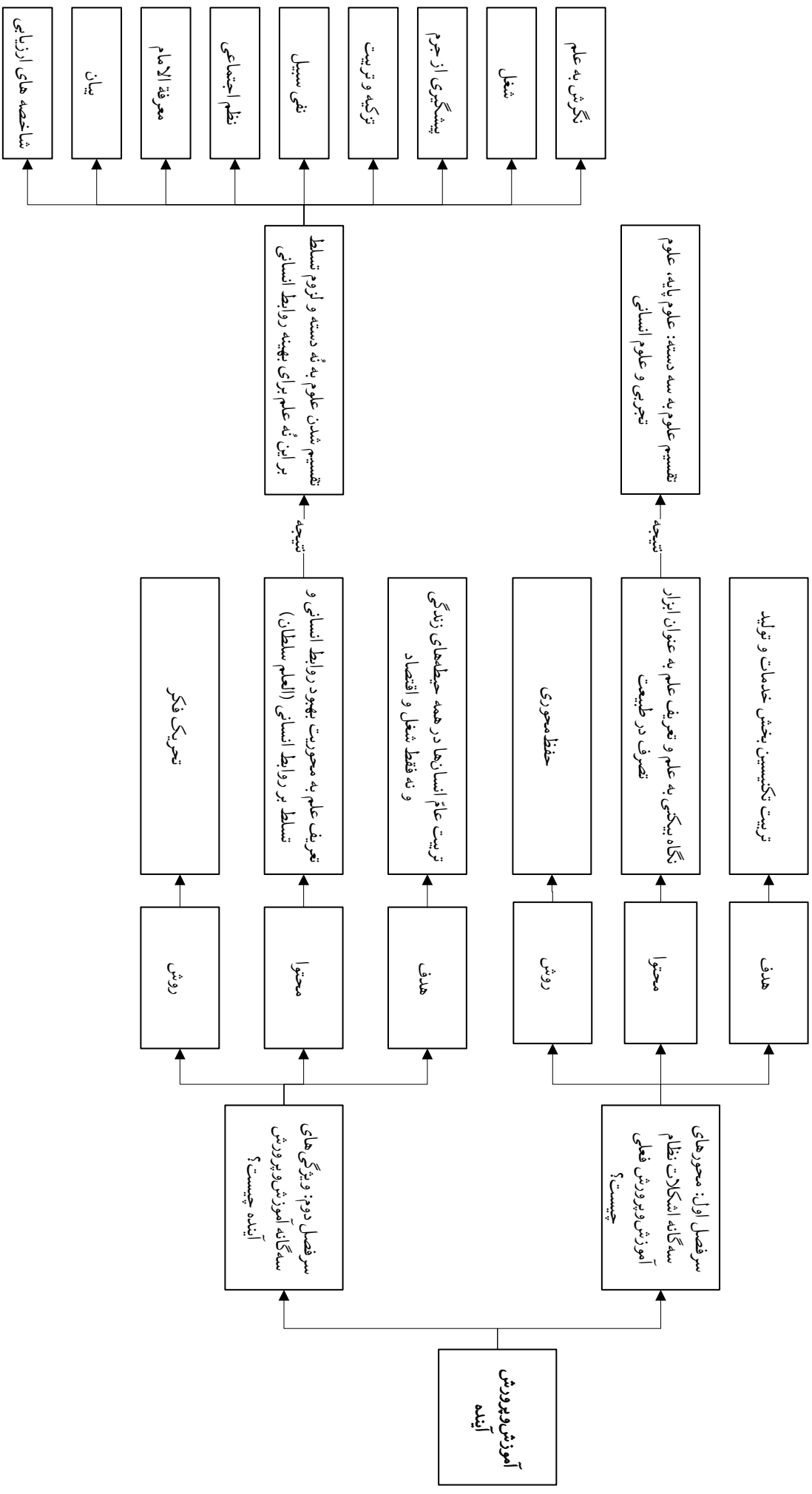
در جلسه سوم نیز در ادامه جلسه دوم به تبیین معایب آموزش و پرورش فعلی و ترسیم محورهای آموزش و پرورش آینده پرداخته می‌شود؛ در جلسه قبل محور اول اشکالات یعنی هدف این سیستم معیوب مورد بحث قرار گرفت و پیشنهاد جایگزین الگوی پیشرفت اسلامی تبیین گردید. در این جلسه به عیب دوم سیستم معیوب آموزش و پرورش فعلی یعنی محتوای غلط آموزش و پرورش فعلی و تبیین محتوای جایگزین مطلوب اسلام پرداخته می‌شود.

در نظام آموزش و پرورش فعلی محتوا را بر اساس نگاه بیکنی به علم یعنی knowledge is power تعریف می‌کنند و بر اساس همین نگاه نیز محتوای علوم به سه دسته‌ی ۱. علوم پایه ۲. علوم تجربی و ۳. علوم انسانی تقسیم می‌گردد و غرض نهایی از این محتوای علمی نیز تصرف بیشتر در طبیعت است.

اما اشکالی که به این محتوای غلط وارد می‌باشد این است که انسان‌ها برای زندگی توأم با آسایش تنها به تصرف در طبیعت نیاز ندارند، بلکه امور دیگری مانند روابط انسانی درست نیز از مسائلی هستند که تأثیری فوق‌العاده بر رفاه و آسایش دارند.

بر همین اساس محتوای آموزش و پرورش مطلوب بر اساس روایت العلم سلطان ترسیم می‌گردد؛ یعنی علم آن چیزی است که موجب بهینه روابط انسانی می‌شود که این علم به صورت استظهاری به نه دسته تقسیم می‌گردد: ۱. نگاه صحیح به علم ۲. علم تزکیه ۳. علم نفی سبیل ۴. علم معرفه‌الامام ۵. علم عبرت ۶. علم بیان ۷. علم نظم اجتماعی ۸. علم شاخص‌های ارزیابی ۹. علم شغل

# تبیین ویژگی‌های آموزش و پرورش آینده و چگونگی حرکت به سمت آن (جلسه سوم)



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام علیکم و رحمة الله و بركاته بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا وَ شَفِیْعِنَا فِی یَوْمِ الْجَزَاءِ اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ الْمَعْصُومِیْنَ الْمُكْرَمِیْنَ الْمُنتَجِبِیْنَ سِیِّمًا بِقِیَّةِ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِیْنَ اَرْوَاْحُنَا لَا مَالِهِ الْفِدَاءُ وَ عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ الشَّرِیْفَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلٰی اَعْدَائِهِ اَعْدَاءِ اللّٰهِ .

### ۱. غلط بودن هدف گذاری آموزش و پرورش ( تربیت تکنسین بخش خدمات و تولید)؛ اشکال اول نظام

#### آموزشی فعلی

همانطور که استحضار دارید موضوع مباحثات این شب‌های ما، بحث درباره ویژگی‌های آموزش و پرورش مطلوب است. دیشب محضر شما گزارش دادم که آموزش و پرورش فعلی ما از سه حیث دارای اشکال است؛ اشکال اول در هدف‌گذاری و در آرمان تعریف کردن اقتصاد و صنعت است. اشکال دومی که بحث کردم از حیث محتوا بود؛ عرض کردم نظام آموزش و پرورش از حیث محتوا هم دارای اشکال است. اشکال سوم، از حیث روش تدریس و تدارس در آموزش و پرورش است.

اجمالاً محضر شما گزارش دادم که نظام آموزش و پرورش فعلی، هدف خودش را پرورش تکنسین برای بخش خدمات و تولید قرار داده است؛ یعنی این ۱۶ الی ۱۷ هزار ساعتی که فرزندان ما در نظام آموزش و پرورش رفت و آمد می‌کنند، به این غرض است که این‌ها به نیروی کار و تکنسین بخش خدمات و تولید تبدیل شوند. سخنان دیشب بنده که منتشر شد، بعضی از معلمان محترم از طرق

۱/۱. تربیت تکنسین برای  
بخش خدمات و تولید؛  
هدف نظام  
آموزش و پرورش فعلی

مختلفی پیغام فرستادند که نظام آموزش و پرورش فعلی ما همین کار را هم انجام نمی‌دهد. بنده دیشب عرض کردم اسناد آموزش و پرورش و کتاب‌های آموزش و پرورش، این را به ما می‌گوید و ممکن است این هدف در عمل محقق نشود؛ ولی نظام آموزش و پرورش را برای این هدف طراحی کردند نه برای تربیت انسان. بنابراین یک انسان عاقل نباید انتظار داشته باشد که فرزندش در نظام آموزش و پرورش، تربیت پیدا کند، تربیت به معنایی که امشب به صورت تفصیلی تر بحث خواهم کرد. خودشان از اول که این نظام آموزشی را ایجاد کردند گفتند ما می‌خواهیم نیروی کار بخش خدمات و تولید را تأمین کنیم و اساس کار این بوده است.

خب عرض کردم که این هدف، هدف قابل دفاعی نیست؛ اینکه همه‌ی سن آموزش را اختصاص بدهیم به اینکه فرزندمان در آینده به یک نیروی کار خوب تبدیل شود، نگاه بخشی و نگاه ناقص به زندگی است؛ انسان باید برای سایر ابعاد زندگی نیز در همین سنین آماده شود؛ مثلاً برای تشکیل خانواده هم باید در همین سنین آماده شود، برای پذیرش نظم در جامعه و تحقق یک زندگی منظم هم باید در همین سنین آموزش داده شده و آماده شود.

بنابراین سؤال خود را دوباره مختصراً تکرار کردم؛ سؤال این است که آیا ما می‌توانیم هدف نظام آموزش و پرورش را پرورش تکنسین بخش خدمات و تولید قرار دهیم یا هدف را باید تربیت انسان به معنای عام آن قرار دهیم؟ البته بخشی از تربیت، تربیت شغلی است و این را قبول داریم، حتماً بخشی از تربیت‌های مورد نیاز یک انسان در زندگی، مباحث مربوط به شغل اوست؛ ولی اینکه همه هدف را این قرار دهیم، حتماً مسیر خطایی است.

۱/۲. غلط بودن انحصار هدف‌گذاری در تربیت شغلی و لزوم قرار دادن تربیت همه‌جانبه به عنوان هدف نظام آموزشی

## ۲. غلط بودن نگاه به علم (تعریف علم به عنوان ابزار تصرف در طبیعت) و تدوین محتوای علوم بر اساس این نگاه غلط؛ اشکال دوم نظام آموزش و پرورش فعلی

همچنین دیشب گزارش دادم که دروس و محتوای نظام آموزش و پرورش، براساس یک تعریف خاص از علم تنظیم شده است؛ عرض کردم نظام آموزش و پرورش ما، تعریف فرانسویس بیکن از علم را مبنا قرار داده و اصطلاحاً نگاه او به علم و درس و بحث، نگاه بیکنی و پوزیتیویستی و تجربی است و این نوع از علم را مبنا قرار داده است.

خب بیکن چه می‌گوید؟ بیکن می‌گوید: knowledge is power، این جمله از ایشان معروف است. می‌گوید: علم قدرت و ابزار تصرف در طبیعت است؛ علم آن معادله‌ای است که به شما کمک می‌کند تا تصرف در طبیعت داشته باشید. تمام متفکران غربی، این نگاه بر علم را از زمان فرانسویس بیکن به بعد پذیرفته‌اند، البته با تغییراتی. جریان غالب در فضای مدرنیته و تمدن موجود، این تعریف است.

۲/۱. نگاه بیکنی به علم (تعریف علم به عنوان ابزار تصرف در طبیعت)؛ محور محتوای آموزشی نظام آموزش و پرورش فعلی

در نتیجه‌ی این تعریف؛ طبقاتی از علوم و دسته‌بندی‌هایی از علوم هم به وجود آمده است؛ ولی عرض کردم معروف این است که نگاه بیکنی به علم شامل سه دسته علم است: علوم پایه، علوم تجربی و علوم انسانی. نظام آموزش و پرورش ما بر مبنای این نگاه خاص از علم طراحی شده است؛ بنابراین مثلاً اگر فرزند شما و کلاً یک انسان در این نظام آموزشی درس بخواند و اهتمام پیدا کند، قدرت تصرف در طبیعت پیدا می‌کند؛ مثلاً می‌تواند محاسبه کند که آلیاژ مورد نیاز برای یک برج

۲/۲. تقسیم‌بندی علوم به علوم پایه، تجربی و انسانی؛ نتیجه حاکمیت نگاه بیکنی در حوزه علم

بلند، باید چقدر مقاومت داشته باشد، می‌تواند محاسبه کند و یک انرژی را به یک انرژی دیگر تبدیل کند. از نوع معادلات نظام آموزشی می‌توانید انتظار تصرف در طبیعت داشته باشید.

### ۳. تعریف علم به "ابزار بهینه روابط انسانی" در نگاه اسلام و تقسیم‌بندی علوم بر مبنای همین نگاه

#### محوری به علم

خب دیشب ما به این بحث اشکال کردیم و گفتیم همه مسائل مورد نیاز برای زندگی بشر، تصرف در طبیعت نیست و از این سنخ نیست؛ یکی از مسائلی که برای همه افراد بشر موضوعیت دارد، مسئله روابط انسانی است؛ انسان‌ها در طول دوران حیات خودشان، نیاز دارند که روابطشان را با سایر انسان‌ها درست تنظیم کنند؛ اگر تنظیم روابط انسانی را بلد نباشیم، کارمان در زندگی اجتماعی‌مان به اصطکاک و نزاع ختم می‌شود. بعضی در زندگی اجتماعی دائم‌النزاع هستند و با همه سر جنگ دارند؛ با همسرشان سر جنگ دارند، با فرزندانشان سر جنگ دارند، با همسایه‌گانشان، با رفیقشان، با کاسب محلشان، با استادشان، با شاگردشان به گونه‌ای رفتار می‌کنند که تنش افزایش پیدا می‌کند. خب این مسئله خیلی مهمی است؛ انسان‌ها بیش از چهارینجم ظرفیت وجودشان را صرف می‌کنند تا حاشیه‌های روابط انسانی‌شان را مدیریت کنند. همه انسان‌ها وقتی می‌خواهند بخوابند، به این فکر می‌کنند که فلان اذیت و آزاری که از ناحیه یک انسان دیگر بر آن‌ها وارد شده است را چگونه مدیریت کنند، همه انسان‌ها این مشغله را دارند. این ذهن انسان را مشغول می‌کند، روح انسان را مشغول می‌کند. اگر نتوانیم روابط انسانی را تنظیم کنیم چه اتفاقی می‌افتد؟ ظرفیت‌های وجودی‌مان صرف مدیریت حاشیه‌های ناشی از روابط انسانی ضعیف می‌شود.

شما فکر کنید که یک انسان قدرت پیدا کند تا روابط انسانی خودش را بهینه کند، معنایش این است که ظرفیت فکری، ظرفیت روحی و ظرفیت جسمی او آزاد می‌شود و می‌تواند از آن در جای دیگری استفاده کند. لذا ما همیشه عرض کردیم که اگر فقط و فقط روابط انسانی را بهینه کنیم، با پدیده آزادسازی ظرفیت‌ها در انسان‌ها روبرو می‌شویم؛ وقتی توان انسان‌ها مصروف مدیریت روابط انسانی بد نشد، توانشان صرف امور دیگری می‌شود و خلاقیتشان توسعه پیدا می‌کند؛ دیگر دغدغه وجود ندارد و علم رشد پیدا می‌کند، کشاورزی رشد پیدا می‌کند، صنعت رشد پیدا می‌کند.

۳/۱/۱. آزادسازی  
ظرفیت‌های انسان و سامان  
یافتن تمام بخش‌های  
جامعه مانند صنعت و  
کشاورزی؛ نتیجه بهینه  
روابط انسانی

اینکه بنده دیشب عرض کردم هدف اصلی نظام آموزش و پرورش باید بهینه کردن روابط انسانی باشد، معنایش این نیست که بنده به سایر ابعاد زندگی بی‌توجه هستم؛ معنایش این است که ما در حوزه علمیه قم یک نگاه عمیق به این مسئله داشته‌ایم. بالاخره شما می‌خواهید صنعت یک جامعه را سروسامان بدهید، این کار نخبه می‌خواهد؛ می‌خواهید کشاورزی یک جامعه را سروسامان بدهید، می‌خواهید مدیریت شهری را سروسامان بدهید، می‌خواهید حوزه علم را سروسامان بدهید. با انسان‌هایی که دچار چالش روحی‌اند خیلی سخت می‌توانید این کار را بکنید؛ انسان‌هایی که پُر از حاشیه هستند، پُر از چالش هستند، پُر از دغدغه‌های کاذب هستند، چطور می‌توانید با این‌ها راجع به آرمان‌های بزرگ و حل مسائل صحبت کنید؟ بنابراین اینکه پیامبران علیهم‌السلام دعوت کرده‌اند به اینکه

حق الناس را رعایت کنید و تنظیم روابط انسانی را مدیریت کنید، به این دلیل است که عمل به این توصیه محوری، موجب می‌شود تا ظرفیت‌های انسان آزاد شود و در اختیار سایر ابعاد زندگی قرار بگیرد.

پس به تعریف جدیدی از علم نیاز داریم، علمی که به ما کمک می‌کند تا روابط انسانی مان را درست تنظیم کنیم؛ این علم، جزء علوم نافع است و در همه حوزه‌ها نفع می‌رساند. اگر توانستیم روابط انسانی را تنظیم کنیم ظرفیت آزاد شده در بخش تفکر، روح، اخلاق، انگیزه و جسم ما، به کار همه حوزه‌ها می‌آید.

۳/۲. تعریف علم به ابزار تسلط بر روابط انسانی از طریق استظهار حدیث العلم سلطان

خب، حالا اینجا سؤال دومی که دوستان راجع به بحث دیشب برای من فرستادند را مطرح می‌کنم: دقیقاً چه نوع علمی را باید آموزش دهیم تا بتوانیم روابط انسانی را تنظیم کنیم؟ نگاه بیکنی به علم، ما را به بهینه روابط انسانی نمی‌رساند؛ خب چه علمی، با چه تعریفی را استفاده کنیم تا بتوانیم روابط انسانی را تنظیم کنیم؟ عرض کردم که ماهیت این علم را امیرالمؤمنین علیه السلام در آن روایت معروف تعریف کردند؛ امیرالمؤمنین علیه السلام که در اوج حکمت و عقل هستند فرمودند: «العلم سلطان»؛ علم آن معادله‌ای است که به شما کمک می‌کند تا تسلطتان در روابط انسانی را مدیریت کنید.

۳/۲/۱. جلوگیری از حرکت به سمت ظلم در روابط انسانی و تبدیل شدن به سلطان ظالم؛ ثمره علم از نگاه اهل بیت علیهم السلام

سلطان، ظهور در روابط انسانی دارد. سلطان یعنی چی؟ یعنی کسی که سلطه دارد، تصرف دارد؛ همه ما به نوعی تسلط داریم، اما تسلط‌ها کم و زیاد است، آدم بدون تسلط و سلطه نداریم. مثلاً پدر خانواده بر اعضای خانواده تسلط دارد، مادر خانواده چون به سلاح محبت مجهز است بر همسر و فرزندان تسلط و نفوذ دارد. همه به نوعی تسلط دارند؛ معلم، کارفرما، فرماندار نوعی از تسلط را دارند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: علم آن معادله‌ای است که به شما یاد می‌دهد سلطه‌تان را چگونه تنظیم کنید تا به سلطان ظالم تبدیل نشوید، بلکه به سلطان عادل تبدیل شوید؛ یعنی تسلطتان ابزار ظلم نشود بلکه ابزار کمک به دیگران شود. مثلاً مرحوم رکن‌الملک<sup>۱</sup> - که این مسجد از یادگاران ایشان است<sup>۲</sup> - در دستگاه حکومت بوده است و به نوعی معاون ظلّ السلطان<sup>۳</sup> - آن مرد قسّی القلب معلوم الحال - محسوب می‌شد. خب چه اتفاقی افتاده است؟ ایشان از این جایگاه اجتماعی استفاده کرده و یک مسجد ساخته است، یعنی تسلط خود را به نفع مردم استفاده کرده است؛ در حالی که حاکم وقت اصفهان از تسلط خود برای قتل و غارت و ظلم به دیگران استفاده کرده است. خداوند متعال به همه انسان‌ها نوعی از تسلط و سلطه را ارائه داده است، به برخی کمتر و به برخی بیشتر. علم آن معادله‌ای است که به شما کمک می‌کند تا تسلطتان به سمت ظلم نرود، بلکه به سمت عدل و کمک به دیگران برود. من یک بار دیگر حدیث را بخوانم، می‌فرماید: «العلم سلطانٌ من وجده

۱. به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

۲. مسجد رکن الملک مربوط به سده ۱۳ ه.ق است و در اصفهان، مجموعه تخت فولاد، خیابان فیض واقع شده است.

۳. سلطان مسعود میرزا (۱۵ دی ۱۲۲۸ هجری خورشیدی تبریز - ۱۲ تیر ۱۲۹۷ اصفهان) ملقب به ظل السلطان شاهزاده قاجار و بزرگترین پسر به سن بلوغ رسیده ناصرالدین شاه بود. وی مدت زیادی حاکم اصفهان بود.



صَالٍ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَبِيلًا عَلَيْهِ»؛ اگر کسی این معادله را بلد باشد مسلط می‌شود و اگر بلد نباشد، زیردست قرار می‌گیرد و یک روزی می‌آید که از نفوذ او کاسته شده و به چالش کشیده می‌شود. پس ماهیت علم، تصرف در طبیعت نیست، بلکه تصرف در روابط انسانی است. اگر ما توانستیم مجموعه علوم را به دیگران یاد بدهیم که این علوم کمکشان کند تا روابط انسانی‌شان را تنظیم کنند تمام حوزه‌های زندگی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

#### ۴. لزوم فراگیری ۹ دسته علم به منظور بهینه روابط انسانی و تسلط بر روابط انسانی (تقسیم‌بندی علوم از نگاه اسلام)

حال سؤال می‌پرسند که knowledge is power شامل سه دسته از علوم بود: علوم پایه و علوم تجربی و علوم انسانی. العلم سلطان چند دسته علم است؟ من اجمالاً آن دسته‌بندی و طبقه‌بندی جدید از علم که در حوزه علمیه قم استنباط کردیم را خدمت شما گزارش می‌دهم، البته این یک کار فقهی است و قابلیت تکامل دارد؛ ولی این نه دسته علمی که بحث می‌کنم حتی اگر یکی از این نه دسته علم نباشد، روابط انسانی به چالش کشیده می‌شود. این نه مورد قطعی هستند، بنابراین آموزش و پرورش آینده باید این نه دسته را آموزش دهد، البته اگر به دنبال بهینه کردن روابط انسانی است.

اولین دسته علوم که انسان‌ها لازم دارند و زیرساخت تنظیم روابط انسانی است، علم شغل یا به تعبیر طلبگی «مکاسب» است؛ همه انسان‌ها دارای شغل هستند و در مسئله شغل ارتباط انسان‌ها با یکدیگر ارتباطات جدی است. پس باید در نظام آموزش و پرورش راجع به شغل وارد گفتگو شوید. اگر راجع به شغل گفتگو و بحث نکنید، روابط انسانی به چالش کشیده می‌شود.

ببینید چقدر دقیق ائمه ما بحث کرده‌اند؛ حدیث هست که در روز قیامت شخص محکّم را هم درجه با شخص قاتل قرا می‌دهند.<sup>۴</sup> قاتل چه کسی است؟ کسی که بزرگ‌ترین ضربه را به شخص مقتول زده است، یعنی نعمت حیات را از او گرفته است؛ قاتل به کسی می‌گویند که روابط انسانی را در حد اعلای خودش به چالش کشیده است، بالاترین کسی که روابط انسانی را به چالش می‌کشد، قاتل است. امام معصوم علیه السلام - که در اوج حکمت است - می‌فرماید شخص محکّم از لحاظ جرم هم درجه شخص قاتل است؛ یعنی فعل احتکار همان قدر به روابط انسانی ضربه می‌زند که فعل قتل ضربه می‌زند. مردم باید این‌ها را یاد بگیرند. روایات باب احتکار، جزء روایت باب شغل است، این‌ها را باید گفتگو و بحث کنیم. این‌ها بحث نمی‌شوند که بازار ما دچار چالش شده است.<sup>۵</sup>

۴. عنه علیه السلام: يُخَشِّرُ الْحَكَارُونَ وَ قَتَلَةُ الْأَنْفُسِ إِلَى جَهَنَّمَ فِي دَرَجَةٍ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: محکّم‌ان و قاتلان در جهنم در یک درجه محشور می‌شوند.

کنز العمال، ح ۹۷۳۹

۵. من نمی‌خواهم الآن منکر راه‌کارهای کوتاه‌مدت شوم؛ وزارت اقتصاد، دولت محترم جمهوری اسلامی و مجلس محترم شورای اسلامی هر کاری که می‌توانند باید برای آرام کردن بازار انجام دهند، ولی واقعیت قضیه این است که آرام کردن ریشه‌ای با وضع یک قانون اتفاق نمی‌افتد، بلکه با گسترش علم اتفاق می‌افتد و گسترش علم هم در سنین رشد و نوجوانی و کودکی مؤثرتر است. ما اگر دنبال این هستیم که جامعه را اصلاح کنیم دنبال این نباشید که یک نماینده مجلسی بیاید به او رأی بدهید و او معجزه کند. پیامبران صلی الله علیه و آله هم که می‌آمدند مسائل را به این سرعت حل نمی‌کردند. باز هم تأکید می‌کنم که نمی‌خواهم عدم تدبیرهای برخی از مسئولین را امضا و تأیید بکنم، سر جای خودش راجع به آن صحبت می‌کنیم؛ بنده می‌گویم از دیدگاه پیامبران حل کردن ریشه‌ای مسائل به گسترش علم وابسته است. اگر علم را گسترش ندهید یا تعریف غلط از علم داشته باشید و آن تعریف غلط را گسترش دهید، مشکلات زیاد می‌شود. از حضرت صادق علیه السلام سؤال پرسیدند: «یا بن رسول الله! این همه شما می‌گویید آخرالزمان فلان است و فلان و مردمانش

دسته دوم علمی که لازم است یاد بگیریم تا بتوانیم مسائل مان را حل کنیم، مسئله مقابله با جرم و مجازات مجرم است. مسئله جرم در همه ادوار تاریخ و در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است؛ مسئله مهم، نحوه مقابله با جرم است.

۴/۲. علم ایجاد عبرت و مجازات؛ دسته دوم علوم مورد نیاز برای بهینه روابط انسانی

الان در دوران اخیر مهم‌ترین ابزار مقابله با جرم، زندان است و متأسفانه قوه قضائیه‌ی ما هم به این اشتباه مبتلاست؛<sup>۶</sup> یعنی مهم‌ترین مجازات حبس است، برای مقابله با هر جرمی که انجام می‌شود، قانون‌گذار توصیه حبس می‌کند. این نوع از مجازات عبرت‌آفرین و بازدارنده نیست؛ خصوصاً اگر در رابطه با همه جرم‌ها توصیه شود. من یک زمانی در فقه اسلام و در مجموعه آیات و روایات تتبع کردم و به چهار یا پنج مورد رسیدم که فقه اسلام توصیه به مجازات زندان کرده است.<sup>۷</sup> در بقیه موارد در فقه اسلام توصیه به مجازات زندان نداریم؛ ولی در قانون حقوقی فعلی راجع به همه چیز مجازات زندان وجود دارد. خب مجرمین زندان به جای اینکه تنبیه شوند، با آموزشگاه جرم روبه‌رو می‌شوند؛ یعنی اگر یک دوره میان‌مدت در زندان بماند، وقتی خارج می‌شود تکنیک‌هایی را در انجام جرم یاد می‌گیرد که قبل از رفتن به زندان آن تکنیک‌ها را بلد نبود. حال از این بگذریم که مدیریت زندان چقدر خرج دارد و چه مشکلاتی دارد.<sup>۸</sup> من وقتی با دوستان قاضی‌مان صحبت می‌کنم، حرف‌های شنیدنی در این مسئله دارند.

۴/۲/۱. گسترش گسترده مجازات زندان؛ یکی از نتایج نداشتن علم کافی برای عبرت‌آفرینی و مجازات

خب مجازات باید به شکلی باشد که عبرت‌آفرین و بازدارنده باشد. اگر ما بتوانیم به نوعی از مجازات دست پیدا کنیم که عبرت را گسترش دهد، به مدیریت مسئله جرم کمک می‌کند. می‌دانید که از جمله مسائل مرتبط با بهینه شدن روابط انسانی، مسئله برخورد با مجرم است. الان شما به جامعه خودمان نگاه کنید؛ جامعه ما با دانه‌درشت‌ها چگونه رفتار می‌کند؟ یک عده‌ای در حد مفسد فی الارض جرم انجام می‌دهند، ولی از منزلت اجتماعی رفیعی برخوردارند، مثلاً برادر فلان مسئول

۴/۲/۲. لزوم عبرت‌آفرین بودن و بازدارنده بودن مجازات‌های تعیین شده برای مجرمین

اینچنین و آنچنان هستند - در تفکر پیامبران در مذمت آخرالزمان و شرایط آن خیلی روایت و حدیث داریم - چه اتفاقی در آخرالزمان افتاده است که این همه مشکل وجود دارد؟ حضرت می‌فرماید: یک اتفاق افتاده است؛ علم غلط تعریف شده است و تعریف غلط از علم مینا قرار گرفته است. (الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۵۴ - کمال الدین، ص ۲۵۱) مسئولین و نخبگان و مردم فکر کرده‌اند هرکسی که یک کتاب نوشت و یک معادله‌ای بیرون داد، علم است؛ ریشه همه بدبختی‌ها، علم غلط است و اگر علم را درست کنیم می‌توانیم به سمت صحیح حرکت کنیم.

انتقال از متن

۶. رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در مراسم تکریم و معارفه مدیر کل زندان‌های استان کرمانشاه (۲ دی ۱۳۹۵): طی سالیان گذشته در ایران ده درصد به جمعیت زندانیان اضافه شد و این مسئله روند نگران‌کننده‌ای برای مسئولان ایجاد کرد به طوری که طی چهار سال گذشته شاهد این بودیم که ششصد هزار نفر در سال وارد زندان‌های کشور می‌شدند و این امر نگران‌کننده بود. ما هنوز در قوانین با تورم مجازات حبس مواجه هستیم و ۲۰۰۰ عنوان مجرمانه که می‌تواند منجر به حبس شود در قوانین ما موج می‌زند و لذا قوه قضائیه و مجلس در تلاش‌اند تا بازنگری در قانون صورت گیرد و امیدواریم مجازات‌ها با نگاه حبس‌زدایی مورد توجه قرارگیرد تا دست همکاران قضایی در فرستادن افراد به زندان محدودتر شود.

آدرس مطلب در خبرگزاری مهر [yon.ir/zendan22](http://yon.ir/zendan22)

۷. به پیوست شماره ۲ مراجعه فرمایید.

۸. مدیرکل زندان‌های ایلام در جشن نسیم مهر در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۹۵ هزینه نگهداری هر زندانی در مراکز این سازمان را ماهانه حدود ۴۵ میلیون ریال اعلام کرد. آدرس مطلب در خبرگزاری ایرنا [yon.ir/zendan23](http://yon.ir/zendan23)

رئیس دادگستری میاندوآب در نشست خبری با اصحاب رسانه در میاندوآب در تاریخ ۳ تیر ۱۳۹۷ با اشاره به وضعیت زندان شهرستان میاندوآب، گفت هزینه نگهداری هر زندانی روزانه برای هر نفر ۱۲۰ هزار تومان است.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایسنا [yon.ir/zendan24](http://yon.ir/zendan24)

مدیرکل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان زنجان در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا در تاریخ ۵ تیر ۱۳۹۷ گفت: برای نگهداری هر زندانی در این استان روزانه بیش از ۳۰۰ هزار ریال هزینه می‌شود.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایرنا [yon.ir/zendan25](http://yon.ir/zendan25)

است. همین یک مورد مردم ما را ناامید و زده نکرده است؟ در مملکت ما با آفتابه‌دزدها خوب برخورد می‌شود ولی با دانه‌درشت‌ها خوب برخورد نمی‌شود. در نتیجه روابط انسانی به چالش کشیده می‌شود و مردم نسبت به حکومت بدبین می‌شوند؛ چون ما مدیریت مجرم را به نحو صحیح انجام نمی‌دهیم.

مسئله مقابله با جرم و خطا، باید محل بحث قرار گیرد. اگر این موضوع درست انجام نشود، روابط انسانی جامعه به چالش کشیده می‌شود. خب حالا وارد سطح یک خانواده شوید؛ اگر خدایی نکرده فرزند خطایی انجام دهد - من تعبیر جرم را در این سن به کار نمی‌برم - اگر پدر و مادر نحوه مقابله با آن خطا را بلد نباشند، فرزند را به تکرار آن خطا تشویق می‌کنند؛ یعنی مقابله با جرم باید از داخل خانواده‌ها آغاز شود. تعبیر بنده را با مسامحه بپذیرید؛ اولین قاضی، پدرها و مادرها هستند. در حدیث آمده: «بدترین پدرها، پدرهایی هستند که فقط به فرزندشان محبت می‌کنند.»<sup>۹</sup> پدری که فقط محبت می‌کند، سرنوشت فرزندش را به چالش می‌کشد. در طرف دیگر بعضی از پدر و مادرها می‌خواهند مقابله با جرم کنند ولی به سمت تنبیه بدنی شدید می‌روند، خصوصاً با فرزندان دخترشان. مگر می‌شود دختر را تنبیه بدنی کنید؟ دختر، کانون عاطفه است، او فردا قرار است مادر شود. شما با چه مجوزی فرزندت را تنبیه بدنی می‌کنید، خصوصاً فرزند دختر را؟ خب اگر دختر خطایی انجام داد، چگونه باید مدیریت شود؟ این‌ها در جامعه بحث نمی‌شود؛ لذا ما با پدیده افزایش جرم در جامعه روبرو هستیم. به دلیل اینکه علم مدیریت‌کننده مجازات در جامعه ما، تحت تأثیر قانون حقوقی فرانسه و بلژیک است و متأسفانه در حوزه‌های علمیه هم هیچ‌کار جدیدی در این زمینه انجام نداده‌ایم و کم‌کاری کردیم. باید برای مسئله جرم برنامه‌ریزی جدی کرد؛ فقه العبرة و فقه القضا برای همه یک مسئله لازم است.<sup>۱۰</sup> پس یکی از آن‌ها علمی که ما به مباحثه آن نیاز داریم، مسئله پیشگیری از جرم و نحوه مقابله با جرم است.

دسته سوم از علمی که احتیاج داریم آن را آموزش دهیم، علوم مربوط به تربیت و تزکیه می‌باشد که چون این را در شب‌های آینده توضیح می‌دهم، الآن شرح نمی‌دهم. فقط می‌خواهم بگویم علوم مربوط به تربیت و تزکیه، جزء واجب‌ترین علوم هستند؛ در غیر اینصورت درون انسان‌ها پُر از رذائل باقی خواهی ماند و انسانی که درونش پاک نشده است، درون ناپاکش را در رفتارش بروز می‌دهد و

۹. الإمام الباقر عليه السلام: سُرُّ الْآبَاءِ مِنْ دَعَاةِ الْبُرِّ إِلَى الْإِفْرَاطِ، وَسُرُّ الْأَبْنَاءِ مِنْ دَعَاةِ التَّقْصِيرِ إِلَى الْعُقُوقِ.

امام باقر عليه السلام: بدترین پدران، آن پدری است که محبت، او را به زیاده‌روی بکشاند، و بدترین فرزندان، آن فرزندی است که کوتاهی کردن [در برابر پدر]، او را به نافرمانی بکشاند. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.

۱۰. حالا من الآن نمی‌خواهم این را بشکافم، بعداً باید با دوستان قوه قضائیه صحبت کنیم، البته گاهی اوقات بنده در تهران سری به این دوستان می‌زنم و با آن‌ها مباحثه‌ای می‌کنیم. خیلی کارها باید انجام گیرد تا قوه قضائیه ما یک قوه قضائیه کارآمد شود. من به آیت‌الله آملی لاریجانی تبریک عرض می‌کنم؛ یک قدری قوه قضائیه به سمت مقابله با دانه‌درشت‌ها حرکت کرده است، ولی همین جا به ایشان عرض می‌کنم که مردم ما انتظارشان خیلی بیشتر است. حضرت آیت‌الله! شما باید جدی‌تر برخورد کنید. شما قاضی فقیه هستید، جانشین امام معصوم عليه السلام هستید. چطور حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام با برادرش عقیل آنچنان جدی برخورد می‌کرد و از مسئله بیت المال محافظت می‌کرد، (خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه) شما هم باید این کار را کنید. من به ایشان عرض می‌کنم که حضرت آیت‌الله! اگر شما محکم و با تدبیر به میدان بیایید، همین مردمی که الآن ناراضی هستند، از شما حمایت می‌کنند و نمی‌گذارند روزنامه‌های آنچنانی که مربوط به جریان‌های خاص است، قوه قضائیه ما را به چالش جدی مبتلا بکند.

باز روابط انسانی به چالش کشیده می‌شود. شما اگر درونتان پُر از حسد بود، حتماً در کلامتان و رفتارتان بروز پیدا می‌کند و بازهم روابط انسانی به چالش کشیده می‌شود.

دسته چهارم از علمی که باید مورد بحث قرار بگیرد، علوم مربوط به نفی سبیل و علوم مربوط به مدیریت تسلط دشمن بر کشور ماست. دو فرض وجود دارد؛ یا دشمن بر یک جامعه مسلط است و آن جامعه می‌خواهد امور خودش را اداره کند؛ یا یک جامعه دشمن را دور کرده است و حالا می‌خواهد امور خودش را اداره کند. فرض دوم، فرض آسان‌تری است؛ اگر دشمن بر ما مسلط شد، جناح چپ و راست، زن و مرد، کوچک و بزرگ نمی‌شناسد. همه باید راجع به اینکه چگونه نفی سبیل ایجاد کنیم مباحثه کنیم، چگونه جلوی تسلط دشمن را بگیریم؛ این هم جزء علوم مورد نیاز جامعه‌ی ما هست.

۴/۴. علم نفی سبیل و مدیریت تسلط دشمن بر کشور؛ دسته چهارم علوم مورد نیاز برای بهینه روابط انسانی

این یک شعار سیاسی نیست که شما می‌گویید ما باید با استکبار مقابله کنیم؛ این یک بحث علمی است. استکبار از کبر می‌آید، کبر هم عامل برهم‌زننده‌ی روابط انسانی است. اگر شما اجازه دادید یک فرد مستکبر بر جامعه‌ی شما مسلط شود، روابط انسانی جامعه‌تان به چالش کشیده می‌شود. این یک بحث علمی بود که امام مطرح کرد. بعضی چون اغراض خاص دارند می‌خواهند این بحث علمی را به یک شعار سیاسی بی‌محتوا تبدیل کنند. خود شما در همین روابط فردی‌تان باید با تکبر مقابله کنید؛ روایت می‌فرماید: «التَّكْبُرُ مَعَ الْمُتَكَبِّرِ عِبَادَةٌ»،<sup>۱۱</sup> می‌فرماید در همین جامعه اسلامی و بین همین مؤمنین اگر یکی تکبر ورزید، مقابل او تکبر بورزید تا او تعدیل شود، این عبادت است. در مقابل آدم متکبر تواضع نکنید، زیرا تکبرش را گسترش می‌دهد. تکبر اگر به وجود آمد، روابط انسانی از بین می‌رود. تکبر یعنی من برتر از شما هستم، خب این حرف، حرف زور است، خداوند متعال همه ما را مساوی خلق کرده است؛ همانطور که تو بنده خدایی من هم بنده خدا هستم، روابط باید بر مبنای تواضع باشد. لذا وقتی می‌گوییم نفی سبیل باید موضوع بحث باشد، برای این است که اگر نفی سبیل نباشد، دشمن متکبر مسلط می‌شود و همه چیز ما را به چالش می‌کشد.<sup>۱۲</sup> حالا چه خوب است همه ما درباره این مسائل بحث کنیم. آینده‌ای را ببینید که فرزندان ما علم نفی سبیل دارند، یعنی علم مقابله با فرد متکبر دارند؛ هم زندگی فردی‌شان و هم زندگی حکومتی‌شان بهتر از وضعیت ما خواهد شد.

۴/۴/۱. تبیین تمثیلی به چالش کشیده شدن روابط انسانی در صورت عدم مقابله با مستکبر و عدم نفی سبیل

۱۱. قال رسول الله ﷺ: «تَكْبَرُوا مَعَ الْمُتَكَبِّرِينَ فَإِنَّ التَّكْبُرَ مَعَ الْمُتَكَبِّرِينَ عِبَادَةٌ»

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «با متکبران متکبرانه رفتار کنید که تکبر با متکبران عبادت است.»

تحریر المواعظ العددیه، ص ۱۷۱-۱۷۲

۱۲. دیدید دشمن متکبر چه بلایی بر سر دولت آقای روحانی آورد؟ دولت آقای روحانی کم نرمش نشان داد؟ کم امتیاز داد؟ آخرش چه شد؟ آخرش این شد که آب دهان ریختند به برجام. این یک بحث قرآنی بود؛ شما با هر متکبری در هر دوره تاریخی قرارداد ببندید آن فرد متکبر وقتی خرس از پل گذشت نقض عهد می‌کند. قرآن اینطور می‌فرماید: «فَقَاتِلُوا أَلِيَّةَ الْكُفْرِ»؛ بعد استدلالش این است می‌فرماید: «لَا أَيْمَانَ لَهُمْ»؛ (سوره مبارکه توبه، آیه ۱۲) عهد و قرار و قرارداد سرش نمی‌شود و رعایت نمی‌کند. وقتی کسی عهد و قرار و قرارداد سرش نمی‌شود نباید با او رابطه برقرار کرد. این تجربه برجام، برای ما تجربه خیلی خوبی بود؛ برجام به ما نشان داد باید روابط خارجی‌مان را براساس سوره «توبه» و بر اساس سوره کافرون تنظیم کنیم نه بر اساس نظریه سیاست خارجه توسعه‌گرا. البته همان موقع بنده به جنای آقای ظریف پیغام دادم و عرض کردم -خاضعانه و خاشعانه و دوستانه بود، بحث سیاسی نداشتیم؛ بنده ذی‌نفع نیستم که عضو فلان جناح یا فلان جناح باشم، نه نماینده مجلسم، نه مسئول دولتی به معنای مصطلح‌اش - بنده نامه‌هایم هست که همان موقع به بعضی مسئولین نوشتم که وقتی شما بر اساس این نظریه حرکت می‌کنید چون این نظریه غیرواقعی است و مثلاً این مسئله خاص را در نظر نگرفته است لذا کشور دچار مشکل می‌شود.

خب من دیگر چون وقت تمام شده است، بقیه ابواب را فقط نام می‌برم؛ ما نیاز داریم به علوم مربوط به نظم اجتماعی، این را باید مباحثه کنیم. نظم و نظام اگر نباشد، جامعه به چالش کشیده می‌شود.

ما به علوم مربوط به انتخاب مسئول یا به تعبیر روایت «معرفة الإمام» نیاز داریم؛<sup>۱۳</sup> اگر کسی علم انتخاب امام را نداشته باشد، زندگی‌اش به چالش کشیده می‌شود؛ نفرماید امام فقط به درد آخرت می‌خورد نه، امام، اول به درد همین دنیا می‌خورد. می‌دانید که امام چه کار می‌کند؟ به آدم ایده می‌دهد؛ ما انسان بدون امام نداریم، همه‌ی آدم‌ها دارای امامند. زندگی فردی خودتان را مرور کنید، از یک نفر ایده گرفتید که الآن اینجا هستید. یک نفر به شما الهام و الگو داده است. ما هیچ آدمی نداریم مگر اینکه او دارای امام است. خب پس بهتر است با همه انسان‌ها بحث کنیم که امام‌شان را غلط انتخاب نکنند؛ اگر ما امامان را غلط انتخاب کنیم، زندگی‌مان به چالش کشیده می‌شود.

مسئله بیان هم جزء زیرساخت‌های تنظیم روابط انسانی است؛ نوع حرف زدن خیلی مسئله مهمی است، مردم باید علمش را یاد بگیرند. بعضی آسان‌ترین مطالب را جوری می‌گویند که شما فکر می‌کنید خیلی مسئله سخت و بغرنجی است. بعضی هنر دارند و پیچیده‌ترین مطالب را چنان آسان می‌کنند که شما می‌توانید رشد پیدا کنید. مسئله بیان مبتنی بر ظرفیت<sup>۱۴</sup> و قواعدش یکی از علوم مورد نیاز همه‌ی انسان‌هاست. خیلی از این دعوای درون خانواده، دعوای بین پدر و مادر و فرزندان بخاطر بیان نامناسب است. علم اینکه «چطور باید صحبت کرد؟» باید آموزش داده شود.

در نهایت شاخصه‌های ارزیابی است که مجموعه علوم مرتبط با آن باید آموزش داده‌شود. فرضاً می‌خواهیم خانه بخیریم خب چگونه خانه بخیریم؟ در حدیث آمده است: «الجار ثَمَّ الدار»؛<sup>۱۵</sup> اول برو همسایه‌ات را ببین! هرکس خواست خانه بخرد، اول برای دیدن خود خانه را نرود، بلکه اول همسایه‌اش را ببیند. چرا؟ چون خانه محل آسایش است و همسایه‌ی بد آسایش را از آدم می‌گیرد. برای خرید خانه شاخص بیان شده‌است! به عنوان مثال، یک مردی آمده است خواستگاری دختر شما؛ خواهان گرامی، خواستگار برایتان آمده به او بله بگویید یا نه؟ شاخصه‌اش چیست؟ حضرت فرمود: «اگر دین داشت و اخلاقش خوب بود اجابتش کنید.»<sup>۱۶</sup> شاخص را دو چیز قرار دهید، دین

۱۳. باب روایات معرفة الامام و الزد علیه، ر.ک: الکافی ج ۱، ص ۱۸۰ - ۱۸۵

۱۴. بیان مبتنی بر ظرفیت یکی از ابواب نه‌گانه فقه‌البیان است که در دهه اول محرم سال ۱۳۹۶ در دوره فقه‌البیان در مدرسه چهارباغ اصفهان تشریح گردید.

۱۵. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُكَايَةَ التَّمِيمِيِّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْفَهْرِيِّ عَنْ أَبِي عَمْرٍو الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ أَرْمَضَنِي اخْتِلَافُ الشَّيْعَةِ فِي مَذَاهِبِهَا فَقَالَ يَا جَابِرُ أَلَمْ أَفُكْ عَلَى مَعْنَى اخْتِلَافِهِمْ مِنْ أَيْنَ اخْتَلَفُوا وَمِنْ أَيِّ جِهَةٍ تَفَرَّقُوا قُلْتُ بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ فَلَا تَخْتَلِفْ إِذَا اخْتَلَفُوا يَا جَابِرُ إِنَّ الْجَاهِدَ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ كَالْجَاهِدِ لِرَسُولِ اللَّهِ ص فِي أَيَّامِهِ يَا جَابِرُ اسْمَعْ وَعَ قُلْتُ إِذَا سَمِعْتَ قَالَ اسْمَعْ وَعَ وَبَلَغَ حَيْثُ انْتَهَتْ بِكَ رَاحِلَتُكَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حَظَبَ النَّاسَ بِالْمَدِينَةِ بَعْدَ سَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنْ وَقَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ ذَلِكَ حِينَ قَرَعَ مِنْ جَمْعِ الْقُرْآنِ وَ تَأْلِيْفِهِ فَقَالَ ... سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ.

امام باقر علیه السلام فرمودند: ... امیرالمؤمنین علیه السلام هفت روز بعد از فوت پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم در مدینه خطابه کردند و این زمانی بود که از جمع‌آوری قرآن و تألیف آن فارغ شده بودند. پس به مردم فرمودند: ... قبل از مسافرت رفیق و همسر پیدا کن و قبل از خرید خانه همسایه‌ات را بشناس.

الکافی، ج ۸، ص ۱۸ - ۲۴

۱۶. وَ يَأْتِنَادُهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «إِذَا جَاءَكُمُ مِنْ تَرَضُّونَ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ يَخْطُبُ إِلَيْكُمْ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَعَلَّمُوا تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادَ عَرِيضٍ.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه کسی به خواستگاری [دخترتان] آمد که از دین و امانتداری او خرسند بودید، به او زن بدهید که اگر نکند در زمین آشوب و تباهی‌ای گسترده پدید می‌آید.

الأمالی (للطوسی)، ج ۱، ص ۵۱۹

و اخلاق خوب. برای همه چیز شاخص گفته شده است. سر هر دوراهی که قرار می‌گیریم شاخصه‌اش در دین هست! این شاخصه‌ها را باید بحث کنیم تا بعداً زندگی‌مان خوب شود، این جزء علوم مهم است.

همه‌ی شما صدها تصمیم در زندگیتان گرفتید که بعضی از آن‌ها خیلی مهم بوده است. بر اساس چه شاخصی تصمیم گرفتید؟ بعضی‌هایمان بر اساس شاخصه‌های غلط. لذا علم شاخصه‌ها باید در آموزش و پرورش تدریس شود. اهل بیت علیهم‌السلام و انبیاء علیهم‌السلام همه‌ی ما را دعوت کرده‌اند به اینکه از وضعیت شر خارج شویم و به وضعیت خیر داخل شویم. همه‌ی آدم‌ها دوست دارند اهل شر نباشند، اهل خیر باشند. خوب از کجا بفهمیم الآن اهل خیر هستیم؟ از کجا بفهمیم؟ این یک سؤال مهم است. مثلاً من الآن ادعا می‌کنم و می‌گویم اهل خیر هستم. از کجا بفهمم توهم نزده‌ام و اشتباه نکردم؟ چون نفس انسان میل به تنزیه و تمجید دارد، همه‌ی ما خودمان را در طایفه خیر می‌بینیم. همیشه فکر می‌کنیم مشکل در دیگران است و ما مشکل نداریم!

حالا اهل بیت علیهم‌السلام یک باب روایت بحث کرده‌اند تحت عنوان باب روایت «من أراد الله بعبد خيراً»، اینکه خدا به چه کسی خیر داده است را بحث کرده‌اند. اگر دیدید آن‌ها در شما هست، خدا به شما خیر داده است؛ اما اگر دیدید آن شاخصه‌ها در شما نیست، پناه ببرید به خدا و خودتان را اصلاح کنید.

من یکی از آن‌ها را بخوانم؛ «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ، وَ زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا، وَ بَصَّرَهُ بِعُيُوبِ نَفْسِهِ»؛<sup>۱۷</sup> این روایت سه شاخص را بحث کرده است. خدا به کسی خیر داده است که برای تفقه در دینش، وقت بگذارد. اگر دیدید برای تفقه در دین وقت نمی‌گذارید، دخول در خیر در شما اتفاق نیافتاده است. اگر دیدید فرزندان وقت یادگیری دین ندارند، دخول در خیر برایش اتفاق نیافتاده است. اولین شرط دخول در خیر تفقه در دین است، «زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا»؛ دومین شرط دخول در خیر عدم چسبندگی به دنیاست. اگر من عمامه بر سرم بود، اما در کاخ شاه سابق دفتر داشتم؛ این علامت دخول در شر است، عمامه‌ی بر سر که علامت دخول در خیر نیست. حضرت می‌فرماید: زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا، علامت خیر این است که زاهدانه زندگی می‌کند، این علامت خیر است. آن مسئول اشرافی، دخول در شر کرده است، ما این‌ها را بحث نمی‌کنیم. «بَصَّرَهُ بِعُيُوبِ نَفْسِهِ»؛ کسی که دخول در خیر دارد وقتی یک اشکالی در جامعه بین خودش و دیگری به وجود می‌آید می‌گوید: عیب از من است نه از طرف مقابل. یک مؤمن اول خودش را متهم می‌کند! «بَصَّرَهُ بِعُيُوبِ نَفْسِهِ». اگر دیدید

۱۷. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الطُّوسِيِّ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا رَجَاءُ بْنُ يَحْيَى بْنِ الْخَسَنِ الْعَبْرَتَانِيُّ الْكَانِبِ سَنَةَ أَرْبَعٍ عَشْرَةَ وَ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ فِيهَا مَاتَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ شُمُونَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمُّ، عَنْ الْمُضَلِّ بْنِ نِسَارٍ، عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي دُبَيْهِ الْهَنْبَائِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو حَزَبِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ الدُّؤَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ أَبِي الْأَسْوَدِ، قَالَ: قَدِمْتُ الرَّيْذَةَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي ذَرٍّ جُنْدَبِ بْنِ جُنَادَةَ فَحَدَّثَنِي أَبُو ذَرٍّ، قَالَ: دَخَلْتُ ذَاتَ يَوْمٍ فِي صَدْرِ نَهَارِهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) فِي مَسْجِدِهِ، فَلَمْ أَرْ فِي الْمَسْجِدِ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) وَ عَلِيَّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى جَانِبِهِ جَالِسًا، فَاعْتَمَمْتُ حُلْوَةَ الْمَسْجِدِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي أَوْصِنِي بِوَصِيَّةٍ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهَا. فَقَالَ: ... يَا أَبَا ذَرٍّ، إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَقَهَّهُ فِي الدِّينِ، وَ زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا، وَ بَصَّرَهُ بِعُيُوبِ نَفْسِهِ

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای اباذر هرگاه خداوند متعال برای بنده‌ای خیر بخواهد او را در دین خود فقیه کرده و او را در دنیا زاهد می‌کند و عیوب خودش را به او می‌نمایاند. همان، ص ۵۲۵ تا ۵۲۶»

عیب‌های نفس خودتان را می‌شناسید دخول در خیر دارید! خب این علوم لازم است؛ این هم دسته نهم علوم که عرض کردم. بنابراین بحث من تقریباً واضح شد.

آن برادر معلم‌مان پیغام داده بود که دقیقاً علمی که منجر به تنظیم روابط انسانی می‌شود کدام دسته از علوم هستند؟ عرض کردم امشب حداقل نه دسته علم که ما باید در نظام آموزش و پرورش‌مان محل بحث قرار دهیم را بیان کردیم تا ان‌شاء‌الله روابط انسانی‌مان بهینه شود. من می‌خواستم اشکال سوم به نظام آموزش و پرورش‌مان را بحث کنم؛ این اشکال همان اشکالی بود که عرض کردم مبنی بر اینکه نظام آموزش و پرورش قدرت تحریک فکر ندارد. چون این سؤالات را پرسیده بودند، مصلحت دانستم ابتدا این سؤالات را پاسخ بدهم. ان‌شاء‌الله فردا شب اشکال سوم نظام آموزش و پرورش یعنی اشکال روش تدریس و تدارسی که در نظام آموزش و پرورش هست را بحث می‌کنم و ان‌شاء‌الله از شب‌های بعد الگوی جایگزین خودمان را مطرح خواهم کرد.

والحمد لله رب العالمین

## پیوست‌ها

### پیوست شماره ۱: اجمالی از زندگی سلمان خان رکن‌الملک شیرازی اصفهانی

سلیمان خان رکن‌الملک شیرازی اصفهانی (۱۲۱۷ شیراز - ۱۲۹۲ اصفهان) نایب‌الحکومه شهر اصفهان و نیز فردی شاعر و فاضل بوده است. او از سلسله خلف‌بیگی فارس و از نوادگان خلف‌بیگ طالش، از معاصران شاه اسماعیل صفوی، شمرده می‌شد. اجداد او در دوران صفویه حکومت فارس را در دست داشتند و یکی از اجداد او به نام امام‌وردی بیگ به سال ۱۰۹۲ قمری مسجد عتیق شیراز را مرمت کرده بود. [۱] او همچنین بانی تکیه محمد جعفرآبادی و نیز مسجد رکن‌الملک در تخت فولاد اصفهان است. آرامگاه او نیز در همین مسجد قرار دارد. [۲]

وی همچنین طی یک اقدام بدیع و به منظور مبارزه با سلطه اقتصادی بیگانگان در اواسط جمادی‌الاول ۱۳۲۴ و در آستانه مهاجرت علمای تهران به قم (مهاجرت کبری) [۳]، به همراهی ۱۴ نفر از علمای طراز اول اصفهان [۴] از جمله آقا نجفی اصفهانی، حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی، آیت‌الله محمدحسین فشارکی، ابوالقاسم دهکردی، شیخ مرتضی ریزی، میرزا محمدتقی مدرس، سیدمحمدباقر بروجردی، میرزا محمد مهدی جویباری، میرزا ابوالقاسم زنجانی، آقامحمدجواد قزوینی موارد زیر را متعهد می‌شود:

این خدام شریعت مطهره با همراهی جناب رکن‌الملک، متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم که مه‌ما‌مکن بعد ذلک تخلف نماییم، فعلاً ۵ فقره است: اولاً: قبالات و احکام شرعی از شنبه به بعد روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر نموده و اعتراف نمی‌نویسیم. قبالة و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضا نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم؛ ماها به این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانی یا پارچه‌های دیگر ایرانی باشد، متعهد شده‌ایم بر آن میت، ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوه بر آن میت بخواهند ماها را معاف دارند.

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید، که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مه‌ما‌مکن، هر چه بدلی در ایران یافت می‌شود، لباس خودمان را از آن منسوخ نماییم و منسوخ غیرایرانی را نپوشیم و احتیاط نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیرایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم حتی‌المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از منسوخ ایرانی بنماییم. تابعین ماها نیز کذلک و متخلف، توقع احترام از ماها نداشته باشد. آنچه از سابق پوشیده و داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعاً: مهمانی‌ها بعد ذلک ولو اعیانی باشد، چه عامه، چه خاصه، باید مختصر باشد یک پلو و یک خورش و یک افشیره. اگر زاید بر این کسی تکلف دهد، ماها را به محضر خود وعده نگیرد. خودمان نیز به همین روش مهمانی می‌نماییم. هر چه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً: وافوری اهل وافور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم زیرا که آیات باهره: «إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و حدیث «لاضرر و لا ضرر» ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و شغلی آن محسوس و مسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده. بعد از این هر که را فهمیدیم وافوری، به‌نظر توهین و خفت می‌نگریم. [۵]

[۱]. فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۹۱۶

[۲]. حکم نافذ آقاجنقی، ص ۸۸-۹۰

[۳]. همان، ص ۱۸۴

[۴]. تاریخ مشروطیت اصفهان، ص ۲۱۷

[۵]. روزنامه حبل‌المتین کلکته، سال ۱۴، ش ۲۰۹، جمادی‌الثانی ۱۳۲۴



## پیوست شماره ۲: موارد حبس در اسلام

در مجموع آیات و روایات ۲۴ مورد مجازات زندان توصیه شده است، اما در تمام این ۲۴ مورد زندان به عنوان مجازات فرد در نظر گرفته نشده است؛ بلکه در ۳ مورد از آنها زندان، احتیاطی است و در ۱۷ مورد دیگر نیز تعزیری بوده و فقط مدت کوتاهی - حتی کمتر از یک ماه - را شامل می‌شود و در ۴ مورد حکم به زندان به عنوان مجازات بیان شده است که در تمام این ۴ مورد نیز حکم به حبس ابد شده است.

### ۱. ارتداد زن مسلمان

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَرَّازِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ: إِذَا اِزْتَدَّتِ الْمَرْأَةُ عَنِ الْإِسْلَامِ لَمْ تُقْتَلْ وَ لَكِنْ تُحْبَسُ أَبَدًا.

امام باقر علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل کردند که: هرگاه زن از اسلام برگردد کشته نمی‌شود، بلکه به حبس ابد محکوم می‌گردد.

تهذیب الأحکام: ج ۱۰، ص ۱۴۲

### ۲. صدور فرمان قتل شخصی توسط یک نفر

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي رَجُلٍ أَمَرَ رَجُلًا بِقَتْلِ رَجُلٍ فَقَتَلَهُ فَقَالَ يُقْتَلُ بِهِ الَّذِي قَتَلَهُ وَ يُحْبَسُ الْأَمْرُ بِقَتْلِهِ فِي السَّجْنِ حَتَّى يَمُوتَ.

امام باقر علیه السلام درباره مردی که به کسی دستور قتل دیگری را داده و او وی را به قتل رسانیده باشد فرمود: قاتل کشته می‌شود و آن که دستور قتل داده در زندان نگاه داشته می‌شود تا بمیرد.

الکافی، ج ۷، ص ۲۸۵

### ۳. کسی که انسانی را برای قتل نگه دارد تا اینکه دیگری او را بکشد

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ ع عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي رَجُلَيْنِ أَمْسَكَ أَحَدُهُمَا وَ قَتَلَ الْآخَرَ قَالَ يُقْتَلُ الْفَائِلُ وَ يُحْبَسُ الْآخَرُ حَتَّى يَمُوتَ عَمَّا كَانَ حَبَسَهُ عَلَيْهِ حَتَّى مَاتَ عَمًّا.

امام صادق علیه السلام فرمودند: امیرالمؤمنین علیه السلام درباره دو مرد که یکی از آنها شخصی را نگه داشته و دیگری او را کشته است، چنین قضاوت فرمود: قاتل کشته می‌شود و آن دیگری زندانی می‌گردد تا در تنگنا بمیرد؛ همچنان که با نگهداشتن مقتول، موجب مرگ او در تنگنا شده است.

همان، ص ۲۸۷

### ۴. حبس ابد دزد در سومین دزدی

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ الْقَاسِمِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ سَرَقَ فَقَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ أَبِي عَلِيٍّ ع فِي زَمَانِهِ بِرَجُلٍ قَدْ سَرَقَ فَقَطَعَ يَدَهُ ثُمَّ أَتَى بِهِ ثَابِتَةً فَقَطَعَ رِجْلَهُ مِنْ خِلَافِ ثُمَّ أَتَى بِهِ ثَابِتَةً فَخَلَدَهُ فِي السَّجْنِ وَ أَنْفَقَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ وَ قَالَ هَكَذَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا أُخَالِفُهُ.

قاسم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که سرقت کند حد الهی چگونه اجرا می‌شود؟ فرمود: از پدرم علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: سارق را خدمت حضرت علی علیه السلام آوردند. آن حضرت دست راست او را برید. بعد از چندی همان سارق را آوردند که باز هم دزدی کرده بود و آن حضرت پای چپ او را برید. نوبت سوم که به جرم دزدی آوردند، حضرتش او را در زندان مخلد (جاویدان) نمود و از بیت‌المال مسلمانان هزینه او را تأمین کرد، و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره دزد این‌گونه رفتار کرد و من با آن حضرت مخالفت نخواهم کرد.

همان، ص ۲۲۳

### نظام سؤالات

۱. سرفصل اول آموزش و پرورش آینده: محورهای سه‌گانه اشکالات نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟
  - ۱/۱. هدف‌گذاری آموزش و پرورش فعلی چه اشکالی دارد؟
  - ۱/۲. محتوای آموزش و پرورش فعلی دچار چه اشکالی است؟
    - ۱/۲/۱. طبق محتوای فعلی، علوم آموزش و پرورش به چند دسته تقسیم می‌شوند؟
    - ۱/۳. روش تدریس و تدارس در آموزش و پرورش فعلی چه اشکالی دارد؟
۲. سرفصل دوم آموزش و پرورش آینده: ویژگی‌های سه‌گانه آموزش و پرورش آینده چیست؟ (پیشنهادات الگوی پیشرفت اسلامی برای رفع معایب سه‌گانه آموزش و پرورش فعلی چیست؟)
  - ۲/۱. هدف‌گذاری آموزش و پرورش آینده باید چه باشد؟
  - ۲/۲. محتوای آموزش و پرورش مطلوب چه باید باشد؟
    - ۲/۲/۱. طبق محتوای آموزش و پرورش مطلوب، علوم آموزش و پرورش به چند دسته تقسیم می‌شود؟
    - ۲/۳. روش تدریس و تدارس در آموزش و پرورش مطلوب چگونه است؟

## جلسه چهارم

### سوالات جلسه

سرفصل اول آموزش و پرورش آینده: محورهای سه‌گانه اشکالات نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟  
سرفصل دوم آموزش و پرورش آینده: ویژگی‌های سه‌گانه آموزش و پرورش آینده چیست؟

### عنوان جلسه

تحریک تفکر افراد در پنج سطح؛ روش علم‌آموزی در آموزش و پرورش  
مطلوب

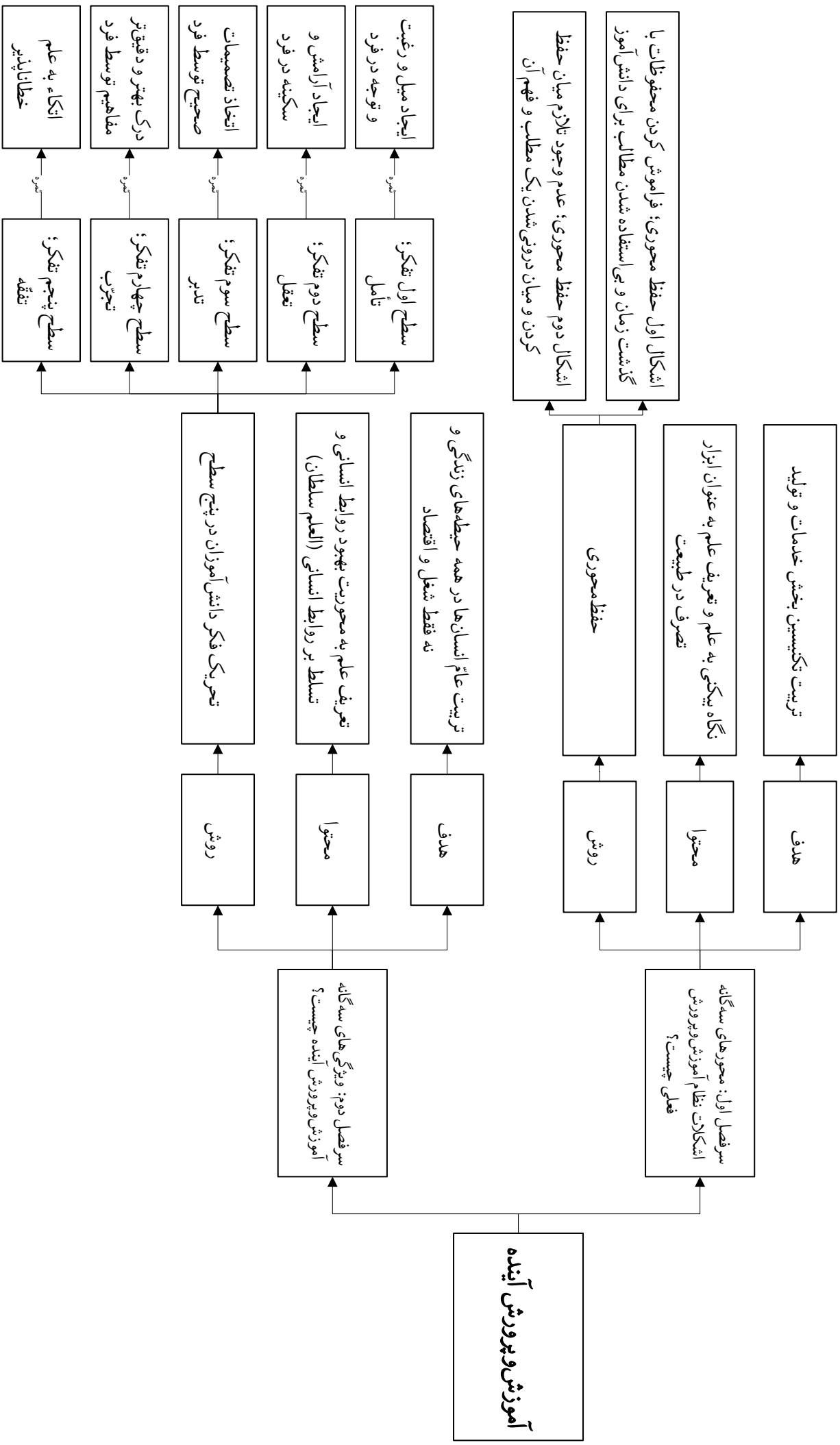
### خلاصه جلسه

در جلسه چهارم از این دوره بحثی نیز به تبیین معایب آموزش و پرورش فعلی و ترسیم ویژگی‌های آموزش و پرورش آینده پرداخته می‌شود؛ در این جلسه محور سوم اشکالات نظام آموزشی فعلی و پیشنهاد جایگزین الگوی پیشرفت اسلامی (یا به عبارت دیگر ویژگی سوم آموزش و پرورش آینده) پرداخته می‌شود.

اشکال سوم نظام آموزش و پرورش فعلی روش مورد استفاده برای تعلیم است که حفظ‌محوری می‌باشد؛ در سیستم فعلی آموزش و پرورش افراد را وادار به حفظ کردن مطالب می‌کنند در حالی که حفظ‌محوری دو عیب بزرگ دارد: ۱. از بین رفتن خلاقیت در دانش‌آموزان ۲. عدم تعمق و فهم مطالب حفظ‌شده.

در مقابل روش حفظ‌محوری، آموزش و پرورش مطلوب بر روی «تحریک فکر» تأکید می‌کند و فکر دانش‌آموزان را در پنج سطح تحریک می‌کند: ۱. تأمل ۲. تعقل ۳. تدبر ۴. تجزب ۵. تفقه.

# تبیین ویژگی‌های آموزش و پرورش آینده و چگونگی حرکت به سمت آن (جلسه چهارم)



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَ الصَّلٰةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا وَ شَفِیْعِنَا فِیْ یَوْمِ الْجَزَاۗءِ اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ الْمَعْصُوْمِیْنَ الْمُكْرَمِیْنَ الْمُتَنْجِبِیْنَ سِیَّمَا بَقِیَّةِ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِیْنَ اَرْوٰحُنَا لِاَمَالِهِ الْفِدَاۗءِ وَ عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرْجَهُ الشَّرِیْفَ وَ اللّعْنُ الدَّائِمُ عَلٰی اَعْدَائِهِ اَعْدَاۗءِ اللّٰهِ .

### ۱. اشتباه در هدف‌گذاری و تدوین محتوا؛ دو مورد از اشکالات نظام آموزش و پرورش فعلی

در شب‌های گذشته دو دسته از اشکالات مهم سیستم آموزش و پرورش کشور را محضرتان بحث کردم؛ عرض کردم نظام آموزش و پرورش، هدف‌گذاری درستی را انتخاب نکرده و به دنبال تربیت همه‌جانبه‌ی انسان برای زندگی نیست؛ همت سیستم آموزش و پرورش فعلی بر روی کاغذ این است که پرورش تکنسین برای بخش خدمات و تولید را به سرانجام برساند.

همچنین از حیث محتوا اشکالی فنی را به سیستم آموزش و پرورش مطرح کردم؛ پرسیدم چرا باید نگاه بیکنی به علم آموزش داده شود؟ نگاه بیکنی به حوزه علم، کارآمدی محدودی دارد و نمی‌تواند همه حوزه‌های زندگی انسان را سامان‌دهی کند. پیشنهاد دادم که نگاهی به علم مبنای آموزش باشد که منجر به تنظیم روابط انسانی شود. امشب ان‌شاء‌الله به اشکال سوم خواهیم پرداخت.

۱/۱. تربیت تکنسین و عدم حرکت به سمت تربیت همه‌جانبه انسان؛ اشکال اول آموزش و پرورش فعلی

۱/۲. حاکمیت نگاه بیکنی به علم و تدوین محتوا متناسب با این نگاه؛ اشکال دوم نظام آموزش و پرورش فعلی

## ۲. استفاده از روش حفظ محوری و عدم حرکت به سمت تحریک فکر دانش‌آموزان؛ اشکال سوم نظام

### آموزش و پرورش فعلی

اشکال سوم، شکل تدریس در نظام آموزش و پرورش است؛ فرض کنید که آن دو اشکال هدفی و محتوایی به سیستم آموزش و پرورش وارد نیست و سیستم آموزش و پرورش ما، هم از حیث هدف‌گذاری و هم از حیث محتوای دروس، در مسیر صحیحی قدم برمی‌دارد؛ ولی قطعاً این اشکال سوم به سیستم آموزش و پرورش وارد است. اشکال سوم چیست؟ اشکال سوم این است که نظام آموزش و پرورش، به جای تحریک تفکر در دانش‌آموز، دانش‌آموز ما را وامی‌دارد که محتوای دروس را حفظ کند.

وقتی شما به جای تحریک فکر، توسعه محفوظات را مبنا قرار می‌دهید، دو اتفاق می‌افتد؛ اولین اتفاق این است که بعد از مدتی مسائلی را که حفظ کرده از حافظه‌اش پاک می‌شود و یادش می‌رود. چه زمانی از یادش می‌رود؟ زمانی که امتحانش را داد و نمره‌اش را گرفت، عمده محفوظات خودش را از خاطر می‌برد.

اشکال دومی که به مسئله حفظ وارد است، این است که حفظ یک مطلب الزاماً باعث درونی‌سازی و فهم یک مسئله نمی‌شود؛ بین حفظ و فهم، فاصله هست. فهم یعنی چه؟ یعنی ابعاد یک مسئله را با دقت بررسی کردن، زوایای مختلف یک مسئله را دیدن. اگر شما یک کتاب درسی را به حفظ گذاشتید، الزاماً این دقت در دانش‌آموز اتفاق نمی‌افتد و او نمی‌تواند مدت‌ها بعد یک استفاده‌ی کاربردی از آموخته‌های خود داشته باشد. بلکه فقط تکرار می‌کند؛ معلم تکرار می‌کند که مثلاً دو ضربدر دو، می‌شود چهار. او هم حفظ می‌کند که دو ضربدر دو می‌شود چهار. در حالی که اگر تفکر باشد، دانش‌آموز می‌پرسد دو ضربدر دو، وقتی چهار می‌شود که واحدها برابر باشند؛ اگر دو واحد برابر ضربدر دو واحد برابر شود، نتیجه می‌شود چهار. اگر واحدها برابر نباشند، نتیجه چهار نمی‌شود؛ بلکه نتیجه یک عدد دیگری می‌شود. ببینید خاصیت حفظ، عدم دقت است، خاصیتش عمیق نشدن است، خاصیتش تقلید است. من یادم می‌آید به اداره‌ی کشاورزی رفته بودم و با یکی از کشاورزهای با سابقه گفتگو می‌کردم و می‌گفتم شما دانشجوهای رشته‌ی کشاورزی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ (ایشان مردی بود که به صورت تجربی کشاورزی می‌کرد و زراعتی داشت و کارش کیفیتی داشت، ولی در سیستم رسمی درس نخوانده بود) او می‌گفت بعضی از این دانشجوها که به اینجا می‌آیند با اینکه اواخر تحصیلشان است تفاوت بین دو بذر را متوجه نیستند؛ این عیب درس خواندن روی کاغذ است، عیب درس خواندن بر مبنای تحفظ است. اما اگر شما مثلاً سر زمین کشاورزی حاضر شوید و در دو فصل کشت همکاری کنید، درکتان از مسئله کشاورزی، یک درک عمیق‌تر می‌شود. فرض کنید مثلاً بنده ساعت‌ها برای انسان‌های مجرد راجع به تنظیم روابط زن و شوهر به صورت نظری بحث کنم و حتی روایاتی را بگویم و مستمعین بنده، این روایات را حفظ کنند؛ خوب این، یک درکی به آنان می‌دهد. ولی وقتی خودشان وارد زندگی مشترک شدند و

۲/۱. از یاد رفتن محفوظات پس از گذشت زمان؛ اشکال اول روش حفظ محوری

۲/۲. عدم وجود ملازمت بین حفظ یک مطلب و درونی‌سازی و فهم آن؛ اشکال دوم روش حفظ محوری

۱. اشاره به مباحث ریاضیات اسلامی که توسط فرهنگستان علوم اسلامی مطرح گردیده است؛ برای مطالعه بیشتر راجع به این موضوع به آدرس زیر مراجعه فرمایید.

یکسال، دوسال زندگی کردند، درکشان از مهارت‌های تنظیم روابط زن و شوهر یک درک پخته‌تر و واقعی‌تر خواهد شد. شاید هزاران کیلومتر بین درک در کتاب و درکی که محصول زندگی است تفاوت وجود دارد. خلاصه‌ی عرض من این است که تکیه بر حفظ، نمی‌تواند خلاقیت ایجاد کند، نمی‌تواند مسائل را در ذهن انسان‌ها پخته کند. یک حدیث از امیرالمؤمنین علیه السلام هست که ایشان اینگونه می‌فرمایند: «فَضْلُ فِكْرٍ وَ تَفْهَمٍ أَنْجَعُ مِنْ فَضْلِ تَكَرُّرٍ وَ دِرَاسَةٍ»؛<sup>۲</sup> می‌فرماید: اینکه شما انسان‌ها را وادار به تفکر کنید، سودمندتر است از اینکه انسان‌ها را به تکرار یک مسئله وادار کنید و برایشان تدریس کنید.

با این توضیحاتی که امروز دادم واضح شد که نظام آموزش و پرورش ما به بلای حفظ، مبتلاست؛ شب امتحان، شب درس خواندن است و وقتی امتحان تمام می‌شود دیگر کسی به آن محتوا توجه نمی‌کند و میلی به پیگیری آن محتوا وجود ندارد. بنابراین الآن، همه می‌توانیم به سابقه نظام آموزشی خودمان رجوع کنیم؛ اکثریت آن چیزی را که در مدرسه یاد گرفتیم، الآن در حافظه ما نیست، برای ما یک نمره و کارنامه مانده است؛ حالا بعضی‌ها کارنامه بهتری داریم، بعضی کارنامه متوسط‌تری و بعضی کارنامه ضعیف‌تری داریم؛ آن کارنامه‌ها هم کارنامه ارزیابی نمره است، کارنامه ارزیابی فهم و فکر نیست.

۲/۳. لزوم تمرکز سیستم آموزش و پرورش بر روی تحریک فکر در عوض حفظ محوری

خب پس این، اصل اشکال سوم است؛ وقتی داریم نظام آموزشی راه می‌اندازیم، نظام آموزشی باید قدرت تحریک فکر داشته باشد، نباید بنای آن بر محفوظات باشد؛ این سیستمی که آقایان درست کردند مبنی بر اینکه باید دوبار در سال امتحان بدهید، به معنای این است که حفظ، مسئله مهمی است. اگر بخواهیم به سمت فهم برویم، شاید لازم نیست به این شکل امتحان بگیریم و به این شکل ارزیابی کنیم، ارزیابی‌های مان باید تفاوت پیدا کند. خب این اشکال را هم بحث کردم.

### ۳. ترسیم پنج سطح برای تحریک فکر در اسلام

ممکن است یک اشکالی به حرف بنده مطرح شود؛ آن اشکال این است که بعضی قبلاً به بنده گفته‌اند که مثلاً کشورهای حوزه اسکاندیناوی<sup>۳</sup> و کشورهای توسعه‌یافته هم به این سمت حرکت کرده‌اند و نظام آموزش و پرورش آن‌ها، نظام آموزش و پرورش حفظ‌محور نیست، بلکه یک نظام آموزش و پرورش مبتنی بر تحریک فکر است. قبلاً بعضی از آقایان برای بنده در جلساتی که داشتیم گزارش دادند که مثلاً مدارس در کشور آمریکا هست که این مدارس اگر می‌خواهند رشته کشاورزی را آموزش دهند، دانش‌آموزها را به زمین کشاورزی می‌برند و سر صحنه و سر عمل، به آن‌ها آموزش می‌دهند که آبیاری چیست، بذر چیست، کشت چیست، داشت چیست، کیفیت زمین چیست، به صورت تجربی یاد می‌دهند. یا مثلاً در بعضی از نظام‌های آموزشی دیگر، حجم کارگاه و کارهای عملی را بیشتر و کتاب و تدریس را کمتر کردند. بنابراین بعضی‌ها از این نتیجه می‌گیرند که مثلاً نظام

۲. قال علی علیه السلام فَضْلُ فِكْرٍ وَ تَفْهَمٍ أَنْجَعُ مِنْ فَضْلِ تَكَرُّرٍ وَ دِرَاسَةٍ.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: بسیار اندیشیدن و فهمیدن، سودمندتر است از تکرار بسیار و درس گرفتن.

عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۵۹

۳. اسکاندیناوی منطقه‌ای با جزئیات خاص تاریخی و فرهنگی در شمال اروپا و دربرگیرنده سه کشور سوئد، نروژ و دانمارک است. البته گاهی اوقات کشورهای فنلاند، ایسلند و جزایر فارو را نیز به دلیل تناسبات زیاد فرهنگی و تاریخی با این سه اقلیم در زمره کشورهای این منطقه قرار می‌دهند.

آموزش و پرورش ما شبیه کشور ژاپن شود، نظام آموزش و پرورش ما شبیه کشورهای اسکاندیناوی شود.<sup>۴</sup> خب تفاوت بحث ما با این اتفاقی که در کشورهای توسعه یافته افتاده چیست؟ آن‌ها هم که به جای حفظ محوری، تحریک فکر می‌کنند! آن‌ها هم که دارند خلاقیت را گسترش می‌دهند! آیا ما هم منظورمان از تفکر همین نوع از تفکر است؟ یا ما معنای عمیق‌تری از تفکر را مدنظر داریم؟

من اجمالاً عرض کنم - قبلاً در بحث‌های تفصیلی گفتم - که از نظر فکر اسلامی، ما پنج نوع تفکر داریم؛ وقتی ما می‌گوییم شیوه آموزش و پرورش باید مبتنی بر تحریک فکر باشد، مرادمان این ساختار پنج بخشی تفکر است که امشب محضران شرح می‌دهم و منظورمان از تحریک فکر، تحریک فکر پوزیتیویستی و تجربی که در کشورهای توسعه یافته هست، نیست؛ تفکر، از نظر فکر اسلامی یک معنای عمیق دارد که عرض کردم پنج بخش است.

۳/۱. تأمل؛ سطح اول  
تفکر از نگاه اسلامی  
اولین نوع تفکر از نظر فکر اسلامی، تأمل است؛ تأمل یعنی آغاز تفکر. اجازه دهید توضیح دهم تا جا بیافتد و اصطلاحاً در ذهن شما پخته شود.

۳/۱/۱. تبیین تمثیلی  
ایجاد تأمل توسط حضرت ابراهیم علیه السلام  
حضرت ابراهیم علیه السلام، هفده سال‌شان بود که تصمیم گرفتند بت‌خانه زمان خودشان را به چالش بکشند، در سن هفده سالگی. وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام خواستند برای ایجاد چالش برای بت‌خانه زمان خودشان اقدام کنند، باید توجه کنیم که بت‌خانه در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام یک اتاق معمولی نبود که در آن چهار بت گذاشته باشند و حالا حضرت علیه السلام تصمیم گرفته‌اند که در این بت‌خانه را باز کنند و بت‌ها را بشکنند؛ بت‌خانه در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام - به اصطلاح - محور تعادل اجتماعی بود، یعنی همه امور حول بت‌خانه تنظیم می‌شد و اصطلاحاً تعدیل همه بخش‌ها به محوریت بت‌ها اتفاق می‌افتاد.<sup>۵</sup> زمان حضرت ابراهیم علیه السلام این‌طور بود که بت‌خانه محور بود و

۴. همین الآن - داخل پراوتز عرض کنم - در همین ایران - به برکت دولت تدبیر و امید - کتاب‌های بعضی از مدارسی که در ایران هستند از آمریکا می‌آید و به نوعی دارند این حرف‌ها را در کشور اجرا می‌کنند و اگر نبود مخالفت‌های حکیمانه با محتوای سند ۲۰۳۰، چه بسا این‌ها گسترش عمومی پیدا کرده بود.

انتقال از متن

۵. من اگر بخواهم تشبیه کنم باید بگویم که در زمان ما می‌گویند فضای کسب و کار و تولید اصل است؛ تولید را اصل قرار می‌دهند و همه چیز را با تولید، هماهنگ می‌کنند. می‌گوییم می‌خواهیم در آموزش و پرورش تحول ایجاد کنیم، می‌گویند به گونه‌ای تحولی ایجاد کنید که تکنسین بخش خدمات و تولید تربیت شود. می‌گوییم می‌خواهیم قانون خوب بگذاریم، نظام قانون‌گذاری کشور تصمیم‌گرفته است قوانین کشور را تقیح کند و قانون خوب بگذارد؛ می‌گویند قانون خوب، قانونی است که فضای کسب و کار را تسهیل کند. می‌گوییم می‌خواهیم یک نظام قضایی کارآمد داشته باشیم. می‌گویند نظام قضایی کارآمد، نظامی است که از سرمایه‌دارها حمایت کند. در همین روزهای اخیر وزیر محترم اطلاعات یک اشتباهی فرمودند و گفتند اگر ما با مفسدان اقتصادی برخورد کنیم، سرمایه‌دارها امنیت خودشان را از دست می‌دهند (خبرگزاری ایسنا، ۱۶ تیر ۱۳۹۷، کد خبر: ۹۷۰۴۱۶۰۸۸۶۹) البته خوشبختانه این حرف غلط خودشان را تصحیح کردند. در نظام سرمایه‌داری، نباید طوری رفتار کرد که سرمایه‌دارها امنیت خودشان را از دست بدهند. نظام امنیتی و قضایی هم باید خودش را با آن‌ها هماهنگ کند. می‌گوییم رئیس‌جمهور خوب چه رئیس‌جمهوری است؟ می‌گویند رئیس‌جمهور خوب و حکمرانی خوب آن حکومتی است که خدمات آن به تولید و فضای کسب و کار بیشتر باشد. می‌گوییم وزارت خارجه و روابط بین‌الملل خوب چطور باید باشد؟ می‌گویند روابط بین‌المللی که در خدمت بخش تولید باشد. خلاصه در تمدن مدرنیته، تولید را اصل قرار می‌دهند و همه امور را با آن هماهنگ می‌کنند. البته در گوشی بگویم که اتفاقاً آن چیزی هم که به سامان نمی‌رسد - خصوصاً برای طبقه فقیر - مسئله تولید است؛ شعار می‌دهند، دعوت می‌کنند و در همه چیز به نفع تولید تحول ایجاد می‌کنند؛ ولی در آخر می‌بینید بیشترین فاصله طبقاتی هم در کشورهای توسعه یافته است؛ کشور ایالات متحده آمریکا، توسعه یافته‌ترین کشور دنیاست. ولی در این کشور بالای ۵۰ میلیون نفر، کوپن غذای ۱/۵ دلاری می‌گیرند. (<http://yon.ir/266yu>) با آن قیمت‌های سرسام‌آور کشور آمریکا، به درد دو وعده غذایی ساده می‌خورد. روی آن نوشته شده است با این کوپن نمی‌توانید مشروبات الکلی مصرف کنید، نمی‌توانید سیگار مصرف کنید؛ فقط برای دو وعده غذایی است. وقتی یک نفر به کوپن غذای ۱/۵ دلاری احتیاج دارد معنایش چیست؟ معنایش این است که او شغل ندارد. گرچه توسعه یافته‌ترین کشور دنیاست، ولی ۵۰ میلیون نفر از حدود ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت آن شغل ندارند. همه چیز را هماهنگ می‌کنند ولی به نفع سرمایه‌دارها. خب این پراوتز را ببندم.

انتقال از متن



همه چیز با بت‌ها هماهنگ می‌شد؛ در زمان حضرت ابراهیم یک دانشگاهی داشتند که در آن دانشگاه، ستاره‌شناسی و سحر و این‌ها را درس می‌دادند. برای چه منظوری؟ چون از بت‌ها که کاری بر نمی‌آمد و ستاره‌شناس‌ها و کاهن‌ها، از طریق سحر و جادو بعضی از اخبار را پیش‌بینی می‌کردند و می‌گفتند این را بت‌ها به ما گفته‌اند تا بتوانند یک پیش‌بینی‌هایی داشته باشند و یک سری مشکلات را حل کنند؛ علم زمان حضرت ابراهیم علیه السلام حول بت‌خانه تنظیم می‌شد. حکومت زمان حضرت ابراهیم علیه السلام به گونه‌ای تنظیم شده بود که با کاهن‌ها رابطه و تعامل داشت و منافع همدیگر را تأمین می‌کردند؛ کاهن‌ها که در بت‌خانه مشغول بودند، نمود را تأیید می‌کردند، نمود هم نیروهای امنیتی و دستگاه قضایی خودش را در خدمت بت‌خانه قرار داده بود. مشکلات مردم چطور حل می‌شد؟ کاهن‌ها به مردم می‌گفتند برای بت‌خانه قربانی کنید، تا مشکلات‌تان حل شود. تجار چه کار می‌کردند؟ تجار همه در صنایع تولید بت مشغول بودند و تولید بت در آن روزگار رونق داشت. تاریخ نقل کرده است که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۳۶۰ نوع بت وجود داشت.<sup>۶</sup> حال من نمی‌دانم که زمان حضرت ابراهیم علیه السلام تعداد بت‌ها کم‌تر بود یا بیشتر. خب از این ۳۶۰ نوع بت، یک نوع آن را برای داخل بت‌خانه می‌ساختند، یک نوع آن را برای معابر و خیابان‌ها می‌ساختند و برای هر فرد هم یک بت می‌ساختند. بت‌سازی تجارت و صنعت پرسودی بود و صنایع تولید بت رونق داشت. فروش بت هم رونق داشت و در بازارها انواع و اقسام بت‌ها به فروش می‌رسیدند. اینکه عرض می‌کنم تعادل جامعه زمان حضرت ابراهیم علیه السلام حول بت بود، شرح مختصرش این است.

حال یک جوان ۱۷ ساله تصمیم می‌گیرد این نظم اجتماعی را به هم بزند.<sup>۷</sup> دقت کنید که شکستن بت به معنای انجام یک کار ساده نیست؛ یعنی می‌خواهد با دانشگاه دربیافتد، می‌خواهد با سیستم تولید دربیافتد، می‌خواهد با سیستم ترانزیت و تولید و توزیع بت دربیافتد، می‌خواهد با سیستم

۶. ثُمَّ مِنْ طَرِيقِ سُوَيْدٍ، عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا دَخَلَ مَكَّةَ وَجَدَ بِهَا ثَلَاثًا مِائَةً وَسِتِّينَ صَنَمًا، فَأَسَارَ إِلَى كُلِّ صَنَمٍ بَعْضًا وَقَالَ: "جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا فَكَانَ لَا يَنْبَغُ إِلَيَّ صَنَمٌ إِلَّا وَيَسْقُطُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَمْسَهُ بَعْصَاءٌ».

ابن عمر نقل می‌کند که زمانی که پیامبر داخل مکه شد (روز فتح مکه) ۳۶۰ بت در آنجا یافت. پس به هر یک از بت‌ها با عصای خود اشاره می‌کرد و سپس می‌فرمود: حق آمد و باطل از بین رفت، همانا باطل از بین رفتنی است. به هیچ یک از بت‌ها با عصی خود اشاره نمی‌کرد مگر اینکه ساقط می‌شد بدون اینکه عصا به بت برخورد کرده باشد.

البدایة و النهایة، ج ۶، ص ۵۷۰

۷. بنا بر روایتی در کتاب شریف بحار الأنوار آغاز مبارزه حضرت ابراهیم (ع) در سن ۱۳ سالگی بوده و بنا بر کتاب تفسیر ابن وهب المسمى الواضح فی تفسیر القرآن الکریم ایشان در سن ۱۷ سالگی شروع به مبارزه کرده‌اند.

حَتَّى أَتَى لَهُ فِي الْغَارِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ زَارَتْهُ أُمُّهُ فَلَمَّا أَرَادَتْ أَنْ تُقَارِقَهُ تَشَبَّهَتْ بِهَا فَقَالَ يَا أُمَّي أَخْرِجِينِي فَقَالَتْ لَهُ يَا بُنَيَّ إِنَّ الْمَلِكَ إِنْ عَلِمَ أَنَّكَ وُلِدْتَ فِي هَذَا الزَّمَانِ قَتَلَكَ فَلَمَّا خَرَجَتْ أُمُّهُ خَرَجَ مِنَ الْغَارِ وَ قَدْ غَابَتِ الشَّمْسُ نَظَرَ إِلَى الزُّهْرَةِ فِي السَّمَاءِ فَقَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا غَابَتِ الزُّهْرَةُ فَقَالَ لَوْ كَانَ هَذَا رَبِّي مَا تَحَرَّكَ وَ لَا تَبْرَحَ ثُمَّ قَالَ لَا أَحِبُّ الْأَقْلَبِينَ وَ الْأَقْلَبِ الْغَائِبِينَ.

تا آنکه در غار سیزده ساله شد، پس مادر به دیدن او رفت، چون خواست که بیرون آید چنگ در او زد و گفت: ای مادر! مرا بیرون بر. مادر گفت: ای فرزند! اگر پادشاه بداند که تو در این زمان متولد شده‌ای، تو را بکشد. پس چون مادرش بیرون رفت، حضرت ابراهیم خود از غار بیرون آمد و در آن وقت آفتاب فرورفته بود، پس نظرش بر زهره افتاد گفت: این خدای من است، چون زهره فرو رفت گفت: اگر خدای من می‌بود حرکت نمی‌کرد و زایل نمی‌شد و گفت: دوست نمی‌دارم آفلان را، یعنی آن‌ها که غایب می‌شوند. [ترجمه کتاب حیاة القلوب]

بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۹

فَلَمَّا خَرَجَ مِنَ السَّرْبِ وَ جَاءَ إِلَى قَوْمِهِ وَ هُوَ يَوْمَئِذٍ ابْنُ سَبْعِ عَشْرَةَ سِنَةً، نَظَرَ إِلَى السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ فَقَالَ رَبِّي الَّذِي خَلَقَ هَذَا.

زمانی که از غار خارج شد و به سوی قوم خود رفت و او در این زمان هفده ساله بود. به آسمان و زمین نگاه کرد و گفت پروردگار من کسی است که این‌ها را خلق کرده است.

تفسیر ابن وهب المسمى الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۳۳

حکومتی مدافع بت‌خانه دربیافتند و از همه سخت‌تر می‌خواهد با مردمی که فکر می‌کنند مشکلاتشان از طریق بت‌ها حل می‌شود دربیافتند، در حالی که فقط ۱۷ سال دارد. کار را به چه شکل شروع می‌کند؟ به مغازه عمویش آزر می‌رود و مشغول به کار می‌شود؛ عموی حضرت علیه السلام کارگاه تولید بت داشت و بت‌ها را که تولید می‌کرد به جناب ابراهیم علیه السلام می‌گفت این بت‌ها را به بازار ببر. اولین کاری که حضرت علیه السلام کردند تا تحقیری در برابر نظم موجود باشد، این بود که به جای اینکه بت‌ها را با احترام منتقل کنند، طنابی به گردن بت می‌انداختند و بت را به صورت افقی روی زمین می‌کشیدند و می‌بردند.<sup>۸</sup> خب بت را که به این شکل منتقل نمی‌کنند؛ همه در شهر اعتراض می‌کردند، منتها می‌گفتند این یک جوان ۱۷ ساله است و لابد نمی‌داند و برای همین، اقدام به قتلش نمی‌کردند و فقط اعتراض می‌کردند و می‌گفتند برو یاد بگیر و به بزرگ‌تر خودت بگو که چگونگی رفتار با بت‌ها را به تو یاد بدهد.

خلاصه اینکه مدتی حضرت ابراهیم علیه السلام این کار را می‌کردند و سر و صدای همه درآمده بود؛ همه رفتند و به آزر، عموی حضرت علیه السلام، اعتراض کردند که جلوی این برادرزاده‌ات را بگیر. این پسر همه تمدن ما را به چالش کشیده است و به بت‌ها احترام نمی‌گذارد. به ناچار جناب آزر، حضرت ابراهیم علیه السلام را از آن کار برداشت؛ ولی همین مدتی که حضرت علیه السلام بر سر این کار بود، نام حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان یک جوان بی‌ادب مطرح بود و داخل شهر نمرود پیچیده بود که یک جوان پیدا شده است که ادب ندارد، سواد ندارد، علم ندارد و چنین کارهای زشتی را با بت‌خانه انجام می‌دهد؛ حضرت علیه السلام به یک انسان بی‌احترام نسبت به بت‌ها معروف شده بود. این داستان‌ها ادامه پیدا کرد و حضرت ابراهیم علیه السلام چند کار دیگر را هم انجام دادند.

در آن روزگار رسم بود که نمرود روز ملی‌نگهداری بت و معرفی بت برتر را تشکیل می‌داد و جشن ملی داشتند؛ همه مردم در آن جشن شرکت می‌کردند و به کاهن‌های برتر هدایایی داده می‌شد و بت‌های برتر تقدیر می‌شدند و اخبار آینده‌ای که از نجوم به دست آورده بودند اعلام می‌شد و روز خیلی مهمی بود. قرآن نقل می‌کند که جناب آزر به حضرت ابراهیم علیه السلام گفت: «شما هم بیا تا در این جشن شرکت کنیم.» حضرت ابراهیم علیه السلام گفتند: «اعلان بیماری در من هست و من بیمار خواهم شد» و امتناع کردند.<sup>۹</sup> ایشان از فرصت استفاده کردند و آن حرکت تاریخی را انجام دادند و همه

۸. فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مَسْكَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ... وَ كَانَ آزَرُ كَلَّمَا نَظَرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ أَحَبَّهُ حُبًّا شَدِيدًا - وَ كَانَ يَدْفَعُ إِلَيْهِ الْأَصْنَامَ لِيَبْعَهَا كَمَا يَبِيعُ إِخْوَتَهُ، فَكَانَ يُعَلِّقُ فِي أَعْنَاقِهَا الْحُيُوطَ - وَ يَجْرُهَا عَلَى الْأَرْضِ وَ يَقُولُ مَنْ يَشْتَرِي مَا [لَا] يَضُرُّهُ وَ لَا يَنْفَعُهُ - وَ يُعْرِفُهَا فِي الْمَاءِ وَ الْحَمَاءِ، وَ يَقُولُ لَهَا كَلِي وَ اشْرَبِي وَ تَكَلَّمِي، فَذَكَرَ إِخْوَتَهُ ذَلِكَ لِأَيِّهِ فَتَهَاةَ فَلَمْ يَنْتَه - فَحَبَسَهُ فِي مَنْزِلِهِ وَ لَمْ يَدْعُهُ يُخْرَج

امام صادق علیه السلام فرمودند: آزر هر زمان که به ابراهیم نگاه می‌کرد او را شدیداً دوست می‌داشت و بت‌ها را به او می‌سپرد تا آن‌ها را بفروشد، همان گونه که برادرانش آن‌ها را می‌فروختند. او در گردن این بت‌ها نخ می‌بست و بر زمین می‌کشید و می‌گفت: چه کسی چیزی که نه ضرر می‌رساند و نه سود می‌رساند را می‌خرد؟! و آن‌ها را در آب و گل غوطه ور می‌کرد و به آن‌ها می‌گفت: بنوشید و بخورید و سخن بگویید. برادرانش، داستانش را به پدر گفتند و پدر، او را از این کار نهی کرد، ولی ابراهیم گوش نداد. پس او را در خانه زندانی کرده و اجازه نداد خارج شود.

تفسیر قمی، ص ۲۰۶ - ۲۰۸

۹. سوره مبارکه صافات، آیات ۸۸ و ۸۹؛ فَتَنْظَرُ نَظْرَةً فِي النَّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ [چون از او دعوت کردند که شبانه به مراسم عیدشان برود] نگاهی به ستارگان انداخت، و گفت: به راستی من بیمارم.

بت‌ها را شکستند و تبر را روی دوش بت بزرگ گذاشتند. مردم که آمدند، دیدند عجب اتفاقی افتاده است؛ بت‌خانه مرکزی به هم ریخته است، مثل روزگار ما که الآن می‌گوییم تولید فلج شده است و همه چیز به هم ریخته است. خلاصه خبر بیچید و گفتند چه کسی این کار را انجام داده است؟ گفتند: «سَمِعْنَا قَتِي يُقَالُ لَهُ اِبْرَاهِيمُ»؛<sup>۱۰</sup> همه مردم گفتند: «احتمالاً کار همان جوان است که تحقیر می‌کند.»

خلاصه من همه داستان را تعریف نکنم. حضرت ابراهیم علیه السلام را آوردند و از او پرسیدند: «تو بودی؟» فرمودند: «نه، من نبودم، بت بزرگ بوده است، ببینید تبر روی دوش اوست.» بعد از همه اقدامات و طراحی‌هایی که طی چند سال حضرت ابراهیم علیه السلام انجام داده بودند، به اینجا رسید که از حضرت ابراهیم علیه السلام پرسیدند: «آیا شما بت‌ها را شکستی؟» و ایشان فرمودند: «نه، بت بزرگ بوده است.» قرآن در اینجا می‌فرماید: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ»؛ همه آدم‌هایی که صدای حضرت ابراهیم علیه السلام را گوش کردند به درون خودشان رجوع کردند و با خودشان گفتند: «فَقَالُوا إِنَّا كُنَّا مِنَ الظَّالِمِينَ»؛<sup>۱۱</sup> «ابراهیم راست می‌گوید، بت‌ها که قدرت ندارند، توان ندارند، درک ندارند»، رجوع به نفس در آن‌ها اتفاق افتاد.

من همه این داستان را توضیح دادم تا بگویم تأمل به چه معناست. بعضی‌ها در موارد مختلف در مرحله تأمل هستند؛ مثلاً شما جوانی را پیدا می‌کنید که اصلاً حواسش نیست و توجهی ندارد. شما باید یک فرایندی را طی کنید تا در او تأمل ایجاد کنید، این خود یک نوع فکر کردن است. تا زمانی که در او رجوع به نفس اتفاق نیافتد، به قول عرفا یقظه در او اتفاق نیافتد و بیدار نشود، شما نمی‌توانید مراحل بعدی فکر را جلو ببرید.

حال حتماً کسی در درونش می‌پرسد: «خب این بحث به چه درد آموزش و پرورش می‌خورد؟ شما یک داستانی سر منبر گفتید و رفتید، این به چه درد نظام آموزشی می‌خورد؟» می‌گویم: اگر نظام آموزش و پرورش ما بخواهد تحریک فکر ایجاد کند، باید روش ایجاد تأمل را بلد باشد؛ یعنی باید بتواند تک‌تک دانش‌آموزان را از حالت غفلت و عدم فکر به حالت تأمل و فکر اولیه منتقل کند. اگر این کار را نکند چه اتفاقی می‌افتد؟ آن دانش‌آموز تا آخر کار با شما بی‌ربط می‌آید، چون در او تأمل ایجاد نشده است. انسان‌ها وقتی وارد نظام آموزش و پرورش می‌شوند، نمی‌دانند آینده یعنی چه، نمی‌دانند درس یعنی چه، نمی‌دانند بحث یعنی چه. شما همه اولاد دارید؛ بچه‌ها در چه فضایی هستند؟ در فضای نوجوانی و شیطنت‌ها و بازی‌های خودشان هستند. ما باید روش‌هایی را بحث

۱۰. سوره مبارکه انبیاء، آیات ۵۷ تا ۶۰؛ وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ فَجَعَلْنَاهُمْ جُدَادًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِالْهَيْتَانِ إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ قَالُوا سَمِعْنَا قَتِي يُدَّكِّرُهُمْ يُقَالُ لَهُ اِبْرَاهِيمُ

سوگند به خدا پس از آنکه [به بتخانه] پشت کردید و رفتید، درباره بت‌های بتان تدبیری خواهیم کرد. پس [همه] بت‌ها را قطعه‌قطعه کرد و شکست مگر بت بزرگشان را که [برای درک نتوانی بت‌ها] به آن مراجعه کنند. [چون به بتخانه آمدند، با شگفتی] گفتند: چه کسی این کار را با معبودانمان انجام داده است؟ به یقین او از ستمکاران است. گفتند: از جوانی شنیدیم که از بتان ما [به عنوان عناصری بی‌اثر و بی‌اختیار] یاد می‌کرد که به او ابراهیم می‌گویند.

۱۱. سوره مبارکه انبیاء، ۶۲ تا ۶۴؛ قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتَانِ يَا اِبْرَاهِيمُ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَتَطَفَّؤْنَ فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّا كُنَّا مِنَ الظَّالِمِينَ گفتند: ای ابراهیم! آیا تو با معبودان ما چنین کرده‌ای؟ گفت: بلکه [سالم ماندن بزرگشان نشان می‌دهد که] بزرگشان این کار را انجام داده است؛ پس اگر سخن می‌گویند، از خودشان بپرسید. پس آنان [با تفکر و تأمل] به خود آمدند و گفتند: شما خودتان [با پرستیدن این موجودات بی‌اثر و بی‌اختیار] ستمکارید [نه ابراهیم].

کنیم تا آن‌ها را متوجه بعضی از مسائل کنیم. ما در فقه اسلامی به روش‌های این کار، روش ایجاد تأمل می‌گوییم؛ اگر نتوانید طرف مقابل خودتان را به فکر فرو ببرید، اصلاً فکر کردن آغاز نمی‌شود تا بعد فکر را تعمیق کنید. لذا دلیل اینکه خیلی‌ها در نظام آموزش و پرورش رشد نمی‌کنند این است که معلمشان قدرت ایجاد تأمل در آن‌ها را ندارد. چرا قدرت ایجاد تأمل در آن‌ها را ندارد؟ چون اصلاً در پوزیتیویست،<sup>۱۲</sup> قواعد ایجاد تأمل را بحث نمی‌کنند یا به صورت بسیار ضعیف شده در علوم تربیتی غرب بحث می‌کنند. پس این خودش یک روش و یک مرحله است. به هر آدمی که رسیدید و خواستید مطلبی را مطرح کنید باید روش ایجاد تأمل را بلد باشید.

یک مثال دیگر بزنم: زن و شوهری زندگی خودشان را آغاز می‌کنند؛ مرد می‌خواهد یکسری مسائل را مبنا و محور نظم زندگی خود قرار دهد، دو راه پیش رو دارد: یا باید جبر کند و قانون بگذارد و از توان و غلبه جسمی خود استفاده کرده و کار را جلو ببرد. خب این باعث می‌شود لجبازی در همسر و فرزندان گسترش پیدا کند؛ چنین مردی به میانسالی که می‌رسد، همسر و فرزندان علی‌ه او کودتای نرم می‌کنند و هیچ کاری هم نمی‌تواند بکند. کافی است که به خانم‌ها زور بگویید، خانم‌ها می‌گذارند وقتی بچه‌ها متولد شدند علی‌ه شما اپوزوسیون<sup>۱۳</sup> تشکیل می‌دهند و مادرها به دلیل محبت، بر فرزندان تسلط دارند. راه جبر، راه خوبی نیست و باید در همسران تأمل ایجاد کنید و او را به فکر فرو ببرید. باید برای او توضیح دهید که چرا می‌گویید این باید مبناي زندگی مان باشد. اگر توانستید تأمل ایجاد کنید، حتی وقتی در دنیا هم نباشید آن راه و رسم شما ادامه پیدا می‌کند؛ روش ایجاد تأمل در همه‌ی زندگی به درد می‌خورد.

۳/۱/۳. تبیین تأثیر ایجاد تأمل در مدیریت زندگی شخصی و فردی

خب قرآن شریف در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام روش ایجاد تأمل را توضیح داده است. می‌توانید به این آیات اینطور نگاه کنید و بگویید ما آیات حضرت ابراهیم علیه السلام را بحث می‌کنیم تا متوجه شویم که چطور یک جوان ۱۷ ساله یک تمدن را به فکر فرو می‌برد؟ قرآن نمی‌گوید فَرَجَ نَمْرُودَ إِلَى نَفْسِهِ، بلکه می‌گوید: «فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ»؛ همه مردم آن شهر به فکر فرو رفتند، یک جوان ۱۷ ساله این کار را کرد. برای همین است که حضرت ابراهیم علیه السلام امام ماست؛ به ما گفتند: «حضرت ابراهیم علیه السلام، امام شما شیعیان هست». <sup>۱۴</sup> چرا امام ماست؟ چون حضرت ابراهیم علیه السلام قدرت تحریک فکر دارد.

۱۲. این دیدگاه با تکیه بر تجربه به عنوان تنها منبع معرفت بر تفکر استقرائی به جای قیاسی تأکید می‌کرد. به نظر پیروان این مکتب، علوم طبیعی برای دستیابی به دانش و شناخت واقعی باید فقط در راه مشاهده و تجربه گام بردارد و علوم اجتماعی نیز باید علوم طبیعی را الگو قرار داده و تنها به تشریح و تحلیل یافته‌های تجربی بپردازد. [۱]

تجربه‌گرایی در تبیین رابطه پدیده‌های مادی، به جای جستجو از علل متافیزیکی در کنار علل مادی، صرفاً به علل مادی پرداخته و به همین دلیل روش آن را در تبیین ماتریالیسم متدولوژیک نام نهاده‌اند. [۲]

[۱] کدوکاواها و پنداشته‌ها، ص ۳۷ و ۳۸

[۲] سنت‌گرایی، مجله نقد و نظر، ص ۶۸

۱۳. گروه مخالف اپوزیسیون در اصطلاح سیاست به مجموعه افراد و نهادهای مخالف اصل نظام سیاسی گفته می‌شود که در صدد براندازی نظام حاکم می‌باشند.

۱۴. آیه ۱۲۴ سوره مبارکه بقره: وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا تَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛ و [یاد کنید] هنگامی که ابراهیم را پروردگارش به اموری [دشوار و سخت] آزمایش کرد، پس او همه را به طور کامل به انجام رسانید، پروردگارش [به خاطر شایستگی و لیاقت او] فرمود: من تو را برای همه مردم پیشوا و امام قرار دادم. ابراهیم گفت: و از دودمانم [نیز پیشوایانی برگزین]. [پروردگارش] فرمود: پیمان من [که امامت و پیشوایی است] به ستمکاران نمی‌رسد.

الآن هم اگر ما مشکلی داریم به خاطر این است که نمی‌توانیم تحریک فکر را در جوانانمان ایجاد کنیم؛ آن‌ها کار خودشان را می‌کنند و ما هم کار خودمان را می‌کنیم.

پس یک نوع از تفکر، تأمل و روش ایجاد تأمل است. خیلی مهم است که شما بتوانید در آدم‌ها رجوع به نفس ایجاد کنید. پای منبر شما که می‌نشینند، به فکر فرو می‌روند یا نه؟ اگر به فکر فرو نروند منبر شما منبر خوبی نبوده است، ولو اینکه حرف‌های خوبی زده باشید. شما باید بتوانید آدم‌ها را به فکر فرو ببرید؛ این برای همه ما لازم است، فکر نکنید این حرف، حرفی است مانند سایر حرف‌ها. اگر نتوانید طرف مقابلتان را به فکر فرو ببرید، نفوذ کلمه و سلطانتان - که دیشب عرض کردم- را از دست می‌دهید. خب این یک نوع از فکر کردن است.

نوع دیگر فکر کردن در فقه اسلامی تعقل است؛ این نوع فکر کردن خیلی مهم است و آثار فراوانی دارد. تعقل یعنی چه؟ **تعقل یعنی نسبت بین همه امور و خدا را دیدن.** ما در زندگی مان و در عالم با امور و اشیاء مختلفی روبه‌رو هستیم؛ درخت‌ها را، انسان‌ها را، آب و هوا را، خانه را، فرش را، اقتصاد کشور را، سیاست کشور را می‌بینیم، به آسمان و کوه‌ها نگاه می‌کنیم و همه اموری که شما در زندگی با آن‌ها برخورد می‌کنید. بعضی فقط خود این امور را می‌بینند و بس. بعضی نسبت این امور را با خدا می‌بینند و وارد بحث می‌شوند، این خود یک نوع فکر کردن است.

۳/۲. تعقل (سنجش نسبت بین همه امور و خداوند)؛ سطح دوم تفکر از نگاه اسلامی

کسی را در حوزه علمیه قم می‌شناسم که وقتی به انواع و اقسام درخت‌ها نگاه می‌کند برای شما توضیح می‌دهد که این درخت‌ها ذیل چه اسمی از اسماء خداوند خلق شده‌اند و کارشان در عالم چه تفاوتی با سایر درخت‌ها دارد. مثلاً توضیح می‌دهد که درخت بید مجنون - که شاخه‌ها و برگ‌های آن افتاده است - به دلیل این المان‌ها و علائم، ذیل فلان اسم خلق شده است. درخت کاج را هم توضیح می‌دهد و می‌گوید این هم ذیل فلان اسم خلق شده است، می‌تواند توضیح دهد. بعضی‌ها چنین قدرت تفکری دارند و نسبت بین همه امور و خدا را توضیح می‌دهند، یک اتفاق که می‌افتد دست خدا را در آن می‌بینند. ولی بعضی‌ها اینطور نیستند و فقط خود اتفاق را توضیح می‌دهند. مثلاً خرمشهر آزاد شده بود و به امام خبر دادند. امام در اولین سخنرانی امام گفت: «خرمشهر را خدا آزاد کرد.» بعد توضیح دادند که چه اتفاقی افتاد که ما می‌گوییم خرمشهر را خدا آزاد کرد. رسانه‌های خارجی و رسانه‌های عربی هم خبر آن را پخش کردند و گفتند: «شهر خرمشهر آزاد شد.» در مورد همه امور به همین شکل است. به بعضی‌ها «العقل ما عُبدَ بِهِ الرَّحْمَنُ»<sup>۱۵</sup> داده شده است و از هر امری به سمت این می‌روند که دست رحمانیت خدا را ببینند. باز حدیثی خدمت شما بخوانم؛

۱۵. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا الْعَقْلُ قَالَ مَا عُبدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اِكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَانُ قَالَ قُلْتُ فَالَّذِي كَانَ فِي مُعَاوِيَةَ فَقَالَ تِلْكَ النَّكَرَاءُ «۱» تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ وَ هِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَ لَيْسَتْ بِالْعَقْلِ.

شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید عقل چیست؟ فرمود چیزی است که بوسیله آن رحمن پرستش شود و بهشت بدست آید. آن شخص گوید: گفتم پس آنچه معاویه داشت چه بود؟ فرمود: آن نیرنگست، آن شیطنت است، آن نمایش عقل را دارد ولی عقل نیست.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «لَا عِبَادَةَ كَالْتَفَكُرِ فِي صُنْعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛<sup>۱۶</sup> حضرت فرمودند: «هیچ عبادتی مانند تفکر در صنعت خدا و در دست‌ساخته‌های خدا نیست». خدای متعال هم یک صنّعی دارند، یک صنعتی دارند؛ ما را به این دعوت کردند که در صنعت خدا فکر کنیم.

خب شاید کسی در درون خودش بپرسد: «این نوع تفکر چه فایده‌ای دارد؟ مثلاً ما بنشینیم به آسمان و ستاره‌های آن فکر کنیم. خب فایده‌اش چیست؟ مثلاً ما بنشینیم به آب و روان بودن آن فکر کنیم، خب فایده‌اش چیست؟» من دیدم بعضی از انیماتورهای کشورمان این نوع از تفکر را مسخره می‌کنند و می‌گویند: «ما دائماً به آسمان نگاه می‌کنیم و لذت می‌بریم، به آب روان نگاه می‌کنیم و گذر عمر می‌بینیم؛ اما غربی‌ها وقتی به آسمان نگاه می‌کنند، به ارسال سفینه دست پیدا می‌کنند. ما فکر می‌کنیم و مثلاً یاد خدا می‌افتیم.» من دیدم که بعضی‌ها این را مسخره کرده بودند. خب آن‌ها توجه کنند که این نوع فکر کردن چه فایده‌ای دارد.

۳/۲/۱. متصل کردن فقر ذاتی انسان‌ها به یک غنی مطلق حمید و در نتیجه ایجاد آرامش برای انسان‌ها؛ ثمره ایجاد تعقل در انسان‌ها

انسان، فقر مطلق است؛ هر کسی به درون خودش رجوع کند، جز عدم دارایی و فقر چیزی پیدا نمی‌کند. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ»؛ انسان‌ها چه هستند؟ فقیر هستند؛ احتیاج به غذا دارند، احتیاج به هوا دارند، احتیاج به محبت دارند، به هر چیزی که شما تصور کنید احتیاج دارند. خب اگر قرار باشد آدم‌ها در دنیا فقیر باشند و تکیه‌گاه نداشته باشند، این فقر آن‌ها را وادار به تجاوز به حقوق دیگران می‌کند. وقتی آدم فقط فقر خودش را دید، ولی تکیه‌گاه نداشت چه اتفاقی می‌افتد؟ برای رفع فقر به دارایی‌های دیگران حمله می‌کند و یکدفعه می‌بیند به معنای واقعی کلمه جنگل به وجود آمده است و هیچکس به هیچکس رحم نمی‌کند. حرکت می‌کند به سمت اینک دارایی‌های دیگران را سلب کند. می‌گویی: «چرا؟» می‌گوید: «حیاتم در خطر است»، این حالت درونی انسان است. خدای متعال دعوت به تعقل کرده و پیامبران دعوت به تعقل کرده‌اند تا در کنار این فقر، غنی مطلق که خداست را هم ببینیم. نتیجه‌ی این موضوع می‌شود آرامش؛ وقتی شما دائماً خدا را در پس همه امور دیدید، آرام می‌شوید. آرام می‌شوید یعنی چه؟ یعنی دست از تجاوز به حقوق دیگران بر می‌دارید. اولین اثر تعقل، ایجاد آرامش در فرد است.

اگر شما به آرامش نیاز ندارید و نیاز ندارید که بشر را آرام کنید، این نوع از فکر کردن هم فایده‌ای ندارد. اما اگر گفتید، مهم‌ترین گم‌شده‌ی بشر آرامش است؛ باید بدانید که فقر، ضد آرامش است. شما که شب می‌خواهید بخوابید، فکر می‌کنید که فردا چگونه می‌خواهید زندگی را اداره کنید. فقر، آدم را به وحشت می‌اندازد، اما اگر اهل تعقل باشید، در این عالم پُر از فقر، یک غنی مطلق را می‌یابید. لذا قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ»، شما فقیر الی الله هستید. بعد فرمود: «وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»؛ نگرانی‌تان برای چیست؟ خدا غنی است. برای چه به مال دیگران نگاه می‌کنید؟ برای چه به شما فشار روحی می‌آید؟ درست است شما فقیر هستید ولی خدا غنی

۱۶. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الطَّيِّبِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ التَّمَّازِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَنْبَارِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عُبَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحِيمِ بْنُ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَمْرِيُّ عَنْ أَبِي وَجْزَةَ السَّعْدِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: أَوْصَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ إِلَيْهِ: ... وَ لَا عِبَادَةَ كَالْتَفَكُرِ فِي صُنْعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود به امام حسن علیه السلام فرمودند: هیچ عبادتی مانند تفکر در آفریدگان خداوند شکوهمند نیست.

است. ضمناً غنی بودن خدا، مثل غنی بودن دیگران نیست؛ آن‌ها ممکن است، منت بگذارند یا در بخشی از امور غنی باشند ولی خداوند غنی حمید است؛ یعنی می‌توان خداوند را برای غنای او ستایش کرد؛ همه چیز دارد، همیشه و برای همه کس هم دارد و هیچ وقت هم تمام نمی‌شود. غنی بودن خدا یک بر خورداری ویژه است و از نوع بر خورداری‌های معمولی نیست. این هم یک نوع از تفکر است که خاصیت آن گسترش آرامش است.

نظام آموزش و پرورش ما تعقل را به فرزندان ما نشان می‌دهد؟ نظام آموزش و پرورش غربی اصلاً می‌تواند تعقل را بحث کند؟ اصلاً درکی از تعقل ندارند؛ تعقل نوع دوم تفکر است و ثمره‌اش آرامش بشر است.<sup>۱۷</sup> حالا یک آدم بیسواد مثل بنده هم شاید باید حداقل ۵۰ ساعت راجع به تعقل صحبت کند تا ابعاد تعقل روشن شود ولی به هر حال اجمال آن همین است.

نوع سوم تفکر، تدبر است؛ تدبر یعنی فکر کردن قبل از تصمیم گرفتن. عمده ما مردم ایران به علت این نظام آموزش و پرورش فرسوده، بعد از اینکه عمل انجام شد می‌فهمیم که تصمیمان غلط بوده است یا صحیح. آیا این بلای کمی است؟ آیا این بلای کوچکی است که آدم بعد از انجام عمل بفهمد تصمیم اشتباه بوده است؟ بعضی از تصمیم‌ها را دیگر نمی‌شود جبران کرد. بنابراین مهارت تدبر، یک مهارت لازم است و ما باید این‌ها را آموزش بدهیم. باید به آدم‌ها آموزش دهیم که قبل از هر تصمیم چگونه فکر کنند تا تصمیم‌شان درست از آب دربیاید. خب این نظام آموزش و پرورش نمی‌گذارد، اصلاً وقت دانش‌آموزان ما را گرفته است و نمی‌گذارد ما روش تدبر را بحث کنیم. بنده آخرین باری که روش تدبر را بحث کردم، در دانشگاه شریف بود که در نُه جلسه توضیح دادم تدبر یعنی چه.<sup>۱۸</sup> به نظرم اگر کسی این مباحثات را مرور کند، هر صد تصمیم غلط او، به ده تصمیم غلط یا کمتر تنزل پیدا می‌کند. این برای همه ما مورد نیاز است، این برای بچه‌های شما هم مورد نیاز است. مثلاً اگر انسان در انتخاب همسرش اشتباه کند -خدا نکند این اتفاق بیافتد- [بسیار مضر است]. در روایت داریم بدترین چیز، همسر بد است،<sup>۱۹</sup> یعنی بدتر از این چیزی نمی‌شود که انسان یک همسر بد انتخاب کند، همه زندگی‌اش به چالش کشیده می‌شود. خب چگونه بفهمیم این همسری که می‌خواهیم انتخاب کنیم خوب است؟ این از مصادیق تدبر است، بر روی این‌ها باید کار کرد.

۱۷. من بعضی از این فیلم‌نامه‌های نویسنده‌های غربی را می‌خوانم؛ نویسنده فیلم‌نامه، دنیایی را ترسیم می‌کند که نهایت آن، زامی‌ها و موجودات وحشتناک‌اند. این نتیجه‌ی نبودن تعقل است. آن فیلم‌نامه‌نویس غربی فقر انسان‌ها را می‌بیند، ولی چون خدا را نمی‌بیند و خلاصه تکیه‌گاهی ندارد، یک دنیای پر از وحشت تعریف می‌کند؛ در حالی که وقتی پیش علمای راستین و پیامبران علیهم‌السلام می‌روید به شما آرامش می‌دهند. چراکه شما را به تکیه‌گاه غنی ارجاع می‌دهند، مسئله تعقل خیلی مهم است.

انتقال از متن

۱۸. این دوره نُه جلسه‌ای که از تاریخ ۱۳ الی ۲۳ آذر ۱۳۹۵ در قرارگاه مطالعاتی نصرت تبیین و تشریح گردید، بیست و پنجمین جلد از دانشنامه ۱۰۰ جلدی الگوی پیشرفت اسلامی است که به سؤال "چگونه ملاک‌های تصمیم‌گیری را در ذهن مدیران جمهوری اسلامی ارتقاء دهیم؟" پاسخ داده است.

۱۹. وقال صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «سُرُّ الْأَشْيَاءِ الْمَرْأَةُ السُّوَاءُ».

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: بدترین چیز، همسر بد است.

۳/۳/۱. حرکت فرد به سمت رشد یا به سمت غی؛ ملاک عاقبت‌سنجی امور

یک اعرابی خدمت پیامبر ﷺ رسید و گفت یا رسول الله ﷺ! من را نصیحتی کنید. از یک راه دوری آمده بود شنیده بود یک پیامبری هست که مرد عجیبی است و خلاصه گله‌اش را رها کرده بود، اهلیش را رها کرده بود و با یک ذوق و شوقی خدمت پیامبر ﷺ رسیده بود. پیامبر ﷺ به او فرمود: اگر نصیحتت کنم به آن عمل می‌کنی؟ گفت: بلی یا رسول الله ﷺ عمل می‌کنم. چند لحظه گذشت، دوباره خواسته‌اش را تکرار کرد دوباره پیامبر ﷺ چون می‌خواست در او آمادگی ایجاد کند - چون پیامبر ﷺ می‌خواست حرف خیلی مهمی به او بزند - به او فرمود: اگر یک نصیحتی به تو بکنم آیا عمل می‌کنی؟ گفت بلی یا رسول الله ﷺ، اصلاً من برای همین آمده‌ام، من گله‌ام را قبیله و زن و زندگی‌ام را رها کرده‌ام که شما مرا نصیحتی کنید تا عمل کنم. دوباره برای بار سوم گفت یا رسول الله ﷺ یک نصیحتی کن ما از راه دور آمدیم. پیامبر ﷺ دوباره به او فرمود: اگر نصیحتی بکنم عمل می‌کنی؟ گفت بلی یا رسول الله ﷺ. سه بار از او تعهد گرفته و آماده‌اش کردند. بعد می‌دانید به او چه فرمودند؟ گفتند: «إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ»؛ فرمود وقتی خواستی یک تصمیم مهم بگیری، اول به عاقبتش فکر بکن؛ «فَإِنْ يَكُ رُشْدًا فَاْمُضِهِ»؛ اگر دیدی به درد هدایتت می‌خورد و به رشد تو کمک می‌کند امضایش کن و انجامش بده. «وَإِنْ يَكُ غَيًّا فَانْتَهِ عَنْهُ»<sup>۲۰</sup> یا در بعضی نسخ «فَاْمَنْعَهُ»؛ اگر دیدی که به دردت نمی‌خورد از آن نهی و منع کن. تصمیمات را باید با رشد و هدایت سنجید، پیامبر ﷺ «رشد» و «غی» را مطرح کردند. اگر دیدید به رشد شما کمک می‌کند قبول کنید و انجام دهید، اگر دیدید به گمراهی شما کمک می‌کند انجام ندهید. خب حالا رشد و غی چیست؟ هدایت و ضلالت چیست؟ این را باید بعداً توضیح دهیم. من در آن دوره دانشگاه شریف شرح دادم.<sup>۲۱</sup>

۳/۳/۲. جلوگیری از تصمیمات غلط فردی و اجتماعی؛ نتیجه گسترش تدبیر در جامعه

به هر حال ما به مهارت تدبیر نیاز داریم؛ من فکر می‌کنم در سال ۱۳۹۷ مهم‌ترین چیزی که مردم ایران نیاز دارند، تدبیر است. به یک دولت رأی می‌دهند و وسط دولت می‌گویند ما اشتباه کردیم رأی دادیم. چرا؟ چون قدرت تدبیر ندارند و قدرت تدبیرشان ضعیف است. اگر تدبیر داشته باشیم از اول انتخاب صحیح می‌کنیم. تدبیر چیز خیلی مهمی است؛ در زندگی خانوادگی، در زندگی سیاسی، در زندگی اجتماعی به درد می‌خورد. نظام آموزش و پرورش ما نمی‌تواند تدبیر را تحریک کند.

۳/۳/۴. تجزب؛ سطح چهارم تفکر از نگاه اسلامی

من وقتم گذشته است و به باقی سطوح فقط اشاره می‌کنم. نوع چهارم تفکر، تجزب است؛ خیلی خلاصه بگویم که تجزب یعنی تجربه شدن یک موضوع.

۲۰. عَنْهُ عَنْ هَازُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ ص فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَهَلْ أَنْتَ مُسْتَوْصٍ إِنْ أَنَا أَوْصَيْتُكَ حَتَّى قَالَ لَهُ ذَلِكَ تَلَاتًا وَ فِي كُتُبِهَا يَقُولُ لَهُ الرَّجُلُ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَإِنِّي أَوْصِيكَ إِذَا أَنْتَ هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُ رُشْدًا فَاْمُضِهِ وَإِنْ يَكُ غَيًّا فَانْتَهِ عَنْهُ.

امام صادق عليه السلام فرمودند: مردی خدمت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! به من سفارشی کن؛ پیامبر فرمود: اگر به تو سفارشی کنم به آن عمل می‌کنی؟ پیامبر سه بار این سخن را فرمود و آن مرد هر سه بار جواب داد: آری، ای رسول خدا. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: به تو سفارش می‌کنم که هرگاه خواستی کاری کنی، در عاقبت آن بیندیش؛ اگر عاقبت آن کار رشد بود، آن را انجام ده و اگر عاقبت آن کار گمراهی بود از آن خودداری کن.

الکافی، ج ۸، ص ۱۵۰، ح ۱۳۰

۲۱. ملاک‌های رشد و غی همان زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت است که در سومین جلسه از دوره حاضر به صورت اجمالی ذیل بحث دسته‌های نه‌گانه علوم تبیین و تشریح گردید.



مثلاً آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در قضیه موسوم به برج‌ام، اجازه تجربه مذاکره را دادند. خود این، نوعی ایجاد فکر است؛ اگر می‌خواستند بحث نظری و استدلال کنند که ای مردم! مذاکره با آمریکا مشکلات اقتصادی شما را حل نمی‌کند، بسیاری سخت‌شان بود که این حرف را بپذیرند. ممکن بود این حکیم را متهم کنند به اینکه مثلاً یک غرضی در میان است. یادتان می‌آید آن استاد محترم دانشگاه تهران چه می‌گفت؟ با صدای بلند می‌گفت: به فکر مردم باشید و راه مذاکره را باز کنید.<sup>۲۲</sup> خب وقتی طرف مقابل اینگونه با صدای بلند می‌گوید: آقا به فکر مردم باش و این قدر «مرگ بر آمریکا» نگو و این قدر سخت‌گیر، خب این‌ها شرایط را خیلی سخت می‌کند. در این شرایط حکیم چه کار می‌کند؟ می‌گوید من مخالفم ولی اجازه می‌دهم؛ بروید عمل کنید، ولی بدانید به نتیجه نمی‌رسد؛ یعنی اجازه تجربه کردن می‌دهد. بعضی مواقع مجبوریم برای اینکه فکر آدم‌ها را ارتقاء بدهیم، تحریک فکر را از طریق تجربه جلو ببریم و البته این قواعدی دارد. همیشه نمی‌توان اجازه تجربه داد. مثلاً اگر شما به بچه‌تان اجازه تجربه مواد مخدر دهید و بگویید بگذارید بفهمد، دیگر معلوم نیست دوباره بتواند برگردد. این یک پختگی می‌خواهد که بفهمید باید کجا اجازه تجربه بدهید و کجا اجازه تجربه ندهید. پس تجرب هم نوعی فکر کردن است و ما قواعد آن را بحث کرده‌ایم.

آخرین نوع تفکر هم تفقه است؛ تفقه یعنی تفکر در کتاب خدا، یعنی تفکر در کلام پیامبران و معصومین علیهم‌السلام؛ این هم یک نوع تفکر است. بعضی‌ها توفیق چنین تفکری را دارند و می‌گویند این کلام، با کلام سایر انسان‌ها متفاوت است، «لَا يُقَاسُ بِأَلِ مُحَمَّدٍ أَحَدٌ»<sup>۲۳</sup> هیچ کس را نمی‌توان با آل محمد علیهم‌السلام مقایسه کرد. پس یک سرمایه‌گذاری دیگری روی کلمات‌شان می‌کنند و بر روی آن‌ها فکر می‌کنند. ما به این نوع از تفکر، تفقه می‌گوییم.

اینکه فواید تفقه چیست را بعداً بحث می‌کنم، الآن فقط اشاره کنم؛ هر کس تفقه کرد یعنی اِتِّكَاءُ بر علم خطاناپذیر کرده است؛ اینطور نیست که وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام حرفی می‌زنند، سخن ایشان مثل سخن پوزیتیویست‌ها باشد؛ پوزیتیویست‌ها فردا حرف خودشان را نقض و ابطال می‌کنند، ولی علم معصوم علیه‌السلام، علم خطاناپذیر است، علم لدنی است. به هر اندازه که شما به علم خطاناپذیر تکیه می‌کنید، خطای در تفکراتان کاهش پیدا می‌کند.

بنده پنج نوع تفکر را بحث کردم؛ روش تأمل، روش تعقل، روش تدبر، روش تجرّب و روش تفقه، هر کدام‌شان هم خاصیت‌هایی دارند. خب غربی‌ها وقتی راجع به تفکر صحبت می‌کنند، فقط دعوت به تجربه می‌کنند. ضمناً تجربه پوزیتیویستی با تجرّب دینی متفاوت است. تجربه پوزیتیویستی اول

۲۲. دکتر صادق زیباکلام در مناظره با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا باقرزاده (۷ آبان ۱۳۹۳) در دانشگاه سمنان: منحنی آمریکاستیزی رو به افول است و معتقدم امروزه کسر قابل توجهی از دانشگاهیان با این دیدگاه مخالفند و رغبتی به ادامه این ستیز ندارند حتی بسیاری از اصولگراها نیز متوجه شده‌اند این ستیز چه تیشه‌ای به ریشه منافع ملی ما زده است.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایسنا 9zibakalam.yon.ir

۲۳. قال علی علیه‌السلام: ... لَا يُقَاسُ بِأَلِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ.

امام علی علیه‌السلام فرمودند: ... از این امت هیچ احدی قابل مقایسه با آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیست.

دلالت است، تجرب دینی مکمل دلالت است به شرحی که ان شاء الله بعداً باید بحث کنیم؛<sup>۲۴</sup> ولی حرف من این است که اگر روش تحریک فکر غربی‌ها را در مدارس مان بیاوریم، تنها از یک پنجم ظرفیت تفکر انسان استفاده کرده‌ایم. در حالی که بشر به پنج نوع روش فکر کردن احتیاج دارد تا بتواند زندگی خودش را ارتقاء دهد و روابط انسانی خودش را تنظیم کند، این مورد نیاز بشر است. در حالی که اگر شما در مدارس برتر غربی درس بخوانید فقط روش تولید علم پوزیتیویستی و تجربی را یاد می‌گیرید، تفاوت میان این دو بحث در این است. پس اشکال سوم به آموزش و پرورش هم واضح شد.<sup>۲۵</sup>

تا اینجا من سه اشکال آموزش و پرورش را گفتم؛ از حیث هدف گفتم که چه اشکالی دارد، به دنبال تربیت انسان نیست، به دنبال پرورش تکنسین بخش خدمات و تولید است. از لحاظ دروس، علم بیکنی و علمی که به درد تصرف در طبیعت می‌خورد را آموزش می‌دهد، نه علمی که به درد تنظیم روابط انسانی می‌خورد. از حیث روش هم قدرت تحریک فکر را در دانش‌آموزان احیاء نمی‌کند. حتی مدرسی که ذیل سند ۲۰۳۰ پیشنهاد شده است ایجاد شوند، تحریک فکر پوزیتیویستی را ایجاد می‌کنند و چهار نوع تفکر دیگر را مغفول می‌گذارند. راجع به سند ۲۰۳۰ هم شب‌های آینده بحث می‌کنم.

از فردا شب من بحث نقد را تمام می‌کنم و وارد بحث اثباتی می‌شوم. ممکن است یک نفر بگوید خیلی خب سلّمنا، این اشتباهات به سیستم آموزشی وارد است. حالا به جای آن چه چیزی بگذاریم؟ بر اساس چه برنامه‌ای حرکت کنیم که در آینده یک نظام آموزش و پرورش مطلوب داشته باشیم؟ به فضل الهی، به اندازه‌ای که در شب‌های آینده وقت دارم از فردا شب بحث را وارد الگوی جدید آموزش و پرورش می‌کنم ان شاء الله.

والحمد لله رب العالمین

۲۴. برای مطالعه بیشتر راجع به این موضوع به جلسه هجدهم از دوره برنامه‌ریزی از نگاه الگوی پیشرفت اسلامی مراجعه فرمایید.

۲۵. پدر و مادران گرامی، برادران و خواهران من، عزیزان من، فرزندانان را تاّم و تمام به دست این آموزش و پرورش ندهید. برای آن‌ها برنامه‌های آموزشی ویژه طراحی کنید. یک مدتی طول می‌کشد تا ما با صاحبان این سیستم آموزشی تفاهم کنیم که این‌ها تحول را بپذیرند، بعضی از این‌ها سودهای فراوانی در این نظام آموزشی دارند، من نمی‌خواهم الان بحث‌های چالشی کنم. همین فاجعه کنکور را ببینید؛ چرا کنکور در کشور ما برداشته نمی‌شود، با اینکه همه کارشناسان عوارض روحی و علمی کنکور را مفصل بحث کرده‌اند. پاسخ آن خیلی روشن است؛ جمعیت‌هایی در آموزشگاه‌های کنکور و در چاپ کتاب‌های کنکور سودهای میلیاردری دارند و گردش مالی فراوانی است. خب، تحول در آموزش و پرورش مبارزه می‌خواهد. من نمی‌خواهم وارد این بحث‌های چالشی بشوم؛ شما در این مدت خودتان کاری کنید، اگر بچه شما تدبّر یاد نگیرد، صدها تصمیم غلط در زندگی می‌گیرد؛ آنوقت باید کاسه چه کنم چه دست بگیرید و بگویید فرزندم در این چالش افتاده است باید چکار کنم. نظام آموزش و پرورش ما، آموزش و پرورش مطلوبی نیست، چون نمی‌تواند تحریک فکر ایجاد کند. حالا یک وظیفه‌ای ما طلبه‌ها داریم و شما هم برای ما دعا کنید. من همیشه گفته‌ام ما طلبه‌ها باید توبه کنیم، باید استغفار کنیم؛ اول انقلاب که اختیارات را دست گرفتیم، آن زمان باید این بحث‌ها را شروع می‌کردیم. در بعضی جاها به سمت اصلاح کردن حرکت کردیم، ولی عمده جاها را رها کردیم. یکی از جاهایی که رها کردیم نظام آموزش و پرورش است. من به سهم خود در پیشگاه خداوند متعال استغفار می‌کنم و از شما مردم عذر خواهی می‌کنم؛ این یک حقیقت تلخ است که طلبه‌های ما تبلی کردند. شما مردم برای انقلاب سنگ تمام گذاشتید، شما مردم به شهادت امام خمینی علیه السلام عظیم الشان از مردم دوره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برتر بودید (صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۴۱۰) و همه توان خودتان را گذاشتید؛ ما خواص جامعه، کم‌کاری کردیم و حالا جامعه دچار این مشکلات شده است. تا این مبارزه به سرانجام برسد و خواص جامعه دولت‌سازی اسلامی را که رهبری معظم گفتند تکمیل می‌کنند، به فکر برنامه‌های میانبر هم باشید. یک برنامه‌هایی برای رشد فرزندان‌تان تدوین کنید. حالا شب‌های دیگر ان شاء الله تفصیلی‌تر بحث می‌کنم.

### نظام سؤالات

۱. سرفصل اول آموزش و پرورش آینده: محورهای سه‌گانه اشکالات نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟
  - ۱/۱. هدف‌گذاری آموزش و پرورش فعلی چه اشکالی دارد؟
  - ۱/۲. محتوای آموزش و پرورش فعلی دچار چه اشکالی است؟
  - ۱/۳. روش تدریس و تدارس در آموزش و پرورش فعلی چه اشکالی دارد؟
    - ۱/۳/۱. اشکال اول روش حفظ‌محوری چیست؟
    - ۱/۳/۲. اشکال دوم حفظ‌محوری چیست؟
۲. سرفصل دوم آموزش و پرورش آینده: ویژگی‌های سه‌گانه آموزش و پرورش آینده چیست؟ (پیشنهادات الگوی پیشرفت اسلامی برای رفع معایب سه‌گانه آموزش و پرورش فعلی چیست؟)
  - ۲/۱. هدف‌گذاری آموزش و پرورش آینده باید چه باشد؟
  - ۲/۲. محتوای آموزش و پرورش مطلوب چه باید باشد؟
  - ۲/۳. روش تدریس و تدارس در آموزش و پرورش مطلوب چگونه است؟
    - ۲/۳/۱. سطح اول تفکر چیست؟
      - ۲/۳/۱/۱. ثمره تأمل به عنوان سطح اول تفکر چیست؟
      - ۲/۳/۲. سطح دوم تفکر چیست؟
      - ۲/۳/۲/۱. ثمره تعقل به عنوان سطح دوم تفکر چیست؟
      - ۲/۳/۳. سطح سوم تفکر چیست؟
      - ۲/۳/۳/۱. ثمره تدبیر به عنوان سطح سوم تفکر چیست؟
      - ۲/۳/۴. سطح چهارم تفکر چیست؟
        - ۲/۳/۴/۱. ثمره تجزیه به عنوان سطح چهارم تفکر چیست؟
        - ۲/۳/۴/۲. تجزیه دینی با تجربه پوزیتیویستی چه تفاوتی دارد؟
        - ۲/۳/۵. سطح پنجم تفکر چیست؟
          - ۲/۳/۵/۱. ثمره تفقه به عنوان سطح پنجم تفکر چیست؟



## جلسه پنجم

### سؤالات جلسه

سرفصل سوم آموزش و پرورش آینده: گام اول برای حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده چیست؟  
سرفصل چهارم آموزش و پرورش آینده: تکنیک‌ها و مراحل پنجگانه ارتقاء ظرفیت (به عنوان گام اول حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده) کدام است؟

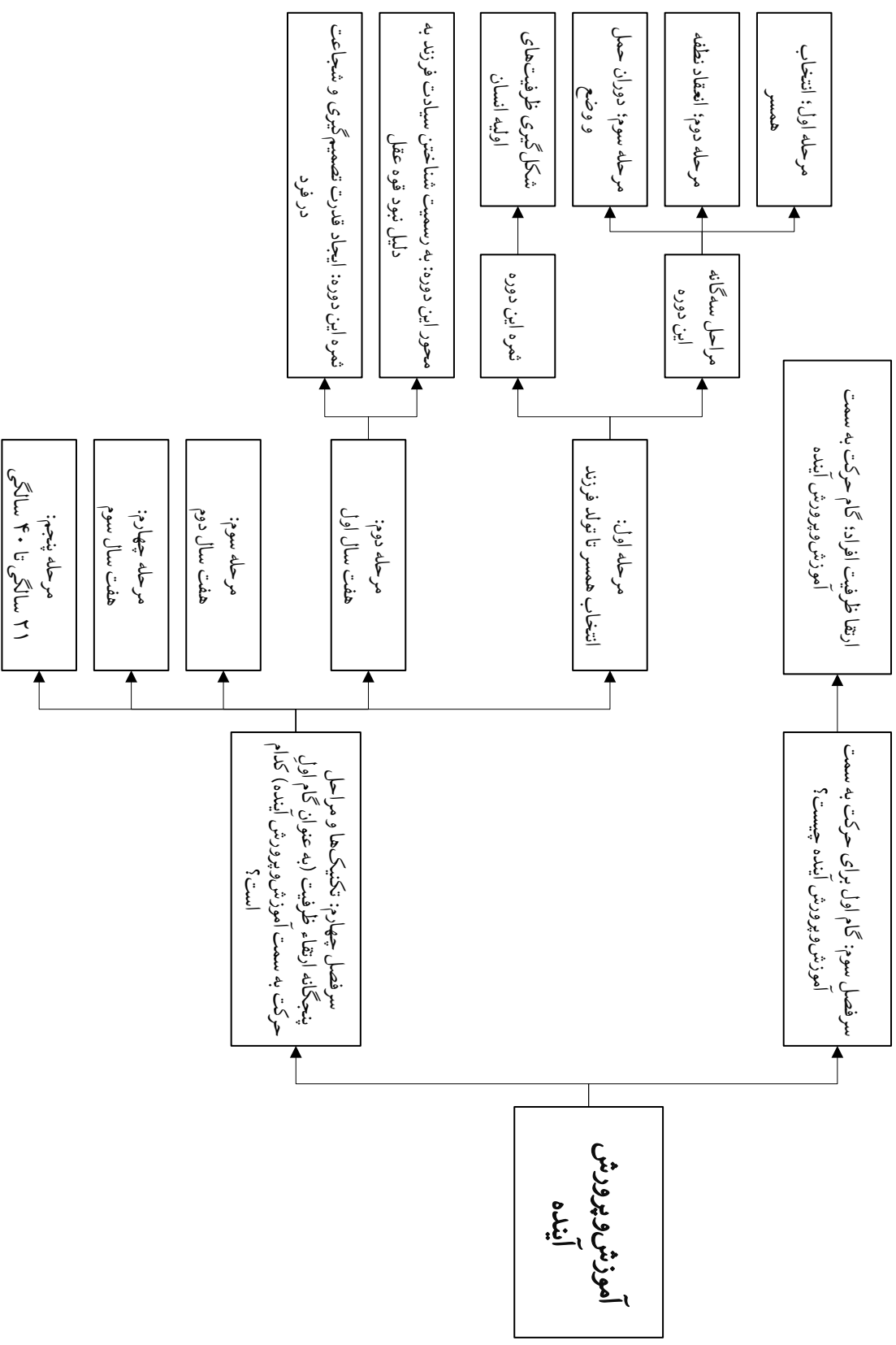
### عنوان جلسه

ارتقاء ظرفیت افراد در پنج مرحله؛ گام اول حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده

### خلاصه جلسه

پس از اینکه در جلسات گذشته معایب سه‌گانه آموزش و پرورش فعلی و ویژگی‌های سه‌گانه آموزش و پرورش مطلوب تبیین گردید، در جلسه پنجم به سرفصل سوم و چهارم آموزش و پرورش آینده پرداخته می‌شود.  
سرفصل سوم آموزش و پرورش آینده این است که گام اول برای حرکت به سمت آموزش و پرورش مطلوب چیست؟ در پاسخ به این سؤال به عنوان مقدمه باید به این بحث توجه کرد که تا زمانی که افراد، ظرفیت حرکت در مسیر آموزش و پرورش مطلوب را نداشته باشند (ظرفیت تفکر در پنج سطح در نه محور علمی را نداشته باشند) امکان حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده وجود ندارد. بنابراین ابتدا باید ظرفیت افراد را ارتقاء دهیم تا بتوانند در این مسیر قدم بردارند؛ در واقع گام اول برای حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده، ارتقاء ظرفیت است.  
حال سرفصل چهارم آموزش و پرورش آینده به این موضوع می‌پردازد که چگونه باید ظرفیت‌ها را ارتقاء داد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت اسلام پنج مرحله را برای ارتقاء ظرفیت بیان کرده است که عبارتند از:  
۱. انتخاب همسر تا تولد فرزند ۲. هفت سال اول زندگی ۳. هفت سال دوم زندگی ۴. هفت سال سوم زندگی ۵. ۲۱ سالگی تا ۴۰ سالگی؛ هر یک از این مراحل نیز دستور کار ویژه‌ای دارند که در این جلسه و جلسات آینده تشریح می‌گردد.

# تبیین ویژگی‌های آموزش و پرورش آینده و چگونگی حرکت به سمت آن (جلسه پنجم)



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام علیکم و رحمة الله و بركاته بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا وَ شَفِیْعِنَا فِی یَوْمِ الْجَزَاءِ اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِیْنَ الْمَعْصُومِیْنَ الْمُكْرَمِیْنَ الْمُنْتَجِبِیْنَ سِیَّمَا بَقِیَّةِ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِیْنَ اَرْوَاْحُنَا لِاَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَ عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ الشَّرِیْفِ وَ اللّعْنُ الدَّائِمُ عَلٰی اَعْدَائِهِ اَعْدَاءِ اللّٰهِ .

### ۱. ارتقاء ظرفیت افراد؛ مهم ترین لازمه‌ی توانمند کردن افراد برای اجرای در آموزش و پرورش مطلوب

در شب‌های گذشته در سه محور، به نقد سیستم آموزشی فعلی کشور پرداختم و وعده دادم که ان شاء الله از امشب مجموعه مباحثاتی را به اندازه وقت، برای اصلاح نظام آموزش و پرورش فعلی کشور ارائه کنم. ان شاء الله به فضل الهی سعی می‌کنم به این وعده عمل کنم و برخی از راه‌حلهایی که کمک می‌کند تا ما بتوانیم یک دستگاه آموزشی به‌روز و کارآمد و مؤثر در تربیت انسان داشته باشیم را مطرح کنم. قبل از اینکه بنده بحث را آغاز کنم، می‌خواهم تفکیکی راجع به مسائل تربیتی در ذهن مبارک شما ایجاد شود.

گاهی اوقات، وقتی سخن از تربیت انسان به میان می‌آید؛ مراد، امور خُرد تربیتی است؛ مثلاً کاری کنیم که دانش‌آموز ما و فرزند ما، منظم‌تر از گذشته باشد، این یک کار تربیتی است؛ یعنی اگر شما برنامه‌ای را اتخاذ کنید که این برنامه، منجر شود به اینکه سطح نظم در فرزندان شما نسبت به گذشته در یک بازه زمانی مشخص، ارتقاء پیدا کند ما می‌گوییم که این، یک برنامه تربیتی موفق بوده است. یا مثلاً سعی می‌کنیم برنامه‌ای داشته باشیم که فرزند ما از حیث ادب، نسبت به گذشته‌ی خودش ارتقاء پیدا کند. همان‌طور که عرض کردم مسئله مهم در زندگی انسان‌ها، تنظیم صحیح

۱/۱. امکان اجرای دو نوع برنامه تربیتی و لزوم تفکیک بین این دو نوع برنامه؛ مقدمه حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده

۱/۱/۱. آموزش امور تربیتی خُرد؛ نوع اول برنامه‌های تربیتی

روابط انسانی است و یکی از مسائل مهمی که به تنظیم روابط انسانی کمک می‌کند، بحث شناخت آداب در حوزه‌های مختلف است، پس این هم می‌تواند یک معنا از برنامه تربیتی باشد. یا مثلاً شما برنامه‌ای را اتخاذ کنید که افراد مخاطب شما، دانش‌آموزان مدرسه شما، از حیث خلاقیت و دقت، ظرفیت و توان‌شان ارتقاء پیدا کند. این‌ها همه مصادیقی از برنامه‌ها و فعالیت‌های تربیتی محسوب می‌شوند که شما خودتان در ذهن‌تان می‌توانید ده‌ها نمونه دیگر از این دست را مورد بحث و بررسی قرار دهید.

یک معنای دیگری از کار تربیتی هم هست که مرادش، برنامه‌های خرد تربیتی مانند مثال‌هایی که زدم نیست؛ این نوع از برنامه‌های تربیتی به این سمت می‌روند که اصل ظرفیت انسان‌ها را از حیث‌های مختلف ارتقاء بدهند.<sup>۱</sup> از نظر ما در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، دسته دوم از برنامه‌های تربیتی اولویت دارند؛ یعنی اگر ما بتوانیم برنامه‌ای را اجرا کنیم که مثلاً ظرفیت عقلی انسان‌ها افزایش پیدا کند - فارق از اینکه از آن ظرفیت عقلی در چه حوزه‌ای استفاده می‌کنیم و بعداً مثلاً بالفعل می‌کنیم - اگر ما بتوانیم برنامه‌ای داشته باشیم، که در آن برنامه ظرفیت جسمی انسان‌ها ارتقاء پیدا کند، بعداً شما انسان‌هایی قوی از لحاظ جسم خواهید داشت و مثلاً بعداً او را در میدان‌های ورزشی فعال می‌کنید یا در محیط کار از این بدن‌های قوی استفاده خواهید کرد. در این برنامه‌های تربیتی، یک دسته دیگری از برنامه‌ها مدنظر است که ظرفیت‌ها را ارتقاء می‌دهد. بحث بنده این است که عمده برنامه‌های تربیتی اسلام و برنامه‌های درجه یک اسلام برای تربیت انسان، از نوع دوم‌اند؛ یعنی اگر این برنامه‌ها - که امروز اشاره می‌کنم و در شب‌های آینده شرح می‌دهم - مورد توجه جدی قرار بگیرند، اصل ظرفیت انسان را ارتقاء می‌دهید.

۱/۱/۲. ارتقاء ظرفیت عقلی، جسمی و اخلاقی افراد؛ دسته دوم برنامه‌های تربیتی

وقتی اصل ظرفیت انسان ارتقاء پیدا کرد، دست مری برنامه‌ریز هم برای بالفعل کردن آن ظرفیت‌ها بازتر می‌شود. به عنوان مثال دو تاجر را تصور کنید؛ اصل سرمایه‌ی تاجر اول، حدود ۱۰۰ میلیون است، تاجر دوم اصل سرمایه‌اش حدود ۱۰۰ میلیارد است. خب طبیعی است که تاجر دوم چون اصل سرمایه‌اش بیشتر است، توان برنامه‌ریزی او در حوزه تجارت ارتقاء پیدا می‌کند. حتی ممکن است تاجر اول به لحاظ عقلی و فکری در سطح بالایی باشد؛ ولی سرمایه‌اش کلاً ۱۰۰ میلیون است. مگر با ۱۰۰ میلیون چه کاری در حوزه تجارت و عمران و آبادانی جامعه می‌توان انجام داد؟

۱/۲. لزوم اولویت دادن به برنامه ارتقاء ظرفیت به دلیل فراهم شدن زمینه برای اجرای حداکثری امور تربیتی خرد

۱. اگر می‌خواستم شرح بدهم باید روایات باب تقدیر را می‌خواندم، تمام آیات و روایات باب تقدیر در مورد ظرفیت هستند. خدای متعال وقتی خلق می‌کند تقدیر نیز می‌کند، تقدیر وصف خلق خداست. در این روایات توضیح داده شده است که شما چه کار کنید تا خداوند خلق با ظرفیت‌تر برای شما خلق کند؛ حالا این خلق یا بجه شماست یا کشاورزی شماست یا هر تقاضای دیگری که از خداوند دارید. علت اینکه من از این موضوع ساده گذاشتم ضیق وقت است و گرنه خیلی مفصل است. ما برای اولین بار در حوزه یک باب فقهی به نام «فقه‌التقدیر» باز کردیم. تا الان که بنده با شما صحبت می‌کنم - از سر تتبع عرض می‌کنم - غیر از اشاره به مسئله تقدیر بر سر منابر در شب قدر و بعضی از حواشی تفسیری آن که مثلاً در مورد سوره قدر و بعضی از سوره‌ها دیگر است هیچ کس وارد بحث نشده است که مسئله تقدیر را تفصیلی بحث کند. با اینکه اساس هدایت بر روی تقدیر است؛ اول، خلق است بعد قدر است و بعد هدایت است، آیه شریفه اینطور می‌فرماید. (اعلی، آیه ۲-۳) یعنی هدایت بر روی تقدیر سوار است و تقدیر نیز وصف خلقت است. حالا این را یک وقت دیگری بحث می‌کنم ولی به هر حال حرف ما این است که پیامبران در ابتدا افزایش قدر می‌دادند بعد باقی تعالیشان را جلو می‌بردند. حالا ما در آموزش و پرورش آینده تبعاً للانبیاء دنبال این هستیم که ظرفیت انسان‌های دوره جمهوری اسلامی را بالا بیاوریم و بعد وارد حوزه آموزش و پرورش و مراحل که عرض کردم بشویم.



ظرفیتی که دست تاجر اول است، ظرفیت کمی است، اما ظرفیت تاجر دوم هزار برابر بالاتر است و ۱۰۰ میلیارد سرمایه اولیه دارد، در نتیجه بهتر می‌تواند تصرف کند.

انسان‌ها هم از حیث ظرفیت مثل این مثالی که زدم هستند. گاهی اوقات ما طلبه‌ها این مسئله برای مان پیش می‌آید و این را خوب درک می‌کنیم؛ گاهی اوقات مخاطبان مان، مثل مخاطبان بنده در این جلسه، انسان‌هایی اهل تجربه، اهل عقل، اهل بصیرت و در درجه بالایی از ظرفیت هستند. در نتیجه چون ظرفیت مخاطب بالاست، می‌توانم بحث را پخته‌تر، عمیق‌تر و ذوابعادتر بحث کنم؛ اما اگر مخاطبان ما -بعضی اوقات این مشکل برای ما پیش می‌آید- افرادی باشند که حتی اولیات مسائل مربوط به اسلام و تربیت انسان را بلد نباشند، مجبوریم سطح بحث را پایین‌تر بیاوریم؛ زیرا ظرفیت اولیه موجود نیست.

حالا عرض بنده این است که معلم‌ها، پدر و مادرها و کسانی که در حوزه تربیت هستند، اگر عاقل باشند اولویت اولشان این است که ظرفیت‌ها را ارتقاء دهند تا بعداً بتوانند برنامه‌های تربیتی مفصل‌تری را اجرا کنند، تا بعداً بتوانند در مورد فرزندشان عمیق‌تر مشورت بدهند و برنامه‌ریزی کنند. لذا بحثی که امشب خدمتان عرض می‌کنم، یک بحث بسیار فنی است و اگر مورد رعایت قرار بگیرد و به آن توجه شود، اصل ظرفیت انسانی را ارتقاء می‌دهد؛ هم عقل، ذهن و فکر انسان‌ها را ارتقاء می‌دهد و هم انگیزه و روح و اخلاق افراد را صیقل یافته‌تر و پخته‌تر می‌کند و هم جسم انسان را زیباتر و قوی‌تر می‌کند. بنابراین نه اینکه برنامه‌های نوع اول تربیتی از ذهن بنده رفته باشد، نه! آن‌ها درجه دوم مباحثات بنده هستند و من شاید نتوانم در این ماه محترم و مبارک و با عظمت به آن‌ها بپردازم، آن‌ها هم قابل مباحثه هستند؛ ولی الان چون وقت کمی داریم روی برنامه‌های نوع دوم تمرکز می‌کنم، یعنی برنامه‌هایی که ظرفیت‌ها را ارتقا می‌دهند. خب این یک توضیح راجع به بحث‌هایی بود که می‌خواهیم در شب‌های آتی خدمت شما ارائه کنیم.

## ۲. تمرکز بر روی پنج مرحله تربیتی؛ پیشنهاد اسلام برای ارتقاء ظرفیت افراد

در مجموع در فقه اسلامی پنج مرحله تربیتی مرتبط با ارتقاء ظرفیت مورد توجه قرار گرفته است که اگر شما برای هر یک از این مراحل وقت بگذارید و با دقت بیشتری به هر یک از این مراحل توجه کنید، فرزندان و دانش‌آموزانی که با شما در ارتباط هستند، ظرفیت‌شان ارتقاء پیدا می‌کند. من عناوین این پنج مرحله را می‌گویم و ان شاء الله سعی می‌کنم امشب و شب‌های آینده درون هر یک از این پنج مرحله تربیتی ظرفیت‌ساز را با شما مباحثه کنم. پنج دسته فعالیت، پنج مرحله فعالیت در اسلام به انسان‌ها پیشنهاد شده است که اگر این‌ها مورد عمل قرار بگیرند، ظرفیت انسان‌ها ارتقاء پیدا می‌کند.

۲/۱. انتخاب همسر تا تولد فرزند: دوره اول ارتقاء ظرفیت

مرحله اول تربیتی، از انتخاب همسر تا تولد فرزند است، این اولین مرحله تربیتی است. اگر مجموعه اقداماتی که در مرحله اول هست - که امشب آن‌ها را توضیح خواهم داد- مورد توجه پدر و مادرها باشند، فرزندی متولد خواهد شد که ظرفیت او با فرزند دیگری که پدر و مادرش این نکات را رعایت نکرده‌اند بسیار متفاوت است، این یک بخش از مباحثات است.

۲/۲. هفت سال اول زندگی؛ دوره دوم ارتقاء ظرفیت

مرحله دوم مباحثات تربیتی، ملاحظات ۷ سال اول زندگی است؛ دستگاه فکری پیامبران علیهم‌السلام این مرحله را مهم‌ترین مرحله حیات انسان در این دنیا دانسته و برای ۷ سال اول توصیه‌های ظرفیت سازی ارائه کرده است که اگر آن‌ها رعایت شوند، فرزند از لحاظ ظرفیت‌های مختلف ارتقاء پیدا می‌کند.

۲/۳. هفت سال دوم زندگی؛ دوره سوم ارتقاء ظرفیت

مرحله سوم، ۷ سال دوم از زندگی است که باید برنامه‌های خاصی مورد توجه پدر و مادر قرار بگیرد؛ اگر برنامه‌هایی که در شب‌های آتی عرض می‌کنم را در ۷ سال دوم مورد دقت قرار دهید، رشد و ظرفیت فرزندان شما متفاوت خواهد شد.

۲/۴. هفت سال سوم زندگی؛ دوره چهارم ارتقاء ظرفیت

مرحله چهارم تربیت، هفت سال سوم است؛ در ۷ سال سوم نیز برنامه‌های خاصی هست که آن‌ها را شرح خواهم داد.

۲/۵. ۲۱ سالگی تا ۴۰ سالگی

مرحله پنجم از ۲۱ سالگی تا ۴۰ سالگی است؛ مرحله پنجم نیز ملاحظات دارد که اگر مورد دقت فرد باشد، ظرفیت انسان را ارتقاء می‌بخشد. در روایات ما سن ۴۰ سالگی، سن پخته‌شدن است و انسان به بلوغ خود می‌رسد.<sup>۲</sup> بنابراین از سن ۲۱ سالگی تا ۴۰ سالگی نیز ملاحظات وجود دارد که این‌ها را نیز به اختصار عرض می‌کنم. این ۵ مرحله باید موضوع مدیریت فرد باشد؛ اگر برای این پنج مرحله برنامه نداشته باشید، اصل سرمایه و ظرفیت‌های وجودی ما کاهش پیدا می‌کند.

### ۳. انتخاب همسر، نطفه‌گذاری، دوران حمل؛ مراحل چهارگانه‌ی دوره اول ارتقاء ظرفیت

۳/۱. انتخاب همسر با توجه به شاخص‌های اسلام؛ مرحله اول دوره اول ارتقاء ظرفیت

حُب، من وارد مرحله اول شوم؛ همان‌طور که عرض کردم مرحله اول، از انتخاب همسر شروع می‌شود. در روایت به آقایان گفته‌اند وقتی به خواستگاری می‌روید مواظب باشید که مادر فرزندان را انتخاب می‌کنید.<sup>۳</sup> این یعنی چه؟ یعنی انتخاب همسر باید با شاخص تربیت باشد نه با سایر شاخص‌ها. تربیت فرزند از انتخاب همسر شروع می‌شود؛ اگر یک انتخاب نامناسب داشته باشید نمی‌توانید انتظار داشته باشید که فرزندان شما در حد تربیتی اعلا باشند. در روایات برای انتخاب همسر ده‌ها شاخص بیان شده است؛ مثلاً اگر خواستید خُلقیات همسر آینده‌تان را تشخیص دهید،

۲. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ السُّنْدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ سَيِّفِ التَّمَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا بَلَغَ الْعَبْدُ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ إِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَقَدْ بَلَغَ مُنْتَهَاهَا فَإِذَا طَلَعَنَ فِي إِحْدَى وَ أَرْبَعِينَ فَهُوَ فِي التَّقْصَانِ وَ يُتَّبَعِي لِصَاحِبِ الْخَمْسِينَ أَنْ يَكُونَ كَمَنْ كَانَ فِي التَّرَجِّعِ.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: هرگاه آدمی به سی و سه سالگی برسد، به پرومندی رسیده است و هرگاه چهل ساله شود به اوج عمر خود رسیده است و چون به چهل و یک سالگی رسد رو به کاهش نهد. و آدم پنجاه ساله باید مانند کسی باشد که در حال جان‌کندن است.

۳. يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَلْبَسُوْا الْاَكْفَانَ وَ اَتَكْبُوْا فِيْهِمْ وَ اِحْتٰزُوا لِنُطْفِكُمْ.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: زنان و مردان متناسب و هم‌شان (کفو) را به نکاح درآورید و با آن‌ها وصلت کنید و برای نطفه‌های خود جایگاه مناسب انتخاب کنید. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۲

برادران همسران را هم بررسی کنید.<sup>۴</sup> یکی از مسائلی که به انسان مجوز می‌دهد که یک همسر خوب انتخاب کند برادران همسرش هستند. چرا؟ دلیل آن واضح است؛ فرزندان به اعضای خانواده مادر شدیداً وابسته‌اند. در بعضی از روایات هست که فرزند شما به دایی‌ها و خاله‌هایش نسبت به پدر و مادرش شبیه‌تر است.<sup>۵</sup> مجموعه روایاتی که در باب انتخاب همسر هست، به شما کمک می‌کند تا در آینده تربیت صحیح‌تری داشته باشید. شما که نمی‌توانید وابستگی فرزندان را به خاله و دایی‌اش قطع کنید، پس از ابتدا مواظب باشید که وقتی انتخاب همسر می‌کنید، دایی و خاله فرزندان در آینده را انتخاب می‌کنید. پس فقط انتخاب همسر نیست، بلکه انتخاب دایی برای فرزندان هم هست؛ دایی در تربیت، یک عنصر مهم است، خاله انسان در تربیت یک عنصر مهم است. معنای انتخاب همسر چقدر متفاوت می‌شود؛ همه این‌ها در روایات بحث شده است.

من چون باید بحث را در میان هزاران روایت مدیریت کنم تا به سرانجام برسد، در هر مورد به چند روایت بیشتر نمی‌توانم ارجاع بدهم، در آینده باید این‌ها را تفصیلی‌تر بحث کرد. خلاصه حرف اول بنده این است که انتخاب همسر مهم‌ترین فعل تربیتی مرد است. در مورد خانم‌ها هم همینطور است؛ خانم‌ها هم پدر فرزند خودشان را انتخاب می‌کنند. حالا در بحث‌هایی که در ادامه توضیح می‌دهم، معلوم می‌شود که نقش پدر هم چه نقش بالایی است. این گام اول در مسئله تربیت فرزند است. بسیاری از اتفاقات در همین گام اول رقم می‌خورد، اگر در این گام اول خطا اتفاق بیفتد، دیوار تا ثریا کج می‌رود.

بعد از انتخاب همسر دومین گام در تربیت، انعقاد نطفه با شرایط آن است. در اینجا هم مجموعه‌ای از روایات بسیار فنی وجود دارد؛ جمع‌بندی فقهی بنده این است که اگر انعقاد نطفه طبق شرایطش اتفاق بیفتد، هم فرزند شما جسم زیباتری خواهد داشت، یعنی اثر بعضی از انواع انعقاد نطفه، ضربه جسمی به فرزندان شما می‌شود؛ حالا یا جمال او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و یا قوت جسمی او را. اگر انعقاد نطفه به شکل صحیح اتفاق بیفتد، اخلاق فرزند شما هم تغییر پیدا می‌کند؛ بعضی از انواع انعقاد نطفه، منشأ پیدایش اخلاق‌های رذیله هستند که به آن‌ها اشاره می‌کنم. اگر انعقاد نطفه آن‌گونه که پیامبران گفته‌اند اتفاق بیفتد، فرزند شما از لحاظ ذهنی و عقلی هم با سایر فرزندان متفاوت خواهد شد؛ یعنی انعقاد نطفه صحیح هم جسم انسان، هم خلیقات انسان و هم قوه عقل و ذهن انسان را ارتقاء می‌دهد،<sup>۶</sup> مسئله به این میزان مهم هست. در باب روایات انعقاد نطفه

۳/۲. انعقاد نطفه؛ مرحله دوم دوره اول ارتقاء ظرفیت و اثرگذاری این مرحله بر ظرفیت جسمی، اخلاقی و عقلی

۴. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ اخْتَارُوا لِنُطْفَتِكُمْ فَإِنَّ الْخَالَ أَخَذَ الصَّحِيعِينَ. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: برای نطفه‌های خود [همسر شایسته] گزینش کنید؛ چراکه دایی، یکی از دو هم‌بستر است.

همان

۵. قال رسول الله ﷺ تَحَبَّرُوا لِنُطْفَتِكُمْ فَإِنَّ التَّسَاءَ يُلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ.

پیامبر خدا ﷺ: برای نطفه‌های خود، بهترین را گزینش کنید؛ زیرا زنان، فرزندان‌های همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند.

نهج‌الفصاحه، ح ۱۱۳۲

۶. به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

کم کاری شده و مباحثه و گفتگو صورت نگرفته است، لذا منشأ پیدایش بسیاری از مشکلات شده است. من در جامعه‌مان می‌بینم که عمل زیبایی زیاد شده است؛ در حالی که مدیریت مسئله زیبایی می‌تواند از انعقاد نطفه شروع شود. با شاخص‌هایی که در روایات است، من می‌بینم که در جامعه ما حُقم و حماقت در برخی از افراد ارتقاء پیدا کرده است؛ مسئله حماقت افراد را می‌توان با مسئله انعقاد نطفه مدیریت کرد. ما در جامعه‌مان می‌بینیم که اخلاق‌ها به سمت عدم صبر و به سمت عدم تعادل حرکت می‌کند؛ اگر فرزند صبورتی می‌خواهید، انعقاد نطفه روی آن تأثیر دارد. باب روایات آن، روایات فنی قابل توجهی است. من تأسف می‌خورم که ما فرصت نداریم، این حکمت‌ها را به مردمان منتقل کنیم، تأسف می‌خورم که نظام آموزش و پرورش پوزیتیویستی ما مانع از انتقال این معارف حکیمانه به مردمان است و مشکلاتی به وجود می‌آورد که تا آخر عمر همه مردم را رنج می‌دهد.

به برخی از این روایات اشاره می‌کنم؛ در روایت هست: «اگر انعقاد نطفه توسط مرد با تصویر یک زن اجنبی - یک زن دیگر غیر از همسر خود انسان - اتفاق بیافتد، میل جنسی زنان در فرزندان پسر ایجاد می‌شود»؛<sup>۷</sup> انعقاد نطفه نباید همراه با تصور زن اجنبی باشد. متأسفانه با گسترش فسادهایی که در شبکه‌های اجتماعی هست و با عدم رعایت حکم نگاه به نامحرم، تصاویری از زن‌ها در ذهن مردها شکل می‌گیرد. اگر این تصویر در لحظه انعقاد نطفه مورد توجه قرار بگیرد، در روایت برای آن این اثر سوء را پیش‌بینی و بحث کرده‌اند، در مسئله انعقاد نطفه باید دقت کرد.

فرمودند: «اگر می‌توانید با طهارت وارد مسئله انعقاد نطفه بشوید»؛<sup>۸</sup> فرمودند: «اگر می‌توانید حین انعقاد نطفه تکلم نکنید،» نه زن و نه مرد. اگر حین انعقاد نطفه تکلم زیاد اتفاق بیافتد، فرزند متولد شده گنگ می‌شود و از حیث تکلم دچار مشکل می‌شود.<sup>۹</sup> این‌ها بخشی از آن آدابی است که مورد بحث قرار گرفته است.

۷. أَحْمَدُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ حَفْصٍ وَ أَبُو نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ حَصِيبٍ [حُصَيْبٍ] عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ صَ عَلِيٌّ بِنِ ابْنِي طَالِبٍ عَ فَقَالَ: ... يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ بِشَهْوَةِ امْرَأَةٍ غَيْرِكَ؛ فَإِنِّي أَخْشَى إِنْ قَضَيْتَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ أَنْ يَكُونَ مُخْتَلًا، أَوْ مُؤْتَلًا مُخْتَلًا. پیامبر اکرم ﷺ در توصیه خود به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ... ای علی! با هوس به زنی غیر همسر خود، با زن خویش آمیزش مکن؛ زیرا از این بیم دارم که اگر برایتان فرزندی تقدیر شود، زن صفت، یا ماده و تباہ‌مغر باشد.

الاختصاص، ص ۱۳۳

۸. أَحْمَدُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ حَفْصٍ وَ أَبُو نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ حَصِيبٍ [حُصَيْبٍ] عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ صَ عَلِيٌّ بِنِ ابْنِي طَالِبٍ عَ فَقَالَ: ... يَا عَلِيُّ إِذَا حَمَلَتْ امْرَأَتُكَ فَلَا تُجَامِعِهَا إِلَّا وَأَنْتَ عَلَى وَضوءٍ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قَضَيْتَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ أَعْمَى الْقَلْبِ بِخَيْلِ الْيَدِ. پیامبر اکرم ﷺ در توصیه خود به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ... ای علی! اگر همسرت باردار شد، با او آمیزش مکن، مگر آن که با وضو باشی؛ زیرا اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، کوزدل و ناخن خشک خواهد بود.

همان

۹. أَحْمَدُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ حَفْصٍ وَ أَبُو نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ حَصِيبٍ [حُصَيْبٍ] عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ صَ عَلِيٌّ بِنِ ابْنِي طَالِبٍ عَ فَقَالَ: ... يَا عَلِيُّ لَا تَتَكَلَّمْ عِنْدَ الْجَمَاعِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قَضَيْتَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ لَا يُؤْمَنُ أَنْ يَكُونَ أَعْرَسَ. پیامبر اکرم ﷺ در توصیه خود به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ... ای علی! به هنگام آمیزش، سخن مگوی؛ چراکه اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، اطمینانی نیست که لال نباشد.

همان

مکان‌های انعقاد نطفه مهم هستند، زمان‌های انعقاد نطفه مهم هستند، به دلیل تأثیر عوامل آسمانی بر مسئله انعقاد نطفه؛ می‌دانید که انعقاد نطفه رزق است و اگر فرزندی متولد شود، رزق است؛ در بعضی از زمان‌ها باب رزق بسته است و در آن زمان انعقاد نطفه منع شده است؛ مانند شب اول ماه قمری، مثل شب آخر ماه قمری، مثل شب وسط ماه قمری.<sup>۱۰</sup> در باب زمان‌های انعقاد نطفه هم مجموعه‌ای از مباحثات هست. خوب من به دلیل کمبود وقت نمی‌خواهم این بحث را ادامه بدهم، خواستم بگویم مسئله انعقاد نطفه در شکل‌گیری اخلاق و شکل‌گیری ذهنیت‌های انسان‌ها و جسم قوی بسیار مؤثر است که این‌ها باید در جلسات تفصیلی بحث شود.

ملحق به مسئله انعقاد نطفه، دوران حمل هم دوران مهمی است، خصوصاً مدیریت تغذیه در دوران حمل می‌تواند ظرفیت‌های وجودی انسان را افزایش دهد. از حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام روایت هست که اگر مادری در دوران حمل کند مصرف کند، از این ماده‌ی با خاصیت‌های عجیب استفاده کند، فرزند متولد شده‌ی او ذکی خواهد شد؛<sup>۱۱</sup> یعنی به لحاظ ظرفیت‌های وجودی خصوصاً ظرفیت‌های فکری، یک ظرفیت بالاتری نسبت به سایر فرزندان خواهد داشت. مجموعه روایات متعددی در باب تغذیه وجود دارد، این یک نمونه بود که خدمت شما عرض کردم.

بنابراین معنای قسمت اول تربیت تقریباً روشن شد؛ شما اگر مجموعه کارهایی را در مسئله انتخاب همسر، در مسئله انعقاد نطفه و دوران حمل و در مسئله تولد - که مسئله تولد هم ملحق به اینهاست - رعایت کنید، فرزند شما ظرفیت فکری بالاتری خواهد داشت. مثلاً اگر شما زایمان طبیعی را ترک کنید - که الآن در جامعه ما به دلیل بی‌تدبیری‌های وزات بهداشت زایمان طبیعی به انزوا رفته است - حین تولد از طریق سزارین، مغز انسان ضربات سنگینی را تحمل می‌کند که این البته با نگاه‌های پوزیتیویستی هم اثبات شده است؛ در نتیجه ظرفیت فکری و ذهنی انسان ضربه می‌خورد.

در مجموع؛ این مرحله اول، نامنظم‌ترین و غیرمنضبط‌ترین مرحله تربیتی در جامعه ماست که در جامعه ما به آن پرداخته نمی‌شود.<sup>۱۲</sup> خوب این مرحله اول است؛ اگر می‌خواهید فرزندان را تربیت کنید، مرحله اول را جدی بگیرید. تربیت تماماً مباحثه و بحث نظری نیست، ابتدای تربیت

۱۰. به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

۱۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَبِيصَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ التَّيْسَابُورِيِّ عَنْ هَازُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي مُوسَى عَنْ أَبِي الْعَلَاءِ الشَّامِيِّ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ عَنْ أَبِي زَيْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَطْعَمُوا حَبْلًا لَكُمْ اللَّبَانُ فَإِنَّ الصَّبِيَّ إِذَا عُدِّي فِي بَطْنِ أُمِّهِ بِاللَّبَانِ اشْتَدَّ قَلْبُهُ وَ زَيْدٌ فِي عَقْلِهِ فَإِنْ تَكَ ذَكَرًا كَانَ شَجَاعًا وَ إِنْ وُلِدَتْ أُنْتَى عَظُمَتْ عَجِيزَتُهَا فَتَحْطَى بِذَلِكَ عِنْدَ رَوْحِهَا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ به زنان باردار خود، کُندر دهید؛ چراکه کودک، اگر در شکم مادر با کُندر تغذیه شود، دلش استوار و عقلش افزون می‌شود. اگر پسر باشد، شجاع می‌گردد و اگر دختر باشد، سَرین او درشت می‌شود و مورد علاقه شوهرش قرار می‌گیرد.

الکافی، ج ۶، ص ۲۳، ح ۶

۱۲. ان‌شاء الله اگر عمری بود چه در این مسجد چه در جایگاه‌های دیگر که ما مباحثات الگوی پیشرفت اسلامی را ارائه می‌دهیم یک بحث تفصیلی شاید در حدود چهل جلسه برگزار کنیم و بنده در حال آماده کردن آن هستم که این مرحله اول را تفصیلاً توضیح دهم. حال که وزارت آموزش و پرورش و دانشگاه‌های ما بنایی بر انتقال این معارف ندارند ما باید یک راه‌های میانبری را برای انتقال این مباحثات انتخاب کنیم و ان‌شاء الله انتخاب خواهیم کرد.

ارتقاء ظرفیت‌های وجودی انسان است. من بعضی وقت‌ها می‌بینم که به غلط گفته می‌شود مثلاً فلان شخص که ناقص‌الخلقه خلق شده است خداوند متعال او را خلق کرده است و تقدیر بوده است. این جهل است که این امر را به خدا نسبت می‌دهیم؛ در حالی که در روایات داریم بعضی از زمان‌ها و بعضی از اشکال غلط انعقاد نطفه منجر به این می‌شود که فرزند شما ناقص‌الخلقه شود یا ضعیف‌الجسم متولد شود. بله تقدیر واقعیت دارد، ولی تقدیر خدا بر فعل ما نازل می‌شود. اگر شما فعلتان را صالح کنید و عملتان را از عمل غلط به عمل درست مدیریت کنید، خداوند متعال تابع آن عمل درست تقدیر متفاوتی را اعطاء می‌کند. به هر حال این مرحله اول است.

#### ۴. هفت سال اول زندگی؛ دوره دوم ارتقاء ظرفیت افراد و لزوم به رسمیت شناختن سیادت فرزند در

##### این دوره

۴/۱. هفت سال اول زندگی؛ مرحله دوم ارتقاء ظرفیت

من اشاره کنم به مرحله‌ی دوم و آن را اجمالاً بحث کنم و ان‌شاء‌الله در شب‌های بعد بحث را تکمیل می‌کنم. فرض کنید همه مواظبت‌های مرحله اول را ان‌شاء‌الله انجام دادیم و حالا وارد مرحله دوم می‌شویم. و اگر بعضی‌هایمان علم مرحله اول را نداریم، ان‌شاء‌الله خداوند متعال شفاعت کرده و جبران کرده است و ما از آن مرحله عبور کرده‌ایم. خوب وارد مرحله دوم می‌شویم.

۴/۲. نبود قوه عقل و تحلیل در فرزند و نداشتن شناخت نسبت به جهان؛ ویژگی اصلی هفت سال اول زندگی

در مرحله دوم باید چکار کرد؟ ابتدا اجازه دهید مرحله دوم را توضیح بدهم. مرحله دوم، روزها و ماه‌ها و سال‌های اولیه‌ی ورود انسان به عالم دنیاست؛ هیچ چیز راجع به عالم دنیا نمی‌داند، هیچ علمی ندارد، هیچ اطلاعی ندارد، هیچ تجربه‌ای ندارد. بنابراین در هفت سال اول باید به این ویژگی توجه کنیم. یک ویژگی دیگری هم در هفت سال اول هست آن هم اینکه انسان‌ها عقل هم ندارند. خداوند متعال عقل را از آغاز بلوغ اعطا می‌کند؛ به خانم‌ها در نه سالگی عقل اعطاء می‌شود، نه همان حین تولد. به آقایان هم در پانزده سالگی عقل اعطاء می‌شود، نه حین تولد.<sup>۱۳</sup> هفت سال اول، هفت سالی است که عقل وجود ندارد. پس بنابراین تحلیل و تشخیص هم وجود ندارد. از یک طرف انسان وارد یک محیط تازه شده است که هیچ تجربه و درکی از آن ندارد و از طرف دیگر عقلی هم وجود ندارد که با او صحبت و بحث شود. در نتیجه انتقال از طریق گفتگو و تحلیل و فلسفه خیلی مشکل است؛ چون قوه ارزیابی درونی که عقل است در فرزندان ما وجود ندارد.

۱۳. أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنِي عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمْ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبَلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أَحَبُّ أَمَّا إِنِّي إِنَّاكَ أَمْرٌ وَ إِنَّاكَ أَنْهَى وَ إِنَّاكَ أَعَاقِبُ وَ إِنَّاكَ أُتَيْبُ.

امام باقر (ع) می‌فرماید: چون خدا عقل را آفرید از او بازرسی کرده به او گفت پیش آی پیش آمد، گفت بازگرد، بازگشت، فرمود بعزت و جلالم سوگند مخلوقی که از تو بیشم محبوبتر باشد نیافریدم و ثراتها بکسانی که دوستشان دارم بطور کامل دادم. همانا امر و نهی کیفر و پاداشم متوجه تو است.

الکافی، ج ۱، ص ۱۰

طبق روایت فوق، امر و نهی و پاداش و کیفر زمانی تعلق می‌گیرد که فرد دارای قوه عقل باشد و با توجه به اینکه دختران در ۹ سالگی و پسران در ۱۵ سالگی به بلوغ می‌رسند و تکالیف و امر و نهی و پاداش متوجه آنها شود، مشخص می‌گردد که دختران در ۹ سالگی و پسران در ۱۵ سالگی واجد قوه عقل می‌گردند.

خب باید چه کار کرد؟ پیامبر ﷺ که عقل اول عالم هستند فرمودند: «الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ»<sup>۱۴</sup> مهم‌ترین کار پدر و مادر در هفت سال اول این است که «آقایی» فرزندشان را در هفت سال اول به چالش نکشند به هیچ بهانه‌ای. ممکن است فرزند شما خانه را برهم بریزد و شما هم مهمان دارید، پیامبر ﷺ فرمود که «سَبْعَ سِنِينَ»؛ مثل پادشاه با او رفتار کنید، به بهانه اینکه خانه باید منظم شود، «آقایی» فرزندتان را به چالش نکشید. عرض کردم فرزند شما تحلیل ندارد که فضای مهمانی با فضای عادی خانه، دوتا فضای متفاوت است؛ او این تحلیل را ندارد، شما می‌فهمید. بنابراین وقتی مداوم امر و نهی می‌کنید و وقتی می‌گویید این کار را نکن! می‌خواهد مهمان بیاید؛ درکی برای او حاصل نمی‌شود و متوجه نمی‌شود شما چرا به او می‌گویید این کار را نکن. اگر این کار را ادامه دهید فرزند شما یک چیز را متوجه می‌شود؛ متوجه می‌شود که به او فشار وارد می‌کنید که این کار را انجام ندهد، اینکه دارید به او فشار می‌آوردید را متوجه می‌شود.

خب چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر پدر و مادری اشتباه کنند و هر روز ده بار به فرزند فشار بیاورند و هر روز ده بار به او امر و نهی کنند و آقایی فرزندشان را به چالش بکشند، اتفاقی که در عمل می‌افتد این است که فرزند تا آخر عمر هرکاری که می‌خواهد انجام دهد، به صورت پیش‌فرض فکر می‌کند، یک نفر می‌خواهد با او مخالفت کند؛ یعنی فرزند شما ترسو می‌شود، این حالت فشار در او نهادینه می‌شود. اگر ۷ سال اول، سید بودن فرزندتان را به رسمیت نشناسید، در آینده فرزند شما ترسو خواهد شد. آسیب عدم شجاعت و ترس چیست؟ انسان‌ها در طول زندگی باید صدها تصمیم بگیرند و این تصمیم‌ها، معارض و مخالف دارند. اگر پدر و مادر به فرزندشان شجاعت نداده باشند، فرزندان هیچ‌وقت نمی‌توانند تصمیم بگیرند. ما گاهی پرونده‌های طلاق و اختلافات خانوادگی را بررسی می‌کنیم و به این موضوع مبتلا هستیم. خانم خانه می‌گوید: «حاج آقا! مشکل من با همسر من این است که نمی‌تواند مستقل از پدر و مادر و محیطش یک تصمیم بگیرد؛ جایی که لازم است تصمیم بگیرد، نمی‌تواند.» چرا نمی‌تواند تصمیم بگیرد؟ چون در ۷ سال اول مدام امر و نهی شده است. اگر شما در ۷ سال اول، سید بودن فرزندتان را به رسمیت بشناسید، در مسئله تصمیم‌گیری به فرزندتان قوام داده‌اید. ظرفیت تصمیم‌گیری - و به اصطلاح رکیکِ امروزی‌ها «ریسک‌پذیری» - را در فرزندتان ارتقاء داده‌اید؛ خب فردی که شجاع و ریسک‌پذیر است، خیلی راحت می‌تواند روابط انسانی خود را در آینده تنظیم کند، خیلی راحتی می‌تواند از گردنه‌های زندگی در آینده عبور کند. شجاعت، یک عامل مورد نیاز در زندگی است؛ منتها ظرفیت شجاعت، در ۷ سال اول پایه‌ریزی می‌شود، «الْوَلَدُ سَبْعَ سِنِينَ».

۴/۴. ترسو شدن فرزند و نداشتن قدرت تصمیم‌گیری؛ نتیجه به رسمیت نشناختن سیادت فرزند و امر و نهی‌های مکرر به او در هفت سال اول زندگی

۴/۵. قرار ندادن وسایل خطرآفرین در اطراف کودک؛ راه حل امر و نهی نکردن به کودک و مقابله با خطرهای تهدیدکننده او

خانم‌ها می‌پرسند: «گاهی فرزند ما به سوی خطر می‌رود.» در این مواقع خطر را با امر و نهی از فرزندان دور نکنید، وسیله خطرناک را از جلوی دست فرزندان بردارید. ممکن است فرزند شما لباسستان را نجس کند، ممکن است خانه را نجس کند. در روایت حکیمانه‌ای از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دیده‌اید که مادری، فرزندش را به دست پیامبر داد. همین که به دست پیامبر داد، لباس مبارک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نجس کرد. [مادر] شروع کرد به حرف زدن با فرزندش - فرزندى که در قنطاق است - که چرا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نجس کردی. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند که: «نه. اشکالی ندارد، چرا با او این‌گونه برخورد می‌کنید؟»<sup>۱۵</sup> او در ۷ سال اول زندگی اش است. پدر و مادرهای ما این کارها را می‌کنند، خصوصاً مادرهایی که با علم اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام آشنا نیستند، خیانت‌هایی در حق فرزندان‌شان می‌کنند. اندک مشکلی که به وجود می‌آید، در هفت سال اول به فرزندشان فشار روحی وارد می‌کنند. بنده دیدم، بعضی از آقایان روانشناس، اظهار نظر پوزیتیویستی فرمودند و گفتند: «این فرزندان بیش فعال‌اند»؛ یک اصطلاحی به نام «بیش‌فعالی» درست شده است. می‌گویند باید آن را مدیریت کنید که بیش‌فعالی خوب نیست؛ در حالی که در روایت داریم: «فرزندى که - به تعبیر آقایان - بیش‌فعالی‌اش فراوان است، از جمله علائم عاقبت به خیرى و عالم شدن اوست».<sup>۱۶</sup> هرچه ۷ سال اول آزادتر باشد، تجربه بیشتر کسب می‌کند و پخته‌تر می‌شود و از حیث ظرفیت‌های درونی رشد پیدا می‌کند، خوب این ۷ سال اول است.

اگر می‌بینید الآن در روابط انسانی‌مان مشکل داریم، بخشی از آن به مدیریت ۷ سال اول برمی‌گردد. البته عرض کردم ۷ سال اول، سوار بر مرحله اول تربیت است و عمده، همان مرحله اول است. خدای نکرده اگر در انتخاب همسر، انعقاد نطفه، مدیریت تغذیه اتفاق بیافتد، دیگر آنچنان نمی‌توان در ۷ سال اول و دوم و سوم کاری را مدیریت کرد.

انشاء الله شب‌های آینده، بیشتر در مورد این مراحل ۵ گانه بحث می‌کنم. اگر این مراحل ۵ گانه را مورد دقت قرار دهیم، ظرفیت‌های انسانی ارتقا پیدا می‌کند و مدیریت یک ظرفیت بالاتر انسانی، راحت‌تر است. اگر این کار انجام شود، فرزند شما در بازار شغل هم موفق‌تر است، در حیطه‌های علمی هم موفق‌تر است.

۱۵. وَ كَانَ صَ بُوْتَى بِالصَّبِيِّ الصَّغِيرِ لِيَدْعُو لَهُ بِالْبِرْكَةِ أَوْ يُسَمِّيهِ فَيَأْخُذُهُ فَيَضَعُهُ فِي حِجْرِهِ تَكْرِمَةً لِأَهْلِهِ فَرُبَّمَا بَالَ الصَّبِيُّ عَلَيْهِ فَيَصْبِحُ بَعْضُ مَنْ رَأَاهُ حِينَ بَالَ فَيَسْأَلُ صَ لَا تُزْرَمُوا بِالصَّبِيِّ فَيَدْعُوهُ حَتَّى يَقْضِي. بَوْلُهُ ثُمَّ يَفْرُغُ لَهُ مِنْ دُعَائِهِ أَوْ تَسْمِيَّتِهِ وَ يَبْلُغُ سُورُؤْ أَهْلِهِ فِيهِ وَ لَا يَرَوْنَ أَنَّهُ يَتَأَذَى بِبَوْلِ صَبِيَّتِهِمْ فَإِذَا انْصَرَفُوا غَسَلَ ثَوْبَهُ بَعْدَ [معمولاً] نوزاد را نزد پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌آوردند تا برای او دعا کند یا بر او نام بگذارد. ایشان، او را می‌گرفت و به جهت تکریم خانواده‌اش، او را روی دامن خود می‌گذاشت. گاهی کودک به ایشان بول می‌کرد و برخی کسانی که هنگام بول کردن، او را می‌دیدند، فریاد می‌کشیدند؛ ولی ایشان می‌فرمود: «بول کردن او را قطع نکنید». از این رو، کودک را رها می‌کرد تا بول او تمام شود. سپس دعا کردن برای او یا نامگذاری او را به پایان می‌برد و خانواده‌اش را به خاطر فرزندشان خیلی خوشحال می‌ساخت و آنان مشاهده نمی‌کردند که ایشان از بول کردن کودکشان، ناراحت شده باشد. سپس، وقتی آنان می‌رفتند، لباس خود را می‌شست.

بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۰

۱۶. عَلِيٌّ بِنُ مُحَمَّدٍ بِنُ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الشَّامِيِّ قَالَ أَخْبَرَنِي صَالِحُ بْنُ عُثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ ع يَقُولُ تُسْتَحَبُّ عَزَائِمَةُ الصَّبِيِّ فِي صَعْرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ ثُمَّ قَالَ مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا.

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: بازیگوشی (شیطننت) پسر در دوران کودکی پسندیده است، برای اینکه در بزرگسالی بردبار شود. سپس فرمود: «شایسته نیست که جز این باشد».

الکافی، ج ۶، ص ۵۱ و ۵۲



متأسفانه به دلیل نگاه‌های پوزیتیویستی برنامه‌ی ظرفیت‌سازی حذف شده است و لذا همه عرصه‌های زندگی به چالش کشیده می‌شود؛ برای مثال آقای، نماینده مجلس است و نمی‌تواند یک نُطق شجاعانه کند و حرف دل مردم را بزند، حوزه‌های سیاسی هم به چالش کشیده می‌شود. بنده متوجه هستم که نیازمند تربیت شغلی، علمی، سیاسی هستیم و تربیت ابعاد مختلفی دارد؛ ولی دوستانِ تربیتی بنده توجه کنند که همه تربیت‌های حوزه‌های مختلف، سوار ظرفیت‌های اولیه است؛ اولین کارِ دستگاه فکری پیامبران علیهم‌السلام، ارتقاء ظرفیت است. ما این برنامه را فراموش کردیم، حالا می‌خواهیم با آدم‌های با ظرفیت پایین برنامه‌ریزی‌های تربیتی کنیم، خوب نمی‌شود، به تعبیر رایج نمی‌کشد. بعضی از پدر و مادرها هستند که می‌گویند: «ما با فرزندمان صحبت کردیم که در فلان رشته درس بخواند، بعد متوجه شدیم که نمی‌کشد و رهاش کرد». خوب تقصیر خودتان بوده است؛ می‌توانستید ظرفیت‌های اولیه او را مدیریت کنید. تقصیر نگاه‌های بیکنی و پوزیتیویستی بوده است که مسئله را غلط توصیف کردند. حالا اجازه دهید این نظریه تربیتی فقهی پنج مرحله‌ای را تصویر کامل کنم تا تصویر کاملی از مدیریت تربیتی به معنای ظرفیت‌سازی در ذهن‌ها شکل بگیرد؛ ابتدای اصلاح نظام آموزشی کشور، مدنظر قرار دادن و مبنا قرار دادن این برنامه‌هاست. حالا چگونگی وساختار آن را در آینده بحث خواهیم کرد.

و الحمد لله رب العالمین

## پیوست‌ها

## پیوست شماره ۱: تأثیر انعقاد نطفه بر جسم، اخلاق و عقل

(الف) تأثیر انعقاد نطفه بر زیبایی ظاهری:

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ النَّبِيِّ ص فَأَهْدِي إِلَى النَّبِيِّ ص سَفْرَجُلٌ فَقَطَعَ مِنْهُ النَّبِيُّ ص قِطْعَةً وَ نَاوَلَهَا جَعْفَرًا فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَهَا فَقَالَ خُذْهَا وَ كُلَّهَا فَإِنَّهَا تَذَكِّي الْقَلْبَ وَ تُشَجِّعُ الْجَبَانَ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى كُلُّ فَإِنَّهُ يَصْفِي اللَّوْنَ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ

امام صادق علیه السلام فرمودند: جعفر بن ابی طالب، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود. برای پیامبر یک به، هدیه آوردند. پیامبر صلی الله علیه و آله قطعه‌ای را از آن برید و به جعفر داد. جعفر، از خوردنش خودداری ورزید. پیامبر فرمود: «بگیر و بخور؛ چرا که قلب را هشیاری می‌دهد و ترسو را دلیر می‌کند». در روایت دیگری آمده است که چراکه رنگ را صفا می‌دهد و فرزند را نیکو می‌سازد».

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۲

(ب) تأثیر انعقاد نطفه بر اخلاق:

أَحْمَدُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ حَفْصٍ وَ أَبُو نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ حَصِيبٍ [حُصَيْبٍ] عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع فَقَالَ: ... يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعَ أَهْلَكَ تَحْتَ شَجَرَةٍ مُثْمَرَةٍ فَإِنَّهُ إِنْ قَضَى بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ جَلَادًا أَوْ قَتَالًا أَوْ عَرِيفًا يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعَ أَهْلَكَ بَيْنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ فَإِنَّهُ إِنْ قَضَى بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ حَرِيصًا عَلَى هَرَاقَةِ الدَّمَاءِ يَا عَلِيُّ إِذَا حَمَلَتْ امْرَأَتُكَ فَلَا تُجَامِعْهَا إِلَّا وَ أَنْتَ عَلَى وَضوءٍ فَإِنَّهُ إِنْ قَضَى بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ أَعْمَى الْقَلْبِ بِخَيْلِ الْيَدِ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه خود به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ... ای علی! در زیر درختی میوه‌ده با همسرت آمیزش مکن؛ چراکه اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، جلاد، قاتل یا عریف خواهد بود. ای علی! در زیر نور خورشید و تابش آن با همسرت نزدیکی مکن، مگر اینکه پرده‌ای آویخته باشی که شما را می‌پوشاند؛ چراکه اگر میانتان فرزندی تقدیر شود تا پایان عمر در تیره‌بختی و تهی‌دستی خواهد بود. ای علی! میان اذان و اقامه با همسرت نزدیکی مکن؛ زیرا اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، به خونریزی علاقه‌مند خواهد بود. ای علی! اگر همسرت باردار شد، با او آمیزش مکن، مگر آنکه با وضو باشی؛ زیرا اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، کوزدل و ناخن خشک خواهد بود.

الاختصاص، ص ۱۳۳

(ج) تأثیر انعقاد نطفه بر عقل:

أَحْمَدُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ حَفْصٍ وَ أَبُو نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ حَصِيبٍ [حُصَيْبٍ] عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع فَقَالَ: ... يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعَ امْرَأَتَكَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ فِي وَسْطِهِ وَ فِي آخِرِهِ فَإِنَّ الْجُنُونَ وَ الْجُدَامَ وَ الْبَرَصَ يُسْرِعُ إِلَيْهَا وَ إِلَيَّ وَ لِدَيْهَا.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه خود به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ... ای علی! در آغاز، میان و پایان ماه با همسرت نزدیکی مکن، که دیوانگی، جذام و تباہ مغزی، بسیار زود به سراغ مادر و فرزندش می‌آید.

همان، ص ۱۳۲

### نظام سؤالات

۱. سرفصل سوم آموزش و پرورش آینده: گام اول برای حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده چیست؟
  - ۱/۱. چند نوع برنامه تربیتی متصور است؟
  - ۱/۲. نوع اول برنامه‌های تربیتی چیست؟
  - ۱/۳. نوع دوم برنامه‌های تربیتی چیست؟
۲. سرفصل چهارم آموزش و پرورش آینده: تکنیک‌ها و مراحل پنجگانه ارتقاء ظرفیت (به عنوان گام اول حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده) کدام است؟
  - ۲/۱. نخستین مرحله ارتقاء ظرفیت از نظر اسلام چیست؟
  - ۲/۱/۱. مرحله اول ارتقاء ظرفیت، چند مرحله درونی دارد؟
  - ۲/۱/۲. ثمره مرحله اول ارتقاء ظرفیت چیست؟
  - ۲/۲. مرحله دوم ارتقاء ظرفیت از نظر اسلام چیست؟
  - ۲/۲/۱. محور مرحله دوم ارتقاء ظرفیت چیست؟
  - ۲/۲/۲. ثمره مرحله دوم ارتقاء ظرفیت چیست؟
  - ۲/۳. سومین مرحله ارتقاء ظرفیت کدام است؟
  - ۲/۴. مرحله چهارم ارتقاء ظرفیت چیست؟
  - ۲/۵. مرحله پنجم ارتقاء ظرفیت چیست؟



## جلسه ششم

### سوالات جلسه

1. سرفصل چهارم آموزش و پرورش آینده: تکنیک‌ها و مراحل پنجگانه ارتقاء ظرفیت (به عنوان گام اول حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده) کدام است؟
2. سرفصل پنجم آموزش و پرورش آینده: نهاد اصلی مدیریت مراحل پنجگانه ارتقاء ظرفیت و تربیت چه نهادی است؟

### عنوان جلسه

تبیین تکنیک‌ها و مراحل پنجگانه ارتقاء ظرفیت از منظر اسلام

### خلاصه جلسه

در جلسه گذشته بیان شد که گام اول برای حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده، ارتقاء ظرفیت افراد است و در اسلام نیز پنج مرحله برای ارتقاء ظرفیت افراد بیان شده است.

مرحله اول ارتقاء ظرفیت، از انتخاب همسر تا تولد فرزند است که خود این مرحله به سه مرحله درونی تقسیم می‌شود: ۱. انتخاب همسر ۲. انعقاد نطفه و ۳. دوران حمل و وضع حمل. ثمره مدیریت صحیح مرحله اول ارتقاء ظرفیت، ایجاد ظرفیت‌های اولیه در فرد است.

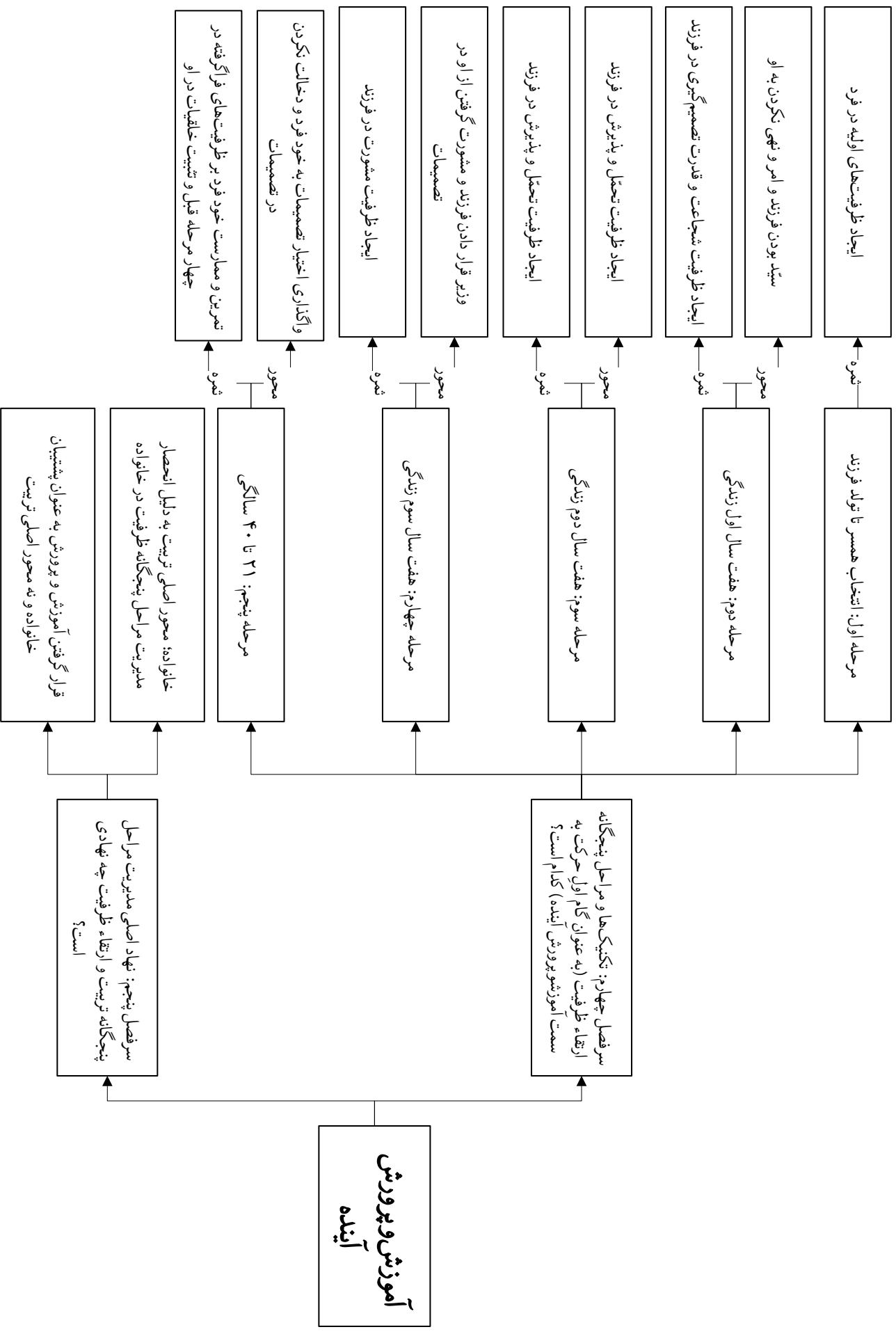
مرحله دوم ارتقاء ظرفیت هفت سال اول زندگی است؛ در این مرحله به دلیل نبود قوه عقل، دستور محوری این است که پدر و مادر سیادت فرزند خود را به رسمیت بشناسند و او را مورد امر و نهی قرار ندهند. ثمره این دوره ایجاد ظرفیت تصمیم‌گیری و ظرفیت شجاعت در فرزند است.

مرحله سوم، هفت سال دوم زندگی است؛ در این مرحله پدر و مادر باید فرزند را عید قرار داده و از طریق امر و نهی آداب را به او آموزش دهند. ثمره این مرحله نیز ایجاد ظرفیت پذیرش و تحمل در فرزند است.

مرحله چهارم، هفت سال سوم زندگی است که محور آن وزیر قرار دادن فرزند و مشورت کردن با او در امور است؛ ثمره این مرحله نیز ایجاد ظرفیت مشورت در فرزند است.

مرحله پنجم نیز از ۲۱ سالگی تا ۴۰ سالگی است؛ در این مرحله اختیار تصمیم‌گیری به فرزند محول می‌شود و در این دوره ظرفیت‌های فراگرفته در مراحل قبل را تثبیت می‌کند.

# تبیین ویژگی‌های آموزش و پرورش آینده و چگونگی حرکت به سمت آن (جلسه ششم)



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام علیکم و رحمة الله و بركاته بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَ الصَّلٰةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا وَ شَفِیْعِنَا فِیْ یَوْمِ الْجَزَاۗءِ اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ الْمَعْصُوْمِیْنَ الْمُكْرَمِیْنَ الْمُنتَجِبِیْنَ سِیِّمًا بِقِیَّةِ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِیْنَ اَرْوٰحُنَا لِاَمَالِهِ الْفِدَاۗءِ وَ عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ الشَّرِیْفِ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلٰی اَعْدَائِهِ اَعْدَاۗءِ اللّٰهِ .

**۱. لزوم تمرکز بر ارتقاء ظرفیت پیش از برنامه‌های تربیتی خرد و ترسیم ۵ مرحله در اسلام برای ارتقاء**

### ظرفیت افراد

شب گذشته محضر شما گزارش دادم که روایات و آیات حوزه تربیت قبل از اینکه به فعلیت رسیدن ظرفیت‌های انسانی را دنبال کنند، اینطور هستند که در صورت عمل کردن به آنها، ارتقاء اصل ظرفیت را رقم می‌زنند. در واقع اگر به آیات و روایات حوزه تربیت دقت کنیم، ما دو دسته توصیه و تکنیک تربیتی داریم؛ دسته اول آیات و روایات اگر مورد عمل واقع شوند ظرفیت انسان‌ها را ارتقاء می‌دهند. مثلاً ظرفیت عقلی انسان‌ها افزایش پیدا می‌کند، ظرفیت اخلاقی انسان‌ها افزایش پیدا می‌کند، ظرفیت جسمی انسان‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. دسته دوم آیات و روایات، بحث می‌کنند که حالا این ظرفیت‌های ارتقاء یافته را چطور به فعلیت برسانیم. به دلیل اینکه در علوم تربیتی پوزیتیویستی، آن دسته اول معمولاً بحث نمی‌شود، ما مصلحت دانستیم که در این دوره بحثی، بر روی آیات و روایاتی تمرکز کنیم که نحوه ارتقاء ظرفیت را برای ما شرح می‌دهند.

۱/۱. لزوم تمرکز بر ارتقاء  
ظرفیت پیش از تلاش  
برای به فعلیت رساندن  
ظرفیت افراد

۱/۲. ترسیم ۵ مرحله در دیشب عرض کردم در اسلام پنج مرحله مدیریت برای شکل‌گیری شخصیت و ارتقاء ظرفیت بحث شده است.

۱/۲/۱. انتخاب همسر تا تولد فرزند؛ مرحله اول ارتقاء ظرفیت

مرحله اول عبارت بود از انتخاب همسر، تا تولد فرزند. عرض کردم این مرحله، مهم‌ترین مرحله است و اگر دقت لازم، مبذول نشود [شخصیت و تربیت ضربه جدی می‌خورد]. البته خود این مرحله؛ ریزمرحله‌هایی دارد. مثلاً انتخاب همسر، یک گام مهم است؛ در خود مرحله اول، انعقاد نطفه مسئله خیلی مهمی است. دیشب بعضی از روایات را محضران خواندم؛ انعقاد نطفه اگر با شرایط گفته‌شده در آیات و روایات انجام نشود، فرزند متولد شده، از حیث جسمی و روحی و عقلی، دچار نقصان ظرفیت خواهد شد. در مرحله اول، تغذیه مادر در دوران حمل نیز مسئله خیلی مهمی است، این‌ها را دیشب توضیح دادم. پس مرحله اول، مرحله خیلی مهمی است و اصل ظرفیت انسان‌ها بین انتخاب همسر و تولد فرزند، پایه‌گذاری می‌شود و ظرفیت‌ها در اینجا داده می‌شود و ظرفیت‌ها از حیث‌های مختلف در این مرحله اول پایه‌گذاری می‌شود.

۱/۲/۲. هفت سال اول زندگی؛ مرحله دوم ارتقاء ظرفیت و لزوم مواظبت بر سیادت حداکثری فرزند در این دوره

حالا وارد مرحله دوم می‌شویم. در این مرحله اصل ظرفیت‌ها به دلیل مواظبت‌های مرحله اول به افراد داده شده است. شما در هفت سال اول تولد، اولین گام را برای فعلیت بخشیدن به این ظرفیت‌ها به کارگیری می‌کنید. یعنی چه کار می‌کنید؟ به تعبیر روایت: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ»؛ اجازه‌ی تام تجربه در هفت سال اول را به فرزندان می‌دهید. این منافاتی ندارد که در برخی از موارد امر و نهی اتفاق بیافتد، خصوصاً در مواردی که روایت در هفت سال اول تأکید بر امر و نهی در یک مورد محدود کرده است؛ ولی در مجموع فرزند شما باید در هفت سال اول احساس آزادی کند و پادشاهی‌اش به رسمیت شناخته شود، سبب بودنش به رسمیت شناخته شود. این باعث می‌شود که او یک تجربه تام‌تری از دنیا را در بدو ورودش داشته باشد و اصطلاحاً در او عقده شکل نگیرد. چون

۱. یک پراتنر در مسئله تغذیه باز کنم و بعد بحث را ادامه بدهم؛ در علم پزشکی موجود اصطلاحاً حیات سلول و متابولیسم، اصل است و سوخت‌وساز سلول مبناست. وقتی کارشناسان حوزه تغذیه، راجع به ارزش مواد غذایی صحبت می‌کنند - خصوصاً ارزش مواد غذایی که به درد دوران حمل می‌خورد - متابولیسم را اصل قرار می‌دهند؛ مثلاً بحث می‌کنند که فلان غذا، دارای ریزمغذی است و اگر مورد استفاده قرار بگیرد، سوخت‌وساز، بهتر اتفاق می‌افتد. یا فلان غذا دارای درشت‌مغذی است و مثلاً برای دوره حمل و برای تأثیرگذاری بر شکل‌گیری استخوان، باید از آن غذا استفاده کنید. به‌رحال غایت پزشکی مدرن، تحلیل سلول و متابولیسمی است که در آن اتفاق می‌افتد.

در حالی که در روایات حکیمانه اهل بیت عصمت و طهارت، آثار غذا بر قلب هم بحث می‌شود، آثار غذا بر نفس هم بحث شده است، آثار غذا بر خون هم بحث شده و فقط مسئله سلول مدنظر نبوده است. مراد از قلب، بخش اصلی وجود انسان است که هدایت در آن اتفاق می‌افتد، نه قلب به معنای جسمی که خون را پمپاژ می‌کند و در آناتومی بدن از آن به قلب یاد می‌کنید. آن چیزی که در روایات ما، نامش را قلب گذاشته‌اند، محل پیدایش انگیزه‌ها و محل پیدایش تصمیم‌هاست. وقتی درباره ارزش غذایی صحبت می‌کنیم مثلاً در بعضی از روایات اینطور است که می‌گوید فلان غذا بر قلب تأثیر دارد. (الکافی، ج ۶، ص ۲۵۷، ح ۴) این یعنی چه؟ یعنی مثلاً اثرش این است که شک را در تصمیم‌گیری کم می‌کند. شما در وجود خودتان مشاهده کردید که بعضی وقت‌ها که می‌خواهید تصمیم بگیرید، محکم نیستید و نمی‌توانید یک تصمیم قرص و محکم اتخاذ کنید، این حالت‌ها را در درون خودتان می‌بینید. بنابراین در بعضی از ارزش‌گذاری‌های غذایی، اهل بیت علیهم‌السلام آثار این غذا بر مسئله قلب را نیز بحث کردند.

من در بحث‌های تفصیلی گفتم که چهار نوع الگوی تغذیه را می‌توانیم بحث کنیم؛ یکی از این الگوهای تغذیه، بررسی آثار غذا بر مسئله قلب است؛ یعنی مثلاً غذا کاری کند که شما از لحاظ روحی، مستحکم‌تر شوید. این با طبقه‌بندی تغذیه بر مبنای متابولیسم محض خیلی فرق می‌کند. یا مثلاً بعضی غذاها، نفس آماره را به حالت رکود می‌برند. (الکافی ج ۶، ص ۳۳۰) این یک واقعیت غیر قابل انکار است که در وجود انسان‌ها قوه‌ای هست که به تعبیر حضرت یوسف علیه‌السلام در قرآن «لَأَمَّا زُجْرًا يُؤسِفُ» (سوره مبارکه یوسف، آیه ۵۳) است؛ دائماً امر به بدی می‌کند. بعضی از غذاها اگر مصرف شوند، سطح امر به سوء را در نفس کاهش می‌دهند. حالا خواستم این نکته را داخل پراتنر عرض کنم که مثلاً وقتی داریم راجع به الگوی تغذیه در دوران حمل بحث می‌کنیم، همه همت روایات، محکم‌تر شدن استخوان‌ها نیست، تسریع شدن متابولیسم به معنای عام نیست، بلکه ویژگی‌های تقویت قلب هم بحث شده است. اگر مادران بر بعضی از انواع خرما - که در روایات توصیه شده - در دوران حمل و در اوایل شیردهی مواظبت کنند، آثار آن مثلاً توسعه صبر می‌شود؛ (الکافی، ج ۶، ص ۲۲، ح ۴) یعنی خرما فقط ارزش غذایی در حوزه متابولیسم ندارد، بلکه ذیل یک اسمی از اسماء خدا خلق شده است که می‌تواند بر قلب و روح شما هم تأثیر مثبت بگذارد. حالا خواستم این را داخل پراتنر بحث کنم که طبقه‌بندی غذاها را می‌توانیم به چهار شکل داشته باشیم. در بحث‌های طب، بنده این‌ها را بحث می‌کنم و الان وقت طرح تفصیلی نیست.



در هفت سال اول عقل وجود ندارد که مثلاً بین اینکه یک تجربه خوب است و یک تجربه بد است فرق بگذارد. بهتر است اجازه‌ی همه نوع تجربه‌ای را به فرزندان بدهید. در مواردی که احساس خطر برای فرزندان می‌کنید، او را از آن محیط دور کنید، نه اینکه در محیط خطر قرارش بدهید و ابزار کنترل را امر و نهی قرار بدهید، این را دیشب بحث کردم.

۱/۲/۳. هفت سال دوم  
زندگی؛ مرحله سوم ارتقاء  
ظرفیت و لزوم عبد قرار  
دادن فرزند در این دوره

در مورد هفت سال دوم حضرت فرمود: «عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ»؛ برخلاف هفت سال اول که «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ» بود در هفت سال دوم «عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ» است. برخلاف هفت سال اول، به فرزندان حرف گوش کردن را یاد بدهید؛ انسان به هر دو موضوع نیاز دارد؛ هم نیاز دارد به اینکه در زندگی تصمیم بگیرد و هم چون در محیط روابط انسانی است، باید بعضی از تصمیم‌ها را قبول کند. اگر شما در هفت سال دوم به فرزندان دستور ندهید و امر و نهی نکنید، فرزند شما تبعیت کردن را یاد نمی‌گیرد. قبلاً در مباحثات عرض کردم که در محیط‌های روابط انسانی هر دو موضوع وجود دارد؛ یعنی هم باید به موقع بتوانید تصمیم بگیرید و اعمال کنید و هم باید به همان اندازه به موقع بتوانید قدرت تبعیت از تصمیم‌های دیگران را داشته باشید. **در هفت سال دوم کاری می‌کنید که فرزند شما حرف گوش کردن سختش نباشد.**

بعضی‌ها به علت توجه نکردن پدر و مادرشان در هفت سال دوم، حرف گوش کردن سختشان است. خب این فرد وقتی داخل محیط خانه می‌رود، بعضی وقت‌ها به موقع نمی‌تواند چشم بگوید و تبعیت کند. در محیط کار هم که می‌رود سختش می‌شود تبعیت کند. به لحاظ درونی، آمادگی تبعیت کردن در این شخص وجود ندارد. در هفت سال اول اگر شما سید بودن فرزندان را به رسمیت شناسید، همیشه بله قربان‌گو باقی می‌ماند، یعنی یک جاهایی که باید تصمیم بگیرد، دیگر جرأت تصمیم‌گیری ندارد؛ این اثر عدم توجه به هفت سال اول و توصیه محوری هفت سال اول است. حالا برعکس هفت سال اول در هفت سال دوم شما باید سعی کنید عبودیت و عبد بودن و تبعیت را به او یاد بدهید. این‌ها توصیه‌های محوری هستند و اگر شما این کارها را انجام ندهید مسئله حل نمی‌شود؛ یعنی زمینه‌های فطرت و خلق و خوی مورد نیاز برای تنظیم روابط انسانی ایجاد نمی‌شود.

۱/۲/۴. هفت سال سوم  
زندگی؛ مرحله چهارم  
تربیت و لزوم وزیر قرار  
دادن فرزند در این دوره و  
مشورت کردن با او

خب از هفت سال دوم عبور می‌کنیم و وارد هفت سال سوم یا مرحله چهارم زندگی می‌شویم. حضرت فرمود: «وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ»؛ وزیر ظهور در چه دارد؟ ظهور در مشورت کردن دارد. پادشاهان وزیری داشتند و وزیر به جای پادشاه تصمیم نمی‌گرفت، ولی مشورت دادن او بر روی رأی پادشاه تأثیر داشته است. **حضرت در روایت می‌فرماید هفت سال هم در امور با فرزندان تان مشورت کنید تا زندگی کردن را یاد بگیرند.** مثلاً می‌خواهید خانه‌ای بخرید، فرزندان که در هفت سال سوم است را وزیر قرار دهید و از او پرسید خانه‌ای که می‌خریم باید به نظر تو چگونه باشد؟ تا او مسئله خرید خانه را عملاً تمرین کند. مثلاً می‌خواهید مهمانی بدهید، او را وزیر قرار دهید و از او پرسید که مثلاً مهمان‌های ما، رَحِم و فامیل‌های نزدیک ما هستند، به نظر شما چطور از این‌ها پذیرایی کنیم؟ تا او مهمانی دادن و برخورد با رَحِم را یاد بگیرد. **در هفت سال سوم، با تکنیک وزیر قرار دادن فرزند به او زندگی کردن را یاد می‌دهید؛ زندگی کردن با خواندن کتاب و پای تابلوی درس اتفاق نمی‌افتد که یک**

معلمی مثلاً توضیح بدهد که برخورد با مهمان، همسایه و معلم یعنی چه. باید تمرین عملی بدهید، در هفت سال سوم باید تمرین عملی بدهید.

یک روایت دیگری هست که این روایت را مقداری توضیح می‌دهد. خب این روایت از پیامبر ﷺ است که می‌فرماید: «الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ وَ عَبْدُ سَبْعِ سِنِينَ وَ وَزِيرُ سَبْعِ سِنِينَ»؛ این روایات با این عبارات توضیح داده است که چطور این سه دوره‌ی هفت ساله را مدیریت کنید. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شبیه این روایت را دارند و عباراتی را به کار برده‌اند که این عبارات، شرح این عبارت پیامبر است. حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ»؛<sup>۲</sup> آنجا فرمود: «سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ»، این جا می‌فرماید فرزندت را رها کن که هفت‌سال بازی کند. این شرح سید بودن است؛ در هفت سال اول مهم‌ترین کار فرزند بازی است و در واقع حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ توضیح می‌دهند که مواظب باش: بازی، فعل این پادشاه است و به این سمت نروید که بازی کردن او را محدود کنید.<sup>۳</sup>

۱/۲/۲/۱. سید قرار دادن فرزند در هفت سال اول یعنی بازی کردن فرزند در هفت سال اول و لزوم عدم ممانعت از بازی کردن کودک

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «عَبْدُ سَبْعِ سِنِينَ»، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «يُؤَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ»؛ می‌فرماید هفت‌سال هم فرزندتان را ادب کنید. ادب کنید یعنی چه؟ یعنی آداب زندگی را به او یاد بدهید. ولی دقت کنید از چه طریقی؟ از طریق عبد بودن آداب زندگی را به او یاد بدهید، نه از طریق آموزش نظری و کلاس فلسفه که بنشینید و به او توضیح نظری بدهید، نه! یک امر محترمانه به او بکنید. اگر این امر را تکرار کنید، از طریق تکرار این امر بر مبنای محبت و این دستوری که شما بر مبنای محبت می‌دهید او یک سری آداب را یاد می‌گیرد. مثلاً شما در هفت سال دوم به فرزندتان می‌گویید: «سفره را بیانداز»، این یک دستور و یک امر است. خب او سفره را می‌اندازد و مثلاً شما به او می‌گویید: «در روایت هست که در سفره باید نمک و سرکه باشد»؛<sup>۴</sup> چرا سفره را انداختی و نمک و سرکه نیاوردی؟ سفره‌ای که در آن نمک و سفره نباشد، غذایی که بر سر سفره آورده

۱/۲/۳/۱. عبد قرار دادن فرزند در هفت سال دوم یعنی آموزش ادب به او از طریق امر و نهی کردن به او

۲. قَالَ الصَّادِقُ ع دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ الزِّمَّةُ نَفْسُكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أفلَحَ وَإِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: فرزندت را تا هفت سالگی بگذار بازی کند، بعد از آن، هفت سال او را ادب [و دانش] آموز و هفت سال او را همراه خود کن؛ اگر درست شد که شده، وگرنه خیری در او نیست.

من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۹۲

۳. حالا یک مجموعه روایت در مورد بازی کردن فرزند هست که در دوره‌های تفصیلی باید توضیح بدهم. مثلاً بازی کردن با هم سن و سال‌ها، ارجح است نسبت به بازی کردن با اسباب‌بازی، به این روایت توجه کنید. لذا اگر توانستید فاصله فرزندانتان را زیاد نکنید تا برادران و خواهران بتوانند هفت سال اول با همدیگر همیشه بازی کنند. بازی با هم سن و سال‌ها، ارجحیت دارد نسبت به بازی با اسباب‌بازی. در مورد بازی یک مجموعه روایات هست که باید آن‌ها را توضیح بدهیم.

انتقال از متن

۴. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ أَنَّ رَجُلًا كَانَ عِنْدَ الرِّضَا ع يَخْرُاسَانٌ فَكَدَّمَتْ إِلَيْهِ مَائِدَةً عَلَيْهَا خَلٌّ وَ مِلْحٌ فَانْتَبَحَّ ع بِالْخَلِّ فَقَالَ الرَّجُلُ جَعَلْتُ فِدَاكَ أَمْرَتًا أَنْ تَقْتَبِحَ بِالْمِلْحِ فَقَالَ هَذَا مِثْلُ هَذَا يَغْيِي الْخَلُّ وَ إِنَّ الْخَلَّ يُشَدُّ الدَّهْنَ وَ يَزِيدُ فِي الْعُقْلِ.

الکافی به نقل از محمد بن علی همدانی: مردی نزد امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ در خراسان بود. نزد ایشان خوانی گسترده که بر آن، سرکه و نمک بود. ایشان غذا را با خوردن سرکه آغاز نمود. آن مرد گفت: فدایت شوم! به ما فرمان دادی که با نمک آغاز کنیم؟ فرمود: «این (سرکه) مانند آن نمک است. سرکه، ذهن را استوار می‌کند و بر خرد می‌افزاید».

الکافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۴

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيٍّ ع يَا عَلِيُّ! ائْتِنِي بِطَعَامِكَ بِالْمِلْحِ وَ الْحَتِيمِ بِالْمِلْحِ فَإِنَّ مِنْ ائْتِنِي بِطَعَامِكَ بِالْمِلْحِ وَ حَتَمٍ بِالْمِلْحِ عُوْفِي مِنْ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ أَنْوَاعِ الْبِلَاءِ مِنْهُ الْجُدَامُ وَ الْجُثُونُ وَ الْبَرَصُ.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سفارش‌های ایشان به امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: ای علی! غذا را با نمک، آغاز کن و با نمک، پایان ده؛ چه، هر کس غذای خویش را با نمک آغاز کند و با نمک پایان دهد، از هفتاد و دو نوع از انواع بلا که جذام، دیوانگی و پستی از آن جمله است، به دور باشد.

همان، ص ۳۲۶، ح ۲

می‌شود به ضرر سلامت است.<sup>۵</sup> از طریق امر و نهی به او یاد می‌دهید و تأدیبش می‌کنید؛ یعنی در واقع هفت سال دوم، یک کارگاه کوچک می‌شود، او عبد قرار می‌گیرد. البته پدر و مادر از طریق عبد قرار دادن فرزندشان نمی‌خواهند کار خودشان را راه بیندازند، بعضی‌ها اشتباه می‌کنند؛ مثلاً یک پدری وارد خانه می‌شود و از این ظرفیت هفت سال دوم برای حل مسائل خودش استفاده می‌کند؛ مثلاً یک حاجتی را که خودش دارد، به فرزندش می‌دهد تا او انجام دهد، این کار نباید اتفاق بیافتد. دستور دادن و عبد قرار دادن فرزند، مسیر تأدیب فرزند است. چون در هفت سال دوم و اساساً در کل دوره حیات، آموزش‌های نظری آموزش‌های خوبی نیستند. اینکه شما کتاب بنویسید و به آدم‌ها بگویید که کتاب بخوانند، این مسیر خوبی برای تأدیب انسان‌ها نیست، خصوصاً در هفت سال دوم. از طریق عبد قرار دادن و تأدیب شروع به آماده کردن او می‌کنید.

خب قسمت سوم را امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام اینگونه شرح می‌دهند: «وَأَلْزِمُهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ»؛ در آنجا فرمود: «وَزَيِّرُ سَبْعَ سِنِينَ»، در اینجا می‌فرماید: «وَأَلْزِمُهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ»؛ فرزندتان را ملازم خودتان قرار دهید. مثلاً اگر شما در محیط‌های اجتماعی حضور پیدا می‌کنید، سعی کنید در هفت سال سوم فرزندتان را ببرید. مثلاً اگر در تصمیم‌های مهم حضور پیدا می‌کنید - بر فرض یک جلسه خانوادگی هست که قرار است یک تصمیم مهم گرفته شود یا یک مسافرت مهم است - فرزندتان را با خودتان ببرید؛ چراکه او وزیر شماست. او را با خودتان ببرید تا برای صحنه‌های سخت آماده شود.

پس ۲۱ سال پدر وظیفه تربیتی دارد؛ سه کار را هم در این ۲۱ سال انجام می‌دهد: اولاً در هفت سال اول قدرت تصمیم‌گیری و شجاعت به فرزندش می‌دهد، به اصطلاح رکیک «ریسک‌پذیری» او را بالا می‌برد. در این هفت سال وقتی با فرزندتان آنچنان مخالفت نکنید، فرزندتان با شجاعت وارد حوزه تصمیم‌گیری می‌شود. در هفت سال دوم او را تأدیب می‌کنید؛ یعنی آداب زندگی را به او یاد می‌دهید. در هفت سال سوم آداب را ضربدر قدرت تصمیم‌گیری به یک فرآیند مشاوره تبدیل می‌کنید و او را به کار می‌گیرید؛ یعنی در هفت سال دوم فرزند شما، هم آداب را یاد گرفته است و هم قوه تصمیم‌گیری دارد و ظرفیتش بالا آمده است. حالا او را عملاً وارد کارگاه زندگی می‌کنید، او را وارد صحنه‌های واقعی تصمیم‌گیری می‌کنید. از او می‌خواهید که به شما نظر مشورتی بدهد. چون وزیر است او را وادار می‌کنید فکر کند که مثلاً در فلان مسیر زندگی چه کار باید بکنیم، در فلان حادثه باید چه تصمیمی بگیریم.

در ادامه، هم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هم امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «فَإِنْ رَضِيَتْ أَخْلَاقَهُ لِأَحَدٍ وَ عَشْرِينَ»؛ اگر این کارها را کردی و از فرزندت راضی شدی و او نور چشمت شد، «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ إِلَى قَاضِرِ عَلِيٍّ جَنَّبِيهِ»؛ در غیراین صورت بعد از ۲۱ سال تصمیم فرزندت و اختیارش را به چالش نکش و بگذار خودش باشد؛ یعنی بعد از ۲۱ سال مدیریت را به خودش واگذار کنید. پدر و مادر تا ۲۱ سال این وظایف را دارند، بعد از سن ۲۱ سالگی، سن استقلال فرزند است، فرزند در این سن باید

۵. البته داخل پراتنز عرض کنم که مراد، نمک و سرکه صنعتی نیست، بلکه نمک و سرکه طبیعی هست.

مستقل شود. پیامبر ﷺ فرمودند: «فَاضْرِبْ عَلَيَّ جَنِيهَ»؛ به شانه‌هایش بزن و بگو: برو به امید خدا و زندگی بکن، تصمیم بگیر، خودت هستی. من پدر و مادر، من پدر، وظیفه‌ام تا اینجاست. بعد از سن ۲۱ سالگی تا ۴۰ سالگی آدم به دنبال تثبیت خُلقیات و سبک زندگی خودش است؛ مدیریت این با خودش است و این مدیریت را باید به شکلی اعمال کند که در او ثبات اتفاق بیافتد. باید حواسش باشد که دیگر ولایت و مدیریت پدر از او برداشته شده است و خودش است. مثلاً اگر پدر او را وادار به کار فکری می‌کرد، حالا اینجا باید خودش مدیریت فکری را به عهده بگیرد. اگر در فاصله سن ۲۱ تا ۴۰ سالگی ثباتی پیدا شد و فرزند همان مسیر زندگی را تثبیت کرد، دیگر از بعد ۴۰ سالگی خیلی سخت است انسان‌ها تغییر پیدا کنند و آن فضای اخلاقی و فکری و جسمی تا حدود سن ۴۰ سالگی به یک پختگی و تثبیت می‌رسد. مثلاً در روایت هست: «وقتی انسان‌ها به سن ۴۰ سالگی می‌رسند، اگر آن‌ها به مقام ایمان و تقوا دست پیدا نکرده باشند، شیطان به آن‌ها خطاب می‌کند که بایی انت و اُمی، تو دیگر هدایت نمی‌شوی.»<sup>۶</sup> بعد از ۴۰ سالگی خیلی سخت است، بعد از ۴۰ سالگی خدا توبه را به شکل دیگری قبول می‌کند، توبه را سخت قبول می‌کند؛<sup>۷</sup> چون انتظار دارد تا سن ۴۰ سالگی تقوا و عمل صالح و رشد فکری در وجود انسان اتفاق افتاده باشد.

من عرایضم را در این بخش جمع کنم: این پنج مرحله، مراحل هستند که ظرفیت‌های وجودی انسان را ارتقاء می‌دهند. در مرحله اول ظرفیت، پایه‌گذاری می‌شود، در مرحله دوم ظرفیت تصمیم‌گیری را به ظرفیت‌های پایه‌گذاری شده اضافه می‌کنید، در مرحله سوم ظرفیت تبعیت و تحمل را به ظرفیت‌هایی که تا الآن ایجاد کردید اضافه می‌کنید، این خودش خیلی ظرفیت مهمی است، در مرحله چهارم ظرفیت مشورت و ظرفیت به کارگیری همه این مسائل را به او اضافه می‌کنید؛ خیلی مسئله مهمی است که انسان‌ها قدرت مشورت دادن و مشورت گرفتن داشته باشند، این را در مرحله چهارم حیات پایه‌گذاری می‌کنیم. حال در مرحله پنجم کلید همه این ظرفیت‌ها را به دست خود آن فرد می‌دهید. تا قبل از مرحله پنجم، اختیار استفاده از ظرفیت‌ها به خود فرد واگذار نشده است و نمی‌تواند مستقلاً از ظرفیت‌هایش استفاده کند. نمی‌تواند یعنی چه؟ بله ممکن است فردی در سن ۱۸ سالگی هم فرد برای خودش تصمیم بگیرد، اما عرض بنده این است که آن تصمیم‌های دقیقی که از

۱/۶. بی‌توجهی نظام آموزش و پرورش نسبت به ارتقاء ظرفیت افراد جامعه و در نتیجه ایجاد مشکلات جدی برای دانش‌آموزان

۶. قال رسول الله ﷺ إِذَا بَلَغَ الرَّجُلُ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ لَمْ يَغْلِبْ حَيْرُهُ شَرَّهُ قَبْلَ الشَّيْطَانِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ قَالَ هَذَا وَجْهٌ لَا يُفْلِحُ.

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هرگاه آدمی به چهل سالگی رسد و خویشت بر بدیش چیره نگردد، شیطان بر پیشانی او بوسه زند و گوید: این چهره‌ای است که رستگار نمی‌شود. مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص ۱۶۹

۷. وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ سَيْفِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الْعَبْدَ لَفِي فَسْحَةٍ مِنْ أَمْرِهِ مَا يَبْتُهُ وَ بَيْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَإِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ مَلَائِكَتِهِ أَنِّي قَدْ عَمَّرْتُ عَبْدِي عُمراً وَ قَدْ طَالَ فَعَلَطًا وَ سُدَّادًا وَ تَحَقُّطًا وَ اِكْتِنًا عَلَيْهِ قَلِيلَ عَمَلِهِ وَ كَثِيرَةَ وَ صَغِيرَةَ وَ كَثِيرَةَ قَالَ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِذَا أَنْتَ عَلَى الْعَبْدِ أَرْبَعُونَ سَنَةً قَبْلَ لَهُ خُذْ حِزْرَكَ فَإِنَّكَ غَيْرُ مَعْدُورٍ وَ لَيْسَ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَحَقُّ بِالْعُدْرِ مِنْ ابْنِ عَشْرِينَ سَنَةً فَإِنَّ الَّذِي يَطْلُبُهُمَا وَاحِدٌ وَ لَيْسَ عَنْهُمَا بِرَأْفِدٍ فَأَعْمَلْ لِمَا أَمَّاكَ مِنَ الْهَوْلِ وَ دَعْ عَنْكَ فُضُولَ الْقَوْلِ.

ابو بصیر از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند که فرمود: بنده تا سن چهل سالگی در وسعت و گشایش است و آنگاه که به سن چهل سالگی رسید خداوند به دو فرشته او وحی می‌کند که من عمری برای بنده‌ام دادم که اینک طولانی شده پس با او تندی کن، بر او سخت بگیرد و خوب از او نگهداری کن و اعمال او را -از کم و زیاد، کوچک و بزرگ- بنویسد. امام صادق عليه السلام فرمود: امام باقر عليه السلام فرمود: هرگاه بنده‌ای پا به سن چهل سالگی گذاشت به او گفته می‌شود: خود را دریاب که عذری از تو پذیرفته نیست و فرد چهل ساله برای عذر، شایسته‌تر از بیست ساله نیست، چرا که آنچه که آن‌ها را می‌جوید یکی است و در خواب نیست. (از کار آن‌ها غافل نیست) پس به جهت هراسی که در پیش داری عمل کن و گفتار زیادی را رها کن.

آن‌ها پشیمان نشود را نمی‌توان بگیرد. حتماً باید یک دوره با پدرش این تصمیم‌ها را تمرین کند و هفت سال مشاور پدرش باشد؛ خطا می‌کند، پدرش باید کمکش کند و تصحیحش کند. پس بنابراین کلید شخصیت را از سن ۲۱ سالگی به بعد به خود فرد می‌دهند و می‌گویند ما ظرفیت‌های اولیه را برای تو ایجاد کردیم، حالا برو و خودت تصمیم‌گیری کن و مدیریت کن.<sup>۸</sup>

خب بنده یک سؤال پیرسزم و چند بحث تکمیلی را ارائه کنم. آیا تصویر نظام آموزش و پرورش پوزیتیویتی ما از تربیت، ارتقاء ظرفیت است؟ اساساً بعضی از این مراحل را برای مخاطب خودش تصویر نمی‌کند. شاید بعضی از ما - که الان اینجا نشستیم و با هم گفتگو می‌کنیم - هیچ درکی از مناسب ظرفیت‌ساز مرحله اول شکل‌گیری شخصیت نداشته باشیم، هیچ‌کس هیچ توجهی در ما ایجاد نکرده است. لذا نظام آموزش و پرورش فعلی به گونه‌ی دیگری فکر می‌کند. امروز با پدری صحبت می‌کردم و فرزندش حدود یک تا دو سال داشت. گفتم: «برنامه‌ات برای پسر چیست؟» گفت: «دارم به او رنگ‌ها را نشان می‌دهم!»؛ یعنی تمرکز او بر موضوعات دیگری است، من نمی‌گویم آموزش رنگ‌ها در یک دوره‌ای در دستور کار قرار بگیرد یا نگیرد؛ بنده می‌گویم، آن عامل‌های ظرفیت‌ساز را فراموش نکنید؛ مواظبت اصلی ما باید بر روی مسئله سید بودن باشد.

۱/۲/۳/۲ . امر کردن فرزند  
به روزه در هفت سال دوم؛  
یکی از آداب هفت‌سال دوم  
و ایجاد قدرت تسلط بر نفس  
و تصمیمات

یا برای مثال در این دوره‌ای که ما در آن به سر می‌بریم هنگام ورود به هفت سال دوم، فرزند را وادار به یادگیری زبان انگلیسی می‌کنند، حتی بعضی از پدر و مادرها این کار را در هفت سال اول می‌کنند؛ یعنی تمرکز آن‌ها بر آموزش‌های فرعی دیگر است و یک کارهای دیگری را انجام می‌دهند. در حالی که مثلاً از جمله عوامل مهمی که در تمام طول حیات کمک می‌کند که برای شخصیت فرزند شما چالش ایجاد نشود، همین یادگیری آداب است. در روایات چند مورد از آداب اصلی را نیز بحث کرده‌اند. مثلاً فرمودند در هفت سال دوم، به اندازه تحمل فرزندتان او را امر به صوم کنید.<sup>۹</sup> چون همه ما روزه می‌گیریم، کسی بر آن دقت نمی‌کند. مسأله روزه یعنی چه؟ یعنی به انسان‌ها یاد می‌دهند، در مهمترین فعل روزانه‌شان اختیار به دست خودشان باشد و تسلیم نباشند. این برای همه مسائل دیگر زیرساخت می‌شود؛ وقتی شما به نخوردن آب و غذا تصمیم می‌گیرید، اگر چنین قدرتی در شما ایجاد شد به چه معناست؟ معنای فنی آن این است که در همه مسائل، شما بر نفستان امیر هستید و دیگران برای شما تعیین تکلیف نمی‌کنند، جذبه‌های دنیا برای شما تعیین تکلیف نمی‌کنند.

**لذا در دستگاه پیامبران علیهم‌السلام شما در هفت سال دوم به فرزندتان یاد می‌دهید که بر خواسته‌های خود**

۸. حالا در فاصله سن ۲۱ سالگی تا ۴۰ سالگی بحث‌های مهمی هست؛ مثلاً حتماً باید در آن دوره ایثار تثبیت شود، مسئله علاقه‌مندی به علم باید تثبیت شود؛ ولی با مدیریت خود فرد، من به دلیل وقت کم وارد این تفصیلات نمی‌شوم.

انتقال از متن

۹. عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسٍ سِنِينَ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَعِ سِنِينَ وَ نَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَعِ سِنِينَ يَمَا أَطَافُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَإِذَا عَلَنَهُمُ الْعَطَشُ وَ الْغَرْتُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ يُطِيقُوهُ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي سَعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِذَا عَلَنَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند: ما کودکان خود را وقتی پنج ساله شدند به خواندن نماز امر می‌کنیم و شما کودکانتان را وقتی هفت ساله شدند، به خواندن نماز وادارید. ما کودکانمان را وقتی به سن هفت سالگی رسیدند امر می‌کنیم تا هر مقدار از روز را که می‌توانند روزه بگیرند نصف روز یا کمتر و یا بیشتر، و هرگاه تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب شد افطار کنند، تا بدین ترتیب به روزه گرفتن عادت کنند و توان آن را بیابند و شما نیز وقتی کودکانتان ۸ ساله شدند به آنان دستور دهید تا هر مقدار از روز را که می‌توانند روزه بگیرند و هرگاه تشنگی بر آنان غلبه کرد روزه‌شان را باز کنند.

**مسلط شود**، این خیلی مسئله مهمی است. بسیاری از چالش‌های زندگی انسان مربوط به این است که نمی‌تواند «نه» بگوید؛ خب در دین مبین اسلام مکانیزم «نه» گفتن به امور، روزه است. شما وقتی به آب و غذا نه می‌گویید، یعنی به دو چیزی که نسبت به آن بسیار علاقه و جذب و وجود دارد «نه» می‌گویید؛ معنایش این است که این قدرت در شما ایجاد می‌شود که به هر امری اگر مصلحت دانستید «نه» بگویید. الان مشکل نظام آموزش و پرورش ما این است که حتی بعضی از نوجوانان ما به مواد مخدر هم نمی‌توانند «نه» بگویند، به هیچ چیزی نمی‌توانند نه بگویند. آیا این از نظر شما مشکل نیست؟ این را در جوانان فعلی درک نمی‌کنید؟ باید مکانیزمی در دوره شکل‌گیری شخصیت تعبیه شود که مدیریت انتخاب را در فرزند ما تقویت کند. **در روایات ما، تقویت مدیریت انتخاب، به حکم روزه واگذار شده است؛** لذا درست است که از هفت سالگی روزه واجب نیست، ولی فرمودند فرزندان را به قدری که می‌تواند، به روزه امر کنید. یک ساعتی از روزه نمی‌تواند، عیب ندارند اجازه افطار دهید. خب این که روزه به معنای مصطلح نیست ولی پیداست امام علیه السلام از طریق مسئله صوم و روزه، به دنبال تقویت مدیریت فرد بر انتخاب‌هایش است، می‌توان اینگونه هم به روزه نگاه کرد. برای همه ما روایت خوانده‌اند که: «صوم سپر آتش جهنم است»؛<sup>۱۰</sup> ولی برای ما درایه نکردند که چرا مسئله روزه این قدر مهم است؟ هر کس بتواند روزه بگیرد، به این معناست که می‌تواند تمامی انتخاب‌هایش را خودش انجام دهد؛ انتخاب، واقعاً انتخاب است و تحمیل نخواهد بود. حالا بنده وقت ندارم در تمامی این روایات درایه کنم و نشان دهم، ولی بنده با خودم زیاد فکر کردم. چرا امام علیه السلام می‌گوید در هفت سال دوم؟ با اینکه می‌دانید قسمتی از هفت سال دوم روزه بر خواهران واجب نیست و در کل هفت سال دوم نیز بر برادران واجب نیست. چرا امام علیه السلام بر این مساله تاکید می‌کند؟ این را با دعوت امام علیه السلام به عبد بودن همسو دیدم. انسان وقتی بر خواسته‌هایش مسلط نباشد، نمی‌تواند تبعیت کند؛ دعوت به صوم، شرح عبد بودن است، البته مناسب دیگر می‌هم هست، این‌ها ظرفیت ایجاد می‌کند.

من امشب حرف‌هایی نزدم که تنها به درد آخرت بخورد. می‌گویم به درد همین نظام آموزش و پرورش ما می‌خورد. انواع مواد مخدر در نظام آموزشی ما به فرزندان پیشنهاد می‌شود و عمدتاً هم با استقبال فرزندان ما مواجه می‌شود.<sup>۱۱</sup> چرا این اتفاق افتاده است؟ برای اینکه نظام

۱۰. حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْعَبَّاسِ الْجُرْجَانِيُّ بِسَمْعٍ قَدِّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ يُوسُفَ الرَّازِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُفَ الْكُدَيْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَامِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا زَمْعَةُ عَنْ سَلْمَةَ عَنْ عِكْرَمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ هُوَ لَهُ غَيْرُ الصَّيَامِ هُوَ لِي وَ أَنَا أُجْزِي بِهِ وَ الصَّيَامُ جُنَّةٌ الْعَبْدِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَمَا يَقِي أَحَدَكُمْ سِلَاحُهُ فِي الدُّنْيَا وَ لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ رِيحِ الْمَسْكِ وَ الصَّائِمُ يُفْرَحُ بِفَرْحَتَيْنِ حِينَ يُفْطِرُ فَيَطْعَمُ وَ يُشْرَبُ وَ حِينَ يَلْقَايَ فَأَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای متعال فرمود: همه اعمال فرزند آدم از آن او است جز روزه که از آن من است و من پاداش آنم. روزه در قیامت سپر بنده مؤمن است همچنان که یکی از شما در دنیا خود را با اسلحه نگهداری می‌کند، بوی دهن روزه‌دار پیش خدای عز و جل خوش‌تر است از بوی مشک، روزه دار دو شادی دارد: یکی هنگام افطار که می‌خورد و می‌آشامد و دیگری هنگامی که مرا ملاقات می‌کند و او را به بهشت می‌برم.

الخصال، ج ۱، ص ۴۵

۱۱. پرویز افشار سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر در هفتمین نشست خبری ستاد مبارزه با مواد مخدر در تاریخ ۱۳ مهر ۱۳۹۵ گفت: اگر جمعیت دانش‌آموزان بین کلاس‌های سوم راهنمایی تا پایان متوسطه را ۴/۵ میلیون نفر در نظر گرفته باشیم می‌توانیم بگوییم که هم اکنون ۴۵ هزار نفر از دانش‌آموزان تجربه حداقل یکبار مصرف مواد مخدر را در دوران تحصیل خود داشته‌اند.

آموزش و پرورش به جای اینکه در هفت سال دوم مدیریت انتخاب را تقویت کند، آموزش‌های فرعی را مبنا قرار داده است، عوارض آن هم تا آخر عمر باقی خواهد ماند.<sup>۱۲</sup> ما نظام آموزش و پرورش را به عنوان یک مسئله اصلی بحث و گفتگو نمی‌کنیم و راه‌حل نمی‌دهیم و نتیجه آن چه می‌شود؟ نتیجه‌اش این می‌شود که تربیت به یک مسئله دسته‌چندم تبدیل می‌شود. بعد مسئولان کشور جمع می‌شوند و می‌گویند برنامه شما برای رفع مشکل اعتیاد چیست؟ برادر با شعورم! اول باید برای مدیریت انتخاب انسان‌ها برنامه‌ریزی می‌کردید؛ وقتی شما هفت سال دوم و تأدیب فرزندان را جدی نگرفتید، او نمی‌تواند انتخاب‌هایش را مدیریت کند؛ لذا به مواد مخدر هم «بله» می‌گوید! من بعضی مواقع که فکر می‌کنم، واقعاً تعجب می‌کنم! برنامه‌ریزی برای محدود کردن مواد مخدر یعنی چه؟! چرا در روبنا به فکر حل مسئله هستند؟ چرا در زیربنا به فکر حل مسئله نباشیم؟ این‌ها مشکلات کشور ماست؛ بنابراین باید به این سمت برویم که برنامه‌ها را تحول ببخشیم.

## ۲. معرفی خانواده به عنوان محور اصلی تربیت و قرار گرفتن خانواده به عنوان پشتیبان خانواده؛ نتیجه محور بودن ارتقاء ظرفیت در امر تربیت

من یک سؤال را مطرح می‌کنم و در جلسه فردا شب آن را توضیح می‌دهم؛ اگر ظرفیت‌سازی برای شخصیت انسان، مقدم بر به فعلیت رساندن ظرفیت‌هاست؛ سؤال این است که نهاد ظرفیت‌ساز، سیستم آموزش و پرورش است یا نهاد خانواده؟ برنامه‌های تربیتی طبق این مباحثاتی که عرض کردم، دو دسته شدند: یک دسته از مباحث تربیتی، ارتقای ظرفیت ایجاد می‌کردند، مثل این پنج مرحله برنامه‌ای که عرض کردم؛ هر کدام از آن‌ها یک ظرفیتی را به فرزند شما اعطا می‌کرد. مثلاً اگر فرزندان را در هفت سال دوم «عبد» قرار بدهید، ظرفیت مدیریت انتخاب را به فرزندان اعطا کردید. در نتیجه؛ یک سری برنامه‌های تربیتی از این ظرفیت‌ها استفاده می‌کنند، آن‌ها هم یک سری برنامه تربیتی هستند. حال اگر دسته اول برنامه‌های تربیتی یعنی برنامه‌های ظرفیت‌ساز - را مقدم بدانیم، نهاد تربیت دیگر نمی‌تواند نظام آموزش و پرورش باشد. کسی نمی‌تواند بگوید سیستم آموزش و پرورش، دستگاه اول تربیت کشور است؛ بلکه باید بگوید نهاد خانواده دستگاه اول تربیت است. حال بحث‌مان می‌خواهد به این سمت برود که باید بحث کنیم که برای احیای امر تربیت، در ابتدای امر باید یک فکری به حال تقویت نهاد خانواده کنیم؛ نه اینکه پدر به مدیر مدرسه زنگ بزند و او را عتاب کند که چرا بچه‌ی ما فلان اعوجاج را پیدا کرده است؟ الان همه فکر کرده‌اند مدرسه،

۱۲. شاید بخشی از گناهان بر عهده طلبه‌هایی مثل من باشد که فقط گفتیم: «مردم روزه بگیرید». یا مثلاً هیئت‌هایمان را دیدید که چگونه‌اند؛ اصلاً بحث فکری مطرح نمی‌شود. سربیت‌ها و مدیران محترم، اصلاً بنای‌شان بر این نیست که هیئت را مرکز تحلیل مشکلات مردم قرار دهند. شاید بخشی از گناهان به این برگردد. در همین شهر با عظمت اصفهان نگاه کنید؛ ده‌تا هیئت را پیدا نمی‌کنید که دارای موضوع سخنرانی باشند، فقط می‌گویند: «فلان کس، سخنرانی می‌کند؛» درحالی که باید بگویند: «امسال هیئت ما به این موضوع می‌پردازد؛ تا تمامی کسانی که نیاز به آن موضوع دارند، برنامه‌شان را تنظیم کنند و در آن هیئت شرکت کنند. خب گناهان خودمان را محاسبه کنیم؛ من طلبه‌ای که در حدیث درایه نمی‌کنم و فقط حدیث را روایت می‌کنم، زمینه تفکر را برای مخاطبم ایجاد نمی‌کنم، من اول مقصرم، من قبول دارم. هیئتی که برنامه‌ریزی فکری نمی‌کند نیز مقصر است؛ ولی اینکه ما مقصریم، نفی تقصیر نظام آموزش و پرورش کشور نیست.

من از وزیر محترم آموزش و پرورش سؤال می‌پرسم: «تا چه زمانی قرار است این آموزش‌ها و این شکل آموزش ادامه پیدا کند؟ تا چه زمانی قرار است علم غیرنافع را به فرزندانمان یاد دهیم؟ تا چه زمانی قرار است این مسیری که از دوره پهلوی پایه‌گذاری شد - سیستم آموزشی از آن موقع آغاز شد - را ادامه دهیم؟» از نمایندگان محترم مجلس می‌پرسم: «شما چرا در کشور دعوای اساسی راه نمی‌اندازید؟ چرا اکثر دعوای کشور، دعوای استقلال و پیروزی و دعوای علیاء و سفلا است؟ دعوای جناحی و بانددبازی است؟ چرا نطفی در نمایندگان مجلس مربوط به مسائل اصلی کشور پیدا نمی‌شود؟» همه ما مقصریم.

نهاد اول تربیت است! چون درک‌شان از تربیت، درک فنی نبود؛ اما اگر گفتیم تربیت اولاً و بالذات یعنی «ارتقاء ظرفیت‌ها» و مسئله‌ی ارتقای ظرفیت را در پنج مرحله ترسیم کردیم؛ [نتیجه‌اش این می‌شود که خانواده نهاد اول تربیت است؛] ظهور روایات ما می‌گوید نهاد اصلی متکفل تربیت، نهاد خانواده است؛<sup>۱۳</sup> نه نظام آموزش کشور و نه سیستم آموزش و پرورش کشور. همان مرحله اول تربیتی را تصور کنید، تماماً به دست پدر و مادر است؛ انعقاد نطفه به دست پدر و مادر است، انتخاب همسر به دست پدر و مادر است، مدیریت دوران حمل، به دست پدر و مادر است، این‌ها که به دست «سیستم آموزشی» نیست.

چرا ما تصور کردیم که سیستم آموزش و پرورش، نهاد اول تربیتی کشور است؟ به دلیل اینکه درک ما از تربیت پوزیتیویستی بوده است؛ وقتی درک را از تربیت ارتقا داده و ظرفیت‌های تربیتی برای مان اصل می‌شود یعنی ایجاد «ظرفیت‌های تربیتی» برایمان مهم‌ترین مسئله می‌شود - خب نهاد ایجاد ظرفیت‌های تربیتی، نهاد خانواده است. حال به تعبیر برادرمان، باید بحث را اینطور ادامه بدهیم که عمده آموزش و پرورش آینده ما به محوریت نهاد خانواده است نه به محوریت وزارت آموزش و پرورش. در ۲۰ سال آینده، یک خانواده‌هایی باید ایجاد شوند که علاوه بر تأمین معاش فرزندشان، ظرفیت‌های تربیتی را هم در فرزندانشان ارتقا دهند. حال اینکه چه طور این خانواده‌ها را بسازیم و پشتیبانی کنیم، اساساً موضوع بحث‌های ماست.

همچنین یک سؤالی بوجود می‌آید؛ پس چه تعریفی برای این نظام آموزش و پرورش کشور ارائه می‌کنید؟ آیا آن را تعطیل می‌کنید؟ نه؛ بلکه آن را پشتیبان نهاد خانواده قرار می‌دهیم. وقتی پشتیبان نهاد خانواده قرار بگیرد، خیلی فرق می‌کند با اینکه خودش نهاد مستقل تربیتی تلقی شود؛ بنابراین بافت و ساعات آموزشی و مفاد آموزشی آن تغییر پیدا می‌کند. اصل داستان این است که درک ما از تربیت ارتقا پیدا کند؛ یعنی ما بدانیم که تربیت با انسانی که ظرفیت بالایی دارد، به یک شکل اتفاق می‌افتد و با انسانی که ظرفیت‌های پایینی دارد، به یک شکل دیگری است. آیا دیدید که در روایات می‌گویند: مدارا نصف عقل است.<sup>۱۴</sup> برای اینکه یک عاقل تشخیص می‌دهد که در دوره تربیت طرف مقابل چالش ایجاد شده است و دیگر نمی‌توان خیلی فنی با او برخورد کرد و باید با او مدارا و تحمل کرد. آیا در آیات قرآن دیدید که می‌فرماید: به بعضی که برخورد کردید، سلام کنید.<sup>۱۵</sup> البته این سلام وداع است، یعنی با او خداحافظی کنید، یعنی با بعضی دهان‌به‌دهان نشده و با او خداحافظی کنید. او اساساً ظرفیت مدیریت انتخاب و تصمیم‌گیری و قوه عقل بالایی ندارد پس شما بهتر است از خیر

۲/۱. قرار گرفتن آموزش و پرورش به عنوان پشتیبان نهاد خانواده و نه محور اصلی تربیت

۱۳. به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

۱۴. و قال الحسن ع حسن السؤال نصف العلم و مداراة الناس نصف العقل و القصد في المعيشة نصف المئونة.

امام حسن علیه السلام فرمودند: سؤال خوب نیمی از علم، مدارای با مردم نیمی از عقل و میان‌روی در معاش نیمی از هزینه است.

شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۱۰۸

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ... وَ اعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مُدَارَاةُ النَّاسِ

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت خود به محمد بن حنفیه فرمودند: ... و بدان که رأس عقل بعد از ایمان به خدای عزّ و جلّ مدارا با مردم است.

من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۷

۱۵. سوره مبارکه فرقان، آیه ۶۳؛ وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

و بندگان رحمان کسانی‌اند که روی زمین با آرامش و فروتنی راه می‌روند، و هنگامی که نادانان آنان را طرف خطاب قرار می‌دهند [در پاسخشان] سخنانی مسالمت‌آمیز می‌گویند.



ارتباط فنی و گفتگو با او بگذرید و وارد تعامل با او نشوید. اساساً وقتی ظرفیت‌های انسان اُفت پیدا می‌کند، دیگر خیلی نمی‌توان با او کار تربیتی کرد. من فکر می‌کنم بسیاری از اتفاقات سوء تربیتی به این مسئله باز می‌گردد.

حالا ان‌شاءالله اگر خدای متعال توفیق داد، فردا شب وارد بحث می‌شوم و خانواده را به عنوان نهاد متکفل تربیت بحث می‌کنم و تبیین بیشتری می‌کنم تا به این نتیجه برسیم که باید از این نگاه بگذرید که سیستم آموزش و پرورش را به عنوان «نهاد متکفل تربیت» در ذهن‌تان تثبیت کنید.

و الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

## پیوست‌ها

## پیوست شماره ۱: برخی از روایات باب "نهاد اصلی متکفل تربیت"

رُويَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لَأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمْ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمْ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَعَهُمْ وَرَضُوا عَنْهُمْ بَعْضُ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَهُمْ مِنِّي بَرَاءٌ.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله به بعضی از کودکان نظر کرده و فرمودند: وای بر فرزندان آخرالزمان از روش پدرانشان! سؤال شد: یا رسول الله! از پدران مشرک آنها؟ حضرت فرمود: نه، از پدران مسلمانان که چیزی از فرائض دینی را به آن‌ها یاد نمی‌دهند و اگر فرزندان هم بی‌فراگیری بروند، آن‌ها را منع می‌کنند و تنها از این خشنودند که آن‌ها درآمد مالی داشته باشند هرچند ناچیز باشد. سپس فرمود: من از این پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند!

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۴

أَمَّا حَقٌّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُتَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَدِّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا يَبْتَئُكَ وَ يَبْتَنُّهُ بِحُسْنِ الْفِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ أَمَّا حَقٌّ أَحْيِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ يَدُكَ الَّتِي تَبْسُطُهَا وَ ظَهْرُكَ الَّذِي تَلْتَجِي إِلَيْهِ - قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : حَقٌّ وَلَدِكَ أَنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَابِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمَعُونَةِ بِهِ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُتَابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ

امام سجاد علیه السلام فرمود: اما حق فرزندان (این است که) بدانی او از توست و در این جهان به نیک و بد خویش وابسته به توست و تو با پرورش خوب و رهنمایی او به راه پروردگارش و کمک به او در فرمانبرداری وی (هم) درباره خودت و (هم) در حق او مسؤول هستی و بر (اساس) این مسؤولیت پاداش بری و کیفر بینی، پس در کار فرزند، چنان کسی عمل کن که کارش را در این دنیا به حسن اثر بیارید و تو به سبب حسن رابطه فیما بین و سرپرستی خوبی که از او کرده‌ای و نتیجه‌ای الهی که از او گرفته‌ای نزد پروردگارت معذور باشی. و لا قوة الا بالله (و نیروی جز به خداوند نیست).

تحف العقول، ص ۲۶۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ الْكِنْدِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَا بِهِ فَإِنَّ وَلَدَ السُّوءِ يُعَيِّرُ وَالِدَهُ بِعَمَلِهِ كَوْنُوا لِمَنْ انْقَطَعْتُمْ إِلَيْهِ رَبِّنَا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْهِ شَيْئاً صَلُّوا فِي عَسَائِرِهِمْ وَ عودُوا مَرَضَاهُمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ لَا يَسْبِقُونَكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَأَنْتُمْ أَوْلَى بِهِ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ مَا عَبْدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْحَبِّ قُلْتُ وَ مَا الْحَبُّ قَالَ التَّقِيَّةُ.

هشام کندی گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: مبادا کاری کنید که ما را بدان سرزنش کنند، همانا فرزند بد، پدرش را به کردار او سرزنش کند، برای کسی که به او دل داده‌اید (امام خود) زینت باشید و عیب و ننگ مباشید، در میان عشایر آن‌ها نماز بخوانید (به نماز جماعت عامه حاضر شوید) و از بیمارانشان عبادت کنید و بر جنازه آن‌ها حاضر شوید، مبادا آن‌ها در هیچ خیری از شما پیشی گیرند که شما نسبت به خیر از آن‌ها سزاوارترید، به خدا سوگند که خدا به چیزی که محبوبتر باشد نزد او از خبء عبادت نشده، عرض کردم خبء چیست؟ فرمود: تقییه.

الکافی، ج ۲، ص ۲۱۹

### نظام سؤالات

۱. سرفصل چهارم آموزش و پرورش آینده: تکنیک‌ها و مراحل پنجگانه ارتقاء ظرفیت (به عنوان گام اول حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده) کدام است؟

۱/۱. نخستین مرحله ارتقاء ظرفیت از نظر اسلام چیست؟

۱/۱/۱. مرحله اول ارتقاء ظرفیت، چند مرحله درونی دارد؟

۱/۱/۲. ثمره مرحله اول ارتقاء ظرفیت چیست؟

۱/۲. مرحله دوم ارتقاء ظرفیت از نظر اسلام چیست؟

۱/۲/۱. محور مرحله دوم ارتقاء ظرفیت چیست؟

۱/۲/۲. ثمره مرحله دوم ارتقاء ظرفیت چیست؟

۱/۳. سومین مرحله ارتقاء ظرفیت کدام است؟

۱/۳/۱. محور مرحله سوم ارتقاء ظرفیت چیست؟

۱/۳/۲. ثمره مرحله سوم ارتقاء ظرفیت چیست؟

۱/۴. مرحله چهارم ارتقاء ظرفیت چیست؟

۱/۴/۱. محور مرحله چهارم ارتقاء ظرفیت چیست؟

۱/۴/۲. ثمره مرحله چهارم ارتقاء ظرفیت چیست؟

۱/۵. مرحله پنجم ارتقاء ظرفیت چیست؟

۱/۵/۱. محور مرحله پنجم ارتقاء ظرفیت چیست؟

۱/۵/۲. ثمره مرحله پنجم ارتقاء ظرفیت چیست؟

۲. سرفصل پنجم آموزش و پرورش آینده: نهاد اصلی مدیریت مراحل پنجگانه ارتقاء ظرفیت و تربیت چه نهادی است؟

۲/۱. با محور شدن خانواده در امر تربیت، نقش آموزش و پرورش در امر تربیت چیست؟



## جلسه هفتم

### سوالات جلسه

سرفصل پنجم آموزش و پرورش آینده: نهاد اصلی مدیریت مراحل پنجگانه ارتقاء ظرفیت و تربیت چه نهادی است؟  
سرفصل ششم آموزش و پرورش آینده: برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پیشنهادی برای تقویت نهاد خانواده و ارتقاء ظرفیت چیست؟

### عنوان جلسه

امکان حل مشکل مسکن نهاد خانواده با استفاده از ظرفیت وقف و تقویت نهاد خانواده

### خلاصه جلسه

در جلسات گذشته روشن گردید که گام اول برای حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده ارتقاء ظرفیت است و نهاد اصلی ارتقاء ظرفیت با توجه به ویژگی‌ها و شرایط آن، نهاد خانواده است و باید به سمت تقویت این نهاد حرکت کنیم.

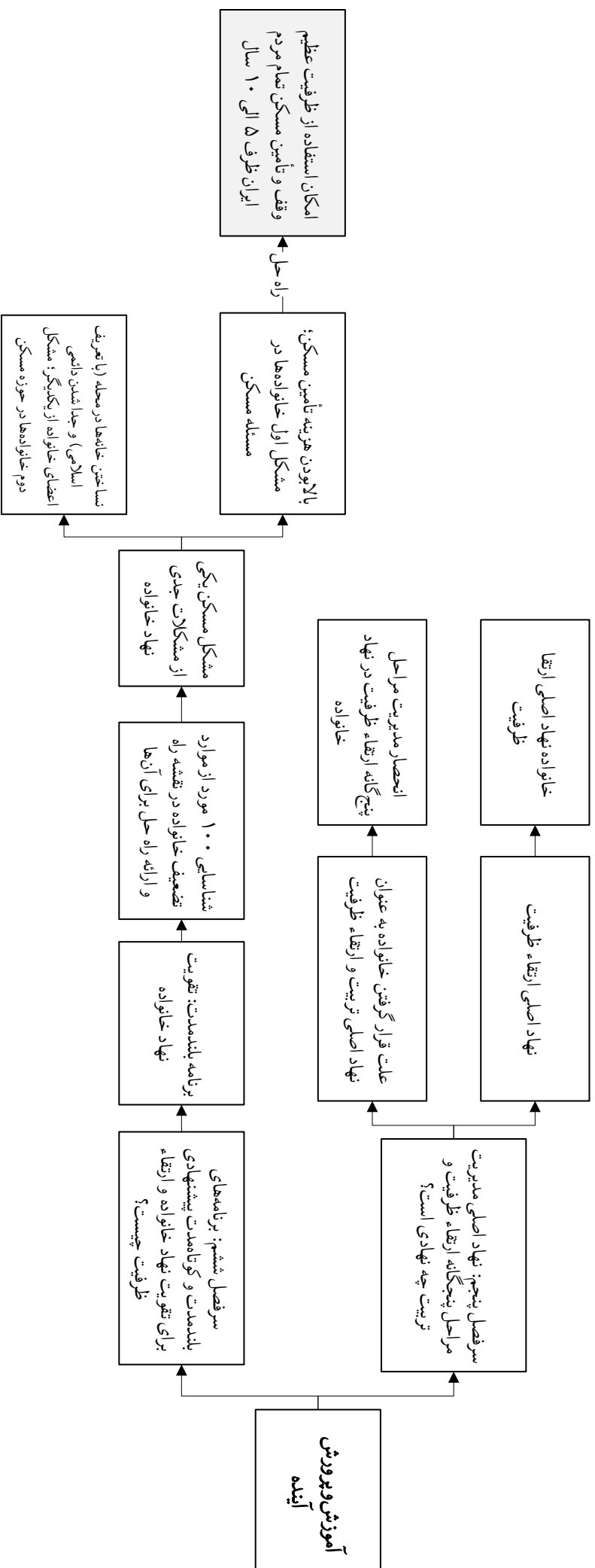
از جلسه هفتم به بعد به این موضوع پرداخته می‌شود که چگونه ارتقاء ظرفیت و خانواده را تقویت کنیم؟ برای این منظور دو برنامه بلندمدت و کوتاه‌مدت وجود دارد؛ برنامه بلندمدت، تقویت نهاد خانواده و برنامه کوتاه‌مدت گفتگو در مورد مسئله ارتقاء ظرفیت است.

در مورد برنامه بلندمدت باید گفت یکی از مشکلات اصلی نهاد خانواده در حال حاضر مسئله مسکن است و اگر این مشکل از سر راه خانواده برداشته شود نهاد خانواده تقویت می‌گردد.

در حوزه مسکن دو مشکل عمده وجود دارد: ۱. بالا بودن هزینه‌های تأمین مسکن ۲. مدل ساختن مسکن فعلی که باعث دوری اعضای خانواده از یکدیگر می‌شود.

در مورد مشکل اول می‌توان هزینه تأمین مسکن خانواده‌های ایرانی را با استفاده از موقوفات حل نموده و ظرف ۵ الی ۱۰ سال مشکل مسکن تمام خانواده‌های ایرانی را حل کرد. اما اینکه باید مسکن را چگونه ساخت تا خانواده تقویت شود، بحثی است که در جلسه آینده تشریح می‌گردد.

# تبیین ویژگی‌های آموزش و پرورش آینده و چگونگی حرکت به سمت آن (جلسه هفتم)



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام علیکم ورحمة الله وبركاته بسم الله الرحمن الرحيم أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا وشفيعنا في يوم الجزاء ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين المنتجبين المكرمين سيما بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله فداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله.

### ۱. نهاد خانواده؛ محور اصلی تربیت و ارتقاء ظرفیت و لزوم پشتیبانی و تقویت این نهاد مقدس

در شب‌های گذشته، نظریه‌ی تربیتی استنباط‌شده‌ی خودمان را محضر شما به صورت اجمالی تشریح کردم؛ عرض کردم اگر یک انسانی، پدری، مادری، می‌خواهد فرزندش از حیث ظرفیت‌های روحی و ذهنی و جسمی ارتقاء یافته‌تر از دیگران باشد، باید همت بگمارد و پنج مرحله مدیریت شخصیت را انجام دهد؛ اگر مراحل پنج‌گانه‌ی مدیریت شخصیت به صورت جدی مورد توجه قرار بگیرد، با انسان‌هایی با ظرفیت بالا در جامعه روبرو خواهیم شد.

خب، اصل تصویری که از مسئله‌ی تزکیه و تربیت ارائه کردم، ما را به یک سؤال مهم رهنمود کرد و آن این بود که اگر مراد از تزکیه و تربیت مدیریت پنج مرحله‌ی شخصیت است، اساساً این کار تربیتی را می‌توانیم به سیستم آموزش و پرورش کشور تفویض کنیم؟ اساساً نهاد آموزش و پرورش صلاحیت و اختیارات لازم برای تحقق این معنا از تربیت را دارد یا نه؟ الآن در جامعه‌ی ما تلقی عمومی این است که سیستم آموزش و پرورش نهاد متکفل تربیت است، متکفل مسئله تربیت است. چرا این تلقی عمومی به وجود آمده است؟ چون درک از تربیت در ذهن‌ها تنزل پیدا کرده است،

۱/۱. محوریت داشتن

ارتقاء ظرفیت در امر

تربیت

۱/۲. محوریت خانواده

در تربیت و لزوم تقویت

این نهاد به علت انحصار

مدیریت ارتقاء ظرفیت در

خانواده

چون همه فکر می‌کنند مسئله تربیت، یعنی انتقال بعضی از اطلاعات و بعضی از مهارت‌ها به فرد. بله اگر تربیت را خلاصه‌ی در ارتقاء آگاهی‌ها و مهارت‌ها بدانیم، سیستم آموزش و پرورش فعلی هم می‌تواند این کارها را انجام دهد. مثلاً اگر قائل بشویم به اینکه تربیت یعنی پیدا شدن تفکر نقاد در فرد، سیستم آموزش و پرورش فعلی می‌تواند این کار را انجام دهد؛ می‌تواند با برگزاری دوره‌هایی، با چاپ کتاب‌هایی، فرد را وارد وادی نقادی در حوزه تفکر کند. یا مثلاً اگر قائل شدیم به اینکه تربیت عبارت است از اینکه فرد مثلاً در تنظیم روابط انسانی خودش، بتواند خشمش را کنترل کند و به اصطکاک با دیگران نرسد؛ در اینصورت ممکن است شما بگویید یک سیستم آموزشی می‌تواند این کار را به خوبی انجام بدهد، می‌تواند این را در دانش‌آموز و فرد جا بیاندازد. اما اگر درک ما از تربیت، ایجاد ظرفیت‌های اولیه بود، -مانند آنچه که در مرحله اول شکل‌گیری شخصیت بحث کردیم- دیگر این کار را سیستم آموزش و پرورش نمی‌تواند انجام بدهد، نهاد اصلی این کار نهاد خانواده است.

یا مثلاً اگر گفتیم سیستم آموزشی کشور توان این را ندارد که تأدیب را جلو ببرد، -یعنی آن مسئله ای که مربوط به هفت سال دوم بود- [دیگر نظام آموزش و پرورش محور تربیت نمی‌شود]. چرا نمی‌تواند این کار را انجام دهد؟ چون در مسئله تأدیب رفق و محبت موضوعیت دارد؛ تأدیب یک مسئله از سر محبت است، محفوف به محبت است، یک مسئله خشک نیست، مسئله‌ای است که اگر عسل محبت با آن مخلوط نشود، ایجاد تنفر می‌کند. خب در سیستم آموزشی یک معلم حتی اگر در بهترین وضعیت باشد، نمی‌تواند اعمال محبتش به اندازه اعمال محبت پدر و مادر باشد. باید مسئله را درست تصور کنیم؛ شما می‌گویید آموزش و پرورش فرزند ما را تربیت بکند. می‌گویم راجع به مفهوم ادب کردن بحث و گفتگو کردید؟ ویژگی‌های تأدیب را مباحثه کردید؟ تأدیب، مفهومی همراه با محبت است؛ اگر شما فرایند تأدیب را بدون محبت، پیگیری کنید، ادب درونی‌سازی نمی‌شود، به عمق وجود فرد انتقال پیدا نمی‌کند. خب در نهاد آموزش و پرورش چقدر رفق و محبت پیدا می‌شود؟ فرض کنید یک حکیم، یک فرد کاملاً ویژه، معلم فرزند شما شده است؛ دقت دارید که این فرد همزمان معلم سی دانش‌آموز دیگر هم هست. بنابراین نمی‌تواند به همه‌ی آن‌ها محبت داشته باشد؛ محبت یک محصول محدود است و تولید انبوه محبت کار خیلی سختی است. وقتی مسئله را درست تصور کنیم آنوقت متوجه می‌شویم که چه تصمیمات اشتباهی گرفته‌ایم. بنده سعی‌ام این بود که ابتدا درک از مسئله تربیت را یک مقداری از این حالت تنزل یافته در اذهان ارتقاء بدهم. خب حالا که یک درک اجمالی از مسئله تربیت در جلسه ما به اشتراک گذاشته شده است ما می‌توانیم در رابطه با نهاد متکفل امر تربیت هم تفاهم کنیم. نهاد اصلی متکفل تربیت نهاد خانواده است نه سیستم آموزش و پرورش فعلی.

البته جامعه‌ی امروز ما سال‌ها با این وضعیت مطلوب فاصله دارد؛ یعنی من و شما سال‌ها باید کار کنیم تا خانواده‌هایی ایجاد شوند که امر تربیت را به معنای تکامل یافته‌اش متوجه باشند. دیشب داشتم بعد از جلسه، تلویزیون تماشا می‌کردم؛ یک تیزر تبلیغاتی پخش می‌شد، چند خانواده را جلوی دوربین نشانده بودند. با این خانواده‌ها و فرزندان‌شان مصاحبه می‌کردند؛ از بچه خانه سؤال می‌پرسید: در آینده می‌خواهید چکاره شوید؟ او می‌گفت: مثلاً می‌خواهم آتش‌نشان یا معلم بشوم.

۱/۱/۱. لزوم ارتقاء درک  
نظام آموزش و پرورش و  
مردم نسبت به مسئله  
تربیت (محوریت ارتقاء  
ظرفیت در تربیت)



بعد بلافاصله در سکانس بعد از پدر و مادرشان می‌پرسید: شما برای اینکه فرزندتان به شغل مورد نظرش برسد چکار می‌کنید؟ پدر جواب می‌داد باید آموزش‌های لازم را به او ارائه کنیم، برای او معلم خوب بگیریم. فیلم جلوتر رفت. از او [پدر] پرسید برای مسکن فرزندتان هم کاری کرده‌اید؟ پدر و مادرها به فکر فرو رفتند و در نهایت تیزر تبلیغات گفت بیایید حساب پس‌انداز مسکن را برای فرزندتان افتتاح کنید تا در آینده این‌ها خانه‌دار شوند، این درک جامعه امروز ما از مسئله تربیت است.

تربیت و به فکر فرزند بودن را به این امور محدود می‌کنند، تازه اگر نظریات توسعه غربی اجازه بدهد و هر روز طبقه متوسط و فقرا را فقیرتر نکند؛ هرچه ما براساس ایده‌های سرمایه‌داری در کشورمان عمل می‌کنیم، فاصله طبقاتی تشدید می‌شود؛ سرمایه‌دار، سرمایه‌دارتر می‌شود و طبقه متوسط و طبقه فقیر بی‌چاره‌تر و فقیرتر می‌شود. تازه اگر این افسانه‌ها که در تبلیغات تلویزیونی بحث می‌کنند و در کتب دانشگاهی به آن‌ها می‌پردازند محقق بشود ناظر به بعضی از امور هستند؛ به پدر و مادر می‌گویند به فکر شغل فرزندتان باشید، به فکر مسکن فرزندتان باشید، نگاه‌ها را تا می‌توانند تنزل یافته شکل می‌دهند. درحالی‌که ما وقتی به محضر پیامبران می‌رسیم اولین کاری که می‌کنند این است که نگاه‌های ما را واقع بینانه‌تر می‌کنند، انسان رشید تربیت می‌کنند و نگاه‌ها را ارتقاء می‌دهند. وقتی نگاه انسان ارتقاء پیدا کند، تصمیمات او نیز متفاوت‌تر و پخته‌تر می‌شود.

حالا من فکر می‌کنم، ما معنای تربیت و تزکیه را درست متوجه نشده‌ایم؛ ما که عرض می‌کنم، اول مسئولین محترم وزارت آموزش و پرورش را می‌گویم و بعد مردم خوب‌مان را. دوستانی که در جلسات آموزش و پرورش شرکت می‌کنند، نیاز دارند که فقهی و غیر پوزیتیستی به مسئله‌ی تربیت نگاه کنند. باید درک از مسئله تربیت را در هسته‌های تصمیم‌ساز نظام آموزش و پرورش یک‌مقدار ارتقاء بدهیم. اگر قرار باشد تربیت را با همین معنای تنزل یافته‌اش دنبال کنیم تکاملی برای جامعه ما به وجود نمی‌آید. تلخی صراحت بنده موجب نشود که مسئولین محترم آموزش و پرورش به استدلال‌های تفصیلی شب‌های گذشته توجه نکنند. وقت گفت‌وگوی دیپلماتیک گذشته است، وقت تعارف گذشته است؛ صدها مشکل در جامعه ما بوجود آمده است که ریشه آن‌ها در دوران تربیت است، نمی‌شود بر سر امتهات زندگی مردم در لفافه سخن گفت. حرف من این است که درک سیستم آموزش و پرورش کشور و به تبع آن مردم ما از مسئله تربیت و تزکیه‌ی انسان و رشد دادن انسان، یک درک عقب افتاده است، یک درک تنزل یافته است. وقتی اصل درک تنزل یافته است، شما پشت سر هم برای آن برنامه‌ریزی کنید ولی در نهایت آورده‌ی آنچنانی به دست نمی‌آید. ما باید ایده‌های تربیتی مان را ارتقاء بدهیم، این دعوت حوزه علمیه قم و مجموعه‌هایی مثل مجموعه ما در حوزه قم از سیستم آموزش و پرورش کشور است.<sup>۱</sup> خب پس عرض بنده تا شب‌های فعلی به سمت این رفت

۱. من شنیدم آموزش و پرورش اصفهان تا همین ماه پیش برای مدت قابل توجهی مسئول هم نداشته است. شما می‌دانید یکی از مسائل قابل توجهی که نظام آموزش و پرورش ما به آن مبتلاست، این است که شأن معلم در آن رعایت نمی‌شود، کرامتی که معلم‌های ما باید داشته باشند ندارند. ده‌ها مسئله مثل فرسوده بودن ساختمان‌های نظام آموزش و پرورش، روی میز مدیران است. من با خودم فکر می‌کنم وقتی این مشکلات ابتدایی در سیستم آموزش و پرورش وجود دارد، اساساً این مسئولین و هسته‌ی تصمیم‌ساز نظام آموزش و پرورش می‌تواند فارغ از این مشکلات به یک درک تکامل یافته فکر کنند؟ خیلی سخت است؛ روزمرگی‌ها، نظام آموزش و پرورش ما را به چالش کشیده است و

که درک از تربیت در ذهن‌ها ارتقاء پیدا کند. به تبع آن یک حکم به دست آمد که ما باید نهاد خانواده را نهاد متکفل تربیت تعریف کنیم، نه سیستم آموزش و پرورش فعلی کشور را.

## ۲. هزینه‌های بالای تأمین مسکن و جدا شدن دائمی اعضای خانواده در اثر شیوه فعلی ساخت مسکن؛

### دو مورد از مشکلات جدی خانواده‌ها و لزوم حل این دو مشکل

خب از اینجا به بعد بحث ما حول این شکل می‌گیرد که چکار کنیم تا نهاد خانواده تقویت شود؟ خب الان نهاد خانواده، همین آمار ماه جاری را نگاه می‌کردم، میانگین طلاق در کشور حدود ۲۹ درصد و در شهری مثل تهران طلاق حدود ۴۵ درصد است<sup>۲</sup> و متأسفانه خانواده‌هایی که کارشان به طلاق ختم نمی‌شود، به بالای طلاق عاطفی مبتلا هستند؛ یعنی روابط زن و شوهر و فرزندان پر از اصطکاک است. شاید ما سرجمع حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از خانواده‌هایی که داریم خانواده‌هایی باشند که در آن‌ها تربیت و تزکیه در حال جریان است؛ یعنی الان چیزی حدود ۸۰ درصد خانواده‌های ما چالش دارند، چالش‌های اولیه. برخی از آن‌ها همان‌طور که عرض کردم به طلاق منجر می‌شوند. شما باید پای درد دل خانم‌ها بنشینید و از مدیریت ضعیف عاطفه توسط آقایان در خانه بشنوید؛ متأسفانه ما در جامعه‌مان با مردانی روبرو هستیم که نمی‌توانند تکیه‌گاه خوبی باشند. از یک طرف دیگر هم باید پای درد دل آقایان بنشینیم؛ ما بعضی اوقات در جامعه‌مان با زنان مردواره رو به رو هستیم، زنانی که به جای اینکه مهارت استفاده از اسلحه‌ی محبت را بدانند، محبت را کنار گذاشته و برخوردهای جدی دارند؛ این‌ها چالش‌های جدی خانواده‌های ماست. حال ما می‌خواهیم از دل این خرابه، از دل این محیط نامناسب حرکت کنیم به سمت اینکه خانواده‌های متکفل تربیت داشته باشیم، خانواده‌های تمدن‌ساز داشته باشیم. راهی بس مشکل و طولانی پیش روی خواص جامعه است! خیلی از کارها باید صورت بگیرد.

۲/۱. وجود چالش‌های متعدد بر سر راه نهاد خانواده و در نتیجه کاهش کارکرد تربیتی این نهاد

من سعی می‌کنم در این شب‌های آتی نحوه‌ی تقویت نهاد خانواده را بحث کنم و کمک کنم تا برای مسئولین حکومتی و خواص - به اصطلاح رکیک - یک استراتژی در ذهن‌ها شکل بگیرد تا بتوانند نهاد خانواده را تقویت کنند. این یک بحث طولانی است؛ ما در نقشه‌ی الگوی پیشرفت اسلامی حدود ۱۰۰ مسئله را بحث کردیم که این‌ها باید تقویت شوند تا نهاد خانواده به اصالت‌های تعریف شده در اسلام برگردد و این ۱۰۰ مسئله هرکدامشان یک بخشی از مشکلات نهاد خانواده را حل می‌کنند. خواهش می‌کنم دقت کنید؛ فکر نکنید که اگر جلسه‌ی منبر گذاشتید و چندتا روایت خواندید، وضعیت نهاد خانواده ارتقاء پیدا می‌کند. ما باید از آخباری‌گری دست برداریم؛ روایت کردن روایت‌ها بدون اینکه درایه در روایت‌ها و دقت در روایت‌ها اتفاق بیافتد، بدون اینکه راه

۲/۲. بازشماری ۱۰۰ مورد از مشکلات خانواده در نقشه راه و ارائه راه‌حل برای این مشکلات

صدها مسئله‌ی ابتدایی را باید حل کنند. نمی‌دانم واقعاً نمی‌دانم که چگونه باید با این سیستم آموزشی برخورد کرد؛ نمی‌دانم یعنی مسئله خیلی بغرنج و مشکل شده است. می‌خواهم این نکته را عرض کنم که خیلی از این سیستم آموزشی فعلی انتظار نداشته باشید، نه اینکه آن‌ها نباید کاری کنند بلکه باید به فکر راه‌های میانبر باشید.

انتقال از متن

۲. بنابر گزارش رسمی سازمان ثبت احوال کشور، آمار فراوانی ازدواج در کل کشور در سال ۱۳۹۶، ۶۰۵ هزار و ۴۰۴ نفر و آمار فراوانی طلاق در کل کشور ۱۷۶ هزار و ۹۲۲ نفر است و این یعنی میزان طلاق در سال ۱۳۹۶ در ایران به ۲۹ درصد و ۲۲ صدم درصد رسیده است. آمار رسمی درباره ازدواج و طلاق در استان تهران در سال ۱۳۹۶: آمار ازدواج: ۸۱ هزار و ۴۶ نفر / آمار طلاق: ۳۶ هزار و ۹۱ نفر و این یعنی آمار طلاق در تهران، ۴۵/۳۵ درصد است.

جدول‌های برگزیده سالنامه آماری ۱۳۹۶ - پایگاه اینترنتی سازمان ثبت احوال کشور [yon.ir/ezdevag2](http://yon.ir/ezdevag2)

حل برای تحقق روایت‌ها بدهیم، منجر به تحقق خانواده‌ی مطلوب نخواهد شد و وقتی خانواده مطلوب نبود، اصلاً این بحث‌ها محقق نمی‌شود. زن و شوهری که مدام بر روی اعصاب یکدیگر هستند - همین دعوای درون خانه - دیگر فرصت ندارند تا نهاد خانواده را به نهاد متکفل تربیت تبدیل کنند. خیلی کارها باید انجام شود و عرض کردم ما حدود ۱۰۰ مسئله را بحث کردیم که این بحث‌ها فضای حاکم بر نهاد خانواده را بهینه می‌کنند و این طرح‌ها باید در کشور اجرا شوند.

به فضل الهی به شرح برخی از این طرح‌ها می‌پردازم. این‌ها کاملاً برنامه‌های عملیاتی هستند، دیگر بحث نظری نیست. یکی از طرح‌های مهمی که ما باید اجرا کنیم تا نهاد خانواده احیا شود، مسئله‌ی مسکن خانوارهاست؛ ما دو نوع مشکل در مسئله‌ی مسکن خانواده‌ها داریم.

**مشکل دسته‌ی اول و بسیار بفرنج این است که طبق محاسبات ما در حوزه‌ی علمیه‌ی قم - که با محاسبات بانک مرکزی<sup>۳</sup> متفاوت است - بیش از نیمی از هزینه‌ی برخی از خانواده‌ها به هزینه‌ی مسکن اختصاص پیدا می‌کند؛** یعنی وقتی شما سبد نیازهای خانواده را بحث می‌کنید، خود مسئله‌ی مسکن نیمی از هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد، خصوصاً در مورد خانواده‌هایی که از خود خانه ندارند و مستأجر هستند؛ طبق آمار کشور حدود ۳۰ الی ۳۵ درصد خانواده‌های کشور این مشکل را دارند؛<sup>۴</sup> یعنی باید در هر ماه نیمی از معاش خود را به تأمین هزینه‌های مسکن اختصاص دهند. پس یک مشکلی که داریم این است که هزینه مسکن سرسام‌آور است و شما نمی‌توانید در این شرایط انتظار داشته باشید خانواده‌ها روی پای خودشان بایستند. من مکرر با افرادی برخورد کردم و شما هم برخورد کردید که مرد خانه و گاهی زن خانه با ساعات کاری بالا باید کار کنند، تا بتوانند هزینه مسکن و سایر هزینه‌ها را تأمین کنند. به شرحی که عرض می‌کنم، می‌توان این مشکل را در ۵ تا ۱۰ سال آینده حل کرد، البته اگر حکومت عاقلی داشته باشیم، سازمان برنامه و بودجه عاقلی داشته باشیم، می‌شود این مشکل را به شرحی که عرض می‌کنم حل کنیم.

**بخش دیگری از مشکلات مربوط به خانه و مسکن مربوط به کسانی است که مسکن دارند، ولی مسکن آن‌ها خوابگاه است.** اگر اجازه دهیم طراحی مسکن به شکلی که مهندسین عمران فعلی طراحی می‌کنند، ادامه پیدا کند؛ فرح و آسایش در مسکن، اولین چیزی است که از آن مسکن گرفته می‌شود. شما مقایسه کنید، برای شما مردم اصفهان این مقایسه، مقایسه سختی نیست؛ معماری و مسکن‌های دوره صفویه را با قوطی کبریت‌ها یا آپارتمان‌هایی که الان می‌سازند مقایسه کنید، از حیث آسایش این‌ها را با همدیگر مقایسه کنید. مثلاً معروف است **خانه‌ای که حیاط ندارد، حیات ندارد.** واقعاً خانه‌ای که در آن حیاط نیست، این خانه، خانه‌ی خوبی نیست. افراد منتظرند هوا

۳. نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران سال ۱۳۹۶ توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که ۳۵/۵ درصد از کل هزینه ناخالص یک خانوار (حدود ۱۴۹۳۷۷ هزار ریال) مربوط به گروه هزینه مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها بود که نسبت به سال قبل ۷/۱ درصد افزایش داشته است.

آدرس گزارش: [yon.ir/maskan6](http://yon.ir/maskan6)

۴. نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران سال ۱۳۹۶ توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: «بررسی نحوه تصرف محل سکونت خانوارها در سال مورد بررسی نشان می‌دهد که ۶۴/۸ درصد خانوارها در مسکن شخصی (مالک‌نشین)، ۲۵/۹ درصد در مسکن اجاری، ۰/۴ درصد در مسکن در برابر خدمت و ۸/۹ درصد در مسکن رایگان سکونت داشته‌اند.»

روشن شود، از این خانه به بیرون بروند، فقط برای امنیت‌شان به خانه رجوع می‌کنند. ما نمی‌توانیم اجازه دهیم این نوع معماری معیوب ادامه پیدا کند.<sup>۵</sup> فردا شب عرض می‌کنم، چگونه باید این مسئله را حل کرد، مشکل دوم خانه را چگونه باید حل کرد. اگر دستگاه وزارت مسکن ما اشتباه کند و آپارتمان‌سازی کند، دائماً به بهانه‌های مختلف، مسئله خروج از خانه اتفاق می‌افتد؛ چون خانه جذاب نیست، فرزند خانه میل به خروج از خانه دارد، مرد خانه میل به خروج از خانه دارد، زن خانه میل به خروج از خانه دارد و کافی است نتوانید افراد خانواده را دور هم نگه دارید تا همه‌ی کارکردهای خانواده از بین برود. لذا این مسئله مهم را فردا شب بحث می‌کنم.

### ۳. امکان حل مشکل هزینه مسکن خانواده‌ها و تأمین مسکن تمام مردم ایران ظرف ۵ الی ۱۰ سال با استفاده از ابرحکم وقف

فعلاً بحثم را به این اختصاص می‌دهم که «چگونه باید مسئله مسکن خانواده‌ها را حل کرد؟» اگر وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری و دستگاه‌های حکومتی ما به این نحوی که بنده می‌گویم - که پشت آن محاسبات طولانی و دقیقی است - پای میدان بیایند، بین ۵ الی ۱۰ سال آینده مشکل مسکن کلاً در ایران حل می‌شود و ما فرد بدون مسکن نداریم. این اکسیر چیست؟ این راه حل چیست؟ این راه حل، استفاده از «ابر حکم وقف» است؛ اگر ما حکم وقف را فهم کنیم و بر مبنای آن برنامه‌ریزی کنیم، سرمایه مورد نیاز برای ساخت مسکن در طول این دوره زمانی که خدمتتان عرض کردم ایجاد می‌شود.

۳/۱. وجود آمار شگفت‌انگیز از وقف در کشور؛ نشانه‌ای از امکان استفاده از ظرفیت وقف برای تأمین مسکن اجازه دهید بنده در مورد مسئله وقف توضیحاتی را خدمت‌تان بدهم؛ الآن طبق برخی از بررسی‌ها، همین الآن نصف کشور ایران وقف است،<sup>۶</sup> نصف شهر اصفهان وقف است؛ وقف حکمی است، که توانسته مردم محاسبه‌گر اصفهان را قانع کند که از مال‌شان بگذرند. حکم بسیار قابل تفاهمی است و می‌توان از آن برای تجمیع سرمایه مورد نیاز برای حل مسئله مسکن استفاده کرد. مثلاً در شهر بابرکت کرمانشاه، ۴ دانگ از هر ۶ دانگ، وقف است.<sup>۷</sup> همین الان، بخش‌های مختلفی از ایران، پر از موقوفه هستند.<sup>۸</sup>

۵. شرکت‌هایی مثل سامان گستر و بعضی از شرکت‌های دیگری که در اصفهان مشغول‌اند و طرح‌های جامع شهری را می‌نویسند، باید موظبت کنند که اصل اولیه در طراحی مسکن این است که به فرح انسان‌ها کمک کند و واقعاً باید در خانه سکینه باشد، نه این آپارتمان‌هایی که با حضور در آنها، می‌توانید تمامی مسائل خصوصی آپارتمان‌سازان را بدون تکنولوژی خاصی نشود کنید؛ یعنی افراد حتی در محیط خصوصی خانه خودشان هم نمی‌توانند راحت باشند. ده‌ها مشکل دیگر از حیث نور و فرح در این خانه‌ها وجود دارد.

انتقال از متن

۶. مدیر کل روابط عمومی سازمان اوقاف در نهمین نشست شورای سیاست‌گذاری سمپوزیوم بین‌المللی روابط عمومی‌ها (۱۲ آبان ۱۳۹۰) گفت: بر اساس اسناد موقوفات، یک سوم مساحت ایران وقفی است.

آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/vaghf2](http://yon.ir/vaghf2)

۷. دبیر کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه گفت: ۸۰ درصد کرمانشاه وقف است و این مسئله نشان‌دهنده اهمیت سنت حسنه و ریشه‌دار وقف در استان کرمانشاه است.

آدرس مطلب در خبرگزاری تسنیم [yon.ir/vaghf3](http://yon.ir/vaghf3)

۸. البته در زمان حکومت منحوس پهلوی، یکی از اتفاقاتی که ذیل اصلاحات ارضی افتاد این بود که موقوفات را به اموال عمومی تبدیل کردند و در اختیار مردم قرار دادند. با اینکه بعد از انقلاب اسلامی تلاش‌های بسیاری شد تا موقوفات به سرچایش برگردند اما هنوز این اتفاق به نحو کامل نیفتاده است. در بعضی موارد حتی زندگی مردم براساس همان املاک غصبی شکل گرفته و برگرداندن آن به حالت اول کار بسیار مشکلی است.

انتقال از متن

حرف بنده این است که اگر در شهرها طرح مسکن‌های وقفی را به محوریت حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و اماکن مقدس‌مان شروع کنید و این مسکن‌ها را -با ویژگی‌هایی که فردا می‌گوییم- بسازید -که قوطی کبریت و آپارتمان‌های ناکارآمد نشود- و این را به شکل قرعه در اختیار زوج‌های جوان قرار دهید؛ در اینصورت یک میل عمومی در کشور برای حل مسئله مسکن ایجاد می‌شود. همین الان که وقف به سمت حل مسئله مسکن هدایت پیدا نکرده است، وقف عدد بالایی از گردش اعتبار کشور را به خودش اختصاص داده است.<sup>۹</sup> اگر ظرف دو سال آینده ده مجموعه وقفی در کشور ساخته شوند و این مسکن‌ها به شکل قرعه و در یک مراسم ویژه‌ای در اختیار زوج‌های جوان قرار بگیرد، این پیام را به افکار عمومی ما می‌دهند که ما می‌توانیم از طریق وقف سایر خانه‌های مورد نیاز برای افراد فاقد خانه را بسازیم و طراحی کنیم؛ یعنی مردم کارآمدی وقف را بیش از الآن حس خواهند کرد.

خب حالا برای این خانه‌ها باید قوانینی نوشته شود؛ ممکن است بگویید برای بعضی از زوج‌های جوان تا پنج سال با یک قیمت کاملاً ارزان، منزل وقفی در اختیارشان قرار می‌گیرد. به جای اینکه مستأجر شوند، در این خانه‌های وقفی اسکان پیدا کنند. بعضی که وضعیت مالی پایین‌تری دارند ممکن است شما یک دهه این مسکن‌ها را در اختیارشان قرار دهید. زنان سرپرست خانوار و بعضی‌ها که مشکلاتشان شدید است ممکن است مادام‌العمر مسکن در اختیارشان قرار بگیرد.

عرض من این است که الآن اگر این طرح را اجرایی کنیم، هزینه‌ی تشکیل خانواده دقیقاً نصف می‌شود و خانواده زودتر تشکیل می‌شود. سن ازدواج الآن چقدر است؟ الآن سن ازدواج برای خانم‌ها به حدود ۲۴ سال و برای آقایان به حدود ۳۰ سال رسیده است،<sup>۱۰</sup> میانگین این است. خوب اصلاً در این سن تشکیل خانواده دادن دیگر خیلی مفید نیست؛ چون آقایان شکل گرفته‌اند و خانم‌ها هم شکل گرفته‌اند. دوتا انسان شکل گرفته زیر یک سقف می‌روند تا زندگی کنند و همان ماه‌های اول اصطکاک بینشان گسترش پیدا می‌کند. یکی از دلایلی که اجازه داده یعنی این شرایط را ایجاد کرده که سن ازدواج ارتقاء پیدا کند، این است که هزینه‌های تشکیل زندگی بالا رفته است؛ یعنی واقعاً الآن یک پهلوان احتیاج است و یک مرد پولادین احتیاج است که به سمت تشکیل خانواده برود، هزینه‌ها خیلی ارتقاء پیدا کرده است.<sup>۱۱</sup> نمی‌شود سر منبر بنشینیم و بگوییم که جوان‌ها ازدواج کنید؛

۹. به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.

۱۰. مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۵): عمده ازدواج پسران در سنین ۲۰ تا ۳۴ سالگی و دختران در سنین ۱۶ تا ۲۹ سالگی انجام می‌شود که این سن نیز دچار تغییر و تحولاتی شده است، به گونه‌ای که سن ازدواج برای پسران به بالای ۳۵ سال و در دختران به بالای ۳۰ سال رسیده است. در سال ۹۳، ۱۰/۴ درصد و در سال ۹۴، ۱۱/۶ درصد ازدواج پسران در سنین بالای ۳۵ سال صورت گرفت. همچنین در سال ۹۴، ۹/۱۵ درصد ازدواج دختران در سنین بالای ۳۰ سال بود.

آدرس مطلب در خبرگزاری تسنیم [yon.ir/ezdevag5](http://yon.ir/ezdevag5)

۱۱. کاش که آقای روحانی حواسشان باشد که با برجام چکار کرده‌اند، کاش که ایشان توجه کنند. آقای روحانی وقتی ارزش پول ملی با مدیریت غیر کارشناسی شما کاهش پیدا کرد، در همین دو سه ماهه اخیر به اندازه سال‌های گذشته تشکیل خانواده سخت‌تر شد، دو برابر، سه برابر سخت‌تر شد. ایشان باید برای این کار سیاست‌های جبرانی بگذارند که حالا بحث‌های مربوط به ایشان را باید جاهای دیگری مطرح کنیم.

باید ده‌ها طرح اجرا شود، به نظرم مسئله محله‌های وقفی می‌تواند یک راه حلی باشد برای کاهش هزینه‌های تشکیل خانواده.

۳/۴. لزوم ساختن مسکن‌های وقفی بر اساس ویژگی‌های بیان‌شده در اسلام برای مسکن

حالا ان‌شاءالله ویژگی‌های ساخت مسکن و منزل را از منظر اسلام توضیح می‌دهم تا وقتی خواستیم مسکن وقفی بسازیم، دیگر آپارتمان وقفی نسازیم. در اخبار شنیدم بعضی از خیرین اصفهان همین اخیراً مسکن وقفی ساخته بودند. واجب‌تر از مسئله بیمارستان و مدرسه، مسئله مدیریت مسکن وقفی است؛ ولی آپارتمان نباید بسازیم، مشکلات آپارتمان و ویژگی‌های خانه را شب آینده بحث می‌کنم که اگر خواستید به خط بزنید این مسئله را حل کنید.

۳/۵. فتوای فقها به جواز وقف مشارکتی؛ یکی از موارد راه‌گشا در ساخت مسکن‌های وقفی

فقهای فعلی شیعه یک فتوایی داده‌اند که خیلی راه‌گشا هم هست به اسم وقف مشارکتی؛<sup>۱۲</sup> یعنی دیگر واقف لازم نیست همه موقوفه را به تنهایی وقف کند؛ می‌شود همه مردم را شریک کرد، با استفاده از این ظرفیت فتوایی و با استفاده از ظرفیت وقف ما محاسبه کردیم می‌توان مشکل این ۳۵ درصد خانواده‌هایی که فاقد مسکن هستند را حدود ۵ سال آینده - حتی اگر با شکل ضعیفی حرکت کنیم - نهایتاً ده سال آینده حل کنیم.<sup>۱۳</sup> بنابراین بحثم را جمع کنم: یکی از طرح‌هایی که می‌تواند خانواده را تقویت کند، مسئله مسکن است و ما باید به سمت طراحی محله‌های وقفی برویم؛ به شرحی که فردا شب ان‌شاءالله تشریح خواهیم کرد.

والحمدلله رب العالمین

۱۲. وقف مشارکتی وقفی است که برای موضوعی مشترک و با مشارکت چند واقف انجام می‌گیرد. به عبارتی دیگر واقفان، با هر تعداد و با هر مقدار سرمایه می‌توانند در وقف مذکور مشارکت کنند.

۱۳. البته داخل پراتز یک نکته‌ای را هم بگویم؛ من وقتی آمار را بررسی می‌کردم، دیدم میزان مستأجرها در ایران خیلی کمتر از تعداد مستأجران در کشور توسعه‌یافته‌ای مثل آلمان است؛ (yon.ir/German1) یعنی با همه این مشکلاتی که داریم ما از حیث مسکن وضعیتمان نسبت به کشورهای توسعه‌یافته بهتر است. تازه این ۳۵ درصدی که من دارم بحث می‌کنم ده درصدش در خانه‌های سازمانی اسکان دارند، یعنی خالص مستأجرهای ما حدود ۲۵ درصد است. ما حتی اگر بتوانیم ۱۵ درصد این‌ها را در مسکن‌های وقفی اسکان دهیم، چون خانه‌های استیجاری زیاد می‌شود و تقاضای آن کم می‌شود قیمت خانه‌های استیجاری هم شکسته می‌شود و این ظلمی که صاحبخانه‌ها در این دوره قراردادی همین امسال انجام دادند را دیگر نمی‌توانند انجام دهند. خیلی‌ها ملاحظه نکردند و دوبرابر کردند، بعضی‌ها سه برابر کردند و رحم نکردند، حتماً این‌ها ضربه‌اش را در آینده خواهند خورد. اما به هر حال عرض می‌کنم باید طراحی کرد؛ به محوریت همین مسجد می‌شود یک طراحی انجام داد و کارهای اجرای یک محله وقفی به شرحی که من عرض می‌کنم از همین فردا شروع شود و معطل حکومت گرفتارمان نمانیم و برویم به سمت اینکه به دولت کمک کنیم، البته آقای روحانی اول دوره‌اش وعده داده بود می‌خواهد به مردم کمک کند ولی حالا باید دعا کنیم دولت آقای روحانی با این وضعیت بتواند تا ۱۴۰۰ دوام بیاورد. به نظرم می‌آید به کمک ظرفیت‌های مردمی می‌شود مسئله را حل کرد. اجازه دهید فردا من بحث محله‌های وقفی و ویژگی‌های مسکن از نظر اسلام را اجمالاً بحث کنم تا ببینید این‌ها طرح‌های کاربردی‌ای هستند. اگر مباحثاتش پارسال انجام شده بود، می‌توانستیم در همین دهه محرم که مردم آماده‌اند شروع به کار کنیم. اگر یک دانه‌اش شروع شود، دومی‌اش هم می‌شود حل کرد، سومی‌اش هم می‌شود حل کرد. اگر این کار در جایی مثل اصفهان که ظرفیت تمدنی دارد شروع شود حداقل ده استان کشور در حوزه فرهنگی اصفهان می‌گنجند و تحت تأثیر این شهر تاریخی قرار دارند؛ یعنی قبلاً هم گفته‌ام راه افتادن اصفهان در تمدن‌سازی به معنای راه افتادن بخش قابل توجهی از کشور است. برخی از شهرها مثل شهر مشهد، مثل شهر اصفهان، مثل شهر اهواز، مثل شهر کرمانشاه اینگونه‌اند. این‌ها شهرهایی هستند که الان به اصطلاح رکیک هژمونی‌شان در میان مردم گسترش پیدا کرده است و می‌توان تحولات جدی‌ای را به محوریت این شهرها پیگیری کرد.

## پیوست‌ها

### پیوست شماره ۱: آماری اجمالی از گردش مالی موقوفات در کشور

۱. رئیس سازمان اوقاف در نشست خبری خود به مناسبت هفته وقف (۱۷ آذر ۱۳۹۴) با بیان اینکه ۲۵ درصد مراکز درمانی کشور موقوفه است گفت: هم‌اکنون ۱۳۳ بیمارستان و هزار و ۱۲۷ مرکز درمانی در سراسر کشور موقوفه است ولی متأسفانه کسی به این مراکز به عنوان موقوفه نگاه نمی‌کند.

آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/moghoofat1](http://yon.ir/moghoofat1)

۲. مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان قزوین در نشست خبری در سالن جلسات اداره کل اوقاف و امور خیریه استان قزوین (۱۴ آبان ۱۳۹۷) عنوان کرد: ارزش گذاری رقبات استان از جمله فعالیت‌های انجام در سال جاری است و براین اساس ارزش موقوفات استان ۱۹ هزار میلیارد تومان تعیین شده است.

آدرس مطلب در شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا [yon.ir/moghoofat2](http://yon.ir/moghoofat2)

۳. مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه اصفهان به مناسبت گرامیداشت دهه وقف (۱۸ آبان ۱۳۹۷) گفت: استان اصفهان بیش از ۱۵ هزار موقوفه دارد و این نشان می‌دهد اجداد ما نسبت به این امر مهم توجه داشته‌اند. از این تعداد موقوفه، ۵ هزار ۳۱۶ مسجد در استان ساخته شده و مردم از آثار و برکات آن بهره مند هستند. نزدیک به ۵۰ درصد بیمارستان‌های سطح استان اصفهان، موقوفه است، بیمارستان امیرالمومنین (ع)، بخشی از بیمارستان صدوقی و بیمارستان کاشانی و همچنین خورشید از این جمله هستند. البته نام واقف در گذشته از بیمارستان خورشید برداشته شده که ما معتقدیم این نام باید بر این بیمارستان وقفی وجود داشته باشد.

آدرس مطلب در خبرگزاری تسنیم [yon.ir/moghoofat3](http://yon.ir/moghoofat3)

۴. حجت الاسلام شویب شیری (مدیرکل اوقاف و امور خیریه قم) در نشست مطبوعاتی که در اداره کل اوقاف و امور خیریه قم برگزار شد ضمن تشریح برنامه‌های هفته وقف اظهار داشت: بیش از ۱۴ هزار موقوفه و ۲ هزار واقف در استان قم وجود دارد که یک سوم واقف‌های قم خانم هستند. وی با بیان اینکه ۲ میلیارد تومان از ابتدای سال درآمد موقوفات شهر قم بوده است، ادامه داد: موقوفات امزادگان استان قم که بیشتر آنها نیز در روستاهای اطراف قم هستند از ابتدای سال ۴ میلیارد تومان بوده است.

آدرس مطلب در خبرگزاری مهر [yon.ir/moghoofat4](http://yon.ir/moghoofat4)

۵. معاون حقوقی و ثبتی اداره کل اوقاف و امور خیریه فارس در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۹۷ از وجود بیش از ۱۴ هزار موقوفه و ۱۹۵ هزار رقبه در این استان خبر داد.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایگنا [yon.ir/moghoofat5](http://yon.ir/moghoofat5)

۶. مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان کرمان در نشستی با حضور شهردار و جمعی از مدیران شهرداری کرمان (۳۱ خرداد ۱۳۹۵) گفت: ۶۰ درصد اراضی شهر کرمان به صورت شش دانگ یا سهم مشاع وقف است.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایرنا [yon.ir/moghoofat6](http://yon.ir/moghoofat6)

۷. حجت السلام جمال ایزدی امروز در همایش یاوران وقف (۲۱ آبان ۱۳۹۷): تعداد کل موقوفات خراسان رضوی تا امروز ۲۴ هزار و ۹۳۲ مورد است.

آدرس مطلب در خبرگزاری شبستان [yon.ir/moghoofat7](http://yon.ir/moghoofat7)

### نظام سؤالات

۱. سرفصل پنجم آموزش و پرورش آینده: نهاد اصلی مدیریت مراحل پنجگانه تربیت و ارتقاء ظرفیت چه نهادی است؟
  - ۱/۱. چرا نهاد خانواده، نهاد اصلی متکفل تربیت است؟
۲. سرفصل ششم آموزش و پرورش آینده: برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پیشنهادی برای تقویت نهاد خانواده و ارتقاء ظرفیت چیست؟
  - ۲/۱. در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی چند مورد از مشکلات نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی ارتقاء ظرفیت شناسایی شده است؟
    - ۲/۲. یکی از جدی‌ترین مشکلات نهاد خانواده در حال حاضر چیست؟
      - ۲/۲/۱. اولین مشکل خانواده‌ها در حوزه مسکن چیست؟
        - ۲/۲/۱/۱. چطور مشکل هزینه تأمین مسکن خانواده‌ها را حل کنیم؟
      - ۲/۲/۲. مشکل دوم خانواده‌ها در حوزه مسکن چیست؟



## جلسه هشتم

### سوالات جلسه

سرفصل ششم آموزش و پرورش آینده: برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پیشنهادی برای تقویت نهاد خانواده و ارتقاء ظرفیت چیست؟

### عنوان جلسه

ساخت مسکن‌های وقفی در قالب محله؛ راهکار تقویت ارتباطات اعضای نهاد خانواده و تحکیم این نهاد

### خلاصه جلسه

در جلسه گذشته بیان شد که راهکار بلندمدت برای ارتقاء ظرفیت، تقویت نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی ارتقاء ظرفیت است؛ یکی از مشکلاتی هم که نهاد خانواده در حال حاضر با آن دست و پنجه نرم می‌کند، مسئله مسکن است. خانواده‌ها در حوزه مسکن دو مشکل عمده دارند؛ یکی هزینه‌های تأمین مسکن است که می‌توان این موضوع را با ظرفیت عظیم موقوفات حل کرد. مشکل دوم در حوزه مسکن این است که در حال حاضر مسکن‌ها را در قالب محله نمی‌سازند، در حالی که از منظر اسلام خانه باید در محله ساخته شود. البته باید دقت کرد که محله معنای خاصی در ادبیات وحی دارد؛ محله یعنی محل تأمین نیازهای خانوار. یعنی باید خانه‌های خانواده‌ها را به گونه‌ای بسازیم که نیازهای شغلی، تفریحی، آموزشی و روزمره در همان محل زندگی تأمین شوند. خانه‌های وقفی باید در محله ساخته شوند، یعنی به گونه‌ای ساخته شوند که این نیازهای چهارگانه خانواده در حد امکان در همان محل زندگی فرد تأمین شود. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که مدل ساخت مسکن در محله، در مقابل مدل TOD قرار دارد و با این نظریه مقایسه می‌گردد.



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته بسم الله الرحمن الرحيم أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين المنتجبين المكرمين سيما بقيّة الله في الأرضين أرواحنا لآماله فداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله.

### ۱. هزینه‌های تأمین مسکن؛ یکی از مشکلات خانواده (نهاد اصلی ارتقاء ظرفیت) و امکان حل این

#### مشکل با استفاده از ظرفیت عظیم وقف

در شب گذشته بحث‌مان وارد راه حل‌های مرتبط با تقویت نهاد خانواده شد؛ عرض کردم که تربیت از نظر فقه اسلامی، شامل پنج مرحله مدیریت شخصیت است که اگر این پنج مرحله‌ی مدیریت شخصیت، به صورت قاعده‌مند و از سر حکمت صورت بپذیرد، ظرفیت انسان‌ها در ابعاد مختلف ارتقاء پیدا می‌کند.

خب اگر معنای تربیت را به شرحی که گفتم تصور کنیم؛ دیگر نمی‌توانیم بگوییم سیستم آموزش و پرورش، متکفل تحقق این معنا از تربیت است. عرض کردم چون تربیت معنایی متفاوت با نگاه پوزیتیویستی پیدا کرد، پس نهاد اصلی متکفل تربیت، نهاد خانواده خواهد بود. اگر بخواهیم وضعیت خانواده‌ها را از وضعیت فعلی به خانواده‌هایی که این کارکرد تربیتی را دارند ارتقاء بدهیم باید یک برنامه‌ریزی ملی، یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه برای ارتقاء نهاد خانواده داشته باشیم.

۱/۱. محوریت داشتن ارتقاء ظرفیت در امر تربیت و لزوم توجه به این

۱/۲. محوریت خانواده در تربیت (به دلیل محوریت خانواده در ارتقاء ظرفیت) و لزوم پشتیبانی از این نهاد

دیشب عرض کردم که با توجه به شرایط کشور، یکی از اولویت‌دارترین برنامه‌ها برای تقویت نهاد خانواده، مسئله‌ی مسکن و مدیریت مسکن است؛ ما اگر بتوانیم مسئله مسکن کشور را مدیریت کنیم، توانسته‌ایم هزینه‌های تشکیل خانواده و تقویت خانواده را به نصف کاهش بدهیم.

۱/۳. هزینه‌های تأمین مسکن؛ یکی از مشکلات اصلی خانواده‌ها

همچنین دیشب گزارش دادم که ما دو دسته مشکل در مورد مسکن داریم؛ مشکل اول عبارت از این است که بانک‌های کشور و نظام اقتصادی معیوب کشور ما، نمی‌توانند هزینه‌های ساخت مسکن، برای حدود ۳۵ درصد از افراد جامعه‌مان که این‌ها فاقد مسکن هستند را تأمین کنند. دیشب عرض کردم اگر یک برنامه ملی در کشور ما اجرا شود، می‌شود بر روی مسئله وقف برای تأمین این هزینه‌ها حساب کرد؛ وقف، تجمع سرمایه می‌کند، مَنته‌ها با تحریک ایشار. بر خلاف نگاه‌های آدام اسمیتی<sup>۱</sup> که تجمع سرمایه را از طریق تحریک حرص دنبال می‌کنند. آدام اسمیت و تابعینش در حوزه اقتصاد که ورود پیدا کردند، یک گزاره محوری را مطرح کردند مبنی بر اینکه با فضیلت‌های اخلاقی نمی‌توانیم بخش اقتصاد را اداره کنیم و باید به رذائل اخلاقی تکیه کنیم. شما اگر آن مقاله معروف کینز<sup>۲</sup> را مطالعه کنید، می‌بینید کینز به صراحت می‌گوید ما باید روی حرص تکیه کنیم، روی ربا تکیه کنیم تا اقتصاد کشور شکوفا شود.<sup>۳</sup> یعنی چه؟ یعنی باید رذائل را مبنا قرار بدهیم. خب مبتنی بر این تفکرات به اصطلاح آدام اسمیتی، بانک‌ها فعالیت خودشان را شروع کردند؛ شما دیدید بانک‌ها وعده سود به مردم می‌دهند. یعنی چه می‌کنند؟ حرص مردم را تحریک می‌کنند تا تجمع سرمایه اتفاق بیافتد؛ می‌گویند اگر اصل آهنین منافع شخصی<sup>۴</sup> را -داخل پراگماتیزم بنویسید حرص، اشمش را عوض کردند- تحریک نکنیم، نمی‌توانیم سرمایه‌های خرد مردم را تجمع کنیم.

۱/۴. امکان حل مشکل مسکن تمام خانواده‌های ایرانی ظرف ۵ الی ۱۰ سال با استفاده از ظرفیت عظیم موقوفات

خب مقابل این دیدگاه معیوب، دستگاه پیامبران علیهم‌السلام می‌گویند با تحریک ایشار می‌شود تجمع سرمایه انجام داد، با تحریک سود آخرتی، با تحریک سود ارتباطی، می‌شود تجمع سرمایه را در درون جامعه سازمان‌دهی کرد. یکی از مصادیق تجمع سرمایه بر مبنای تحریک ایشار، مسئله وقف است. تفکرات آدام اسمیتی و اقتصاددان‌های لیبرال باید توضیح دهند چرا حدود هزار و چهارصد سال است، حول تفکرات امام حسین علیه‌السلام این همه تجمع سرمایه اتفاق می‌افتد؟ امام حسین علیه‌السلام که

۱. آدام اسمیت (۵ ژوئن ۱۷۲۳ - ۱۷ ژوئیه ۱۷۹۰) فیلسوف اسکاتلندی بود که از او به عنوان پیش‌گام در اقتصاد سیاسی و «پدر علم اقتصاد مدرن» یاد می‌شود. وی همچنین از نظریه‌پردازان اصلی نظام سرمایه‌داری مدرن به‌شمار می‌رود. اسمیت ایده‌های خود در زمینه اقتصاد را در کتاب ثروت ملل خود به تفصیل شرح داده است.

۲. جان مینارد کینز (John Maynard Keynes)، (زاده ۵ ژوئن ۱۸۸۳ - درگذشته ۲۱ آوریل ۱۹۴۶)، یکی از اقتصاددانان برجسته قرن بیستم محسوب می‌شود.

۳. مینارد کینز: دست کم باید برای صد سال دیگر برای خود و هرکس دیگر تظاهر کنیم که بدی؛ نیکی است؛ نیکی بدی؛ زیرا بدی مفید است و نیکی نیست. حرص و طمع و ربا و محافظه‌کاری؛ باید هم‌چنان برای یک مدت کوتاه دیگر؛ خدایان ما باشند. زیرا فقط آن‌ها می‌توانند ما را از گذرگاه تاریک اقتصادی به روشنایی روز؛ رهنما شوند.

مقاله وی با نام «Economic Possibilities for our Grandchildren» منتشر شده در سال ۱۹۳۰

۴. و اما درآمد سالانه هر جامعه همیشه دقیقاً مساوی با ارزش قابل مبادله کل تولید سالانه صنعت آن یا دقیقاً برابر با هر چیزی با همین ارزش مبادله است. هر فرد، بنابراین، تا آنجا که می‌تواند تلاش می‌کند تا سرمایه‌اش را برای تولیدات داخلی به کار گیرد و همچنین صنعتی را که تولیداتش در آن بیشترین ارزش را دارند رهبری کند. چنین شخصی نه قصد ترویج و ترفیع منافع عمومی را دارد و نه می‌داند که تا چه مقدار این منافع را ترفیع می‌کند. قصد وی تنها ایجاد امنیت برای خود از طریق حمایت از صنعت داخلی در برابر صنعت خارجی است و با اداره کردن صنعت بدینگونه وی تنها به فکر دستاورد خویش می‌باشد و در این روند، همانند موارد دیگر، توسط یک دست نامرئی هدایت شده‌است تا منفعتی ایجاد نماید که هرگز قصد آن را نداشته‌است و این الزاماً برای جامعه بد نیست که بخشی از این جریان‌ها نبوده‌است. افراد با دنبال کردن منافع خود برای جامعه ثمربخش‌تر از زمانی هستند که واقعاً به دنبال منفعت رسانیدن به جامعه باشند.

وعده سود مادی به کسی نمی‌دهند و تحریک حرص نمی‌کنند. مُنْتَهَا مردم سرمایه‌شان را با مثال‌هایی که دیشب عرض کردم، [وقف کرده‌اند.] خیلی حرف بزرگی است که از هر شش دانگ زمین شهر کرمانشاه، چهار دانگش وقف دستگاه امام حسین علیه السلام است؛ یعنی با این عظمت، ثروت تجمیع شده است. یا مثلاً بنابر گزارش بانک مرکزی در یکی از سال‌های نزدیک به ما، از محل حساب‌های قرض‌الحسنه حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان پول در یک سال تجمیع شده است.<sup>۵</sup> حساب‌های قرض‌الحسنه بر مبنای تحریک سود نیست، مردمی که حساب‌های قرض‌الحسنه را افتتاح می‌کنند، اگر دنبال سود بودند می‌رفتند دنبال حساب‌های بلند مدت و ۲۰ درصد سود می‌گرفتند. چون به شریعت اسلام و مسئله قرض‌الحسنه معتقدند، پول‌شان را در حساب‌های قرض‌الحسنه می‌گذارند. شما می‌گویید در حساب‌های قرض‌الحسنه در یک سال، ۱۰۰ هزار میلیارد تومان پول تجمیع شده است. می‌دانید ۱۰۰ هزار میلیارد تومان یعنی چه؟ یعنی دوبرابر پولی که کشور در زمان دولت قبل برای ساختن مسکن مهر خرج کرد،<sup>۶</sup> خیلی پول بزرگی است. یا مثال دیگری بزنم: معجزه صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی را در نظر بگیرید؛ طبق بررسی‌های ما از حدود ۱۰۰ میلیون در آن‌ها قرض داده می‌شود تا ۵۰۰ هزار تومان یا کمتر. در همه کشور هم شیوع دارد و گسترش یافته است؛ عمدتاً در بین فامیل‌ها در بین هیئات، مساجد، محیط‌های همسایگی در جریان است. من همیشه این را می‌گویم: این حجم از تبادل مالی را اگر بانک‌ها می‌خواستند انجام بدهند، کشور را به چالش می‌کشیدند. آنقدر قانون و مقررات وضع می‌کردند و در آخر هم نمی‌دادند.

اگر چشم‌هایمان را باز کنیم و ببینیم؛ می‌بینیم قواعد دین کاربردی است و می‌شود با استفاده از این قواعد، مشکلات اقتصادی را حل کرد. آدام اسمیت و تابعینش دروغ گفتند که نمی‌توان بر مبنای فضیلت‌های اخلاقی ثروت ایجاد کرد و تجمیع سرمایه انجام داد. ولی چه کنم که در همین دانشگاه اصفهان شما و در دانشگاه‌های اصلی کشور کتاب‌های کینز، کتاب‌های آدام اسمیت، کتاب ثروت ملل<sup>۷</sup>، اقتصاد کلان<sup>۸</sup>، اقتصاد توسعه<sup>۹</sup> و همین‌ها را تدریس می‌کنند.<sup>۱۰</sup> یک وقتی من داشتم در یکی

۵. جعفرزاده ایمن آبادی در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت (۲۳ تیر ۱۳۹۴) با اشاره به اینکه تنها ۳۰ هزار میلیارد سپرده قرض‌الحسنه از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان منابع سپرده قرض‌الحسنه در اختیار بانک‌ها برای وام‌های قرض‌الحسنه اختصاص یافته است، گفت: مابقی این مبلغ یعنی ۷۰ هزار میلیارد تومان برای مردم هزینه نمی‌شود، در صورتی که باید تسهیلات به جوانان به شکل سهل و آسان واگذار شود.

آدرس مطلب در خبرگزاری خانه ملت [yon.ir/sepordeh2](http://yon.ir/sepordeh2)

۶. مهرداد لاهوتی (عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نهم) در گفتگو با خبرگزاری میزان (۱۷ آبان ۱۳۹۵): کل برآورد هزینه مسکن مهر در ۸ سال دولت دهم و یازدهم به ۵۰ هزار میلیارد تومان هم نمی‌رسد.

آدرس مطلب در خبرگزاری میزان [yon.ir/maskan25](http://yon.ir/maskan25)

۷. ثروت ملل یا «تحقیق پیرامون ماهیت و اسباب ثروت ملل» (An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations) عنوان مهم‌ترین اثر آدام اسمیت، اقتصاددان و فیلسوف اسکاتلندی که در سال ۱۷۷۶ (میلادی) توسط انتشارات W. Strahan and T. Cadell, London چاپ گردید. آدام اسمیت در سفری به فرانسه با روح نظریات فیزیوکرات‌ها آشنا شد و در بازگشت به کشور خود کتاب ثروت ملل را که در آن به ماهیت و علل افزایش ثروت ملل پرداخته بود.

۸. اقتصاد کلان شاخه‌ای از علم اقتصاد است که با کارایی، ساختار، رفتار و تصمیم‌گیری اقتصاد در سطح کلان سروکار دارد؛ که این شامل اقتصاد ملی، منطقه‌ای و جهانی می‌شود.

اقتصاد: اصول عملیاتی، ص ۵۷

۹. اقتصاد توسعه از اصول و مفاهیم معینی از شاخه‌های اقتصاد، در شکل سنتی و یا تعدیل شده اخذ شده است؛ البته تعاریف متفاوتی از توسعه اقتصادی ارائه شده است که رایج‌ترین آن‌ها «جهت‌گیری رشد کمی و کیفی در تولید ناخالص ملی کشورها دارد». اقتصاد توسعه در مورد کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود.

فرهنگ اقتصاد در بازرگانی، ص ۲۱۹

از دانشگاه‌ها به کتاب‌های منکیو<sup>۱۱</sup> انتقاد و نقد می‌کردم. یکی از دانشجوها آمد گفت: شما می‌گویید کتاب‌های منکیو را نخوانیم و کتاب‌های شما را بخوانیم. گفتم کتاب‌های ما را آیندگان تدریس می‌کنند و می‌خوانند و تفکرات انبیاء علیهم‌السلام محور قرار خواهد گرفت؛ ولی شما جواب بدهید که این همه تجمیع سرمایه بر مبنای تحریک ایثار چگونه ایجاد شده است؟ مگر شما نمی‌گویید که حرص باید تحریک شود؟! کجای وقف تحریک حرص است؟ وقتی نصف شهر اصفهان وقف است، کجایش تحریک حرص اتفاق افتاده است؟ مردمان اصفهان مردمان محاسبه‌گری هستند و آن‌ها خوب معنای سود را می‌فهمند. چرا آدم اسمیتی‌ها توضیح نمی‌دهند مردمان اصفهان و سایر مردم ایران چه سودی را در وقف دیدند که به این سمت رفتند؟! اگر می‌خواهیم مشکلاتمان حل شود باید چشم‌هایمان را باز کنیم، نگرش‌هایمان را باید عوض کنیم. من خیلی نگران و مضطرب می‌شوم وقتی با خودم فکر می‌کنم این همه هیأت و مسجد داریم، این همه دستگاه عزاداری داریم؛ ولی مفاهیم دستگاه اهل بیت و پیامبران در این‌ها کمتر بحث می‌شود. یکی از آن مفاهیم مسأله تجمیع سرمایه بر مبنای تحریک ایثار است. دیشب عرض کردم اگر ما مسکن‌های وقفی - یعنی بر مبنای وقف - بسازیم، ظرف کمتر از حدود پنج سال یا ده سال می‌توانیم مسأله مسکن را حل کنیم و یک دستگیری جدی از مستضعفین در جامعه داشته باشیم.<sup>۱۲</sup>

## ۲. جدا شدن مکرر اعضای خانواده از یکدیگر در شیوه فعلی ساخت مسکن؛ مشکل دوم خانواده‌ها در حوزه مسکن و رفع این مشکل با ساختن خانه‌های وقفی در قالب محله

شب گذشته عرض کردم باید مسئله وقف را جدی بگیریم و وعده دادم امشب وارد بحث شوم و مشکل دوم در حوزه مسکن را بحث کنم. مشکل دوم در حوزه مسکن چیست؟ مشکل دوم این است که ما مسکن را در قالب آپارتمان می‌سازیم. خب مسکن را از نظر فکر اسلامی باید چگونه ساخت؟ این بحث دقیق است و چون وقت من کم است خواهش می‌کنم یک دقت مضاعفی به خرج بدهید تا من بتوانم بحث را جمع کنم.

۱۰. به عنوان مثال دو کتاب "مبانی اقتصاد" و "نظریه اقتصاد کلان" نوشته گریگوری منکیو در رشته سیاست و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام تدریس می‌گردند.  
 ۱۱. گریگوری منکیو استاد دانشگاه هاروارد و فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های ام‌آی‌تی و پرینستون است. کتاب‌های «مبانی اقتصاد»، «نظریه اقتصاد کلان»، «نظریه اقتصاد خرد» و «کلیات علم اقتصاد» از جمله کتاب‌های او هستند که به فارسی نیز ترجمه شده‌اند.

۱۲. این‌ها واقعیت است آقا! این‌ها اتفاق افتاده است و حرف‌هایی که من اینجا می‌زنم، برای این نمی‌گویم که بعداً اتفاق بیافتد. بلکه می‌گویم وزارت اقتصاد ما سازمان برنامه و بودجه ما برادر خوبم آقای نوبخت این حرف‌ها را بررسی کنند. تا کی می‌خواهید نهادگرایی و مکتب‌های نوکیزی را در این کشور مبنا قرار بدهید؟ از سال ۱۳۲۷ یعنی قبل از انقلاب ما در این مملکت سازمان برنامه و بودجه داریم و تا الان یازده برنامه توسعه نوشته است و لی نتوانسته مسئله فقر را حل کند، اصلاً رفع فقر مسئله‌اش نیست. من اینجا اعلام می‌کنم، قبلاً هم به جناب آقای نوبخت نامه نوشتم و گفتم: تمام شد دورانی که شما بگویید ما بر مبنای مفاهیم توسعه غربی برنامه‌ریزی می‌کنیم؛ هر روز یک شکست، یک ضربه، یک آسیب به زندگی مردم وارد می‌کنید. دست بردارید از این تئوری‌های ناکارآمد، برگردید مفاهیم دینی را مبنای برنامه‌ریزی قرار بدهید، این راه نجات است. اینکه بزرگان ما به مسئولین هیأت‌ها می‌گویند ما هیأت سکولار نداریم و هیأت نباید سکولار باشد، یعنی نباید نسبت به مشکلات جامعه بی‌تفاوت باشد. اگر ما این مفاهیم را رعایت کنیم مثلاً یک دهه محرم مجموعه هیأت‌های بزرگ ما تصمیم بگیرند که بر اساس تفکرات دستگاه ابا عبدالله علیه‌السلام مسائل جامعه را بررسی کنند. قطعاً بهره‌ای که ما از مجالس حسینی می‌بریم صدها برابر بهره‌ای خواهد بود که الان می‌بریم. نگاه ما یک نگاه حداقلی به دستگاه دین است، باید این‌ها را احیاء کنیم.

مسکن از نظر اسلام ویژگی‌هایی دارد؛ مهم‌ترین ویژگی مسکن این است که در محله باشد، یعنی اولین دغدغه‌ای که در روایات ما راجع به مسئله مسکن وجود دارد، محل ساخت مسکن است؛<sup>۱۳</sup> مسکن را باید در جایی به نام محله ساخت.

محله چیست؟ محله، محل تأمین نیازهای خانواده است. زمین خدا که فرقی نمی‌کند، زمین خدا همه‌جا یک جور است؛ محله‌هایی که مسکن در آن ساخته می‌شود، همه به لحاظ وضعیت فیزیکی مشابه هستند. منتها گاهی وقت‌ها ما مسکن را در جایی می‌سازیم که در آنجا نیازهای چهارگانه خانواده را می‌شود تأمین کرد، گاهی وقت‌ها مسکن را در جایی می‌سازیم که نیازهای چهارگانه خانواده را در آنجا نمی‌توان تأمین کرد.

[نیازهای خانواده را] بشماریم؛ خانواده نیاز به شغل دارد تا سرپا بماند، خانواده نیاز به آموزش و پرورش و علم دارد، خانواده نیاز به تفریح دارد و این جزء نیازهای اصلی هر خانواده است، خانواده نیازهای روزمره هم دارد، گوشت و مرغ نان و تخم مرغ و ... نیازهای روزمره‌ای که انسان‌ها دارند؛ این چهار نوع نیاز را هر خانواده‌ای حداقل دارد.

حالا این چهار نوع نیاز را یا نزدیک خانه و مسکن خانواده‌ها تأمین می‌کنیم یا با فاصله از مسکن خانواده‌ها تأمین می‌کنیم، دو تا فرض است دیگر؛ این چهار نوع نیاز یا نزدیک خانه تأمین می‌شود یا با یک فاصله دوری از خانه تأمین می‌شود. مثال بزمنم تا واضح بشود؛ مثلاً خانواده‌ای محل زندگی‌اش در کرج است. محل کارش کجاست؟ شهر تهران؛ یعنی فاصله محیط شغلی‌شان تا محیط خانه‌شان یک فاصله‌ای به این اندازه است. شب حدود دو ساعت طول می‌کشد که به محل کارشان بروند و حدود دو ساعت هم طول می‌کشد از محل کار به خانه برگردد، هشت ساعت هم زمان کار است؛ یعنی دوازده ساعت از وقتشان به مسأله شغلشان اختصاص پیدا می‌کند. شب سؤال؛ آیا برای چنین فردی مدیریت خانواده معنا دارد؟ او وقتی به خانه می‌رسد اگر بتواند یک لقمه نان می‌خورد و می‌خوابد. شب چرا این بلا بر سرش آمده است؟ چون محل شغلش تا محل خانه‌اش فاصله دارد؛ یعنی کافی است محل شغلشان را از محل خانواده‌تان دور کنید تا تمام خانواده‌تان از دست برود! پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «از سعادات مرد این است که محل شغل او نزدیک محل خانه‌اش باشد.»<sup>۱۴</sup> الآن در طراحی‌های مدرن این اتفاق نمی‌افتد.

یک مثال دیگر بزمنم؛ بعضی به مناطقی مثل عسلویه می‌روند و شاغل می‌شوند. طبق قانون ۲۱ روز باید در محل کارشان باشند و ۹ روز به محل خانه خودشان برمی‌گردند.<sup>۱۵</sup> چند پرسش ساده از

۱۳. الإمام علی عليه السلام: سَلَّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ، وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ

امام علی عليه السلام فرمودند: پیش از سفر، از همسفر جویا شو، و پیش از [خرید] خانه، ببین همسایه‌ات کیست.

نهج البلاغه، نامه ۳۱

۱۴. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتَجِرَةً فِي بَلَدِهِ وَ يَكُونَ خَلَطًا لَهُ صَالِحِينَ وَ يَكُونَ لَهُ وَ لَدَى يَسْتَعِينُ بِهِمْ.

امام سجاد عليه السلام فرمودند: از سعادت آدمی است که محل کسب و کارش در بلاد خودش باشد و هم‌نشینانش صالح باشند و فرزندی داشته باشد که کمک کار او باشد.

الکافی، ۵، ص ۲۵۷، ح ۱

۱۵. کارگران ایرانی شاغل در عسلویه ماهی ۲۴ روز کار می‌کنند تا ۶ روز به مرخصی بروند.

وزارت کار و رفاه و امور اجتماعی کشور، چند پرسش ساده از سازمان برنامه و بودجه دارم؛ در این ۲۱ روز برای نیازهای عاطفی، نیازهای جنسی و نیازهای تربیتی مرد و زن چه اتفاقی می‌افتد؟ چرا به دروغ می‌گویید رفاه ایجاد کردیم؟ برای نیازهای تربیتی بچه‌های این خانواده چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا سازمان برنامه و بودجه ما عاقل است؟ وقتی گزارش می‌دهد، می‌گوید ما شغل ایجاد کردیم. من همیشه از دوستان کارشناس در سازمان برنامه و بودجه پرسیدم چه نوع شغلی؟ شغل مثل مشاغل عسلیویه؟ این شغل رفاه ایجاد می‌کند یا خانواده را از هم می‌پاشاند؟ خیلی ساده است و بحث پیچیده‌ای نیست؛ شغل باید نزدیک خانه باشد وگرنه خانواده‌ای نمی‌ماند تا آن بحث‌های تربیتی که گفتیم محقق شود، خوب جلوتر برویم.

شروع کردند با پدیده شهرسازی و پارک‌های بزرگ و ساخت نامناسب مسکن به شکل آپارتمان تفریح را نیز از محل خانه دور کردند. خود خانه که آپارتمان است و اگر مثلاً خانه ۶۰ یا ۸۰ متر باشد، فکر کنم شما باید روزی ۱۰ بار از خانه خارج شوید تا زنده بمانید، تا پژمرده نشوید. پس در خانه که رفاه وجود ندارد، تفریح وجود ندارد. خوب به محل زندگی هم می‌روید و می‌بینید که تفریح وجود ندارد. تفریح کجاست؟ مثلاً فلان پارک بازی، فلان شهرسازی. مردم تهران را دیدید که تا تعطیل می‌شود همه به جاده‌های شمال می‌روند. بعضی می‌خواهند بگویند این‌ها مردمان خوش‌گذرانی هستند. من نمی‌گویم داخلشان مردم خوش‌گذران نیست، بلکه می‌گویم به وزارت شهرسازی مان تبریک عرض می‌کنیم با این نحوه ساختمان‌سازی‌شان! آدم‌ها نمی‌توانند بمانند در اینجا و زندگی کنند و نیاز به تفریح پیدا می‌کنند. پس به بهانه تفریح هم از خانه‌شان دور می‌شوند. جلوتر برویم.

می‌گویند بعضی از مدارس بی‌کیفیت هستند و بعضی از مدارس باکیفیت هستند. به بهانه کیفیت در تحصیل، تحصیل را هم خارج از محله تعریف می‌کنند؛ یعنی می‌بینید محل تحصیل بچه‌هایتان خارج از محله است. حال حداقل در تحصیلات ابتدایی می‌گویم، آموزش عالی را فعلاً بحث نمی‌کنم؛ یعنی به بهانه تحصیل هم اعضای خانواده از یکدیگر جدا می‌شوند، انسان‌ها از خانه‌شان دور می‌شوند.

مگامال‌ها و هایپرمارکت‌ها را هم درست کردند و می‌بینید که به بهانه خرید روزمره نیز افراد از محل زندگی‌شان دور می‌شوند. یک گزارش مگامالی را در تهران منتشر کرده بودند و مدیر آن مجموعه با افتخار می‌گفت: «ما ۵۰۰ هزار نفر را در روز می‌توانیم خدمات بدهیم.» ۵۰۰ هزار نفر یعنی مثلاً چیزی حدود ۱۰۰ محله؛ به بهانه خرید همه از محل خانه‌شان دور می‌شوند و می‌آیند در مگامال شما خرید می‌کنند. البته شما به او می‌گویید که به شما ارزان‌تر می‌دهیم.<sup>۱۶</sup> می‌بینید که نیازهای چهارگانه خارج از محل مسکن و محل خانه تأمین می‌شود.

۱۶. حال همینجا عرض کنم که مگامال‌ها دامپینگ می‌کنند؛ برای اینکه مشاغل محلی را از هم پاشانند، یک مدتی ارزان می‌دهند و بعد که مشاغل محلی از هم پاشیده شد، آن‌ها هم قیمت‌هایشان را بالا می‌برند.



### ۳. مستحکم شدن خانواده به دلیل گسترش ارتباطات اعضای خانواده، ایجاد تعارف و کاهش مسافرت

#### درون شهری؛ سه مورد از فواید بسیار مهم ساخت خانه‌های وقفی در قالب محله

اگر ما به این شکل تأمین نیاز بکنیم ۳ تا آفت ایجاد می‌کند؛ ۳ تا آسیب ایجاد می‌کند. اولین آفتش این است که اعضای خانواده دائماً به بهانه تأمین نیاز از همدیگر جدا می‌شوند. به اصطلاح رکیک جامعه‌شناسی خانواده هسته‌ای شکل می‌گیرد؛ خانواده‌های هسته‌ای یعنی اسماً خانواده هستند ولی با همدیگر کم‌ارتباط هستند. یکی از طلبه‌های فاضل، دیشب یک آماری را برای من می‌گفت که در یک نمونه آماری، مطالعه شده است که بعضی از خانواده‌ها کلاً بین ۳ تا ۵ دقیقه در روز با همدیگر صحبت می‌کنند.<sup>۱۷</sup> اولین اتفاقی که می‌افتد این است که اعضای خانواده از هم دور می‌شوند. پس این خانواده دیگر نهاد تربیتی نخواهد بود، خانواده دیگر نهاد آرامش‌بخش به فرد نخواهد بود. اگر اینطور شود، یک اسمی از خانواده باقی می‌ماند، این اولین ضربه است. باید نیازها را نزدیک خانه تأمین کرد که ما به پدیده تأمین نیاز در محل نزدیک محل خانه می‌گوییم پیدایش محله، محله یعنی محل تأمین نیازهای خانواده؛ خانواده‌ها وقتی مجموعه مجموعه تشکیل می‌شوند، محل تأمین نیازهایشان باید نزدیک خانه‌شان باشد تا این اتفاق اول نیافتد.

اتفاق دوم و آسیب دوم این است که وقتی افراد محله به بهانه تأمین نیاز با همدیگر ارتباط دارند، تعارف به وجود می‌آید. تعارف یعنی چه؟ یعنی شناخت طرفینی گسترده؛ مثلاً من به بهانه تحصیل - تحصیلی که در محله است - معلم‌های فرزندم را می‌بینم و آن‌ها هم مرا می‌بینند، خانه‌هایمان هم نزدیک هم است و همدیگر را می‌شناسیم، به بهانه خرید نیازهای روزمره هم این تعارف ارتقاء پیدا می‌کند، به بهانه حضور شغلی و حضور تفریحی هم این تعارف ارتقاء پیدا می‌کند. دیدید که در بعضی از محله‌ها آدم‌ها دقیقاً همدیگر را می‌شناسند. ما در مباحثات طولانی بحث کردیم که تعارف یک زیرساخت است که ۳۰ میوه دارد؛ اگر آدم‌ها همدیگر را بشناسند، حدود ۳۰ میوه از تعارف زاینده می‌شود.

اولین میوه‌اش امنیت و خودکنترلی است. آدم‌ها در محیطی که شناخته می‌شوند، برای اینکه آبرویشان حفظ شود خودشان رفتارشان را کنترل می‌کنند و دیگر نیاز به کنترل بیرونی و مانیتورینگ ندارند. این مسئله پلیس کشور است؛ من بعضی وقت‌ها با کارشناس‌های حوزه امنیت و دوستان تصمیم‌ساز پلیس مان که بحث می‌کنم، می‌گویم اشتباه نکنید و مرتب نیروهای تخصصی مثل نوپو<sup>۱۸</sup> و مانیتورینگ گسترده [را تقویت کنید] و در یک جمله امنیت را به شکل غربی‌ها تأمین کنید؛ بلکه تعارف را ارتقاء بدهید، زیرا خودکنترلی و امنیت یکی از میوه‌های تعارف است.

۱۷. سید حسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران: استفاده بیش از حد از شبکه‌های اجتماعی در محیط خانواده با کاهش سطح ارتباطات عاطفی، میزان گفتگو در خانواده را حتی از ۱۵ دقیقه در روز هم کمتر کرده است.

آدرس مطلب در خبرگزاری صدا و سیما [yon.ir/goftogo2](http://yon.ir/goftogo2)

این آمار مربوط به تیرماه ۱۳۹۵ یعنی حدود دو سال قبل است و با گسترده‌تر شدن شبکه‌های اجتماعی در زمان کنونی این عدد به مقدار پایین‌تری نیز رسیده است.  
۱۸. یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است که برای رهایی گروگان، برخورد و خنثی‌سازی عملیات تروریستی و سرکوب شورش‌های شهری استفاده می‌شود.

۳/۲/۲. ارتقا کیفیت؛

دومین میوه تعریف

یکی دیگر از میوه‌های تعریف، ارتقاء کیفیت است؛ وقتی در یک محل زندگی می‌کنید چشم در چشم همدیگر دارید و کاسب‌ها، همسایه شما هستند. به خاطر حرمت همسایگی، جنس بد به شما نمی‌دهند؛ تعریف، کیفیت را ارتقاء می‌دهد. این هم مساله مهمی است و الان یک مشکل در کشور است و می‌خواهیم با تعزیرات و نظارت‌های قانونی حل کنیم، در حالی که می‌توان مساله را با ارتقاء تعریف حل کرد.

۳/۲/۳. دقیق شدن

انتخاب همسر؛ سومین

میوه تعریف

یکی دیگر از میوه‌های تعریف این است که انتخاب همسر، دقیق‌تر اتفاق می‌افتد. برای بعضی از دستگاه‌های تصمیم‌سازمان متاسفم؛ گفته‌اند می‌خواهیم سایت‌های همسرگزینی را سازماندهی کنیم.<sup>۱۹</sup> سایت همسرگزینی چه صیغه‌ای است؟ یعنی چه اتفاقی در آن می‌افتد؟ یعنی شما می‌گویید افراد از طریق اینترنت، شناخت کافی برای انتخاب همسر آینده‌شان پیدا کنند؟ آقای مسئول! شما در کشور ما چنین حرف بی‌ربطی زده‌اید؟ از بیت‌المال به شما حقوق می‌دهند که اینطور غیرعلمی و غیر واقعی حرف بزنید؟ چرا آقایان به سمت سایت‌های همسرگزینی رفته‌اند؟ چون انسان‌ها در محله زندگی نمی‌کنند، مشکل اصلی شهرهای کلان، پدیده گمنامی است و لذا حتی نمی‌توانند ازدواج حکیمانه و درست داشته باشند. الان نمی‌خواهم بسته کارکردهای تعریف را بحث کنم، بلکه می‌خواهم بگویم اگر ما فقط و فقط، محله را تشکیل دهیم، تعریف داریم و تعریف زیرساخت ۳۰ نوع خدمت است؛ تعریف، تُوْتِيْ اُكْلَهَا<sup>۲۰</sup> است و ثمراتی دارد.

۳/۳. کاهش سفرهای

درون‌شهری؛ فایده سوم

ساخت خانه‌های وقفی در

قالب محله

فایده سوم مدیریت محله‌ای، کاهش سفرهای درون شهری است؛ ما الان با پدیده انضمام سفر به تأمین نیازها روبرو هستیم و انسان‌ها برای تأمین نیازهایشان، هرروز سفر می‌روند. روایات را دیدید که می‌گویند «سفر قطعه من العذاب»؛<sup>۲۱</sup> سفر یک پدیده سخت است و شارع مقدس نماز را برای مسافر قصر کرده و شرایط ویژه قرار داده و احکام خاص تعریف کرده است، چون سفر یک پدیده سخت است. تمدن مدرنیته به بهانه تأمین نیازها سفر را به همه امور منضم کرده است و شما برای انجام هر کاری باید سفر بروید. کسی که هرروز سفر می‌کند، فشار سنگینی از نظر روحی و فکری و جسمی تحمل می‌کند و زود فرسوده می‌شود. سفر برای عبرت، صله رحم، زیارت و یک نوع تفریحات خاص است. نباید انسان برای تهیه ماکارونی و گوشت و سیب زمینی تا مگامال نزدیک محله خود به سفر برود، نباید برای تحصیل به سفر برود، حداقل در مورد آموزش‌های اولیه نباید سفر باشد. اگر سفر زیاد شود چه اتفاقی می‌افتد؟ اولاً انسان‌ها فرسوده می‌شوند، دوماً آلودگی‌های صوتی زیاد می‌شود، سوماً آلودگی هوا ایجاد می‌شود، چهارماً میزان مصرف سوخت کشور افزایش می‌یابد، هزاران مشکل ایجاد می‌شود. شهرداری تهران اعلام کرده بود حدود ۷۰ درصد از درآمدهای

۱۹. دکتر صبحی (مدیرکل دفتر ازدواج و تعالی خانواده) در نشست کمیسیون تخصصی ازدواج و تعالی خانواده که صبح امروز (۲۴ فروردین ۱۳۹۵) در ساختمان شماره ۲ وزارت برگزار شد گفت: بسیاری از سایت‌های همسریابی و همسان‌گزینی بدون مجوز فعالیت، تخصص و آگاهی بوده و می‌توانند برای جامعه آسیب‌زا باشند لذا ساماندهی این سایت‌ها در اولویت برنامه‌های این دفتر است.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایسنا [isna.ir/news/95012410179](http://isna.ir/news/95012410179)

۲۰. یعنی تعریف ثمره و میوه‌های خود را هر زمانی می‌دهد؛ اشاره به آیه ۲۴ و ۲۵ سوره مبارکه ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام.

۲۱. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ، وَإِذَا قَضَيْتُمْ سَفَرَكُمْ فَالسَّفَرُ إِلَى الْإِيَابِ إِلَى أَهْلِهِ.

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: مسافرت کردن بخشی از عذاب (رنج) است و هرگاه فردی از شما سفرش را به پایان رساند، باید زود نزد خانواده خود زود.

من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۲۵۱۵

شهری را خرج مدیریت سفر درون‌شهری می‌کند؛<sup>۲۲</sup> هرروز سفر رفتن، هزینه‌ها را افزایش می‌دهد. بهتر نیست به جای این طراحی معیوب، سراغ طراحی محله‌ای برویم تا هر سه فایده را داشته باشیم.

کارشناسان کشور توجه کنند: اگر قرار باشد پول وقف و قرض‌الحسنه‌ها - نه پول کتیف بانک‌ها - را به سمت حل مساله مسکن جهت بدهیم، مسکن باید در قالب محله طراحی گردد. اگر صرفاً مسکن ساختم و هویت محله‌ای را ندیدیم، نمی‌توانیم ادعا کنیم مشکلات خانواده را حل کردیم. الان وزارت مسکن و شهرسازی ما خوابگاه می‌سازد؛ یعنی انسان‌ها تنها برای خواب به مسکنشان رجوع می‌کنند.<sup>۲۳</sup> ما باید محل زندگی بسازیم، نه خوابگاه، این بحث اول بود. بنده در مورد مسکن، زیاد بحث دارم ولی هم وقت کم است و هم می‌خواهم این مساله مهم به عنوان مساله‌ی محوری محل توجه قرار گیرد.

پس آستان قدس رضوی - که تبریک عرض می‌کنم به مساله وقف ورود پیدا کرده است و برای زوج‌های جوان خانه می‌سازد<sup>۲۴</sup> - و بعضی از واقفین محترم اصفهان که به این مساله ورود پیدا کردند - خصوصاً مدیر عامل شرکت سامان گستر<sup>۲۵</sup> اصفهان که ما جلسه‌ای با این دوستان در سال گذشته داشتیم - و کسانی که در حال نوشتن طرح‌های جامع شهری هستند، همه توجه کنند که اگر محله ساختم، مشکلات زندگی و خانواده را حل کرده‌ایم. اگر آپارتمان و خوابگاه ساختم، خانواده به خانواده هسته‌ای تبدیل می‌شود. می‌گویند این خانه برای فلانی است و اسم یک نفر بر روی آن خانه است ولی اعضای خانواده در آن خانه جمع نمی‌شوند؛ معذرت می‌خواهم ولی در آن قوطی کبریت قابلیت جمع شدن وجود ندارد. مصیبت به جایی توسعه پیدا کرده است که در بعضی از شهرهای ایران چون آپارتمان‌های ناکارآمد به مردم واگذار شده است، مردم مهمانی‌هایشان را هم در پارک‌ها می‌دهند و می‌گویند: «خانه‌مان جا ندارد.» خانه‌ای که نتوانید در آن همسر و فرزند را

۲۲. دکتر محمدباقر قالیباف در مراسم رونمایی از وسایل حمل و نقل پاک (۲۴ شهریور ۱۳۹۴) گفت: طی دو سال اخیر ۶۰ درصد درآمد شهرداری تهران به حوزه حمل و نقل تعلق می‌گیرد که این موضوع در سال‌های اخیر به خوبی قابل مشاهده است.

آدرس مطلب در باشگاه خبرنگاران جوان [yon.ir/shahrdari2](http://yon.ir/shahrdari2)

۲۳. ما با کمک بعضی از کارشناسان شهری در تهران یک بررسی انجام داده و یک منطقه‌ای را در شهر تهران بررسی کردیم. ببینید چه مصیبتی است: اسم منطقه را نمی‌برم تا حاشیه درست نشود. مالکین این منطقه حدود ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر تا ۲ میلیون نفرند. عمده این مالکین در روز برای تحصیل و تفریح و شغل از منطقه‌شان خارج می‌شوند. بین ۱/۵ تا ۲ میلیون نفر انسان‌های دیگری وارد این محل می‌شوند. در مسجد آن محل ۱۰ پیرمرد آسمانی نماز می‌خوانند و مسجد از کار افتاده است. یک حوزه علمیه داشت و چند نفر طلبه داشت و از کار افتاده بود. در فتنه سال ۸۸ برای تأمین امنیت آنجا، نیروهای بسیجی را از مناطق دیگر به اینجا منتقل کردند؛ این وضعیت مدیریت شهری برنامه‌ریزی ماست.

انتقال از متن

۲۴. قائم مقام تولید آستان قدس رضوی در نشست خبری اعلام برنامه‌های دهه کرامت که در محل سالن اجتماعات اداره مرکزی آستان قدس رضوی در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۹۶ برگزار شد با بیان اینکه یکی از برنامه‌های سال ۹۶ آستان قدس ایجاد خانه برای زوج‌های جوان در مشهد است، گفت: قرارداد ساخت این خانه‌ها با پیمانکار بسته شده و قرار است در مشهد ۵۰۰ واحد در مدت زمان حداکثر ۱۸ ماهه به بهره‌برداری برسد.

آدرس مطلب در خبرگزاری تسنیم [yon.ir/maskan40](http://yon.ir/maskan40)

۲۵. پایه‌های تشکیل نخستین شرکت سهامی عام در استان اصفهان ایجاد و شرکت سامان گستر اصفهان در مهرماه سال ۱۳۷۵ با مشارکت بیش از یک‌صد سهامدار حقوقی و ۳۸۰۰۰ سهامدار حقیقی از استان اصفهان و سایر شهرهای کشور متولد شد. سامان گستر اصفهان در سال هشتم به عضویت سازمان بورس اوراق بهادار کشور درآمد و به تدریج به دلیل تأثیرگذاری مثبت در اقتصاد خانواده‌ها و نیز کمک به اقتصاد استان در حوزه‌های مختلف به یکی از هلدینگ‌های مشهور و مورد اعتماد در سطح کشور تبدیل شد. حوزه‌های فعالیت سامان گستر اصفهان به عنوان انبوه‌ساز ارشد استان اصفهان و صادرکننده نمونه در صدور خدمات فنی و مهندسی هم‌اینک به سه گروه تخصصی شامل ساختمان، معماری و عمران شهری - مالی - تجارت و خدمات - تولید و صنعت تقسیم می‌شود.

وبسایت رسمی سامان گستر اصفهان [yon.ir/samangosta](http://yon.ir/samangosta)

ببینید، نتوانید با بچه‌تان بازی کنید، نتوانید در آن مهمانی بگریید خانه نیست. اینکه بنده همیشه می‌گویم توسعه محرومیت‌زاست و تئوری‌های غربی معیوب‌اند، بعضی از عیب‌هایش را اینجا تشریح می‌کنم؛ بنابراین مشکل دوم مسکن را هم بحث کردم، ما باید خانه را در قالب ماهیت محله بسازیم. دو جلد کتاب از بنده در مورد مدیریت شهری منتشر شده است<sup>۲۶</sup> و این‌ها را تفصیلاً بحث کردم. دوستان اگر خواستند به این‌ها رجوع کنند تا ببینند فرق محله با خوابگاه چیست؟ محله چه کارکردهایی دارد، خوابگاه چه کارکردهایی دارد؟

#### ۴. تشریح اجمالی محله علی قلی آقا در اصفهان و کارکردهای آن به عنوان یک شاهد بر امکان رفع

##### مشکلات مردم با مدیریت محله‌ای

دلم نمی‌آید مطلبی را تتمه بحثم عرض نکنم، خواهش می‌کنم توجه بفرمایید. بنده پارسال به محله علی قلی آقای<sup>۲۷</sup> شما رفته بودم. شهرداری برسردر محله علی قلی آقا نوشته است موزه علی قلی آقا. بنده به دوستان پیشنهاد دادم که به جای نوشتن موزه علی قلی آقا بنویسید: «کارگاه آموزشی معماری و شهرسازی»؛ در آنجا در آن مستندی که هنوز منتشر نشده بحث کردم که محله علی قلی آقا - که برای حدود ۴۰۰ سال پیش است - ۷ کارکرد داشته است.

۴/۱. محله علی قلی آقا؛ یکی از نمونه‌های معماری و شهرسازی و وجود ۷ کارکرد در این محله  
 ۴/۲. کارکرد اول: هدایت آب زاینده رود به این محله در دوران صفویه و پیدایش ۳ فایده مهم از طریق این کار در محله

اولاً با تدبیر مرحوم شیخ بهایی<sup>۲۸</sup> مادی‌ها<sup>۲۹</sup> آب را از زاینده رود به محلات می‌آوردند، محله علی قلی آقا جزو محلاتی است که مادی وارد آن شده است. چه اتفاقی افتاده است؟ همه‌ی محله به پارک و فضای سبز تبدیل شده است. حول این کار سه اتفاق افتاده است: اولاً پرندگان در آنجا لانه کردند و شما ۲۴ ساعته و خصوصاً زمان‌هایی که پرندگان ذکر و تسبیح می‌گویند، یک موسیقی دلنواز طبیعی در آن محله دارید،<sup>۳۰</sup> این اولین اتفاق است.

دومین اتفاق این است که یک‌سری حیوانات هم آنجا پر رفت‌وآمد هستند. الآن می‌دانید که اطباء پوزیتویست فعلی وقتی می‌خواهند بیماری MS<sup>۳۱</sup> را درمان کنند، یکی از توصیه‌هایشان این است شما یک وقتی را برای زندگی با حیوانات و پرندگان بگذارید. مقداری وقت با کبوتر و با گربه بگذرانید که این منجر به بهبود بیماری شما می‌شود؛ وقتی محیط زندگی انسان پُر از حیوانات و پرندگان باشد [فایده زیادی دارد]. خصوصاً حیوانات و پرندگانی که در روایات توصیه شده است؛

۲۶. کتاب اول مدیریت شهری شامل مجموعه مباحث مطرح شده در حوزه علمیه مروی تهران در رمضان المبارک ۱۴۳۷ هجری قمری مصادف با تیر ماه ۱۳۹۵ است که در ۳۴۴ صفحه رحلی در اختیار پژوهشگران محترم قرار گرفته است. کتاب دوم مدیریت شهری شامل مجموعه مباحث مطرح شده در شهرداری مشهد و دانشگاه فردوسی مشهد در مهر ۱۳۹۵ است که در ۱۶۷ صفحه رحلی در اختیار پژوهشگران محترم قرار گرفته است.

۲۷. یکی از کم‌نظیرترین آثار تاریخی شهر اصفهان، محله علی قلی آقا از اثرات هنری معماری و شهرسازی دوران صفویه است که در محله پیدآباد واقع شده و شامل بازار و چهار سوق، مسجد، مکتب‌خانه، حمام، زورخانه و کاروانسرا و دکان‌های کسبه مختلف بوده که متأسفانه به مرور زمان قسمت‌هایی از این مجموعه تخریب و بجای آن بناهای جدید احداث شده است.

۲۸. بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی معروف به شیخ بهایی (زاده ۹۲۵ خورشیدی در بعلبک، درگذشته ۱۰۰۰ خورشیدی در اصفهان) حکیم، فقیه، عارف، منجم، ریاضیدان، شاعر، ادیب، مورخ و دانشمند نامدار قرن دهم و یازدهم هجری که در دانش‌های فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت.

۲۹. مادی‌ها کانال‌های وسیعی هستند که با شبی ملایم، آب ورودی به شهر را از مجرای اصلی به بخش‌های فرعی منتقل می‌کنند.

۳۰. البته اصطلاح ریکیکی است که در مورد ذکر پرندگان از کلمه موسیقی استفاده کنم.

انتقال از متن

۳۱. بیماری MS یک بیماری دستگاه عصبی مرکزی بوده و در این بیماری پوشش محافظ اعصابی که در داخل و اطراف مغز نخاع قرار دارند تخریب می‌شود که این خود باعث ایجاد طیف گسترده‌ای از علائم مثل از دست دادن کنترل عضلات هماهنگی بین آن‌ها تا اختلالات بینایی می‌شود.

مثلاً در روایات توصیه شده است حرمت گربه را نگه دارید،<sup>۳۲</sup> حضور گربه در محل زندگی واکسیناسیون طبیعی است، حالا بعداً من این را در طب بحث می‌کنم. بله درست است گفته‌اند موی گربه در موقع نماز نباید همراه شما باشد [وگرنه] نماز باطل است؛ این یک دلیل خاص دارد ولی اصلاً وجود گربه منطقه را مخصوصاً برای کودکان واکسینه می‌کند که بعداً این‌ها را بحث می‌کنیم. مثلاً در روایت دارد که مستحب است کبوتر در اطراف خانه باشد،<sup>۳۳</sup> یا بعضی از حیوانات دیگر. خوب ببینید این همه خاصیت بهداشتی فقط برای یک طراحی در محله علی قلی آقا؛ آرامش روحی و آرامش جسمی.

محله علی قلی آقا غیر از این تدبیر پیشرفته یک حمام هم داشته است؛ می‌دانید در اسلام حمام خصوصی را نهی کرده‌اند؛ یعنی حمام در درون خانه را نهی کرده‌اند مگر برای اضطرار، حمام در اسلام یک پدیده عمومی و جمعی است. چرا؟ چون اگر مدل نظافت و حمام رفتن در اسلام پیاده شود، پیشگیری از بیماری ایجاد می‌کند. حمام‌هایی که در زمان قدیم بودند سه خاصیت داشتند: اولاً مسئله مشت‌ومال و به اصطلاح رکیک امروزی‌ها ماساژ در آن‌ها وجود داشت. به این‌هایی که من می‌گویم دقت کنید؛ طبق اعلام وزیر بهداشت جناب آقای قاضی‌زاده هاشمی، ۷۵ درصد مرگ‌ومیرهای غیرواگیر به بیماری‌های قلبی-عروقی مربوط می‌شود؛<sup>۳۴</sup> یعنی در رنکینگ بیماری‌هایی که در ایران و جهان هست، بیماری‌های قلبی و عروقی در صدر هستند. خوب مسئله ماساژ در هفته که به باز شدن عروق و به تعبیر رکیک به متابولیسم بهتر کمک می‌کرد پیشگیری از بیماری ایجاد می‌کرد.<sup>۳۵</sup> در حمام‌های ما فصد<sup>۳۶</sup> و حجامت بود؛ این‌ها همه به سلامت آدم‌ها کمک می‌کرد.<sup>۳۷</sup> خوب این‌ها را نمی‌شود در حمام خانه تأمین کرد، و البته دلایل دیگری هم دارد. مضافاً بر

۳۲. وَ عَنْهُ ع قَالَ: إِنَّ امْرَأَةً غَدَبَتْ فِي هَوْرَةٍ وَرَبَطَتْهَا حَتَّى مَاتَتْ عَطَشًا.

امام صادق علیه السلام فرمودند: زنی به سبب آنکه گربه‌ای را بسته بود تا از تشنگی مُرد، به عذاب گرفتار آمد.

مکارم الاخلاق، ص ۱۲۹

۳۳. عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ أَبِي حَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ فِيهِ حَمَامٌ إِلَّا لَمْ يَصِبْ أَهْلُ ذَلِكَ الْبَيْتِ آفَةٌ مِنَ الْجِنَّ إِنَّ سَفَهَاءَ الْجِنَّ يَعْثُونَ فِي الْبَيْتِ فَيَعْبَثُونَ بِالْحَمَامِ وَ يَتْرَكُونَ الْإِنْسَانَ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ خانه‌ای نیست که در آن کبوتر باشد مگر آنکه به اهل آن خانه آسیبی از جن نمی‌رسد. رشد نایافتگان جن در خانه بازی می‌کنند و به کبوتر می‌پردازند و انسان را وا می‌گذارند.

الكافي، ج ۶، ص ۵۴۶، ح ۵

۳۴. سیدحسین قاضی‌زاده‌هاشمی عصر امروز (۲۸ فروردین ۱۳۹۵) در مراسم افتتاح متمرکز طرح‌های بخش بهداشت و درمان استان گلستان اظهار داشت: ۷۵ درصد مرگ و میرها در ایران ناشی از بیماری‌های قلبی و عروقی، فشار خون و سکت‌های مغزی است.

آدرس مطلب در خبرگزاری تسنیم [yon.ir/ghalbi5](http://yon.ir/ghalbi5)

۳۵. وَ أَرَوِي أَنَّهُ لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْبَدَنِ لَكَانَ الْعَمَزُ يَزِيدُ وَ اللَّيْنُ مِنَ النَّبَاتِ وَ كَذَلِكَ الطَّبِيُّ وَ دُخُولُ الْحَمَامِ وَ لَوْ عَمِرَ الْمَيْتُ فَعَاشَ لَمَا أَنْكَرْتُ ذَلِكَ.

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمودند: اگر چیزی موجب افزایش [نیرو و نشاط] بدن باشد، ماساژ دادن بدن و لباس نرم، همچنین بوی خوش و استحمام، [جزیی از] آن است، و اگر [گزارش شود که] مرده‌ای در اثر ماساژ دادن زنده شده است، من آن را انکار نمی‌کنم.

بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۶۱

۳۶. فصد بازکردن منفذی کوچک در دیواره رگ به وسیله نیشتر است که باعث خروج اخلاط فاسد بدن با خروج خون می‌شود.

۳۷. قال الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا تُحْرِقَهُ السُّودَاءُ فَعَلَيْهِ بِالْقِيِّ وَ فَضْدِ الْعُرْوِقِ وَ الْإِطْلَاءِ بِالنُّورَةِ

امام رضا علیه السلام فرمودند: هرکس می‌خواهد سودا او را نسوزاند، بر او باد قی کردن، رگ زدن و نوره کشیدن.

همان، ص ۳۲۵



اینکه حمام در دوره‌های گذشته چت رومی برای خودش بوده است و هرکسی به حمام می‌رفت، اطلاعات کامل محله را بدست آورده و به روز می‌کرد. پس محل زندگی‌شان را طوری طراحی می‌کردند که پیشگیری از بیماری هم داشته است. حالا ما الآن به خیال خودمان توسعه یافته شده‌ایم و مثلاً یک مرکز درمانی در محله ایجاد می‌کنیم؛ در حالی که ما باید مرکز پیشگیری از بیماری در محله داشته باشیم.

۴/۴. کارکرد سوم: وجود یک بازار موقوفه در این محله و ایجاد سه فایده برای محله از طریق این بازار  
 محله علی قلی آقا یک بازار موقوفه‌ای هم در کنار خود دارد که این بازار موقوفه چند خاصیت داشته است: اولین خاصیتش این است که چون وقف بودند، مغازه‌ها ارزان‌تر در اختیار صاحبان مشاغل قرار می‌گرفت. دومین خاصیتش این است که در وقف‌نامه هست که صاحبان مشاغل هر روز یا هر هفته باید چند جلسه مکاسب<sup>۳۸</sup> بخوانند، یعنی احکام کسب را یاد بگیرند. سومین خاصیتش هم این بوده که یک درآمدی برای مدیریت محله که عالم محله بوده ایجاد می‌کرده تا با آن فقر را مدیریت کند. ببینید شهرسازی ما چقدر پیشرفته بوده است! الآن اداره اماکن ما چه کار می‌کند؟ در نهایت با برخی از تخلفات صاحبان کسب و کار برخورد می‌کند. قبلاً در بازار اصفهان، در محله علی قلی آقا کاسب‌ها فقه یاد می‌گرفتند و رفتار شغلی‌شان را بر مبنای فقه تنظیم می‌کردند. الآن ما این را نداریم و می‌خواهیم با قانون این مسئله را حل کنیم؛ قانون هم قدرت درونی‌سازی ندارد و این همه مشکل به وجود آورده است.

۴/۵. کارکرد چهارم: وجود یک مسجد در این محله و گسترش علم از طریق آن  
 خب محله علی قلی آقا مسجدی داشته و حول آن مسجد مدرسه‌ای بوده که علم را گسترش می‌داده است. من نمی‌خواهم همه ویژگی‌های آن محله را بحث کنم بلکه می‌خواهم عرض کنم گاهی وقت‌ها آدم با نگاه انصاف که نگاه می‌کند مدل شهرسازی مبتنی بر TOD (Transit oriented development)<sup>۳۹</sup> را می‌گذارد یک طرف و محله علی آقای شما را هم یک طرف می‌گذارد و می‌بیند [محله علی قلی آقا] از حیث تنظیم روابط انسانی خیلی پیشرفته‌تر بوده است، این مشکل ماست؛ وقتی مرحوم جلال آل احمد<sup>۴۰</sup> می‌گفت غرب‌زدگی به یک مشکل در کشور تبدیل شده

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عَبْدِ الْبَقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعًا بَابَ مِمَّا يُضْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ ع إِنَّ الْحِجَامَةَ تُصَحِّحُ الْبَدَنَ وَ تُشَدُّ الْعُقْلَ ...

امام علی علیه السلام در یک مجلس ۴۰۰ باب از چیزهایی که دنیا و آخرت مسلمان را اصلاح می‌کند به اصحاب خود آموختند. ایشان فرمودند: حجامت بدن را صحت می‌دهد و عقل را استحکام می‌بخشد.

الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱

۳۸. کتاب مکاسب المحرمه (مکاسب محرمه)، به‌طور مخفف مکاسب، اثر شیخ مرتضی انصاری دزفولی یکی از کتب مهم سطوح عالی حوزه‌های علمیه شیعه می‌باشد که در فقه جعفری به ویژه در بخش معاملات به بحث‌های استدلالی اجتهادی فقهی می‌پردازد.

۳۹. در سال‌های اخیر، یکی از بزرگترین اهداف برنامه‌ریزی و طراحی شهری، به ویژه در مراکز شهری، کاهش اتکای به اتومبیل به منظور ایجاد پایداری و سرزندگی در شهرهاست. [۱] به همین منظور حکومت‌ها و سازمان‌های برنامه‌ریزی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های خود را با هدف بازتوسعه شهرها در الگوهای فشرده‌تر با کاربری مختلط جهت‌دهی کرده‌اند یکی از این سیاست‌ها که اقبال زیادی به آن شده، توسعه حمل و نقل محور شهری است. طرفداران این نوع توسعه، تراکم بالا و مراکز فعلیتی با کاربری مختلط را که به وسیله سامانه‌های حمل و نقل عمومی با کیفیت بالا به یکدیگر مرتبط می‌شوند، راه حل این مشکلات معرفی می‌کنند. [۲]

[۱]. طراحی شهر برای کاهش وابستگی خودرو، ص ۳-۹

[۲]. توسعه اقتصادی و رشد هوشمند، ص ۷-۱۹

۴۰. جلال آل احمد (۲ آذر ۱۳۰۲ و بر اساس برخی روایت‌ها ۱۱ آذر ۱۳۰۲، تهران - ۱۸ شهریور ۱۳۴۸، آسالم، گیلان) روشنفکر، نویسنده، منتقد ادبی و مترجم ایرانی و همسر سیمین دانشور بود.

است،<sup>۴۱</sup> شبیه چنین بحث‌هایی را می‌دید و وارد می‌شد. ما اگر به مفاهیم دینی خودمان برنگردیم، زندگی‌مان یک زندگی تنزل‌یافته خواهد شد و همین مشکلاتی که دارید می‌بینید ایجاد می‌شود. البته محله‌هایی که ما پیشنهاد دادیم، ۳۰ خاصیت دارد، یعنی یک قدم هم از دوره صفویه ارتقاء دادیم؛ ما سال‌ها در حوزه علمیه قم بر روی این مسائل کار کردیم.<sup>۴۲</sup>

خب من عریضم را تمام کنم. پس بنابراین اگر ما می‌خواهیم خانواده را تقویت کنیم، یکی از طرح‌ها، احیاء هویت محلگی است. ان‌شاء‌الله فردا شب بعضی طرح‌های دیگری که اجرای آن‌ها در کشور منجر به تقویت نهاد خانواده می‌شود را بحث می‌کنم؛ عرض کردم آن برنامه‌ای که ما آماده کردیم حدود ۱۰۰ ابرطرح به محوریت احیاء نهاد خانواده است، نمی‌رسم همه آن‌ها را در اینجا بحث کنم ولی به هر حال فکر می‌کنم وقتی چند موردش را تبیین کنم مقداری واضح شود که نگاه الگوی اسلامی چه تفاوت‌هایی با نگاه توسعه غربی دارد.

و الحمد لله رب العالمین

---

۴۱. کتاب غرب‌زدگی، ص ۳ و ۴

۴۲. من به بعضی از آقایان مسئول کشور گفتم ما حاضریم مسئله مسکن کشور را تحویل بگیریم، مسئله مدیریت بافت‌های فرسوده کشور را تحویل بگیریم. یا نه؛ آقایان حداقل بیایند و گفتگو را بپذیرند؛ برای بار هزارم به برادر خوبم آقای نوبخت می‌گویم اینقدر نرو کمبریج، نرو ماساچوست، نرو دانشگاه‌های غربی، در آنجا برای تنظیم روابط انسانی راه حل نیست. به حوزه علمیه قم هم یک سری بزن، شاید آنجا راه حل بود. اگر راه حل نبود دوباره به ماساچوست برو. چرا این همه شما به طرف تئوری‌های غربی و دانشگاه‌های آن طرف غش کردید؟! چه چیزی در درون آن هست؟ این مشکلی در مملکت ما شده است؛ ادعای علمی بودن می‌کنند در حالی که حرف‌هایشان حرف‌های تنزل‌یافته است. البته در همینجا انصاف به خرج دهم و بگویم طلبه‌های ما هم طلبه‌های تبلی هستند. اگر آن‌ها هم به میدان بیایند، بحث کنند و حرف بزنند، دیگر وضعیت زندگی مردم اینطور نیست؛ بعضی از این دوستان طلبه ما تا کی می‌خواهند کلی‌گویی کنند؟! این هم یک مشکل هست.

### نظام سؤالات

۱. سرفصل ششم آموزش و پرورش آینده: برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پیشنهادی برای تقویت نهاد خانواده و ارتقاء ظرفیت چیست؟
  - ۱/۱. مشکل هزینه مسکن خانواده‌ها به عنوان نهاد اصلی ارتقاء ظرفیت را چطور حل کنیم؟
    - ۱/۱/۱. آیا امکان استفاده از ظرفیت وقف برای حل مسکن وجود دارد؟
    - ۱/۱/۲. تأمین مسکن با هزینه وقف، به غیر از تقویت نهاد خانواده چه ثمره دیگری دارد؟
  - ۱/۲. مسکن‌های وقفی را در چه قالبی بسازیم تا نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی ارتقاء ظرفیت ضربه نخورده و تقویت شود؟
    - ۱/۲/۱. محله به چه معناست؟
    - ۱/۲/۲. نیازهای چهارگانه خانوار کدام است؟
    - ۱/۲/۳. ساخت خانه‌های وقفی در قالب محله چه ثمراتی دارد؟
      - ۱/۲/۳/۱. تعرّف (به عنوان یکی ثمرات محله) چه فوایدی دارد؟
      - ۱/۲/۴. آیا نمونه‌هایی عینی از محله‌های اسلامی با ثمرات فراوان وجود دارد؟



## جلسه نهم

### سوالات جلسه

سرفصل ششم آموزش و پرورش آینده: برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پیشنهادی برای تقویت نهاد خانواده و ارتقاء ظرفیت چیست؟

### عنوان جلسه

گفتگو در مورد ارتقاء ظرفیت در جامعه؛ اولین راهکار کوتاه‌مدت برای ارتقاء ظرفیت و تقویت نهاد خانواده

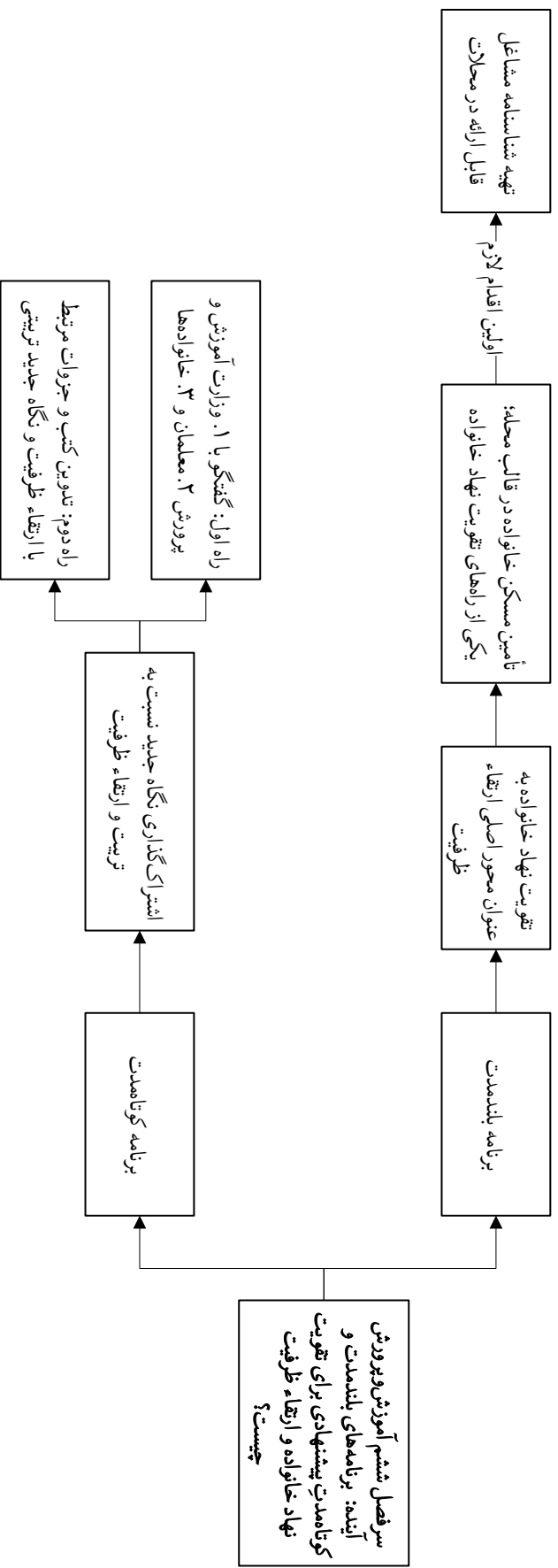
### خلاصه جلسه

در جلسه گذشته بیان شد که برای تقویت نهاد خانواده و ارتقاء ظرفیت باید به دنبال اجرای برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت باشیم و برنامه بلندمدت نیز تقویت نهاد خانواده است.

یکی از اموری که مشکل جدی برای نهاد خانواده درست کرده مسئله مسکن است که در این مسئله، دو مشکل برای نهاد خانواده وجود دارد؛ یکی هزینه مسکن است که با مسئله موقوفات تأمین می‌گردد. مشکل دیگر در حوزه مسکن نیز کاهش ارتباطات اعضای خانواده در اثر مدل‌های فعلی ساخت مسکن است که این مشکل نیز با ساخت مسکن در قلب محله حل می‌شود.

برنامه کوتاه‌مدت نیز به اشتراک‌گذاری نگاه جدید نسبت به مسئله ارتقاء ظرفیت و تربیت است که برای این موضوع باید دو کار در دستور کار قرار بگیرد؛ یکی گفتگو با مسئولین وزارت آموزش و پرورش، معلمان و خانواده‌ها در مورد ارتقاء ظرفیت است و کار دیگر نیز نوشتن کتب مربوط به ارتقاء ظرفیت است.

# تبیین ویژگی‌های آموزش و پرورش آینده و چگونگی حرکت به سمت آن (جلسه نهم)



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته بسم الله الرحمن الرحيم أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين المنتجبين المكرمين سيما بقيّة الله في الارضين ارواحنا لاماله فداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله.

### ۱. تأمین مسکن خانواده‌ها در قالب محله (محله یعنی محل تأمین نیازهای خانواده)؛ قالب تهیه

#### مسکن‌های وقفی برای خانواده‌ها

شب گذشته اجمالاً در مورد ویژگی‌های مسکن از نظر فقه اسلامی با شما گفتگو کردم؛ عرض کردم که از الزامات تقویت نهاد خانواده از حیث روابط و عواطف این است که مسکن خانوارها دارای شرایطی باشد. مهم‌ترین شرطی را که برای مسکن بحث کردم این بود که مسکن باید در یک هویت محله‌ای انتخاب و اتباع<sup>۱</sup> شود. اگر مسکن را به شکل آپارتمان بسازیم و هویت محله‌ای به محل قرار گرفتن مسکن ندهیم، به شرحی که دیشب عرض کردم خانواده هویت هسته‌ای پیدا می‌کند و به شکل هسته‌ای تبدیل می‌شود.

الآن قوانین و مقررات کشور در حوزه ساختمان را همه دیدید؛ مثلاً برخی روی مقاومت مصالح ساختمان تمرکز کردند، بخشی از مقررات و قوانین به موضوع انرژی می‌پردازند، یک مجموعه‌ای از قوانین و مقررات در مورد ساختمان در کشور ما وجود دارد.<sup>۲</sup> در مورد قوانین تملک آپارتمان دو

۱. خریدن

۲. برای مطالعه قوانین ملی ساختمان ایران به آدرس زیر مراجعه فرمایید.

دسته قانون وجود دارد؛ یک دسته مقررات شانزده گانه و یک دسته مقررات بیست و هفت گانه که مثلاً به موضوع نحوه انتخاب مدیر ساختمان، یا به نحوه مشاعات در ساختمان و امثالهم می پردازد.<sup>۳</sup> مقررات فعلی ساختمان هیچ کدام راجع به هویت محله ای بحث نکرده است، فقط راجع به خود ساختمان بحث کرده است.

دیشب عرض کردم اگر ما ساختمان را در هویت محله ای نبینیم، مجبور می شویم نیازهای خانواده را خارج از محیط محله تأمین کنیم. نیازهای چهارگانه خانواده را یادآوری کنید؛ نیازهای روزمره، نیازهای تحصیلی، نیازهای تفریحی، نیاز شغلی. خب اگر قرار باشد اعضای خانواده برای تأمین هر کدام از این چهار دسته نیاز هر روز از هم جدا شوند، دیگر خانواده استحکام و قوام خودش را از دست می دهد. پدر دیگر در خانواده حضور ندارد تا شما بگویند وظایف تربیتی اش را انجام بدهد. مثلاً کسانی در عسلویه مشغول کارند، بیست و یک روز در محل کار حضور دارند؛ یعنی نیاز شغلی شان در عسلویه است، در حالی که خانه شان مثلاً در شهر تهران است و فقط ۹ روز در ماه کنار خانواده هستند. آن وقت انتظار دارید این نوع تأمین نیاز شغلی، باعث رفاه خانواده شود؟! خانواده ای که پدر به اندازه یک عکس روی دیوار در آن حضور دارد، آیا این پدر می تواند تکیه گاه خوبی برای زنش باشد؟! می تواند یک عامل تربیتی باشد؟! بسیاری از فرزندان ما خصوصاً در این دوره های که دیدگاه های ضالّ توسعه غربی در کشور ما پیاده شده اند، در این چنین شرایطی بزرگ شدند. در برنامه ریزی های حکومتی نحوه تأمین نیازها، در محل زندگی خانواده ها باید به یک استراتژی تبدیل شود؛ یعنی تا می توانید نیازها را در محل زندگی خانواده ها تأمین کنید. این هنر نیست که شما یک مدرسه ی باکیفیت بسازید ولی مثلاً برای پنج منطقه؛ معنای این کار این است که همه باید از محل زندگی شان روزانه خارج شوند و به مدرسه باکیفیت شما بروند. ممکن است فوایدی هم داشته باشد ولی یک ضرر بزرگ وجود دارد، آن هم این است که فرزند از خانواده اش جدا می شود. من یاد می آید وقتی قرار شد سیستم آموزش و پرورش ما در دولت قبل پنجشنبه ها را تعطیل کند، همه می گفتند این کار خوبی نیست؛<sup>۴</sup> چون ساعات آموزشی را کاهش می دهد. برخی دیگر استدلال می کردند درست است که ساعات آموزشی کاهش پیدا می کند، ولی از طرف دیگر بچه ها بیشتر پیش خانواده شان

۱/۲. افزایش ارتباط اعضای خانواده و در نتیجه تقویت نهاد خانواده؛ نتیجه ساخت مسکن در محله و تأمین نیازهای چهارگانه خانواده

۳. برای مطالعه قوانین تملک آپارتمان به آدرس زیر مراجعه فرمایید.

yon.ir/aparteman2

۴. به عنوان نمونه یکی از مخالفان تعطیلی پنجشنبه های مدارس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نهم بود.

در این باره محمد مهدی زاهدی رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، در گفت و گو با خبرنگاران می گوید: شورای عالی آموزش و پرورش نیز مصوبه ای دارد مبنی بر این که واحدهای آموزشی پنج روز فعالیت داشته و پنج شنبه ها را جهت انجام کارهای فوق برنامه از قبیل اردوها، تعامل با سایر نهادها و دستگاهها، ارتباط با اولیاء و نیز دانش آموزان با مدیریت مدرسه و کادر آموزشی برنامه ریزی کنند. وی با اشاره به اینکه عملکرد مدارس در روزهای پنجشنبه بررسی می شود، می گوید: امیدواریم آموزش و پرورش اقدامات مناسبی را انجام داده باشد که نیاز نباشد مجلس یا سایر نهادهای مرتبط وارد کار شوند. زاهدی با تأکید بر اینکه دوره های راهنمایی و متوسطه نباید پنجشنبه ها تعطیل باشند، ادامه می دهد: فعالیت های فوق برنامه و خدمات جمعی و آشنایی با نهادها و مسائل تربیتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مطرح شده است، بنابراین این طرح دوفوریتی با سند تحول هماهنگی کامل دارد و در راستای اجرایی شدن سند تحول بنیادین است. وی با بیان اینکه تعطیلی پنجشنبه های مدارس برای دبستان بود، می افزاید: تأکید ما بر این است که دوره های راهنمایی و دبیرستان در روزهای پنجشنبه تعطیل نشوند و از این فرصت برای مباحث دیگری که نیاز است در سند تحول اجرایی شود، استفاده کنند.

آدرس مطلب در خبرگزاری خبرنگاران یون.ایر/panjshanbe

هستند، دو روز در هفته پیش خانواده‌شان هستند. این استدلال، استدلال حکیمانه‌ای است و تا می‌توانیم باید ارتباطها را تقویت کنیم.<sup>۵</sup>

خب حالا بحث در این مسئله فراوان است و من دیشب در رابطه با این مسئله اجمالاً توضیح دادم؛ مسکن باید در قالب محله باشد نباید آپارتمان بسازیم، مقررات ساخت مسکن در کشور ما باید تغییر کند، کاش وزیر محترم مسکن به این بحث‌ها توجه کند. وزارت مسکن ما با استراتژی‌های ساخت مسکن بدترین ضربه را به خانواده‌ها وارد می‌کند. من طلبه هم ساده هستم و می‌آیم سر منبر می‌نشینم و به مردم می‌گویم: «بروید ازدواج کنید، بروید هوای خانواده‌تان را داشته باشید.» می‌دانید آن مؤمنی که پای منبر امثال من نشسته است با خودش چه می‌گوید؟ می‌گوید حاج‌آقا من دوازده ساعت در روز باید برای شغلم وقت بگذارم. اصلاً می‌رسم این حرف‌های شما را پیاده کنم؟ راجع به خانواده که فقط نمی‌شود حرف زد، باید برنامه‌ریزی حکومتی کرد. واقعاً شما فکر می‌کنید وزارت مسکن و شهرسازی ما این حرف‌ها را می‌فهمد؟! او وقتی می‌خواهد آموزش بدهد، TOD آموزش می‌دهد، می‌گوید: Transint Oriented Development «حمل و نقل متمایل به توسعه». اصلاً فضایش، فضایی دیگر است، شهرهای مطلوب آن‌ها شهرهای TOD هستند. از این تئوری‌های معیوب دست بردارید.<sup>۶</sup>

۵. قبل از اینکه بحث جدید را شروع کنم یک تذکری راجع به داستان تلخ مهدکودک‌ها محضرتان عرض کنم، خصوصاً محضر مادران گرامی و دلسوزی که همه می‌دانیم مهم‌ترین چیز برایشان فرزندانشان هستند. بحث کردم در هفت سال اول زندگی، مهم‌ترین مسئله‌ای که مورد نیاز است این است که فرزند ما سید و آقا باشد و اختلالی در بازی او ایجاد نشود، به شرحی که در جلسات گذشته عرض کردم. الان یک پدیده‌ای به وجود آمده و آن اینکه به دلیل گسترش مادران شاغل، فرزند حدود سه یا چهار ساعت و بعضی وقت‌ها بیشتر در محیطی به نام مهدکودک قرار می‌گیرد؛ یعنی در آن هفت سال اولی که شخصیتش در حال شکل گرفتن است، از چشمه محبت دور می‌شود. وقتی می‌خواهید ببینید که این کار چه ضربه‌ای به فرزند شما می‌زند، پیشنهاد می‌کنم یک آزمایش انجام دهید. همه شما پارک رفته‌اید، فرزندانتان را هم به پارک برده‌اید. در پارک یک اتفاق جذابی هست، اسباب بازی وجود دارد و کنار این اتفاق حساس هم‌بازی‌های هم سن و سال فرزند شما هم وجود دارد، این خودش جذبه پارک را دو برابر می‌کند. ولی شما می‌بینید فرزند شما هر یک دقیقه یک‌بار، یا هر سی ثانیه یک‌بار، نام پدر یا مادرش را صدا می‌کند؛ یعنی چه اتفاقی می‌افتد؟ یعنی فرزند شما با اینکه در یک محیط بسیار جذاب قرار گرفته است در درونش احساس نگرانی می‌کند که نکند پدر یا مادرش را از دست دهد؛ شخصیت انسان در هفت سال اول بسیار به پدر و مادر وابسته است. وقتی شما حتی برای یک ساعت فرزندتان را از خودتان دور می‌کنید، خصوصاً از مادر، وحشت در فرزند شما نهادینه می‌شود. بله چون هفت سالش است و قوه تحلیل ندارد، این را نمی‌تواند به زبان بیاورد و توصیف کند؛ اما واقعیتش این است که این ترس توسط فرزند حس می‌شود. حالا اگر این هر روز تکرار شود، مثلاً یک پدر و مادری اشتباه کنند و چهار سال یا پنج سال بچه‌شان را به مهدکودک ببرند. معنایش این است که چهار سال یا پنج سال هر روز وحشت را در فرزند خودشان ایجاد و تثبیت کردند، لذا عقده و تزلزل در شخصیت عملاً در فرزند شکل می‌گیرد. این جنایت‌ها الان در جامعه ما اتفاق می‌افتد، در جامعه ما به دلیل برنامه‌ریزی غلط سازمان برنامه و بودجه این اتفاق‌ها رخ می‌دهد. خوب وقتی این فرزند با این وضعیت بزرگ می‌شود بعداً شما انتظار دارید که در صحنه زندگی تکیه‌گاه باشد؟ در صحنه زندگی بتواند با اعتدال حرکت کند؟ اینکه عرض می‌کنم هویت محله‌ای را جدی بگیرید، به همین دلیل است. در هویت محله‌ای شغل نزدیک محل زندگی است و مجبور نمی‌شویم به خاطر مثلاً کسب درآمد این ضربه‌های سهمگین را به فرزندمان وارد کنیم. انتقال از متن

۶. آقای وزیر، شما در آخرت درگیر هستید، خانواده‌ها را با نحوه ساخت مسکن به چالش می‌کشید. باید گفت خانه را در قالب ماهیت محله‌ای چگونه بسازیم، مدیریت شهری محله‌محور باید محل بحث باشد. شهرداری ما این‌گونه فکر می‌کند؟ شهرداری‌ها که می‌دانید، مظهر سردواندین مردم‌اند و مقررات و قوانین‌شان آزاددهنده است. طرح‌های جامع شهری که نوشته می‌شود، به دنبال تقویت ماهیت محله‌ای است؟ اگر یک وقتی خواستید در خلوت خودتان فکر کنید که چه می‌شود این همه چالش در مملکت ما درست می‌شود، باید بدانید یک علت آن همین تئوری‌های وارداتی غربی است. ما وقتی به در خانه امام حسین می‌آیم، وقتی مراسم هیئت می‌رویم، وقتی داخل مسجد می‌رویم، نگاهمان به امام این نیست که امام مرجع علمی است. نگاهمان به امام حداکثر این است که یک شخصیت مظلوم است که ما در عالم قبر و قیامت نیاز به شفاعتش داریم. واقعاً این همه عزاداری امروز برگزار شد، آیا عزاداران ما نگاهشان به امام حسین این است که امام اعلم من فی الارض است؟ این نگاه را دارند؟ ماها هم امام را با نگاه‌هایمان محاصره کرده‌ایم؛ امام حسین میان عزاداران و گریه‌کنندگان خودش هم مظلوم است. امامی که در واقعیت وجود دارد، مدیریت شهری را هم در آیات و روایاتش بحث کرده است. ولی امامی که ما می‌شناسیم، امامی است که یک پیرمرد مهربان است که حالا در یک صحنه‌ای مثلاً در سال ۶۱ هجری در مقابل دشمن قرار گرفته و تسلیم نشده است. بسیار درکمان از مقام امام، درک اجمالی است. امیر المومنین به جناب کمیل که از شیعیان ایشان بودند می‌فرمود: «يَا كَمِيلُ لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا تَكُنْ مِنَّا»؛ (وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۰۳) در مسائل علمی فقط از ما اخذ کن. اگر یک وقتی خواستید آسیب‌شناسی کنید که چرا برای جامعه ما در بخش‌های مختلف مشکل ایجاد می‌شود به این احتمالی که برادر کوچکتان بحث می‌کند فکر کنید. اشکال به اینجا برمی‌گردد که ما از علم معیوب و ناکارآمد استفاده می‌کنیم. مدیریت شهری دوره صفویه را با مدیریت شهری که الان هست مقایسه کنید؛ شما در اصفهان می‌توانید این مقایسه را انجام بدهید. تازه به نظر من علمای دوره صفویه همه دیدگاه‌های اسلامی را در معماری و شهرسازی رعایت نکردند؛ ولی

**۲. تهیه شناسنامه مشاغل قابل ارائه در محلات؛ اولین گام برای حرکت به سمت ساختن محله‌های وقفی**  
 دیشب یکی از آقایان پرسید که قبول، ما باید محله درست کنیم. از من پرسید: «چگونه باید محله را درست کنیم؟» البته تفصیلاً عرض کردم که ما در جاهای دیگر توضیح دادیم؛ ولی اشاره‌ای می‌کنم. اگر می‌خواهید محله‌ای درست کنید، باید شناسنامه مشاغل قابل ارائه در محله‌ها را تهیه کنید، این اولین گام است. دستگاه‌های مسئول در کشور باید بیایند و ببینند چه نوع مشاغلی را می‌شود در محل زندگی خانواده‌ها ارائه داد؟ این اولین گام است؛ بعد شروع کنند، زیرساخت‌های کالبدی و قانونی آن را محقق کنند. اگر مثلاً شهرداری ما و وزارت مسکن ما بخواهد کار را شروع کند، شروع آن از تهیه شناسنامه مشاغل قابل ارائه در محلات است، این اولین گام است. ما باید مشاغل قابل ارائه در محلات را شناسایی و تقویت کنیم و به رسمیت بشناسیم.

متأسفانه سیستم توزیع کشور به سمت هایپرمارکت‌ها و مگامال‌ها رفته است. مگامال‌ها چه بلایی بر سر زندگی مردم می‌آورند؟ گاهی وقت‌ها در محله‌ای که یک مگامال تشکیل می‌شود، ۱۰۰ شغل محلی را از بین می‌برد؛ یعنی تا قبل از اینکه آن فروشگاه بزرگ زنجیره‌ای بیاید، آنجا ۱۰۰ نوع شغل وجود داشته است، آن‌ها با مردم تعامل داشتند و زندگی‌شان را می‌چرخاندند. به دلیل تدابیر غلط شهرداری‌ها و اینکه فقط به پول فکر می‌کنند و هویت و محله را نمی‌فهمند، گاهی اوقات با تأسیس یک مگامال ۱۰۰ نوع شغل از بین می‌رود؛ یعنی ۱۰۰ خانواده را بی‌شغل می‌کند. من در بعضی از شهرستان‌های کوچک کشور دیدم، با یک زد و بند یک مگامال درست می‌شود. بعد رفتیم بر سر صحنه بررسی کردیم و دیدیم تا قبل از آن، یک سیستم تولید و توزیع خرد در آن شهر وجود داشته است؛ یعنی مثلاً کشاورزانی بودند، خیاطانی بودند کسانی که در مشاغل مختلف فعالیت می‌کردند،

۲/۱. از بین بردن شغل‌های محله‌ای با هایپرمارکت‌ها و مگامال‌ها در عوض ایجاد شغل در درون محله؛ اشتباه خطرناک وزارت مسکن و شهرسازی

به‌رحال یک نمونه موفق را نشان دادند. اگر می‌خواهید مشکلاتمان حل شود، باید برویم به سمت اینکه امام را مرجع علمی جامعه قرار دهیم. من این‌ها را شب عاشورا عرض می‌کنم برای اینکه فکر می‌کنم این‌ها واجب‌ترین امور ما هستند. از پیامبر ﷺ نقل شده است که وقتی داشتند در عالم شهود صحنه روز عاشورا را توصیف می‌کردند فرمودند: «بَتَّي قَتْلُوكَ وَ مَا عَرَفُوكَ»؛ (بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۱۷) تو را کشتند به دلیل اینکه تو را نشناختند. نقل می‌کنند که امام حسین علیه السلام در مدینه پای منبر می‌نشست و دیگری منبر می‌رفت، دیگری لب به سخن باز می‌کرد و حرف می‌زد و تحلیل می‌کرد. وقتی فرصت تحلیل را از امام گرفتید، فرصت تبیین را از او گرفتید، عامه مردم در کوفه و سایر شهرها فقط همین‌طور فکر می‌کردند و می‌گفتند که این فرزند رسول‌الله است، همین قدر می‌شناختند و می‌گفتند: بالاخره باید احترام امام را داشته باشیم. دیگران امور جامعه را تدبیر می‌کردند. این بزرگ‌ترین ظلمی است که به امام علیه السلام در آن دوران شد. علت غیبت هم همین است؛ چند نفرمان قائلیم که ولی عصر (ارواحنا فداه) علیه السلام من فی الأرض است؟ چند نفرمان قائلیم؟ مگر روایات باب غیبت را ندیدید؟ از امام علیه السلام می‌پرسند: «چرا غیبت اتفاق افتاده است؟» می‌گویند: «به خاطر اینکه امام به قتل نرسد.» می‌گویند: «چه کسی به قتل می‌رساند؟» می‌گویند: «شیعیان!»؛ (الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳) غفلت می‌کنند، توجه نمی‌کنند. علمشان را که در جای دیگری حل می‌کنند، بازار کار و مشاغلشان که در دست سازمان بین‌المللی کار و بیانیة فیلادلفیا است، مدیریت شهری‌شان که در دست نظریة TOD است؛ هر جایی می‌رویم از امام عدول کردیم و امام را کنار گذاشتیم. یک امامی در ذهن خودمان ساختیم که مرد مقدسی است و البته مظلوم واقع شده است و البته شفاعتی در آخرت دارد. آیا امام نقشش این است یا منزلت بالاتری دارد؟ من عرض می‌کنم که سازمان برنامه‌بودجه‌ی ما کاری با منزلت علمی امام ندارد؛ اگر دنبال جایی می‌گردید که به زندگیتان ضربه می‌زند، این سازمان منحوس است. خدا می‌داند آنقدر من به آقای نوبخت پیغام دادم که آقای نوبخت! شما غرب درس خوانده‌ای، تئوری‌های غربی را بلدی، یک قدری وقت بگذار تا بنشینیم باهم مباحثه کنیم، زندگی مردم دارد از هم می‌پاشد. من شب‌ها بعضی وقت‌ها باحالت آشفته از خواب بیدار می‌شوم، وقتی فکر می‌کنم ۳۰ درصد خانواده‌ها دارند به طلاق مبتلا می‌شوند. با خودم می‌گویم که به این‌ها چه بگویم؟ به او بگویم تقوا داشته باشد؟ به او بگویم عفت به خرج بدهد؟ بگویم آخرتی هست؟ وقتی خانواده نباشد، همه این چیزها از بین می‌رود. این همه ما به این دوستان گفتیم که برنامه ششم را می‌نویسید، بخشی از برنامه ششم را برای نهاد خانواده بگذارید، برنامه‌ریزی کنید. مگر گوش می‌کنند؟ به من پیغام دادند که تو برو به کار طلبگی ات برس و این مباحث علمی را برای اهلهش بگذار. برادر عزیزم! ۷۰ سال است که به اسم علم به این مردم ضربه زدید؛ در ۲ تا ۳ ماه اخیر ارزش پول ملی یک‌چهارم شده است. بلد نیستی برادر عزیزم، بلد نیستی؛ من فکر می‌کنم اگر مدیریت امنیت کشور هم در دست دوستان توسعه‌گرا بود، الان اینجا هم مثل سوریه و افغانستان و پاکستان، فرقه‌ها آمده بودند و حتی ما نمی‌توانستیم یک مراسم عزاداری برگزار کنیم، تئوری‌های معیوب زندگی آدم‌ها را به چالش می‌کشند. من این‌ها را دارم شب عاشورا می‌گویم، قبل از این‌که شب بحث و استدلال کردم، صدها ساعت دیگر هم بدون مطالعه می‌توانم بحث کنم. بیش از دو دهه ما در قم روی این بحث‌ها کار کردیم. راه نجات مردم رجوع علمی به اهل بیت است؛ رجوع علمی؛ من که می‌دانم مردم محب اهل بیت علیهم السلام هستند، این را که می‌دانم؛ یک قدری از سطح محبت باید بالاتر بیاییم و تئوری‌هایمان را بهینه کنیم.

انتقال از متن

تولید می‌کردند و توزیع می‌کردند. حالا یک مگامال درست کردند و از تهران کالای موردنیاز آن شهرستان را می‌فرستند. البته در تبلیغات می‌گویند ما می‌خواهیم کار باکیفیت کنیم و قیمت ارزان بدهیم. گاهی وقت‌ها نان را در تهران تولید می‌کنند و به شهرستان می‌فرستند؛ یعنی گاهی می‌بینیم با یک سیستم توزیع زنجیره‌ای ۲۰۰ نوع شغل از بین می‌رود، ۲۰۰ نوع شغل نه ۲۰۰ عدد شغل! این‌ها در حال اتفاق افتادن است درحالی‌که من و شما خبر نداریم. چه کسی این‌ها را طراحی می‌کند؟ جریان فکری حاکم بر شهرداری‌ها و وزارت مسکن و شهرسازی. مردم به این‌ها فکر کنید؛ مشکل ما نگاه و نگرش‌های غلط در حوزه برنامه‌ریزی است. آموزش و پرورش آن یک طرف، وزارت مسکن و شهرسازی آن یک طرف، سازمان شهرداری آن یک طرف، سازمان برنامه‌بودجه آن یک طرف. من با صراحت خدمت شما می‌گویم، بعضی از نهادهای ما با وضعیت زمان شاه هیچ تفاوتی نکرده است. وقتی انقلاب شد بعضی چیزها تغییر کرد؛ مثلاً حوزه امنیتان تغییر کرد، حوزه فرهنگی مان تغییر کرد؛ ولی بعضی از نهادها به همان سازوکاری که در زمان شاه بودند ماندند، فقط یک «بسم الله الرحمن الرحیم» در ابتدای آن گذاشتند و بالای آن عکس امام و آقا را زدند. من مفصل سازمان برنامه‌بودجه و بانک مرکزی رفته‌ام، گاهی اوقات با کارشناسان آنجا که صحبت می‌کنیم، می‌بینیم کاتالوگ محاسبه فلان شاخص را از خارج می‌آورند و حتی به فارسی هم ترجمه نمی‌کنند. انقلاب اسلامی باید ادامه پیدا کند تا زندگی مردم درست شود. وقتی وزیر مسکن و شهرسازی این مملکت نمی‌فهمد، مشکل طبقه ضعیف ما مسأله مسکن است و هر روز با یک تهدیدی و بحثی به طرحی مثل مسکن مهر لگد می‌زند،<sup>۷</sup> خب معلوم است که مشکلات مملکت حل نمی‌شود.<sup>۸</sup> بنده پرونده مسأله مسکن را به صورت اجمالی جمع می‌کنم. دیشب عرض کردم، مجموعه ما دو جلد کتاب منتشر کرده است و مسأله محله را به صورت تفصیلی بحث کرده است؛ یعنی مسکن در قالب محله چه مزیت‌هایی دارد؟ و مسکن در قالب آپارتمان چه مضراتی برای روابط انسانی دارد؟

### ۳. اشتراک‌گذاری نظریه آموزش و پرورش آینده در افقار مختلف جامعه؛ اولین برنامه کوتاه‌مدت برای حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده

فردا - که شب آخر است - می‌خواهم راجع به سند ۲۰۳۰ صحبت کنم، امشب یکی دیگر از طرح‌هایی که به بحث تربیت - به معنایی که در شب‌های گذشته عرض کردم، تقویت خانواده -

۷. وزیر مسکن و شهرسازی دکتر آخوندی در بازدید از فرودگاه مهرآباد (۱۵ بهمن ۱۳۹۷): مسکن مهر طرح مزخرفی است.

آدرس مطلب در خبرگزاری تسنیم [yon.ir/maskan29](http://yon.ir/maskan29)

۸. من نمی‌خواهم بگویم این آقای وزیر برود یک وزیر دیگر بیاید. می‌گویم فکر حاکم بر دستگاه وزارت خانه باید تغییر یابد. این معنای الگوی پیشرفت اسلامی است، این معنای انقلاب اسلامی است. نمی‌توان این‌طور زندگی را جلو برد؛ بله ما جلوی آمریکا می‌ایستیم و در این اصلاً حرفی نداریم، آمریکا اصلاً غلطی نمی‌تواند کند، مشکل اصلی نادان‌های داخلی‌اند. خدا می‌داند اگر ملاحظاتی نبود، من جدی‌تر حرف می‌زدم. من نمی‌خواهم به دولت آقای روحانی و مسئولینی که در کشور حاکم‌اند، فشار بیش‌ازحد بیاید. این‌ها همین بازار را کنترل کنند تا ما به سال ۱۴۰۰ برسیم. خدا می‌داند حرف‌هایی در سینه من است که اگر می‌زدم، آن وقت معلوم می‌شد ما چقدر با این کارشناسی مشکل داریم. بحث بنده بر سر افراد نیست، فردا فلان رسانه یا فلان مجموعه، دوباره بر عریض ما غلط تیرتیر زند، من اصلاً مشکلم با افراد نیست؛ مشکل بنده با حوزه تفکرات در جامعه است. برای این باید فکری کنیم و آن فکر، الگوی پیشرفت اسلامی است. از سال ۱۳۲۷ (قبل از انقلاب) تا الآن سازمان برنامه‌بودجه وجود داشته است. یک بار به کشاورزی مملکت ضربه زده است، یک بار به ارزش پول مملکت ضربه زده است، یک بار به حوزه مسکن مملکت ضربه زده است. دیگر بس است، از این غرب‌گرایی کورکورانه دست بردارید. بگذارید با اندیشه بومی با فکر اسلامی این مملکت جلو برود. مگر امنیت کشور را نمی‌بینید؟ این امنیت محصول نظریه مترقی بسیج است. مگر کارآمدی آن را نمی‌بینید؟ اگر بگذارند حوزه اقتصاد را بازسازی کنیم، می‌توان مسائل را حل کرد. مشکلات حوزه مدیریت شهری را هم می‌توان حل کرد. این‌ها دردها و مشکلات است.

انتقال از متن

کمک می‌کند را بحث می‌کنم. ما باید این نگاه تربیتی را که شب‌های گذشته عرض کردم به اصطلاح امروزی‌ها به اشتراک بگذاریم؛ یعنی راجع به آن گفتگوی ملی راه بیندازیم.

در شب‌های گذشته عرض کردم، تربیت و مدیریت شخصیت در ۵ مرحله است. مرحله اول: انتخاب همسر تا تولد فرزند است، مرحله دوم ۷ سال اول قمری است، مرحله سوم ۷ سال دوم قمری است، مرحله چهارم ۷ سال سوم قمری است و مرحله پنجم از ۲۱ سالگی تا ۴۰ سالگی است که در اصطلاح به آن سن استقلال انسان می‌گوییم. خب درون این‌ها را بحث کردم؛ حالا اگر قرار است این نظریه تربیتی اجرا شود، غیر از مسئله مسکن یکی از نیازهایش این است که اقشار مختلف جامعه با این نظریه آشنا شوند.

۳/۱. اولین اقدام برای اشتراک‌گذاری: گفتگو راجع آموزش و پرورش آینده - وزارت آموزش و پرورش، معلمان و خانواده‌ها

مثلاً ما نیاز داریم با مسئولین خوب وزارت آموزش و پرورش‌مان گفتگو کنیم تا درکشان از مفهوم تربیت ارتقاء پیدا کند؛ شب‌های گذشته عرض کردم با نگاه پوزیتویستی به تربیت تأثیر انعقاد نطفه در تربیت را اصلاً نمی‌شود تحلیل کرد، درحالی‌که بنا بر روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام تقریباً متغیر دوم مؤثر بر تربیت بعد از انتخاب همسر، انعقاد نطفه است. عرض کردم اگر شما ندانید انعقاد نطفه باید در چه شرایطی اتفاق بیافتد، روح، جسم و ذهن فرزندان به چالش کشیده می‌شود، این‌ها را شب‌های قبل بحث کردم. خب این نگاه تربیتی را باید چه کار کنیم؟ اول باید در خود وزارت آموزش و پرورش بحث و گفتگو شود، این یک کار لازم است که باید انجام شود.

دومین طایفه‌ای که لازم است با آن‌ها گفتگو و تضارب راجع به این نظریه اتفاق بیافتد، معلمان خوب کشور هستند؛ معلمانی که سیستم معیوب آموزش و پرورش حتی نمی‌تواند، کرامتشان را حفظ کند و زندگی خود معلم‌ها را هم به چالش کشیده است. با خود این طایفه هم باید بنشینیم و گفتگو کنیم، تربیت به معنای مدیریت پنج مرحله شخصیت را با معلم‌ها تفاهم می‌کنیم.

سومین طایفه‌ای که لازم است با آن‌ها در مورد این نظریه تربیتی صحبت شود خانواده‌ها هستند؛ در مورد این مسئله سوم مساجد و هیئات می‌توانند پیش قدم باشند. من از حضرت آیت‌الله کلباسی<sup>۹</sup> تشکر می‌کنم. دهه محرم با همه مشکلاتی که بود، مبنا را این قرار دادند که با پدر و مادرها به اندازه ده شب راجع به این نظریه تربیتی صحبت کنیم. این معنی می‌تواند تکرار شود، باید با پدر و مادرها گفتگو کرد، خصوصاً پدر و مادرهای آینده. باید راجع به این مسائل یک گفتگویی با این‌ها اتفاق بیافتد.

تولید و چاپ کتاب‌های مرتبط با این نظریه و محصولات مرتبط با این نظریه هم کار چهارمی است که باید اتفاق بیافتد. پس اگر الان می‌گویید که برنامه کوتاه‌مدت برای اینکه ما خانواده را به یک نهاد تربیتی تبدیل کنیم چیست، این راه‌حلی که امشب عرض کردم برنامه کوتاه‌مدت است. هرکس هر جا می‌تواند بانی گسترش این گفتگوها باشد، این اول راه است دیگر. به‌هرحال الان ما اصل خانواده را با همه چالش‌هایش داریم. اگر شما از دستتان برمی‌آید در محیط‌هایی که تأثیر دارید شروع کنید گفتگوهای مربوط به انعقاد نطفه را برای زوج‌های جوان و مباحثه‌های مربوط به تغذیه

۳/۲. دومین اقدام برای اشتراک‌گذاری: تولید و چاپ کتاب‌های مرتبط با نظریه آموزش و پرورش آینده



خاص دوران حمل را بحث کنید. خب این‌ها آرام‌آرام به سمت اجراشدن می‌رود، به این دقت کنید. اگر ما می‌خواهیم الآن کار کوتاه‌مدتی انجام دهیم، کار کوتاه‌مدت گسترش گفت‌وگوها راجع به این مسئله است. البته ما با خدای خودمان پیمان بسته‌ایم تا موقعی که زنده هستیم کارشناسی معیوب را تحمل نکنیم؛ و این مسیر را ادامه دهیم؛ یک کاری را ما طلبه‌ها بر عهده داریم، ما طلبه‌هایی که محاسبه‌مان در روز قیامت، خیلی محاسبه سنگینی است. خواص جامعه یک سری تکالیف بر عهده دارند که جلوی این برنامه‌ریزی غلط را بگیرند، آن‌ها را ما خودمان باید جلو ببریم و شاید مسئول آن شما مردم نباشید؛ ولی در این بخش می‌توانید ایفای نقش کنید. نگذارید علم معیوب جامعه را فتح کند، تلاش کنید علم صحیح در حوزه تربیت گسترش پیدا کند. این مسئله‌ای است که شب‌های گذشته چندین نفر داشتند در موردش صحبت می‌کردند. بله ما الآن نمی‌توانیم مسکن محله‌ای را به شکل مطلوب داشته باشیم، در نظام آموزش و پرورشمان در کنار کتاب‌های ریاضی ۱ ریاضی ۲ ریاضی ۳، کتاب خانواده ۱، خانواده ۲ و خانواده ۳ ندارد و اصلاً در مورد خانواده صحبت نمی‌کند. خب این‌ها هست اما حالا تا آن موارد اساسی اصلاح شود، حلقه‌های گفت‌وگو راه بیاندازید. روایات امام صادق علیه السلام راجع به جلسات روضه را دیده‌اید؟ اولش نمی‌فرماید بنشینید روضه بخوانید؛ در ابتدا به صحابی محترم مخاطب خودش می‌فرماید: «اتَّجَلِّسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ»<sup>۱۰</sup> می‌فرماید می‌نشینید و حدیث‌های ما را می‌خوانید؟ علم ما اهل بیت علیهم السلام را مباحثه می‌کنید؟ بعد وارد روضه اهل بیت شوید. بعضی از این سرهیأت‌های محترم مقصرند؛ این همه جوان به هیأت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می‌آید؛ خب نصف آن مراسم روضه و سینه‌زنی و عزاداری است، نصف دیگرش این است که یک آدم ملایی را صدا کنید برای این‌ها راجع به مسائل زندگی‌شان بحث و گفت‌وگو کند؛ زیرساخت روضه تبیین و درایه در حدیث اهل بیت است، این‌ها را باید گفت‌وگو کنیم، این کار کوتاه‌مدت است.

حالا شب آخر یعنی فردا شب یک جلسه می‌خواهم راجع به سند ۲۰۳۰ صحبت کنم. این نظام آموزش و پرورش ما که پوسیده است، فرسوده است و خودش اصلاً یک معضلی است. غربی‌ها و سازمان ملل این را دیده‌اند و یک سندی برای تحول در نظام آموزش و پرورش ما توصیه کرده‌اند به اسم «سند ۲۰۳۰»، سازمان یونسکو این را توصیه کرده است. اجازه بدهید فردا شب راجع به این سند هم بحث کنم و نشان دهم که این سند چاه است؛ اگر ما الآن در چاله‌ایم اگر بر مبنای سند ۲۰۳۰ و مدارس تعریف‌شده آن آینده خودمان را تعریف کنیم، وضعیت ما مثل وضعیت کشورهای توسعه‌یافته می‌شود؛ از حیث روابط انسانی بدترین وضعیت را پیدا می‌کنیم. منتها اجازه بدهید

۱۰. مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي كِتَابِ الْإِخْوَانِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَجَلِّسُونَ وَ تُحَدِّثُونَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ تِلْكَ الْمَجَالِسُ أَحِبُّهَا فَأَحِبُّوا أَمْرَنَا رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْبَبْنَا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ عَنْ عَيْنَيْهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ.

امام صادق علیه السلام به فضیل فرمود: آیا با هم می‌نشینید و گفتگو می‌کنید؟ عرض کرد: آری، فدایت شوم. فرمود: من این مجالس را دوست دارم. ای فضیل! امر ما را زنده نگه دارید. رحمت خدا بر آن که امر ما را زنده بخشد. ای فضیل! هرکس ذکر ما بگوید یا در حضور او ذکر ما شود و از چشمش به اندازه پر مگسی اشک درآید خداوند گناهان او را می‌بخشد اگر چه فروتر از کف دریا باشد.

این را مستدل بحث کنم؛ فردا شب برای شما از روی سند ۲۰۳۰ بعضی بحث‌ها را بخوانم که بعد جناب آقای روحانی نگویند بحث سیاسی بوده است. ما بحث سیاسی‌ای نداشتیم، یک طلبه بی‌سوادی مثل من حداقل از سال ۲۰۰۳ گرفتار این اسناد ضاله‌ی بین‌المللی بوده است؛ متأسفانه سال‌هاست من برای این اسناد وقت می‌گذارم. فردا می‌خواهم بعضی از این‌ها را برای شما بخوانم تا ببینید در این اسناد چه گفته‌اند و چه بحث‌هایی را مطرح کرده‌اند؛ فردا برای شما می‌خوانم خانواده را چه تعریف کرده‌اند، فردا برای شما می‌خوانم فقر را چه تعریف کرده‌اند. یک مفاهیمی هست که مطمئنم اگر شما بشنوید، بعد خودتان می‌گویید چرا مسئولین ما این سند را امضا کردند و قبول کردند؟ بله آموزش و پرورش ما، آموزش و پرورش معیوبی است ولی ما نباید از چاله به چاه بیافتیم، نباید برویم یک تئوری‌هایی را که بدتر از وضعیت فعلی را برای ما ترسیم می‌کنند ایجاد کنیم، این را هم ان شاء الله فردا شب محضرتان عرض می‌کنم.

والحمد لله رب العالمین

### نظام سؤالات

۱. سرفصل ششم آموزش و پرورش آینده: برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پیشنهادی برای تقویت نهاد خانواده و ارتقاء ظرفیت چیست؟
  - ۱/۱. مشکلات حوزه مسکن خانواده‌ها را به عنوان نهاد اصلی ارتقاء ظرفیت چطور حل کنیم؟
  - ۱/۲. مسکن‌های وقفی را در چه قالبی بسازیم تا نهاد خانواده به عنوان نهاد اصلی ارتقاء ظرفیت ضربه نخورده و تقویت شود؟
    - ۱/۲/۱. شغل‌هایی مانند اشتغال در عسلویه چه اشکالاتی دارند؟
    - ۱/۲/۲. مگامال‌ها و هایپرمارکت‌ها چه آسیبی به خانواده وارد می‌کنند؟
    - ۱/۳. اولین گام برای حرکت به سمت محله‌های وقفی چیست؟
۲. سرفصل ششم آموزش و پرورش آینده: برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پیشنهادی برای تقویت نهاد خانواده و ارتقاء ظرفیت چیست؟
  - ۲/۱. نگاه جدید نسبت به تربیت و ارتقاء ظرفیت را باید با چه گروه‌هایی گفتگو کنیم؟



## جلسه دهم

### سؤالات جلسه

سرفصل هفتم آموزش و پرورش آینده: سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش (به عنوان رقیب اصلی نظریه آموزش و پرورش آینده) چه معایب و انحرافات دارد؟

### عنوان جلسه

تغییر ذهنیت مسئولین نسبت به اسناد بین‌المللی توسط سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش

### خلاصه جلسه

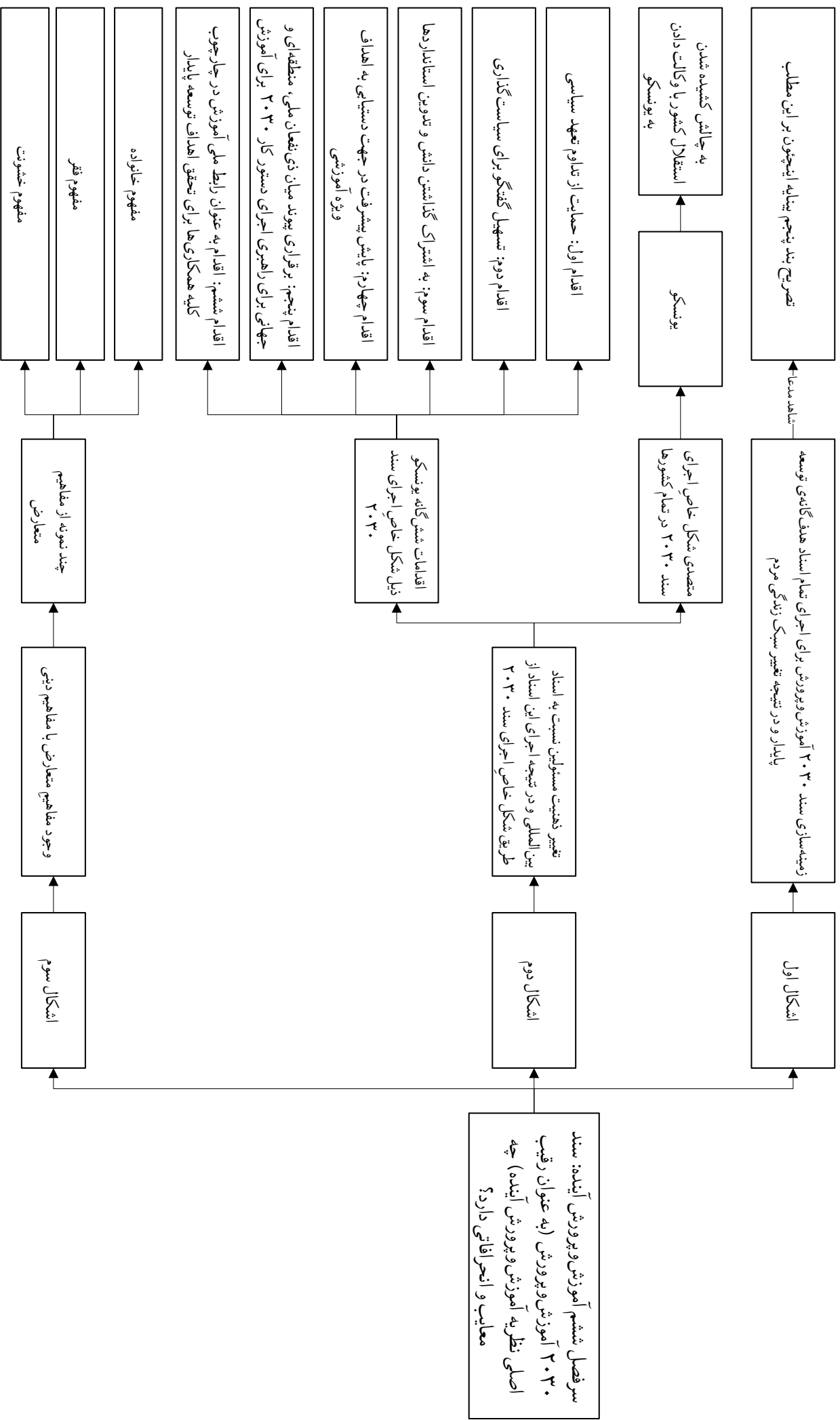
در جلسه دهم از این دوره بحثی به آخرین سرفصل آموزش و پرورش آینده یعنی اشکالات سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش (به عنوان جدی‌ترین رقیب آموزش و پرورش آینده) پرداخته می‌شود.

در این جلسه ۳ مورد از اشکالات سند آموزشی ۲۰۳۰ تبیین می‌گردد؛ اولین اشکال سند ۲۰۳۰ این است که این سند زمینه‌ساز اجرای تمام اسناد بین‌المللی دیگر است که به دنبال تغییر سبک زندگی تمام جهان در راستای نظام سرمایه‌داری هستند.

اشکال دوم سند ۲۰۳۰ این است که روند اجرای آن - که در بیانیه اینچئون بیان شده - موجب تغییر ذهنیت مسئولین نسبت به اسناد بین‌المللی و در نتیجه اجرای این اسناد در کشور می‌شود.

اشکال سوم سند ۲۰۳۰ نیز این است که حاوی تعاریفی متعارض با تعاریف دینی است؛ مانند تعریف خانواده، خشونت و فقر که به شکل غلطی در اسناد بین‌المللی تعریف شده‌اند.

# تبیین ویژگی‌های آموزش و پرورش آینده و چگونگی حرکت به سمت آن (جلسه دهم)



## بسم الله الرحمن الرحيم

سلام عليكم ورحمة الله وبركاته بسم الله الرحمن الرحيم أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا وشفيعنا في يوم الجزاء ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين المكرمين سيما بقیة الله فی الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله.

### ۱. زمینه سازی سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش برای اجرای تمام اسناد هدفده گانه‌ی توسعه پایدار و در

#### نتیجه تغییر سبک زندگی مردم؛ مشکل اول سند ۲۰۳۰

شب آخر مجموعه‌ی مباحثات موسوم به آموزش و پرورش آینده است. دیشب وعده دادم که امشب راجع به سند پر از ضلالت ۱۲۰۳۰ اندکی با شما سخن بگویم. قبل از اینکه در مورد سند ۲۰۳۰ وارد بحث بشوم، یک مقدمه‌ای را محضر شما عرض کنم و آن اینکه اکثر نخبگان جامعه ما و اغلب مردم ما می‌بندارند دعوائی که در کشور در مورد اسناد بین‌المللی هست، فقط اختصاص به این سند دارد. درحالی که تحقیقات نشان می‌دهد ما با هجوم حدود صد سند، از انواع مختلف آن -کنوانسیون، معاهده، بیانیه و انواع دیگر اسناد<sup>۲</sup>- به هویت شیعی روبرو هستیم؛ یعنی مجموعه‌ای از اسناد بین‌المللی در بخش‌های مختلف سازمان ملل، پخت و پز شدند و راجع به همه حوزه‌های حیات و

۱. سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش که در تاریخ ۲۰ آذرماه ۱۳۹۵ در ایران رونمایی شد در پی تحقق هدف چهارم توسعه پایدار یعنی آموزش با کیفیت است. این سند با وجود اینکه هدف به ظاهر خوبی را دنبال می‌کند اما در درون خود مفاهیم غلط و گمراه‌کننده‌ای را دارد که در این جلسه به تشریح برخی از ابعاد آن پرداخته می‌شود.

۲. کنوانسیون (به فرانسوی: Convention) یا مقاله‌نامه: یک نوع معاهده است که با هدف تدوین قواعد حقوقی و مهم مابین کشورهای مختلف تنظیم و منعقد می‌گردد؛ مانند کنوانسیون ژنو و مقاله‌نامه منع کار اجباری.

معاهده، کنوانسیون، عهدنامه یا پیمان یک توافقنامه بین‌المللی است که میان کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل می‌باشد. بیانیه متنی است که یک شخص یا گروه از آن برای بیان اصول، عقاید و اهداف خود به عموم استفاده می‌کند. رسمیت بیانیه‌ها، با توجه به بیان‌کننده آن‌ها و مطالب بیان‌شده، به دو دسته رسمی و غیررسمی طبقه‌بندی می‌گردد.

زندگی اظهار نظر کردند. در یک جمله، اگر داستان اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار نگیرد، معنایش این است که قرار است تمام سبک زندگی ما تغییر پیدا کند. این عبارتی که بر روی سند ۲۰۳۰ نوشته شده است - «سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار»<sup>۳</sup> - عبارت گویایی است که به دنبال دگرگون ساختن جهان هستند؛ می‌خواهند در همه حوزه‌ها تحول ایجاد کنند، می‌خواهند تحول در خانواده و سبک زندگی ایجاد کنند، می‌خواهند در برنامه‌ریزی‌های مربوط به کشاورزی و تغذیه تحول ایجاد کنند،<sup>۴</sup> می‌خواهند در برنامه‌ریزی‌های سیاسی و اقتصادی تحول ایجاد کنند،<sup>۵</sup> می‌خواهند در نظام قانون‌گذاری کشور تحول ایجاد کنند، می‌خواهند در برخورد ما با محیط‌زیست و اقلیم تحول ایجاد کنند،<sup>۶</sup> همه حوزه‌ها مورد توجه اسناد بین‌المللی هستند. همین‌طور که بنده تعبیر کردم ما با پدیده هجوم اسناد بین‌المللی به هویت شیعی روبرو هستیم، داستانی که تا قبل از این وجود نداشت؛ قبلاً ما در مورد دستگاه حق و هدایت، هجوم‌های بخشی داشتیم؛ مثلاً فرقه‌ای به وجود می‌آمد، حرف‌هایی برخلاف حق و برخلاف منافع مردم مطرح می‌کرد و علمای شیعه قیام می‌کردند و به مردم می‌گفتند: این فرقه ضالّه است و مواظب باشید در دام تعالیم غلط او گرفتار نشوید. منتها امروز که داریم با همدیگر صحبت می‌کنیم، سازمان ملل تمام‌قد به میدان آمده و می‌خواهد همه هویت ما را به چالش بکشد. البته اسناد بین‌المللی اختصاصی به ایران ندارند، در واقع برای تغییر همه فرهنگ‌های معارض نظام سرمایه‌داری به وجود آمده‌اند. بنابراین یک خطر جدید و نویی است که شاید ۲۰ سال قبل از این به این حجم وجود نداشته است، شاید این خطر در آینده هم وجود نخواهد داشت؛ ولی امروز ما به بلای مسئله اسناد بین‌المللی مبتلا هستیم.

۱/۲. محوریت سند ۲۰۳۰  
آموزش و پرورش در اجرای  
تمام اسناد بین‌المللی در  
کشورهای مختلف  
مخصوصاً ایران

خب حالا جایگاه سند ۲۰۳۰ در اینجا پیدا می‌شود؛ اگر از سازمان ملل بپرسید این همه تحول در حوزه‌های مختلف را قرار است چطور پیاده کنید، به شما می‌گوید از طریق آموزش؛<sup>۷</sup> می‌گوید که اگر ما بتوانیم در کشورها آموزش و پرورش را در اختیار بگیریم همه تحولات مدنظر خودمان را پیش خواهیم برد. پس داستان سند ۲۰۳۰ آن‌چنان‌که بعضی در ایام انتخابات جا انداختند فقط مربوط به آموزش‌های جنسی نیست، مربوط به همه آموزش‌ها در همه حوزه‌هاست، سازمان ملل یک طرح کلان [دارد]؛ که می‌داند پشت سازمان ملل یهود است، یهودی‌هایی که قرآن می‌فرماید «لَتَجِدَنَّ

۳. اهداف توسعه پایا (Sustainable Development Goals)، (با نماد اختصاری SDGs) با عنوان رسمی دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایا (Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development)؛ مجموعه‌ای از اهداف هستند که به آینده مربوط می‌شوند. رؤسای دولت‌ها، نمایندگان بلندپایه نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد و جامعه مدنی در سپتامبر ۲۰۱۵ گرد هم آمدند و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دستورکار توسعه پایا ۲۰۳۰ را تصویب کردند. این دستورکار که جایگزین اهداف توسعه هزاره شد، شامل ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه است که نقشه راه جامعه بین‌المللی را در زمینه توسعه پایا برای پانزده سال آینده ترسیم می‌کند.

برای مطالعه کامل این ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف ویژه به آدرس زیر مراجعه فرمایید: [yon.ir/tosee2030](http://yon.ir/tosee2030)

۴. این موضوع در هدف دوم توسعه پایدار دنبال می‌شود: "پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه و ترویج کشاورزی پایدار"  
۵. این موضوع در هدف هشتم توسعه پایدار دنبال می‌شود: "ترویج رشد اقتصادی پایدار، جامع و پایدار، اشتغال کامل و سازنده و کار مناسب برای همه"  
۶. این موضوع در هدف پانزدهم توسعه پایدار دنبال می‌شود: "حفاظت، بازگرداندن و ترویج استفاده پایدار از اکوسیستم‌های زمینی، مداوم مدیریت جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زایی، توقف و معکوس کردن تخریب و جلوگیری از دست رفتن تنوع زیستی"  
۷. بند پنجم بیانیه اینچئون: ما نقش مهم آموزش را به عنوان عامل اصلی ایجادکننده توسعه و دستیابی به سایر اهداف پیشنهادی در چارچوب اهداف توسعه پایدار پذیرفته‌ایم و بر اساس دیدگاه ما دگرگون ساختن زندگی افراد به وسیله آموزش خواهد بود ...

آدرس دریافت بیانیه اینچئون [yon.ir/incheon](http://yon.ir/incheon)



أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ...»<sup>۸</sup> قوم یهود به تعبیر قرآن نسبت به اهل ایمان اشدالعداوة هستند، دیگر از این‌ها دشمن‌تر نداریم. البته قرآن می‌فرماید ((... وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...))؛ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا هم در دشمنی با اهل ایمان هم‌تراز یهود هستند. خب پشت سازمان ملل یهودی‌ها هستند،<sup>۹</sup> البته من الآن نمی‌خواهم مجموعه شواهدی را که اثبات می‌کند سازمان‌های بین‌المللی به دست صهیونیست‌ها هستند را بحث کنم؛ فقط خواستم این نکته را بگویم که ابتدا دیدگاه خودتان را راجع به سند ۲۰۳۰ تصحیح کنید؛ بله، آموزش‌های جنسی پیشنهادشده توسط سند ۲۰۳۰ هم پر از ضلالت است و من به اهمیت و درجه ضلالتشان توجه دارم؛ ولی این یک بحث غیر کارشناسی بود که در ماه‌های گذشته و سال گذشته در کشور اتفاق افتاد و آن اتفاق این بود که به افکار عمومی القا کردند کأن فقط دعوا سر نوع آموزش‌های جنسی است.<sup>۱۰</sup> با اینکه سر این مسئله اختلاف داشتیم، حرفم این است که این، یکی از موارد اختلاف‌فمان بود.

۱/۲/۱. تأکید بر محوریت سند

۲۰۳۰ آموزش و پرورش در پیشبرد

تمام اسناد بین‌المللی در بیانیه

اینچئون

من از روی بند پنج بیانیه اینچئون<sup>۱۱</sup> برای شما قرائت می‌کنم و می‌خوانم تا ببینید چه نقشه‌ای ذیل سند ۲۰۳۰ طراحی شده است، من از روی متن بیانیه اینچئون می‌خوانم. بیانیه اینچئون در اینچئون

۸. سوره مبارکه مانده، آیه ۸۲: لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَسَّيْسِينَ وَ زُهَبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَشْتَكِرُونَ

یقیناً سرسخت‌ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت. و البته نزدیک‌ترینشان را در دوستی با مؤمنان، کسانی می‌یابی که گفتند: ما نصرانی هستیم. این واقعیت برای آن است که گروهی از آنان کشیشان دانشمند و عابدان خدا ترس‌اند، و آنان [در پیروی از حق] تکبر نمی‌کنند.

۹. این سازمان مهم‌ترین سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۳۲۴ ش. / ۱۹۴۵ م. به عنوان جانشین جامعه ملل ایجاد شد. در دایره‌المعارف یهود، چاپ اسرائیل، زیر عنوان سازمان ملل و یهود آمده است: «فکر یک تشکیلات بین‌المللی برای تأمین صلح و همکاری بین‌المللی ریشه در اعتقادات یهودی دارد.» [۱] این جملات هنگامی که در کنار پروتکل شماره ۱۰ حکمای صهیون قرار گیرد به خوبی می‌توان دریافت که سازمان ملل متحد ابزاری است سیاسی تحت نفوذ صهیونیست‌ها برای تحمیق و استحمار ملت‌های جهان و باوراندن لزوم یک حکومت جهانی به آنها که به وسیله آن سلطه مرئی و نامرئی صهیونیسم بین‌الملل بر سراسر جهان تحکیم شود.

اولین نشست این سازمان در ژانویه ۱۹۴۶ در لندن تشکیل شد و در آن جلسه، مقرر گردید که مقر این سازمان در شهر نیویورک باشد. از همان ابتدای تشکیل این سازمان، صهیونیست‌ها به اشغال پست‌های حساس و کلیدی آن پرداختند. بهترین گواه برای تبیین نفوذ صهیونیست‌ها در سازمان ملل متحد، سخنان کوفی عنان دبیرکل این سازمان در اولین سمینار مقابله با «یهودی ستیزی» است. وی در شرایطی که جنایت‌ها و اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه مردم مسلمان سرزمین‌های اشغالی فلسطین، عراق و افغانستان بیداد می‌کرد اظهار نمود: «یهودیان باید احساس کنند که سازمان ملل خانه آنهاست.» وی هم‌چنین بیان کرد که سازمان ملل باید در جنگ علیه یهودی‌ستیزی شرکت کند و از کشورهای عضو خواست قطع‌نامه‌ای را علیه یهودی‌ستیزی در نشست ماه سپتامبر مجمع تصویب کنند. عنان هم‌چنین گفت: «جنگ علیه یهودی‌ستیزی باید جنگ ما باشد.» [۲]. هم‌اکنون بیش از ۴۰٪ از کارگزاران سازمان ملل متحد یهودی می‌باشند. این سازمان بین‌المللی از روزهای نخست کار خود تاکنون، بارها ابزار دست صهیونیسم قرار گرفته است. بیشتر تصمیماتی که در آن تعارضی با خواسته صهیونیسم وجود داشته باشد، در نطفه خفه می‌شود و کمتر کسی است که از آن حمایت نکند. [۳]

[۱]. جهان زیر سلطه صهیونیسم، ص ۸۹

[۲]. صهیونیسم چه می‌خواهد؟ پروتکل‌های جلسات زعمای صهیونیسم، ص ۵۳

[۳]. سلطه پنهانی، ۱۹۹

۱۰. البته می‌دانید اسلام معتقد به تربیت جنسی است؛ و تربیت جنسی عمدتاً غیربیانی است. مثلاً در روایت دارد فرزندانان وقتی به سن ۱۰ سالگی رسیدند، جای خوابشان را از همدیگر جدا کنید، بدون اینکه لازم باشد توضیحات بیشتری بدهید. (الکافی، ج ۶، ص ۴۷، ح ۶) وقتی جای خواب فرزندان را از حدود ۱۰ سالگی جدا می‌کنید، این یک نوع تربیت جنسی است و جلوی کنجکاوی‌های ناپجا و زود هنگام را در مورد غریزه جنسی می‌گیرد بدون اینکه پدر و مادر بخواهند با فرزندان‌شان راجع به این مسئله گفتگو کنند. درحالی‌که سند ۲۰۳۰ می‌گوید این‌ها را در سنین پایین گفتگو کنید؛ یعنی معتقد به آموزش جنسی است. فقه اسلامی معتقد به تربیت جنسی است که یک مورد از آن را مثال زدیم. حالا خودش احتیاج به یک وقت مستقل دارد. من بعضی وقت‌ها افسوس می‌خورم که وقت گفتگو نداریم تا این‌ها را تفصیلی بحث کنیم.

انتقال از متن

۱۱. بیانیه اینچئون در مجمع جهانی آموزش (۲۲-۱۹ می ۲۰۱۵ / ۲۹ اردیبهشت تا ۱ خرداد ۹۴) به تصویب رسید. این بیانیه در تاریخ ۲۱ می ۲۰۱۵ (۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴) در کره جنوبی و با توافق جامعه جهانی ذی‌ربط در بحث آموزش، شامل وزرای بیش از ۱۰۰ کشور عضو یونسکو، سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مرتبط با جوانان و نهادهای تخصصی ملل متحد تصویب شد. این بیانیه، چشم‌انداز آموزش در پانزده سال آینده را به تصویر می‌کشد و کشورها را تشویق می‌کند تا فرصت‌های آموزشی فراگیر و برابر، و آموزش باکیفیت و یادگیری مادام‌العمر را برای همه فراهم کنند. این بیانیه، اهداف آموزشی مرتبط با هدف‌های کلی توسعه پایدار را که در سپتامبر امسال در سازمان ملل متحد به امضا می‌رسد، مشخص خواهد کرد.»

جمهوری کره در می ۲۰۱۵ به تصویب رسیده است و نماینده جمهوری اسلامی هم آنجا بوده و خیلی تلاش نکرده با این حرف‌های غلط مخالفت کند. این بیانیه بعداً به تصویب رسیده است. بند پنجم بیانیه اینچئون این‌طور می‌گوید: ما نقش مهم آموزش را به عنوان عامل اصلی ایجادکننده توسعه و دستیابی به سایر اهداف پیشنهادی در چهارچوب اهداف توسعه پایدار پذیرفته‌ایم و بر این اساس، دیدگاه ما دگرگون ساختن زندگی افراد به‌وسیله آموزش است.<sup>۱۲</sup> به این صراحت گفتند دیگر؛ می‌گویند می‌خواهیم سبک زندگی شما را عوض کنیم. ما این‌همه تلاش کردیم، از دوره صفویه به این طرف علمای شیعه، فقهای شیعه - کثر الله امثالهم و غفر الله لهم - و مؤمنین همه تلاش کردند که سبک زندگی را به سبک زندگی پیامبران علیهم‌السلام برگردانند و شبیه آنها کنند. سند ۲۰۳۰ از راه رسیده و می‌گوید من می‌خواهم از طریق تحول در آموزش سبک زندگی افراد را تغییر بدهم.

ببینید دعوا سر چیست؛ دعوا سر یک مسئله اساسی است. مگر می‌شود سبک زندگی مردم را تحویل سازمان ملل داد؟! آیا ما مسئله‌ای مهم‌تر از این هم داریم؟ انسان نوع زندگی کردنش را تحویل اجنبی‌ها بدهد. ذائقه من از سخنان آقای روحانی رئیس‌جمهور محترم مان تلخ است، می‌گفت من تا آخر پای سند ۲۰۳۰ می‌ایستم.<sup>۱۳</sup> جناب آقا روحانی! سند ۲۰۳۰ را خواندی؟ می‌خواهی پای این بایستی؟! پای تغییر سبک زندگی مردم بایستی؟! این حرف‌های بدون استدلال چه بود شما زدید؟! این دعوی جدی است! نگوئید دعوی استقلال و پیروزی است، نگوئید دعوی علیا و سفلا و دعوی جناحی است. این دعوا جناحی نیست، من نه با این حزب کاردارم و نه با آن حزب؛ ولی این را می‌فهمم که پیامبر ما برای سبک زندگی جنگید. روز عاشورا روزی است که طرفداران دو نوع سبک زندگی باهم درگیر شدند؛ سبک زندگی که ایثار و انصاف و گذشت و مردانگی مبنایش است و سبک زندگی که حاضر نیست به یک بچه شیرخواره چندماهه چند قطره آب برساند. دعوی بر سر سبک زندگی، دعوی از اول تاریخ است؛ پیامبران این دعوا را داشتند، مگر می‌شود از این دعوا کوتاه آمد. این سطح سواد برخی از دولت‌مردان ماست. حالا من توضیحات بیشتری می‌دهم تا بحث واضح‌تر شود. بنابراین داستان سند ۲۰۳۰ را بدانید چه داستانی است؛ به نص بیانیه اینچئون دعوا بر سر سبک زندگی است. اگر آن مرد شجاع - که قدرش را آیندگان می‌دانند - آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) به میدان نیامده بود،<sup>۱۴</sup> آموزش و پرورش ما را بر اساس این سند پر از ضلالت تغییر می‌دادند؛ آن‌وقت دیگر در آموزش و پرورش که در جمهوری اسلامی بود این مفاهیم غلطی را که بعضی از آنها را خدمتتان می‌خوانم آموزش داده می‌شد، این همان چیزی بود که من دیشب عرض کردم از چاله به چاه رفتن است. نظام آموزش و پرورش ما مشکل دارد ولی اگر بر اساس سند ۲۰۳۰ عمل می‌کردیم،

۱/۳. تغییر سبک زندگی مردم؛ نتیجه اجرای اسناد بین‌المللی و سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش

۱۲. به پاورقی شماره ۷ مراجعه کنید.

۱۳. دکتر حسن روحانی در همایش تجلیل از فعالان ستادهای روحانی در سراسر کشور (۹۶/۳/۳): چقدر رفتند سم پاشی کردند گفتند اسلام از دست رفت و در تمام مدارس ما اخلاق زیر پا گذاشته می‌شود هر کسی تهمت زد توهین کرد و غیبت کرد از همه گذشتم ولی از این توطئه ۲۰۳۰ نمی‌گذرم یک وقتی شما امام زمان را ابزار سیاست قرار می‌دهید که مردم جواب دادند یک وقت امام رضا را ابزار قرار می‌دهید و مردم جواب می‌دهند تو را به خدا دین را ابزار سیاست نکنید چرا به معلمان و دانش‌آموزان ما توهین کردید؟ من از ۲۰۳۰ نمی‌گذرم و تا آخر دولت دوازدهم آن را دنبال می‌کنم.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایلنا 2030/rohani.yon.ir

۱۴. رهبر معظم انقلاب ۴ موضع‌گیری علنی در مقابل سند ۲۰۳۰ داشتند که عبارتند از: ۱. دیدار با معلمان و فرهنگیان (۱۳۹۶/۰۲/۱۷) ۲. دیدار با جمعی از دانشجویان (۱۳۹۶/۰۳/۱۷) ۳. دیدار با جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها (۱۳۹۶/۰۳/۳۱) ۴. سخنرانی در دانشگاه فرهنگیان (۱۳۹۷/۰۲/۱۹)

به چاه می‌افتادیم و مشکلات ما فراوان می‌شد. بسیار خب من این قسمت از عرایضم را تمام کنم و یک بحث دیگری را ارائه بدهم.

## ۲. تغییر ذهنیت مسئولین نسبت به اسناد بین‌المللی و در نتیجه اجرای این اسناد از طریق شکل خاص

### اجرای سند ۲۰۳۰؛ مشکل دوم سند ۲۰۳۰

یک دعوایی در کشور هست؛ همیشه وقتی بحث اسناد بین‌المللی مطرح می‌شود عده‌ای می‌گویند این اسناد بین‌المللی الزام‌آور نیستند. یعنی چه؟ یعنی لازم نیست ما این‌ها را اجرا کنیم. یاد می‌آید دفتر حقوقی ریاست جمهوری در همین دعوای یک بیانیه‌ای داد و گفت اصلاً سند ۲۰۳۰ الزام‌آور نیست؛<sup>۱۵</sup> یعنی لازم نیست ما این را اجرا کنیم. خب این حرف درست است یا درست نیست؟ آیا این حرف که زده می‌شود یک پشت پرده‌ای هم دارد یا ندارد؟

اولاً بله، به لحاظ حقوق بین‌الملل شما می‌دانید، بعضی از اسناد بین‌المللی الزام‌آورند و بعضی الزام‌آور نیستند. مثلاً لازم نیست شما به برخی از کنوانسیون‌ها بپیوندید، بیانیه‌هایی هستند که الزام‌آور نیستند. مثلاً همین شورای منحن امنیت سازمان ملل<sup>۱۶</sup> بعضی وقت‌ها قطع‌نامه صادر می‌کند، قطع‌نامه الزام‌آور است؛ یعنی اگر کسی به قطع‌نامه عمل نکند مثلاً ذیل فصل هفت منشور ملل متحد<sup>۱۷</sup> با او برخورد می‌کنند. فصل هفتم منشور ملل متحد هم به زبان ساده یعنی با او برخورد نظامی می‌کنند، برخی از این اسناد این گونه‌اند؛ ولی خود همین شورای امنیت بعضی وقت‌ها بیانیه غیر الزام‌آور می‌دهد و تقاضا می‌کند فلان کار نشود. حالا در نهادهای دیگر سازمان ملل مثل یونسکو<sup>۱۸</sup> موارد غیر الزام‌آور بیشترند؛ یعنی ظاهر سند به گونه‌ای است که سند از لحاظ حقوقی غیر الزام‌آور است. منتها ذیل این ظاهر فریبنده غیر الزام‌آور - که مسئولین ما گاهی در کشور راجع به آن صحبت می‌کنند و می‌گویند شما نگران نباشید، این غیر الزام‌آور است - یک فرایند دیگری تعریف شده که خطرش از الزام‌آور بودن خیلی بیشتر است و ضربه‌ای که به ما می‌زند خیلی بیشتر است.

خب آن فرایند چیست که در مورد همه اسناد بین‌المللی اجرا می‌شود؟! باز من برای اینکه در این مباحثه ارتقاء استناد اتفاق بیافتد، از روی ماده ۱۷ بیانیه اینچئون مواردی را می‌خوانم که این موارد آن خطراتی را که من عرض می‌کنم نشان می‌دهد. ببینید بیانیه اینچئون همان‌طور که گفتم در ۲۱ می ۲۰۱۵ تصویب شده و کلاً ۲۰ بند است و ۲۰ نکته را راجع به سند ۲۰۳۰ گفته است؛ سند ۲۰۳۰ در جولای ۲۰۱۵ تصویب شده است، یعنی دو ماه بعدش؛ یعنی جزء اسناد زیر ساختی سند ۲۰۳۰

۱۵. بند اول اطلاعیه معاونت حقوقی ریاست جمهوری درباره سند ۲۰۳۰: سند ۲۰۳۰، یک برنامه کاری است، طبق قواعد حقوق بین‌الملل، برنامه کاری سندی است که حاوی هیچ تعهد حقوقی برای دولت‌ها نیست. این سند و مانند آن در حقیقت یک توصیه نامه است.

برای مطالعه متن کامل اطلاعیه معاونت حقوقی رئیس‌جمهور دولت یازدهم به آدرس زیر مراجعه فرمایید: [yon.ir/elzam203](http://yon.ir/elzam203)

۱۶. شورای امنیت ملل متحد (United Nations Security Council) یکی از ارکان سازمان ملل متحد است که وظیفه پاسداری از امنیت و صلح بین‌المللی را به عهده دارد.

۱۷. عنوان فصل هفت منشور ملل متحد، «اقدام در موارد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز» است و به این ترتیب زمانی که شورای امنیت بخواهد تهدیدی جدی علیه کشوری را مطرح کند، آن کشور را ذیل فصل هفتم قرار می‌دهد. اگر در قطع‌نامه صادر شده از سوی شورای امنیت، کشور مورد نظر ذیل فصل هفت قرار بگیرد (عبارت فصل هفت به تهنائی ذکر شود)، هم امکان استفاده از «گزینه تحریم» علیه آن وجود دارد و هم امکان استفاده از گزینه نظامی.

۱۸. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد که به‌طور خلاصه یونسکو (UNESCO) نامیده می‌شود، یکی از سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد است که در سال ۱۹۴۵ تشکیل شد.

است. ببینید داخلش چه نوشته است؛ مسئولین ما به این‌ها اعتراض نکردند و من تعجب می‌کنم. این متن‌ها را هم ما ترجمه نکرده‌ایم که بگوید غلط ترجمه کرده‌اید! این را خود دفتر یونسکو داخل ایران ترجمه کرده است.<sup>۱۹</sup> ببینید داخلش چه چیزهای خطرناکی نوشته شده است.

می‌گوید: اولاً ما؛ ما یعنی چه افرادی؟ مسئولین کشورهای مختلف که در اینچئون جمهوری کره جمع شده‌ایم. «ما همچنین یونسکو را به‌عنوان آژانس تخصصی سازمان ملل متحد در حوزه آموزش به ادامه مسئولیتی که به موجب رسالت خود بر عهده دارد به راهبری و انجام هماهنگی‌های لازم برای اجرای دستور کار آموزش ۲۰۳۰ موظف می‌کنیم.» مسئولی از جمهوری اسلامی رفته و می‌گوید من به یونسکو وکالت می‌دهم که بیاید اهداف آموزشی خود را در کشور ما پیاده کند؛ این همه ما شهید داده‌ایم استقلال کشور حفظ شود، حالا نماینده جمهوری اسلامی می‌رود آنجا و می‌گوید من به یونسکو وکالت می‌دهم راهبری اهداف آموزشی را بر عهده بگیرد؛ یعنی یونسکو رسماً در ایران حکومت کند دیگر، این اتفاق می‌افتد. دوباره می‌خوانم و دقت کنید. می‌گوید: «به راهبری و انجام هماهنگی‌های لازم برای اجرای دستور کار آموزش ۲۰۳۰ موظف می‌کنیم.» می‌گوید اصلاً مدیریت اجرایی سند ۲۰۳۰ را به یونسکو داده‌ایم که انجام بدهد. این خلاف قانون اساسی است که بر استقلال کشور تأکید کرده است؛ یکی از استدلال‌های آقا این بود که می‌فرمودند: برای چه یونسکو باید بیاید برای آموزش ما حرف بزند؟! مگر ما کم متفکر در این کشور داریم؟ مگر ما کم نخبه داریم؟ مگر ما کم آدم دانشمند در این کشور داریم که حوزه آموزش کشور را به یونسکو بسپاریم.<sup>۲۰</sup>

۲/۲/۱. وکیل قرار دادن یونسکو نسبت به اجرای اسناد بین‌المللی در کشور و از بین بردن استقلال کشور؛ نکته اول در مورد شکل اجرای سند ۲۰۳۰

بگذارید ادامه‌اش را بخوانم: در این راستا باید اقدامات مشروحه زیر توسط یونسکو انجام شود. مسئول ما در جمهوری اسلامی به آنجا رفته و گفته یونسکو می‌تواند این اقدامات را در کشور ما انجام دهد. اول؛ حمایت از کشورها برای تداوم تعهد سیاسی. این عبارت بسیار فنی است، خواهش می‌کنم دقت کنید عبارات حقوقی عبارات دقیقی هستند. می‌گوید یونسکو وظیفه دارد از تداوم تعهد سیاسی حمایت کند؛ تعهد سیاسی که دادیم، در اینچئون و در حاشیه نشست سازمان ملل برای سند ۲۰۳۰ تعهد سیاسی دادیم. کسانی که این سند را نوشته‌اند می‌فهمند محتوای این اسناد وقتی به کشورها دیگر می‌آید از ناحیه فرهنگ‌های مختلف با مخالفت روبرو می‌شود، فقط اختصاصی هم به ایران ندارد؛ شما نخبگان محترم حتماً متن اعتراض واتیکان به سند ۲۰۳۰ را مطالعه کرده‌اید،<sup>۲۱</sup> واتیکان که مرکز بخشی از مسیحیان دنیاست یک متن بلندبالا در نقد سند ۲۰۳۰ نوشتند و گفتند ما

۲/۲/۲. اقدام اول یونسکو: حمایت از کشورها برای تداوم تعهد سیاسی

۱۹. به پاورقی شماره ۷ مراجعه فرمایید.

۲۰. حالا همین مسئله‌ی ۲۰۳۰ - این قضیه‌ی سند ۲۰۳۰ - از همین قبیل است؛ این مسئله‌ی استقلال است. حالا بعضی‌ها می‌آیند می‌گویند آقا، مثلاً فرض کنیم ما تحفظ داده‌ایم یا گفته‌ایم فلان چیزش را قبول نداریم؛ نه، بحث سر اینها نیست. فرض کنیم در این سند، هیچ چیز واضح بی‌نی هم که مخالف با اسلام باشد وجود نداشته باشد - که البته وجود دارد؛ آنهایی که خیال می‌کنند ما گزارش درست نگرفته‌ایم؛ نه، گزارش‌های ما گزارش‌های درستی است - حرف من این است که نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته بشود؛ حرف من این است. شما می‌گویید این مثلاً فرض کنید خلاف اسلام ندارد؛ داشته باشد یا نداشته باشد، اینجا ایران است، اینجا جمهوری اسلامی است، اینجا یک ملت بزرگند. نظام آموزشی ما را چهار نفر در یونسکو یا سازمان ملل یا فلان‌جا بنشینند بنویسند؟ چرا؟ این همان مسئله‌ی استقلال است. استقلال ابعادش تا اینجاها است.

بیانات رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۶/۰۳/۱۷

۲۱. حق تحفظ واتیکان بر «Development Transforming our World: the 2030 Agenda for Sustainable» یا همان دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار. آدرس مطلب در سایت رسمی ناظر واتیکان در سازمان ملل متحد [yon.vatican2.org](http://www.vatican2.org/yon)

این موارد تفصیلی سند ۲۰۳۰ را قبول نداریم؛ چون نگاه یونسکو یک نگاه خاص است. خوب در ایران هم که آمد حوزه علمیه قم به پا خواست، آیت‌الله امام خامنه‌ای به میدان آمد و گفت این به مصلحت مردم ما نیست، به تعبیر بنده آموزش‌های آن روابط انسانی ما را به چالش می‌کشد. یونسکو می‌گوید حتماً شما باید یک فکری برای تداوم تعهد سیاسی بکنید، چون ممکن است تعهد سیاسی با مخالفت روبرو بشود.

در ایران همین اتفاق افتاد؛ خوب مردم خوب! شما فکر می‌کنید اجرای سند ۲۰۳۰ در کشور ما متوقف شده است؟! طرح دوم یونسکو دارد در ایران اجرا می‌شود؛ طرح یک این بود که در آموزش و پرورش برای اجرای سند ۲۰۳۰ ستاد ملی تشکیل شد و برای اجرای سند ۲۰۳۰ برنامه ملی نوشته‌اند. وقتی این طرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی لغو شد،<sup>۲۲</sup> اجرای سند ۲۰۳۰ در ایران تعطیل نشد، بلکه طرح دو اجرای سند ۲۰۳۰ در ایران اجرا شد. می‌گویید در کجا؟ می‌گویم از طریق NGOها<sup>۲۳</sup> و به صورت غیررسمی؛ وقتی NGOها بچه‌ها و خانواده‌های شما را به آموزش دعوت می‌کنند، مواظب باشید بخشی از آنها دارند سند ۲۰۳۰ را آموزش می‌دهند، خصوصاً NGOهای بخش پزشکی؛ به بهانه جلوگیری از بیماری ایدز می‌گویند بیابید بچه‌هایتان را آموزش بدهید، پس همین الان سند ۲۰۳۰ دارد اجرا می‌شود. معنای تداوم تعهد سیاسی این است که شما باید برنامه داشته باشید که اگر تعهد اولیه شکست خورد تعهد دوم را جایگزین کنید.

دوم؛ تسهیل گفت‌وگو برای سیاست‌گذاری؛ کل سند ۲۰۳۰ همین است که ارائه شده است، البته ضمائم هم دارد. این سند می‌خواهد اجرا شود، خوب باید کارشناس‌های داخل کشور بفهمند که چیست. یکی از کارهای دیگری که یونسکو و بخش‌های دیگر سازمان ملل می‌کنند این است که در کشور، داخل وزارتخانه‌های ما جلسه می‌گذارند و گفت‌وگو می‌کنند که چگونه این سند را اجرا کنیم. آن حرف اولی را که من گفتم یادتان بیاید؛ بیانیه داده بودند که الزام‌آور نیست، ولی خوب برای اجرای آن گفت‌وگو می‌کنند.

می‌گویید در گفت‌وگو چه اتفاقی می‌افتد؟ می‌گویم مفاهیم مورد نظر سازمان ملل به تدریج در قالب این گفت‌وگوها به ذهن مسئولان ما منتقل می‌شود. حالا بعضی از این مفاهیم را در آخر عرض می‌کنم که شما بدانید چه مفاهیمی منتقل می‌شود. خوب می‌گویید اگر مفاهیم در قالب گفت‌وگو منتقل شد، چه اتفاقی می‌افتد؟ می‌گوییم دیگر لازم نیست الزام حقوقی باشد؛ ذهن مسئول ما آن مفهوم را پذیرفته است، پس اجرایی خواهد شد. تردستی و طراحی‌شان را دیدید؟ از یک طرف می‌گویند الزام‌آور نیست؛ ولی از یک طرف بر اساس اسناد بین‌المللی در کشورها گفت‌وگو راه

۲۲. جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی برای بررسی سند ۲۰۳۰ عصر امروز (۲۳ خرداد ۱۳۹۶) با حضور حسن روحانی رئیس‌جمهور برگزار شد. در این جلسه اکثریت اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کردند که سند تحول آموزش و پرورش در تمام مسائل آموزشی مورد توجه باشد و به طور کلی مسائل آموزشی کشور براساس اسناد بالادستی ایران انجام شود. بر این اساس سند ۲۰۳۰ محلی از اعتنا ندارد.

آدرس مطلب در خبرگزاری فارس [yon.ir/2030laghv](http://yon.ir/2030laghv)

برای مشاهده تصویر مصوبه‌نامه هیئت دولت مبنی بر لغو اجرای سند ۲۰۳۰ به پیوست شماره ۱ مراجعه فرمایید.  
۲۳. سازمان‌های مردم‌نهاد یا سازمان عمومی غیردولتی یا سَمَن یا ان جی آ (Non governmental Organization) و به اختصار: NGO) در کلی‌ترین معنای خود، به سازمانی اشاره می‌کند که مستقیماً بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌شود اما نقش بسیار مهمی به‌عنوان واسطه بین فرد فرد مردم و قوای حاکم و حتی خود جامعه ایفا می‌کند.

می‌اندازند. خب شما می‌دانید که وقتی یک فکر به پذیرش یک کارشناس برسد، در گام بعد اجرایی می‌شود؛ ببینید برای اجرای آن یک روش نرم طراحی کرده‌اند.

سوم؛ به اشتراک گذاشتن دانش و تدوین استانداردها؛ در همان جلسات گفت‌وگوها وقتی بحث می‌شود، مسئولین کشور و کارشناس‌ها می‌گویند یک توضیحات بیشتری به ما بدهید که ما مسئله را خوب بفهمیم. کارشناس سازمان ملل مثلاً می‌گوید: این کتاب الف را بخوان. پس به بهانه اجرای اسناد چه می‌شود؟ کتب مرجع وارد وزارتخانه‌های ما می‌شود و در اختیار کارشناسان کشور قرار می‌گیرد. بعداً یا خود وزیر یا معاون وزیر برای آن کتاب پیشگفتار می‌زند و می‌گوید: این کتاب مرجع سازمان ملل است و کارشناس‌های ما در وزارتخانه باید این را بخوانند. یک داستان تلخ برایتان بگویم؛ وزارت کار و رفاه و تعاون، کتاب مرجع هدف اول سند توسعه پایدار را منتشر کرد و در اختیار کارشناسان قرار داد،<sup>۲۴</sup> اشتباهاً دو جلد آن را هم برای کارشناس‌های مجموعه ما ارسال کرد. این کتاب، کتابی بود که UNDP<sup>۲۵</sup> پیشنهاد داده بود و چاپ واشنگتن دی سی بود، آنجا نسخه مادرش چاپ شده بود. در ایران وقتی ترجمه شد، وزارت کار بالای آن نوشت که این کتاب در راستای اقتصاد مقاومتی است. کلمه اقتصاد مقاومتی را بالای آن گذاشتند و کتابی را که UNDP پیشنهاد داده بود در کشور نشر دادند. خب حالا کتابش در کشور مباحثه می‌شود، ممکن است یک کارشناسی هم توجه نکند و بگوید: «آقا این اتفاقاً در راستای اقتصاد مقاومتی است که رهبری انقلاب فرمودند.» این‌ها فریب‌های حوزه کارشناسی است، نخبگان و مردم باید حداقل از اجمالشان خبر داشته باشند. از آن طرف به ما می‌گویند الزام‌آور نیست و اجرا نمی‌شود؛ مرد حسابی! تو داری کتابش را می‌آوری، برای کتابش کارگاه می‌گذاری، داری همه را بر اساس این کتاب آموزش می‌دهی؛ مگر الزام‌آور بودن و اجرا معنایی غیر از این دارد؟

۲/۲/۴. سومین اقدام  
یونسکو: به اشتراک  
گذاشتن دانش و تدوین  
استانداردها

خب کار دیگری که می‌کنند چیست؟ من دارم از رو می‌خوانم، چهارم؛ پایش پیشرفت در جهت دستیابی به اهداف ویژه آموزشی: هر سال یک گزارش هم منتشر می‌کنند که مثلاً ایران در دستیابی به اهداف تعریف‌شده یونسکو چقدر پیشرفت کرده است. وقتی گزارش ارزیابی منتشر می‌کنند، شما می‌دانید که گزارش ارزیابی معنای تحقیر و تجلیل می‌دهد؛ دیدید دائماً بعضی اوقات در اخبارمان هم می‌خوانند و مثلاً می‌گویند ایران در فلان شاخص در بین ۱۸۰ کشور صدوسوم است، در فلان شاخص مثلاً در بین ۱۸۰ کشور رتبه پنجاهم را دارد. می‌دانید که این مبنای امتیازدهی به کشورهاست.<sup>۲۶</sup> خب این هم یک کاری که این‌ها انجام می‌دهند.

۲/۲/۵. چهارمین اقدام  
یونسکو: پایش پیشرفت  
در جهت دستیابی به  
اهداف ویژه آموزشی

۲۴. رک پیوست شماره ۲؛ در این پیوست تصویر پیشگفتاری که دکتر علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر کتاب مرجع بانک جهانی، توانمندسازی و رفع فقر، نوشته‌اند، آورده شده است.

۲۵. برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد یا UNDP، یا به عبارت دیگر، شبکه‌های جهانی توسعه ملل متحد، بزرگترین مرجع کمک‌کننده برای توسعه این کشورها در سطح جهان است. UNDP، هیئت اجرایی در داخل انجمن‌های اقتصادی و اجتماعی این ملل است. مدیر اجرایی برنامه این سازمان UNDP سومین عضو ارشد سازمان ملل متحد پس از معاون سازمان ملل متحد و جانشین وی است.

۲۶. آخرین گزارشی که در مورد سند ۲۰۳۰ دارم این است که می‌گویند از حیث شاخص برابری جنسیتی ایران رتبه چهارم دنیا را دارد؛ یعنی مثلاً از چیزی حدود ۱۴۰ کشور جلوتر و از ۴۰ کشور هم عقب‌تر است؛ یعنی آن را مبنای ارزیابی قرار می‌دهند و بر اساس آن شما را تحقیر می‌کنند، تجلیل می‌کنند.

کار دیگری که انجام می‌دهند چه است؟ برقراری پیوند میان ذی‌نفعان ملی، منطقه‌ای و جهانی برای راهبری اجرای دستور کار ۲۰۳۰ برای آموزش؛ خب در مورد سند ۲۰۳۰ کسانی هم در پاکستان به دنبال اجرای آن هستند، کسانی هم در افغانستان به دنبال اجرای آن هستند، کسانی هم در تاجیکستان به دنبال اجرای آن هستند، کسانی هم در ایران به دنبال اجرای آن هستند. این‌ها باهم جلسه مشترک می‌گذارند و تبادل تجربه می‌کنند، این هم یک کار است. همه این‌ها را یونسکو مدیریت می‌کند؛ لذا به اخبار با دقت توجه کنید؛ وقتی گفته می‌شود فلان وزیر به فلان کشور خارجی مسافرت کرد، بخشی از اهداف مسافرتی به خاطر همین برقراری ارتباط میان ذی‌نفعان ملی، منطقه‌ای و جهانی است. الآن سفر جناب آقای روحانی را زیر نظر بگیرید، به‌عنوان کسانی که به آقای روحانی رأی دادید. توجه کنید که ایشان کجا می‌رود، به نطق ایشان دقت و توجه کنید. حتماً ردهایی از همین بحث‌های اسناد بین‌المللی پیدا می‌کنید؛ این هم یکی از کارها.

یک کار دیگری هم انجام می‌دهند تحت عنوان بحث رابط ملی که چون شرحش طولانی است من دیگر آن را نمی‌خوانم. خب حال خودتان قضاوت کنید؛ من بند ۱۷ بیانیه اینچئون را از رو خواندم، بخشی از آن را خواندم و قسمت آخرش را نخواندم. حالا با همه این کارهایی که انجام می‌شود سند ۲۰۳۰ اجرا می‌شود یا اجرا نمی‌شود؟

ظاهراً اجرا می‌شود دیگر؛ چون بر اساس مفاهیم سند ۲۰۳۰ تصمیم‌سازی می‌شود، بر اساس آن نگرش‌سازی می‌شود. دیگر لازم نیست کار دیگری بکنید؛ همین که مفاهیمتان را به اشتراک بگذارید، آن کسی که مفاهیم شما را پذیرفته است، بر اساس مفاهیم شما عمل می‌کند. لذا در روایت دارد: «مَنْ أَصْعَىٰ إِلَىٰ نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ»؛<sup>۲۷</sup> می‌گوید: «اگر کسی گوشش را به یک نفر بدهد، دارد او را عبادت می‌کند.» در واقع روایت می‌گوید که پای حرف هرکسی ننشینید. بعد ادامه روایت می‌گوید: «اگر کسی که برای شما حرف می‌زند، از طرف خدا حرف بزند توی شنونده داری عبادت خدا را می‌کنی. اگر آن کسی که حرف می‌زند، از طرف شیطان حرف بزند توی شنونده داری عبادت شیطان را می‌کنی»؛ این روایتی هست که در منابع ما نقل شده است. خب این اتفاق دارد می‌افتد؛ آقایان مسئول ما در جمهوری اسلامی به «مَنْ أَصْعَىٰ إِلَىٰ نَاطِقٍ» توجه نمی‌کنند و گوششان را به کارشناسان سازمان ملل می‌دهند. خب پس این هم یک قسمت از عرائض بنده بود. پس این هم یک فریب است: مردم! نخبگان محترم! برادران و خواهران گرامی! توجه کنید که حتی اگر یک سند غیر الزام‌آور بود، چون این فرایند در مورد آن اجرا می‌شود، آن سند اجرایی می‌شود.

۲۷. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْرَاهِيمَ الْأَزْمِنِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَظْفَرٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ أَصْعَىٰ إِلَىٰ نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُوَدِّي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُوَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ.

امام باقر علیه السلام فرمودند: هر که به گوینده‌ای گوش سپارد، او را بندگی کرده است؛ اگر آن گوینده از خداوند عز و جل بگوید شنونده خدا را عبادت کرده و اگر از طرف شیطان بگوید شیطان را عبادت کرده باشد.

### ۳. وجود مفاهیم متعارض با مفاهیم دینی؛ مشکل سوم سند ۲۰۳۰ و دیگر اسناد بین‌المللی

خب قسمت سوم و پایانی عرائضم؛ در اسناد بین‌المللی دقیقاً چه مفاهیمی هست که ما با این مفاهیم مخالفیم؟ ببینیم دقیقاً چه مفاهیمی محل بحث هست؟ من مواردی از این‌ها را برای شما بگویم؛ یکی از مواردی که ما در اسناد بین‌المللی خیلی روی آن حساسیم، تعریف خانواده است. ما همه‌مان از خانواده یک درکی داریم، از خانواده یک تعریف داریم که همه شما و مردم ایران این درک را می‌فهمید. خب اسناد بین‌المللی راجع به خانواده حرف زده‌اند، البته این متنی که می‌گویم به‌صراحت در ۲۰۳۰ نیامده است، در بعضی اسناد دیگر آمده است. تعریف خانواده از نظر اسناد بین‌المللی این چیزی است که می‌گویم؛ مرد + مرد + فرزند؛ یعنی اگر دوتا هم‌جنس‌باز مرد یک فرزند را اختیار کنند، از نظر تعاریف بین‌المللی این یک خانواده است. یعنی زن + زن + فرزند؛ اگر دوتا هم‌جنس‌باز زن یک فرزندی اختیار کنند، این یک خانواده است. مرد + زن + فرزند، این هم خانواده است. این تعریف اسناد بین‌المللی از خانواده است. چرا بعضی با آینده‌ی ملت ایران بازی می‌کنند؟

۳/۱. تعریف خاص خانواده در سند ۲۰۳۰؛ یکی از مفاهیم متعارض با مفاهیم دینی

بگذارید موارد دیگری را بگویم. در هدف اول سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ نه سند آموزش ۲۰۳۰ یک بحثی تحت عنوان رفع فقر هست؛ آدم وقتی نگاه می‌کند می‌گوید آقا این که خیلی بحث خوبی است، سازمان ملل به دنبال رفع فقر است. آشیخ تو چه می‌گویی؟ تو که نمی‌توانی رفع فقر بکنی و سازمان ملل آمده و می‌خواهد رفع فقر کند، این ظاهر سند است. بنده از رو بخوانم تا ببینید ظاهر آن چیست؛ هدف اول: «تلاش برای رفع فقر، پایان دادن به فقر در همه اشکال آن در همه‌جا»؛ عین عبارت سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار است. خب تا اینجا که هیچ اشکالی نمی‌توان گرفت. اما وقتی به کتاب مرجعی که رفع فقر را توضیح داده مراجعه می‌کنیم، کتاب می‌گوید: «فقیر کسی است که آزادی انتخاب گسترده ندارد»؛<sup>۲۹</sup> فقیر را معنا می‌کند به کسی که آزادی انتخاب گسترده ندارد.

۳/۲. تعریف فقر به محوریت لیبرالیسم؛ یکی دیگر از تعاریف متعارض اسناد بین‌المللی با تعاریف دینی

بعد توضیح می‌دهد که اگر می‌خواهید این تعریفی که از فقر کردم به توانمندی منجر شود، باید نهاد خانواده را اصلاح کنید؛ یعنی به‌صراحت می‌گوید مسئولیت‌هایی که در نهاد خانواده هست - که انسان‌ها از روی محبت این مسئولیت‌ها را می‌پذیرند - باعث می‌شود انتخاب زن و مرد محدود شود، هم زن انتخاب‌هایش محدود می‌شود؛ مثلاً در حوزه روابط جنسی محدود می‌شود، خودش یک انتخاب برتر - که ازدواج است - را پذیرفته است. مرد هم که مسئولیت‌های خانواده را انجام می‌دهد انتخاب‌هایش محدود می‌شود، مثلاً مرد باید نفقه همسرش را بدهد؛ وقتی کسب درآمد کرد، بخش عمده‌ای از درآمدی که کسب کرده خرج نفقه همسرش می‌شود، در نتیجه انتخابش محدود می‌شود. سازمان ملل می‌گوید چنین کسی فقیر است، چون انتخاب گسترده ندارد؛ یعنی از بحث رفع فقر به

۳/۲/۱. تأکید بر اصلاح فرهنگ خانواده برای رفع فقر؛ نتیجه تعریف غلط فقر در اسناد بین‌المللی

۲۸. دوتا سند است دیگر که در افکار عمومی هر دوتا را به‌عنوان سند ۲۰۳۰ می‌شناسند؛ ولی این یکی ۱۷ هدف دارد و یکی از این ۱۷ هدف، سند آموزشی است و البته اصلی‌ترین هدف؛ چون همه این ۱۷ آرمان عمده‌تاً از طریق آموزش قرار است جلو بروند.

انتقال از متن

۲۹. مفهوم توانمندسازی: توانمندسازی به مفهوم گسترش و بسط آزادی انتخاب افراد و اقدام برای شکل دادن زندگی افراد است. این مفهوم به معنای کنترل بر منابع و تصمیمات است. آزادی فقرا، به شدت از طریق عدم امکان ابراز نظر و بی‌قدرتی، به ویژه از سوی دولت‌ها و بازارها تهدید می‌شود. در حال حاضر، نابرابری‌های جنسیتی شدیدی به ویژه در سطح خانوار وجود دارد.

کتاب توانمندسازی و کاهش فقر، ص ۲۵



تغییر فرهنگ خانواده رسید. اصلاً منظورش از فقر آن چیزی که من و شما می‌فهمیم نیست. فقر را ذیل لیبرالیسم معنا کرده است؛ در کتاب توانمندسازی و کاهش فقری که UNDP منتشر کرده به صراحت آمده که توانمندسازی فقرا وابسته به یک سری عوامل نهادی است و خانواده را به عنوان مهم‌ترین عامل نهادی معرفی کرده است؛ می‌گوید مادامی که خانواده‌ها در ایران این‌گونه هستند مردم فقیر خواهند بود. مثلاً یکی از انتخاب‌هایی که مادران ما در خانواده می‌کنند، انتخاب رونق دادن به خانواده و تربیت فرزند است، بعضی از مادران این کار را می‌کنند و می‌گویند این خانه سرپا بماند، من فرزندانم را درست تربیت کنم، نقش تمدنی و تربیتی‌ام را ایفا کردم. خوب تا مادامی که این فرهنگ است، دیگر زن نمی‌تواند نیروی کار بیرون باشد. این‌ها می‌گویند: «شما اجازه نمی‌دهید زن‌ها کار کنند و برای همین است که فقیر می‌شوید»؛ انتخابشان را با یک فرهنگ به نام فرهنگ مادری محدود کرده‌اید. جملات مرداک<sup>۳۰</sup> آن منحوس عصر ما - که هنوز زنده است و به جهنم نرفته است و صاحب یک امپراتوری رسانه‌ای است - را شنیدید؟ مصاحبه کرده و گفته «تا وقتی واژه مادر را به لجن نکشم، دست بر نمی‌دارم»؛ تا وقتی واژه مادر تقدس داشته باشد، تقریباً همه مشکلات حل می‌شود، حتی تکیه‌گاه مرد با این قدرت و عظمتش زنش است؛ وقت زن انسان فنی و حکیمانه عمل کند، مردش درست به میدان می‌آید، فرزندان که دیگر جای خود را دارند. این‌ها می‌خواهند این فرهنگ را اصلاح کنند؛ می‌گویند: «چرا زنان و مادران را مجبور می‌کنید که انتخابشان را محدود کنند؟» هرچه برایش توضیح می‌دهیم: نفهم! این انتخاب، انتخاب حکیمانه است؛ مادران ما انتخاب کردند تولید انسان کنند، تولید اخلاق کنند؛ زن ایرانی فرق میان تولید کالا با تولید اخلاق را می‌فهمد. تولید کالا هم کاری است و بنده بحثی ندارم؛ ولی تولید کالا کجا، تولید اخلاق کجا! تولید انسان کجا! مهم‌ترین تولیدی که بشر در طول زندگی‌اش ایجاد می‌کند، تولید اخلاق و پرورش نسل آینده است؛ ولی این‌ها می‌گویند: «چون زنان شما شاغل نیستند، انتخاب‌هایشان محدود است و شما فقیر هستید»؛ لذا در برنامه ششم همین مبانی پیاده شد و پیش‌بینی کردند تا پایان برنامه ششم، حدود ۴۰ درصد از زنان ایران را شاغل می‌کنند. می‌دانید معنایش یعنی چه؟ معنایش این است که اگر ۴۰ درصد زن‌ها بیرون کار کنند، ۴۰ درصد خانواده‌ها تضعیف می‌شوند. البته بعضی یک شعاری هم می‌دهند و می‌گویند: «هم به کارخانه می‌رسیم، هم به کار بیرون می‌رسیم»؛ ولی واقعیت این است که زن به لحاظ جسمی ضعیف است و دوتا کار را نمی‌تواند به صورت جدی جلو ببرد، اصلاً خود زن آسیب می‌بیند؛ به لحاظ عاطفی و جسمی آسیب می‌بیند. پیامبر ﷺ فرمود: «زنان شما ریحانه هستند، زنان شما گل هستند»؛<sup>۳۱</sup> این‌طور نیست که شما بتوانید زنان را زیر بار مسئولیت‌های سنگین ببرید، کار غلطی است. حالا این‌ها برای اینکه بازارشان نیروی کار ارزان قیمت پیدا کند،

۳۰. کیث روبرت مرداک (Keith Rupert Murdoch) (یا مرداخ یا مردوخ)، زاده ۱۱ مارس سال ۱۹۲۱، در ملبورن، سرمایه‌دار آمریکایی-استرالیایی و سهام‌دار اصلی شرکت نیوز کورپوریشن است.

۳۱. قال علی ﷺ: ... فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ  
امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: زن مانند گل ظریف است، نه پهلوان خشن.

می‌خواهند زنان را به نیروی کار ارزان قیمت تبدیل کنند.<sup>۳۲</sup> نهایت شعار برابری جنسیتی و حقوق زنی که اینها می‌دهند این است که زن را استعمار کرده و به نیروی کار ارزان قیمت تبدیل کنند تا هزینه‌های تمام‌شده‌ی سرمایه‌دارها کاهش پیدا کند. اینها افسانه نیست! اینها قانون کار فعلی جمهوری اسلامی است که وزارت کار باید بر آن مدیریت کند. برای آقایان پیغام فرستادم باید قانون کار جمهوری اسلامی را ذیل فقه اسلامی نوشت نه ذیل بیانیه‌های فیلادلفیا و مدل‌های ارزیابی سازمان بین‌المللی کار. البته ظاهر که بد نیست، در ظاهر شعار خوب می‌دهند و می‌گویند می‌خواهیم ۴۰ درصد زنان را شاغل بکنیم. پس این هم یکی از بحث‌ها هست؛ فقر را به عدم آزادی انتخاب گسترده معنا می‌کنند. ما از فقیر یک درکی داریم ولی مراد آن‌ها این نیست، این هم یکی از اختلافات است.

یکی دیگر از اختلافات را که خیلی خطرناک است بگویم، دوباره از روی این سند ضالّ مضلّ مردم بخوانم تا ببینید در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار چه نوشته است؛ هدف دوم: "پایان دادن به گرسنگی و تحقق امنیت غذایی و تغذیه بهتر و توسعه کشاورزی پایدار؛" باز هم ظاهر آن زیباست و می‌گوید من می‌خواهم گرسنگی را در دنیا از بین ببرم، اگر کسی دقت نکند می‌گوید واقعا همین هدف را دارند. از آن‌ها سؤال می‌کنیم چطور می‌خواهید گرسنگی را از بین ببرید؟ می‌گوید وقتی یک مساحت مشخصی را زیر کشت محصولات ارگانیک و طبیعی ببریم کم‌بهره هستند، مثلاً وقتی یک هکتار ذرت ارگانیک می‌کارید یک تن ذرت به شما می‌دهد و با یک تن ذرت نمی‌توان خیلی به مسئله گرسنگی پرداخت. باید چه کار کنیم؟ بذره‌های تراریخته را کشت می‌کنیم؛ وقتی بذره‌های تراریخته را زیر کشت می‌بریم بیشتر محصول می‌دهند. پس از این طریق می‌خواهیم رفع گرسنگی کنیم و مسئله کشاورزی پایدار را مدیریت کنیم. بنده در آن دعوای عجیب و غریب تراریخته که بعضی از شماها در جریان هستید از مسئول این پروژه پرسیدم واقعا از نظر شما ارزش غذایی محصول تراریخته با یک محصول طبیعی برابر است؟ به نظر ما محصولات تراریخته اصلاً غذا نیستند. بسیاری از دانشمندان پوزیتیویستی می‌گویند علت بخشی از سرطان‌ها همین محصولات تراریخته هستند، روغن‌های تراریخته، برنج تراریخته، ذرت تراریخته. دستکاری ژنتیکی می‌کنند و نظام ژنوم گیاه را تغییر می‌دهند و یک ژن را به آن انتقال می‌دهند و مثلاً این ژن باعث می‌شود رشد گیاه بالاتر برود؛ ولی آیا این گیاه ما با گیاه سابق یکسان است؟ این محل تردید جدی است. من بارها به مسئولین وزارت کشاورزی هشدار دادم و گفتم شما حق ندارید ایران را زیر کشت برنج تراریخته (اصطلاحاً برنج طلایی) ببرید؛<sup>۳۳</sup> اگر فردا ایران زیر کشت بذر تراریخته برود سلامتی مردم به خطر می‌افتد. حداقل مسئله این است که این‌ها مشکوک هستند. اخیراً بعد از دو دهه و بعد از این مبارزاتی که

۳/۳. تعریف غلط از غذا و معرفی محصولات خطرناک تراریخته به عنوان غذا؛ یکی دیگر از تعاریف متعارض اسناد بین‌المللی با تعاریف دینی

۳۲. من همین اواخر استان کرمانشاه بودم؛ اینها را باید بگویم، بعضی از امور را به دلیل شرایط سیاسی حالا نمی‌گویم و بعداً می‌گویم ولی بعضی از چیزها را نمی‌شود نگفت؛ کارخانه‌هایی را بررسی کردم که در آنها بانوان مشغول بودند و حقوق آنها در ماه ۵۰۰ هزار تومان بود. یعنی رسماً استعمار بانوان را در دستور کار قرار داده بودند.

انتقال از متن

۳۳. دولت یازدهم در سال ۱۳۹۴ لایحه‌ای به مجلس نهم تحت عنوان «لایحه برنامه ششم توسعه» ارائه کرد که توسط مجلس رد شد. در قسمت «راهبردها و اقدامات اساسی بخش علم و فناوری - ردیف ۲ - ستون اقدام اساسی - مورد ششم» از این لایحه می‌خوانیم: «تولید و تجاری‌سازی انبوه کودهای زیستی و سموم زیستی و محصولات تراریخته با اولویت برنج و پنبه تراریخته».

دوستان ما داشتند سازمان غذا و دارو اعلام کرد که غذاهای تراریخته را برچسب می‌زنیم<sup>۳۴</sup> که مردم بفهمند این غذا تراریخته است، در واقع برچسب ننگ به آن می‌زنیم تا تفاوت آن را متوجه شوند. همان موقع ما بیانیه دادیم، اعلام کردیم که ما قبول نداریم محصولات تراریخته وجود داشته باشد و بعد برچسب بخورد؛ چون محصولات تراریخته ارزان‌تر هستند و در آخر مثل همه برنامه‌های نظام سرمایه‌داری، قربانی مستضعفین هستند. گفتید دو نوع غذا داریم؛ غذای ارگانیک و غذای تراریخته، وقتی تراریخته‌ها را ارزان می‌دهند مستضعفین که درآمدشان کمتر است سراغ تراریخته می‌روند. ما این را قبول نداریم و من به وزیر کشاورزی گفتم ایران باید زیر کشت محصولات طبیعی برود. خب من در اینجا زیاد حرف زدم و در فضای مجازی بحث‌های بنده هست، دیگران هم بحث کردند.

در مسئله تراریخته یک جمله بگویم توجه کنید؛ یک آقای شهرپور سال ۹۳ در وسط دعواهای برجام که یک عده می‌گفتند با برجام موافقیم یا با آن مخالفیم و حواس‌ها یک جای دیگر بود آرام به ایران سفر کرد.<sup>۳۵</sup> این آقا که بود؟ اسمش آقای کنت مایکل کوئین است. او چه کی است؟ پرزیدنت جایزه جهانی غذا.<sup>۳۶</sup> جایزه جهانی غذا چه نهادی است؟ یک NGO بین‌المللی است که هزینه‌هایش را از بنیاد صهیونیستی راکفلر<sup>۳۷</sup> می‌گیرد؛<sup>۳۸</sup> یعنی اسپانسرش بنیاد راکفلرها هستند. این آقا به ایران آمد و جلساتی گذاشت، سخنرانی‌هایی کرد و رفت. وقتی رفته چندین مصاحبه انجام داده است و در یکی از مصاحبه‌هایش گفته همان بلایی را که بر سر خمرهای سرخ<sup>۳۹</sup> آوردیم که یک جنگی بود از طریق کشاورزی آن‌ها را زمین‌گیر کردیم همان مدیریت را در ایران داریم جلو می‌بریم.

۳۴. سازمان غذا و دارو با صدور بخشنامه‌ای اعلام کرد که درج لوگو (نشان) تراریخته به صورت دایره سفیدرنگ و به قطر ۱/۵ سانتی‌متر که واژه تراریخته در درون آن با فونت قابل رؤیت به‌روی برچسب محصول کنار آرم سازمان غذا و دارو ضروری است. برای مشاهده اصل نامه مذکور به پیوست ۳ مراجعه فرمایید.  
۳۵. به پیوست شماره ۴ مراجعه فرمایید.

۳۶. جایزه جهانی غذا یک جایزه بین‌المللی در خصوص صنایع غذایی می‌باشد. این جایزه به افرادی تعلق می‌گیرد که دستاوردهای قابل توجهی در خصوص ارتقاء کیفی و کمی مواد غذایی در سطح دنیا و توزیع بهتر آنها میان مردم، ایفا کرده باشند.

۳۷. بنیاد راکفلر، یک نهاد خصوصی است که ساختمان مرکزی آن در خیابان پنجم منهتن در شهر نیویورک قرار دارد. این بنیاد که تاکنون توسط شش نسل از خانواده راکفلر در آمریکا اداره شده است، توسط سرسلسله این خاندان، جان دیویس راکفلر، ثروتمندترین مرد تاریخ جهان و مؤسس کمپانی استاندارد اویل، در ۱۴ مه ۱۹۱۳ تأسیس شد. برای مطالعه راجع به سوابق صهیونیستی این بنیاد به آدرس‌های زیر مراجعه فرمایید:

yon.ir/rakfeler1

yon.ir/rakfeler2

yon.ir/rakfeler3

yon.ir/rakfeler4

yon.ir/rakfeler5

۳۸. «بنیاد جایزه جهانی غذا» یک نهاد خصوصی است که در سال ۱۹۸۶ میلادی با ایده‌پردازی «نورمن ارنست بورلاگ» و با تأمین مالی «بنیاد راکفلر» تأسیس شد. این سایت، خود درباره این جایزه می‌نویسد: «این جایزه توسط نورمن بورلاگ پیشنهاد شد و در سال ۱۹۸۶ پایه گذاشته شد تا وراثت موفقیت‌های شخصی کسانی که این خدمات را می‌دهند، الهام‌بخش دیگران باشد.

آدرس مطلب در وبسایت رسمی جایزه جهانی غذا worldfood.yon.ir

برای مطالعه راجع به نورمن بورلاگ و سوابق صهیونیستی و راکفلری او به آدرس زیر مراجعه فرمایید.

yon.ir/borlag

۳۹. خمرهای سرخ نام گروهی با تفکرات و ایدئولوژی مانویستی بود که از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ میلادی بر کشور کامبوج حکومت می‌کرد. این حکومت برآمده از حزب کمونیست کامبوج بود و روش حکومتی آنها به گونه‌ای بود که در این سال‌ها منجر به نسل‌کشی و قتل عام ۱/۷ میلیون نفر شد که ۲۱ درصد کل جمعیت کامبوج را شامل می‌شد.

این را من نگفتم،<sup>۴۰</sup> این مصاحبه آقای کنت مایکل کوئین است که سندش هست. یعنی چه؟ یعنی از طریق کشاورزی می‌خواهیم ملت ایران را ترور کنیم؛ یعنی بیوتروریسم. والله قسم اگر ملاحظات سیاسی نبود من بعضی حرف‌های دیگر را می‌زدم، یعنی ما یک مصلحت مهم‌تر داریم ولی این قدرش را پیش خدا من یعنی هر چه فکر کردم دیدم نمی‌شود این‌ها را نگفت؛ تا دیروز از طریق بمب اتم و خلاصه تحریم اقتصادی می‌خواستند این ملت را فلج کنند؛ حالا دیدند زورشان به این ملت نمی‌رسد و این ملت ایستاده‌اند می‌خواهند از طریق غذا به این‌ها ضربه بزنند.

مردم عزیز مواظب غذایان باشید، اگر دیدید یکجایی سبب سلامت زده است، اعتماد نکنید، به سمت مصرف غذاهای طبیعی بروید. یک کاری هم ما داریم و آن اینکه تا آخرین قطره خونمان جلوی این طراحی‌های سازمان ملل خواهیم ایستاد. وقتی می‌گوییم هجوم اسناد بین‌المللی به هویت شیعی، معنای آن آرام‌آرام واضح می‌شود؛ ولی [این هجوم] به اسم کشاورزی است، به اسم توسعه پایدار است، این است داستان ما با اسناد بین‌المللی.

خب خیلی بحث‌های دیگر هم از این عناوین کارشناسی وجود دارد. ذیل اقلیم یک سری بحث‌ها بنده دارم بعداً ان‌شاء‌الله مطرح می‌کنم. ذیل مدیریت شهری [حرف‌هایی دارم]. در همین اصفهان شما قرار بود شهریورماه یک جلسه‌ای برگزار شود ذیل هدف یازدهم سند توسعه پایدار که چگونه شهرداریتان را مدیریت کنید؟ چگونه سکونت‌گاه‌های رسمی را به شهر خلاق<sup>۴۱</sup> و شهر انسانی ارتقاء دهیم.

این است مسئله اسناد بین‌المللی؛ من عرض کردم که آیندگان قضاوت می‌کنند که آیت‌الله خامنه‌ای این مرد حکیم، وقتی جلوی سند ۲۰۳۰ را گرفت، جلوی چه خطری را گرفت. [هجوم اسناد بین‌المللی] حوزه‌های دیگری هم دارد که وقت نیست راجع به آن بحث کنم. پس من بحثم را جمع کنم؛ فکر می‌کنم فی‌الجمله برای شما مردم خوب و تمدن‌ساز اصفهان مسئله واضح شده است که وقتی می‌گوییم سند ۲۰۳۰ چاره کار نظام آموزشی ما نیست به چه دلیل می‌گوییم، به دلیل این که سند ۲۰۳۰ پر است از تعاریفات غلط در حوزه‌های مختلف: در حوزه کشاورزی، در حوزه خانواده، در حوزه رفع فقر، این‌ها همه وجود دارد.

یکی دیگر از مشکلاتمان در تعریف خشونت است؛ آن‌ها می‌گویند مفاهیمی مثل «شهادت»، «انتظار» - البته روضه امام حسین علیه‌السلام را به صراحت نگفته‌اند، ولی اگر به آن‌ها روی خوش نشان دهید این‌ها را هم می‌گویند - را در بین فرزندانان گسترش ندهید، چون این‌ها منشأ خشونت هستند.<sup>۴۲</sup> می‌گویند اگر صلح می‌خواهید مفاهیمی که آغشته به خشونت است را آموزش ندهید.

۳/۴. تعریف خشونت به مفاهیمی مانند شهادت و انتظار؛ یکی دیگر از تعاریف متعارض اسناد بین‌المللی با تعاریف دینی

۴۰. برای مطالعه گزارش سفر کنت کوئین به ایران ر.ک:

yon.ir/mquinn

۴۱. ایده شهر خلاق مبحثی جدید و مورد توجه در حوزه مطالعات شهری و به ویژه مدیریت شهری بوده و بر بهتر شدن محیط زندگی و ارتقای کیفیت زندگی به واسطه تفکرات نو شهروندان تأکید دارد. این ایده برای مدیران، برنامه‌ریزان و شهرسازان باعث گسترش افق دید و تحلیل راهکار در مواجهه با مسائل شهر می‌شود و به تنوع علایق و عقاید در پهنه شهر احترام می‌گذارد. همچنین ایجاد شهرهای خلاق باعث رونق و شکوفایی حیات شهری می‌گردد که این خود سطح مناسبات یک شهر را در پیوند با سایر شهرها در مقیاس ملی و فراملی گسترش می‌دهد.

نشریه دانش شهر (متعلق به مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران) شماره ۱۹۶ شهر خلاق: مبانی نظری و شاخص‌ها، مردادماه ۱۳۹۲، بخش چکیده نشریه ۴۲. به پیوست شماره ۵ مراجعه فرمایید.

در حالی که پیامبران علیهم‌السلام می‌گویند اگر شما صلح می‌خواهید باید دعوی حق و باطل را از کوچکی به فرزندان تا یاد دهید تا یاد بگیرد طرف حق بایستد و مقابل ظلم و باطل بایستد. اگر ما جلوی ظلم نایستیم مگر ظلم یک قدم عقب می‌رود؟ ظلم یک قدم جلوتر می‌آید، این‌ها می‌خواهند ما را خلع سلاح کنند. وقتی شما حق را فهمیدید ارزش حق را فهمیدید و فهمیدید که باید جلوی ظالم بایستید اتفاقاً صلح و امنیت پیدا می‌کنید! خب در این مفهوم هم باهم اختلاف داریم.

یک وقتی برای بعضی دوستان شمردم و گفتم حدود چهل جا مفاهیم مطرح در اسناد بین‌المللی معارض مفاهیم پذیرفته شده توسط ملت ایران هستند. مفاهیمی مردم قبول دارند یک چیز دیگری است و مفاهیم مطرح اسناد بین‌الملل یک چیز دیگری است. ولی یادتان باشد اسم آن را علم، کار علمی، تدبیر، برنامه‌ریزی و توسعه می‌گذارند، اسم‌های زیبا دارد اما مهم این است که برویم بینیم داخلش چیست. خب عرایض بنده تمام شد؛ دعوت می‌کنم همه شما را به اینکه به آینده‌مان فکر کنیم، آن‌هایی که به آینده‌شان فکر می‌کنند آینده بهتری دارند. دعوت می‌کنم که اگر می‌خواهیم وضعیت کشورمان را بهتر کنیم، مسئولین کشورمان را با دقت بیشتری انتخاب کنیم؛ چند وقت دیگر انتخابات شورای اسلامی است، چه کسی از طرف من و شما نماینده می‌شود و به مجلس می‌رود؟<sup>۴۳</sup> مردم! پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأَيْمَةُ الْمَضْلُونِ» پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود بیشترین چیزی که بر اتم می‌ترسم ائمه مظل هستند، مسئولین گمراه هستند.

مسئولین باید انقلابی انتخاب شوند، ما مسئولین ملاً می‌خواهیم، مسئول دلسوز می‌خواهیم. من شب اول گفتم آن مسئولی که می‌گوید من انقلابی‌ام، دفتر کارش در دفتر کاخ شاه منحوس پهلوی است، مسئول خوبی نیست. در دوره جمهوری اسلامی رسماً دفتر کارش را در دفتر شاه قبلی قرار داده است. مگر ما دعوایمان بر سر این چیزها بود که یک شاهی برود و یک شاه دیگر بیاید؟ ما دعوایمان بر سر این بود که مسئولین قبلی مُضَلَّانْد، باید بروند و مسئولین دیگری بیایند که اسلام را پیاده کنند. چه شده است که سال چهلم انقلاب اسلامی بعضی مسئولین اینطور دارند جولان می‌دهند. ما دو مشکل داریم: یک مشکل با آمریکا و اسرائیل و دشمنان بیرونی‌مان داریم و یک مشکل هم با این مسئولینی که برای حل مشکلات مردم پاشنه‌کش نیستند.

شما را به خدا دقت کنید؛ ما یک مردم ارزشمندی در دنیا هستیم، بعضی کارهایی که همه‌مان باهم می‌کنیم دارد به این مملکت زمین می‌زند. آخر چه شده شما خودتان مسئول را انتخاب می‌کنید هنوز وسط راه نشده می‌گویید ما از انتخابمان پشیمانیم، یک ذره این‌ها را ارتقاء دهیم. جمهوری اسلامی یعنی همه‌مان؛ خودمان داریم مسئولین را انتخاب می‌کنیم، این‌ها مسائل مهمی‌اند، درس‌های عاشورا این‌ها هستند. آن‌هایی که آن روز به عبیدالله رأی دادند و کوتاه آمدند، او را حاکم کردند، این چنین جنایتی را رقم زدند. ما وقتی می‌آییم در جلسات عاشورا باید این مباحث را باهم مرور

۴۳. دیشب به یکی از نمایندگان خوب شما در مجلس شورای اسلامی گفتم روی اسناد بین‌المللی کارکرده‌اید یا نه؟ می‌دانید بخشی از اسناد بین‌المللی را مجلس تعطیل می‌کند، نماینده خوبی هم بود. گفت: حالا انشاءالله یک وقتی می‌گذاریم روی آن کار می‌کنیم. تازه این وضعیت نمایندگان خوب ما هست، من پشت سر ایشان دیشب نماز خواندم، واقعاً به عدالت قبولشان دارم ولی خب اینجوری که نمی‌شود مملکت را اداره کرد.

کنیم. خب این‌ها حرف‌های اصلی است؛ اگر توفیقی بود سال‌های آیند ما دوباره خدمت شما می‌رسیم و گفت‌وگو می‌کنیم، جلسات الگوی پیشرفت اسلامی دائماً در کشور برگزار است و توسط رسانه‌ها هم اخبارش می‌رسد. اگر دست‌به‌دست هم دهیم ان‌شاءالله حدود دو دهه آینده به سمت آن ایرانی که در روایات تعریف شده - که زمینه‌ساز ظهور ولی عصر ارواحنا فداه هست - می‌رویم، کارهای بزرگی داریم، این‌ها هم نمی‌توانند کاری کنند. من این نقشه‌ها را افشاء کردم که آن‌هایی که صدای ما را می‌شنوند فکر نکنند ما خیر نداریم که آن‌ها دارند چگونه طراحی می‌کنند! مردم ما هم می‌ایستند و ان‌شاءالله مشکلات را حل می‌کنیم و به سمت حکومت جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه حرکت می‌کنیم.

و الحمدلله ربّ العالمین

## پیوست‌ها

## پیوست شماره ۱؛ لغو سند ۲۰۳۰

هیئت وزیران در جلسه ۱۸ / ۴ / ۱۳۹۶، با توجه به مصوبه جلسه شماره ۷۹۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر جایگزینی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بجای سند ۲۰۳۰، تصویب‌نامه شماره ۷۶۴۰۳/ت/۵۲۹۱۳ هـ مورخ ۲۵ / ۶ / ۱۳۹۶ را لغو نمود.

شماره ۴۵۶۸۵/ت/۵۲۹۱۳ هـ

تاریخ ۱۳۹۶/۴/۲۰

شماره ۱۳۹۶/۴/۲۰



جمهوری اسلامی ایران

رئیس‌جمهور

تصویب‌نامه هیأت وزیران

بسمه تعالی

"با صلوات بر محمد و آل محمد"

وزارت آموزش و پرورش

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۹۶/۴/۱۸ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد:  
تصویب‌نامه شماره ۷۶۴۰۳/ت/۵۲۹۱۳ هـ مورخ ۲۵/۶/۱۳۹۵ از تاریخ تصویب لغو می‌شود.

اسحاق جهانگیری

معاون اول رئیس‌جمهور

هـ

**پیوست شماره ۲؛ مقدمه وزارت کار بر کتاب توانمندسازی و کاهش فقر**

کتاب توانمندسازی و کاهش فقر (کتاب مرجع) بانک جهانی؛ مترجمان: فرزاد پوراصغر سنگاچین، جواد رضائی ص ۱۷ [ترجمه و ویراستاری و انتشار با تأمین مالی پروژه مشترک دولت جمهوری اسلامی ایران (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) با برنامه توسعه ملل متحد]

**پیشگفتاری برای ترجمه کتاب**

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مسئول سنجش و مقابله با فقر است. علاوه بر این وظیفه ذاتی، بر اساس سیاستهای ابلاغی اقتصاد مقاومتی، این وزارتخانه مأموریت یافته است تا برنامه ملی عدالت بنیان کردن اقتصاد و توسعه عدالت اجتماعی را در کشور به منزله یکی از اجزای اقتصاد مقاومتی اجرا نماید. این کتاب به منظور شناخت مباحث نظری و تجربی در حوزه فقرزدایی ترجمه شده است. فقر یکی از نقاط آسیب پذیری و شکنندگی اقتصاد است. فقرزدایی آرمان انقلاب، امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب، از حقوق شناخته شده حقوق بشر و عامل انسجام و همبستگی اجتماعی است. عدم توجه به توانمندسازی فقرا، اقتصاد را در برابر شوکهای داخلی (بحرانهای پولی و مالی و شوک های محیط زیستی) و شوک های خارجی ( سقوط قیمت نفت و بحران های پولی و مالی بین المللی) به شدت آسیب پذیر می سازد. از همین رو حرکت به سوی عدالت اجتماعی و فقرزدایی از سوی مقام معظم رهبری به عنوان یک اصل برای افزایش تاب آوری اقتصادی شناخته شده است. همه اقتصادها حتی کشورهای بسیار پردرآمد در معرض شوک های مختلف اقتصادی هستند. بحران ۲۰۰۷ میلادی در آمریکا و چند کشور اروپایی نشان داد که همه اقتصادها به نوعی آسیب پذیرند و سیاست گذاران هوشمند باید راهکارهایی برای پیشگیری از ایجاد و گسترش بحران ها طراحی نمایند. کشورهایی که در دهه نخست قرن بیست و یکم بحران را تجربه کردند سیاست های رفاهی خود را تقویت کردند. با وجود آن که در زمان بحران اقتصادی درآمد دولت کاهش می یابد و دولت قاعدتا منابع کمتری برای یارانه و کمک به گروه های کم درآمد دارد برای خروج از بحران و حمایت از اقشار کم درآمد، بودجه رفاهی خود را افزایش می دهد. در واقع سیاست حمایت اجتماعی، ابزاری برای خروج از رکود ناشی از بحران های اقتصادی محسوب می شود.

کتاب حاضر مبانی نظری و تجربی غنی برای توانمندسازی و فقرزدایی به دست می دهد. این کتاب می تواند یک متن آموزشی برای مسئولین حوزه حمایت های اجتماعی باشد. همانطور که در این کتاب نشان داده شده است علاوه بر سیاست های کلان اقتصادی، مبارزه با فقر نیازمند اجرای طرح های متعدد فقرزدایی و توانمندسازی گروه های کم درآمد است. امیدوارم این کتاب بتواند در کاهش مشکلات گروه های کم درآمد، موثر باشد.

علی ربیعی

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی



## پیوست شماره ۳؛ دستور مدیر کل امور فرآورده‌های غذایی مبنی بر لزوم برچسب‌گذاری محصولات تراریخته

شماره: ۶۷۵/۱۵۸۶۸  
 تاریخ: ۱۳۹۷/۰۲/۲۶  
 پیوست: ندارد  
 کد مدرک: FB- Ci- ۱۳۹۷-



### معاون محترم غذا و دارو دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سراسر کشور

موضوع: در خصوص برچسب‌گذاری محصولات تراریخته

سلام علیکم:

احتراماً، پیرو نامه شماره ۶۷۵/۱۵۶۶۴۸ مورخ ۹۵/۱۲/۱۶ و با توجه به بند چ ماده ۳۱ قانون برنامه ششم توسعه کشور (تصویر پیوست)، واردات محصولات تراریخته در چارچوب قانون ایمنی زیستی و با رعایت مقررات و موازین ملی و بین‌المللی مجاز است. در این راستا طبق ماده ۴ قانون ملی ایمنی زیستی، مسئولیت صدور، تمدید، و لغو مجوز فعالیت در امور مرتبط با فن آوری زیستی جدید با رعایت قوانین مربوط به هر دستگاه و ضوابط ایمنی زیستی این قانون بر عهده دستگاه‌های اجرائی ذی صلاح بوده و وزارت بهداشت، درمان، آموزش پزشکی در امور مرتبط با ایمنی زیستی و سلامت مواد غذایی، آرایشی و بهداشتی عهده دار مسئولیت می‌باشد. لذا با توجه به تدوین ضوابط و ابلاغ رسمی آن تحت عناوین دستورالعمل اجرائی وزارت بهداشت در خصوص موجودات زنده تغییر ژنتیکی یافته و فرآورده‌های آن مرتبط با مواد غذایی و ضابطه برچسب‌گذاری محصولات غذایی تراریخته، ضرورت دارد علاوه بر الزام رعایت مفاد دستورالعمل‌های مذکور اقدام لازم در خصوص درج لوگو (نشان) تراریخته به صورت دایره سفید رنگ و به قطر ۱،۵ سانتیمتر که واژه تراریخته در درون آن با فونت قابل رؤیت بر روی برچسب محصول در کنار آرم سازمان غذا و دارو معمول گردد همچنین لازم است تا اتمام برچسب‌های باقی مانده، در واحد‌های تولیدی عبارت تراریخته بوسیله جت پرینتر بر روی برچسب محصولات لحاظ شود و برای شرکتهای وارداتی درج نشان تراریخته از تاریخ صدور نامه الزامی می‌باشد. بدیهی است در صورت عدم اجرای اصلاح برچسب توسط مدیران عامل و مسئولین فنی نظر ان معاونت را به نامه شماره ۱۰۰/۱ مورخ ۹۷/۰۱/۱۵ وزارت بهداشت مجدداً در خصوص لزوم برچسب‌گذاری محصولات مذکور جلب می‌نماید.

دکتر وحید مفید-مدیر کل امور فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی

[www.fda.gov.ir](http://www.fda.gov.ir)

**پیوست شماره ۴؛ سفر کنت مایکل کوئین به ایران**

کنت مایکل کوئین در شهریور ۱۳۹۳ به ایران سفر کرد. تصاویر حضور این افسر ارشد اطلاعاتی آمریکا در ایران را در ذیل مشاهده کنید.



### پیوست شماره ۵: خشونت در اسناد بین‌المللی

متن سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار:

هدف ۱۶: ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخ‌گو و فراگیر در همه سطوح

۱-۱۶- کاهش قابل‌ملاحظه همه اشکال خشونت و میزان مرگ‌ومیرهای وابسته به آن در همه جا

دگرگون ساختن جهان ما: دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، مترجم: پیروژنیک، مهرناز، سازمان ملل متحد (کمیسیون ملی یونسکو - ایران) **تحلیل:** در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار مانند دیگر بخش‌های این سند مفهوم خشونت به طور کلی و مجمل (به عنوان مثال مفهوم «همه اشکال خشونت») گفته شده است؛ بنابراین برای یافتن تصویر دقیق‌تری از خشونت مد نظر ادبیات توسعه نیاز به رجوع به دیگر اسناد بین‌المللی، مانند سازمان بهداشت جهانی (WHO) داریم.

در سند «(Changing cultural and social norms that support violence) منتشر شده توسط سازمان بهداشت جهانی می‌خوانیم:

صفحه ۳

Cultural and social norms are highly influential in shaping individual behaviour, including the use of violence. **Norms can protect against violence, but they can also support and encourage the use of it.** For instance, cultural acceptance of violence, either as a normal method of resolving conflict or as **a usual part of rearing a child, is a risk factor for all types of interpersonal violence.**

**ترجمه:** هنجارهای فرهنگی و اجتماعی در شکل دادن رفتار فردی، از جمله استفاده از خشونت، بسیار تأثیرگذار است. **هنجارها می‌توانند [افراد را] در برابر خشونت محافظت کنند، اما آن هنجارها همچنین می‌توانند از آن حمایت و آن را تشویق کنند.** به عنوان مثال پذیرش فرهنگی خشونت، یا به عنوان یک روش معمول برای حل و فصل درگیری و یا به عنوان بخشی معمول از رشد کودک، یک عامل خطرناک برای انواع خشونت‌های بین فردی است.

صفحه ۱۲

Violent behaviour is strongly influenced by cultural and social norms; so efforts to prevent violence must consider how social pressures and expectations influence individual behaviour. **Interventions that attempt to alter cultural and social norms to prevent violence are among the most widespread and prominent.**

**ترجمه:** رفتار خشونت‌آمیز به شدت تحت تأثیر هنجارهای فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرد؛ بنابراین تلاش برای جلوگیری از خشونت باید با در نظر داشتن اینکه فشارهای اجتماعی و انتظارات بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند باشد. **مداخله‌ای که تلاش می‌کند هنجارهای فرهنگی و اجتماعی را برای جلوگیری از خشونت تغییر دهد، یکی از گسترده‌ترین و برجسته‌ترین آن‌ها است.**

صفحه ۵

Cultural and social norms supporting different types of violence:

... Sexual violence: **Sex is a man's right in marriage (e.g. Pakistan).**

**ترجمه:** هنجارهای فرهنگی و اجتماعی که از انواع مختلف خشونت حمایت می‌کند:

[برای نمونه] خشونت جنسی: **رابطه جنسی از جمله حقوق مرد در ازدواج است [از جمله هنجارهای فرهنگی ناشی از مذهب (حق تمکین)] (در کشور پاکستان).**

آدرس مقاله در سایت رسمی سازمان بهداشت جهانی [yon.ir/JH3Z](http://yon.ir/JH3Z)

**تحلیل:** با توجه به اسناد مذکور می‌توان به این نتیجه رسید که اسناد بین‌المللی در پی حذف و یا تغییر هرگونه فرهنگ و هنجار اجتماعی ایجاد کننده خشونت هستند؛ به عبارتی فرهنگ و اجتماع (که دین و مذهب را هم شامل می‌شود) از جمله اموری هستند که باید به نفع رفع خشونت مطلق تغییر کنند. با این توضیحات و با در نظر گرفتن فرهنگ غنی دینی (اعم از فرهنگ عاشورایی، امر به معروف و نهی از منکر، غیرت، احکام

خانواده،) از جمله قربانی‌های این تهاجم فرهنگی هستند. مؤید بسیار جدی این برداشت، عامل خشونت دانستن حکم تمکین جنسی مرد در ازدواج است که به روشنی این حکم دینی و شرعی را از مصادیق خشونت دانسته‌اند.

**متن سایت رسمی دیده‌بان حقوق بشر:**

Under Iranian law, many nonviolent crimes, such as “insulting the Prophet,” apostasy, same-sex relations, adultery, and drug-related offenses, are punishable by death.

**ترجمه:** بر طبق قانون ایران، بسیاری از جرائم بدون خشونت مانند «سب النبی»، ارتداد، روابط همجنس‌بازانه، زنا، محصنه، و تخلفات مواد مخدر، مجازات اعدام در بردارند.

آدرس مطلب در سایت رسمی دیده‌بان حقوق بشر و در گزارش سال ۲۰۱۷ در مورد ایران [Yon.ir/JAnn8](http://Yon.ir/JAnn8)

متن گزارش جاوید رحمان (گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران) در تاریخ ۲۰۱۸/۲۹/۱۱ در موارد نقض حقوق بشر در ایران:

**Protesters jailed for criticising compulsory hijab law**

**ترجمه:** معترضان به دلیل مقابله با قانون حجاب اجباری به زندان افتادند.

آدرس مطلب در سایت رسمی حقوق بشر سازمان ملل [Yon.ir/NnSdC](http://Yon.ir/NnSdC)

**تحلیل:** با توجه به گزارش‌های رسمی دیده‌بان حقوق بشر و سازمان ملل درباره موارد نقض حقوق بشر یا به عبارتی خشونت‌های علیه انسانیت، می‌توان به وضوح تعارض میان شاخصه‌های بین‌المللی و شاخصه‌های هویت اسلامی را مشاهده کرد.

### نظام سؤالات

۱. سرفصل هفتم آموزش و پرورش آینده: سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش (به عنوان رقیب اصلی نظریه آموزش و پرورش آینده) چه معایب و انحرافات دارد؟

۱/۱. سند ۲۰۳۰ چه جایگاهی در میان اسناد بین‌المللی دارد؟

۱/۱/۱. آیا فقط سند ۲۰۳۰ به هویت شیعی ایران هجوم آورده است؟

۱/۱/۲. ما با چند سند بین‌المللی روبرو هستیم؟

۱/۱/۳. نتیجه اجرای سند ۲۰۳۰ و اسناد بین‌المللی چیست؟

۱/۲. شکل خاص اجرای سند ۲۰۳۰ و دیگر اسناد بین‌المللی چگونه است؟

۱/۲/۱. متصدی شکل خاص اجرای سند ۲۰۳۰ کدام نهاد است؟

۱/۲/۲. وکیل قرار دادن یونسکو برای تصدی شکل اجرای سند ۲۰۳۰ چه اشکالی دارد؟

۱/۲/۳. یونسکو چند اقدام را ذیل شکل خاص اجرای سند ۲۰۳۰ انجام می‌دهد؟

۱/۲/۳/۱. اقدام اول یونسکو چیست؟

۱/۲/۳/۲. دومین اقدام یونسکو چیست؟

۱/۲/۳/۳. اقدام سوم یونسکو چیست؟

۱/۲/۳/۴. چهارمین اقدام یونسکو کدام است؟

۱/۲/۳/۵. اقدام پنجم یونسکو چیست؟

۱/۲/۳/۶. ششمین اقدام یونسکو کدام است؟

۱/۲/۴. نتیجه شکل خاص اجرای سند ۲۰۳۰ چیست؟

۱/۳. سند ۲۰۳۰ و اسناد بین‌المللی حاوی چه مفاهیم متعارض با دین هستند؟

۱/۳/۱. خانواده چه تعریفی در اسناد بین‌المللی دارد؟

۱/۳/۲. فقر چه تعریفی در اسناد بین‌المللی دارد؟

۱/۳/۲/۱. تعریف فقر در اسناد بین‌المللی، چه ضربه‌ای به خانواده می‌زند؟

۱/۳/۳. اسناد بین‌المللی رفع گرسنگی را در جهان با استفاده از چه روشی انجام می‌دهند؟

۱/۳/۳/۱. تراریخته‌ها چه اشکالی دارند و چرا نمی‌توان آن‌ها را غذا دانست؟

۱/۳/۴. خشونت در اسناد بین‌المللی چه تعریفی دارد؟



پیوست رجالی شماره ۱: روایت «العلم سلطان، من وجدته صالح به، ومن لم يجدته صيل عليه»

### سؤال اول: مصدر حدیث چیست؟

اولین نکته ای که در مورد حدیث فوق و به طوری کلی در بررسی احادیث باید مورد بحث قرار گیرد، مصدری است که حدیث در آن مصدر روایت و ذکر شده است؛ معنای مصدر نیز قدیمی ترین منبع حدیثی است که روایت شریف در آن ضبط شده است. با تتبع در کتب حدیثی و روایی مشخص گردید که روایت فوق در کتاب شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۶۹ روایت گردیده است.

تاریخ شهادت امیرالمؤمنین: ۲۱ رمضان سال ۴۰ قمری

تاریخ تألیف شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: مابین اول رجب ۶۴۴ و پایان صفر ۶۴۹ ه.ق

### سؤال دوم: جایگاه سند در اتکای به اشراف چیست؟

در سؤال دوم در مورد یک حدیث باید به طور کلی به تبیین جایگاه سند در اتکا به اشراف بحث کرد؛ در واقع باید مشخص کرد که سند چه نقشی در رساندن علم متکی به اشراف - حدیث معصوم علیه السلام - به ما دارد؟ در واقع در این بخش تعریف جدیدی از سند ارائه می گردد که محور آن، مسئله هدایت ابناء بشر توسط معصوم علیه السلام است و سند به عنوان یکی از ابزارهای معصوم علیه السلام برای مدیریت امر هدایت در عالم تعریف می شود، نه به عنوان ابزاری که ما برای رسیدن به معصوم علیه السلام از آن استفاده می کنیم.

برای درک نکته فوق باید دقت کرد که معصوم علیه السلام - که حدیث از او صادر می شود - در تمام شئون و حالات خود مترصد امر هدایت جامعه بوده و در حال جریان دادن امر بسیار مهم هدایت در جامعه است. حال امام معصوم علیه السلام برای جریان دادن هدایت در جامعه از ساختارها و راه های مختلفی استفاده می کند که یکی از این ساختارها، جاری کردن هدایت در جامعه از طریق یک فرد مؤمن است که در واقع این فرد مؤمن، همان سند است. در واقع سند یک روایت، ابزاری برای رسیدن ما به معصوم علیه السلام نیست؛ بلکه سند، فرد مؤمنی است که معصوم علیه السلام از آن برای جاری کردن هدایت در جامعه و هدایت انسان ها بهره می برد و در حقیقت بزرگترین لطف و رحمتی که شامل حال یک فرد مؤمن می شود نیز همین موضوع است که خدای متعال و معصوم علیه السلام او را به عنوان یار خود قرار داده و امر خود را از طریق او در جامعه جاری و ساری کنند، بزرگترین نعمتی که خدای متعال به یک فرد می دهد داخل کردن او در بهشت نیست، بلکه بزرگترین نعمت برای یک فرد مؤمن قرار گرفتن او در طریق هدایت و رساندن هدایت از طریق او به جامعه است. بنابراین سند یعنی فرد مؤمن انتخاب شده توسط معصوم علیه السلام یکی از راه های است که معصوم علیه السلام از طریق آن، علم مبتنی بر اشراف خود را در جامعه جریان داده و جامعه را هدایت می کند.

### سؤال سوم: ساختار اتکا به اشراف به صورت استظهاری چیست؟

نکته ای که در سؤال سوم باید مورد دقت قرار گیرد این است که معصوم علیه السلام به عنوان مدیر هدایت در عالم، امر هدایت را تنها از طریق سند - فرد مؤمن انتخاب شده - در عالم جریان نمی دهد، بلکه ساختارهای دیگری نیز وجود دارد که افراد جامعه در زمان غیبت معصوم علیه السلام نیز می توانند از آن طریق هدایت را دریافت نموده و در جامعه جریان دهند، زیرا معصوم علیه السلام همواره حی و زنده بوده و مجری امر هدایت در عالم است و این امر را با ساختارهای مختلفی در جامعه جریان می دهد که سند یکی از آنهاست. در ادامه به بررسی استظهاری چند مورد از ساختارها و راه های اتکا به اشراف - ساختارهایی که معصوم علیه السلام امر هدایت را در جامعه جاری می کند - می پردازیم.

الف) زیارت: یکی از راه هایی که افراد می توانند از طریق آن امر هدایت و علم مبتنی بر اشراف را از معصوم علیه السلام تلقی کنند، زیارت معصومین علیهم السلام است که به دلیل زنده بودن همیشگی معصومین علیهم السلام، زیارت منحصر به حضور و ظهور امام نمی باشد، بلکه می توان از طریق زیارت قبور ائمه نیز به علم مبتنی بر اشراف دست یافت و هدایت را از معصوم علیه السلام تلقی نموده و توفیق حضور در طریق هدایت و یاری امام معصوم علیه السلام را به دست آورد.

دلیل استظهاری این مطلب نیز روایت شریف امام حسین علیه السلام است که می‌فرماید: «مَنْ أَتَانَا لَمْ يَغْدَمْ حَٰصِلَةً مِنْ أَرْبَعٍ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَ قَضِيَّةٌ عَادِلَةٌ وَ أَحَادٌ مُشْتَفَادٌ وَ مُجَالَسَةٌ الْعُلَمَاءِ»؛ هر کس به نزد ما آید هیچ یک از این چهار خصلت را از دست نمی‌دهد. ۱. نشانه‌های محکم و استوار (که همان علم است) می‌شود. ۲. از قضاوتی عادلانه برخوردار می‌گردد. ۳. با برادری سودمند و پرفایده روبرو خواهد شد. ۴. اجر و پاداش مصاحبت و هم‌نشینی با علما و دانشمندان را خواهد برد.

بحار الانوار ج ۴۴ ص ۱۹۵

ب) سند روایت: یکی دیگر از ساختارهای اتکا به اشراف و گسترش هدایت در جامعه توسط معصوم علیه السلام، مسئله سند روایت است که در سؤال دوم از همین پیوست سند به مؤمن انتخاب شده توسط معصوم علیه السلام برای جریان امر هدایت در جامعه تعریف گردید.

اهمیت سند روایت در اتکا به اشراف و گسترش هدایت در جامعه توسط معصوم علیه السلام نیز از طریق روایت امام صادق علیه السلام استظهار می‌گردد؛ «قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام أَعْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا عِنْدَنَا عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ عَنَّا وَ فَهْمِهِمْ مِنَّا»؛ منزلت شیعیان نزد ما را به قدر روایاتی که از ما روایت می‌کنند و فهمی که از ما دارند بشناسید. در این روایت این نکته بیان شده است که منزلت و قدر هر فرد نزد امام علیه السلام، به میزان روایاتی است که از امام نقل می‌کند و فهمی است که از امام دارد؛ یعنی فرد هر قدر منزلت بالاتری داشته باشد امام علیه السلام بیشتر از او در مسئله مدیریت هدایت استفاده می‌کند و قدر و منزلت بیشتری نزد امام علیه السلام دارد و روایات بیشتری را از امام علیه السلام نقل می‌کند.

غیبت نعمانی، ص ۲۲

ج) عمل به علم: از دیگر ساختارهای اتکا به اشراف، عمل به علم است؛ هر فرد به میزان عملی که به علم خود دارد، علم بیشتری را از معصوم علیه السلام دریافت می‌کند و از این راه در طریق مدیریت هدایت توسط معصوم علیه السلام قرار می‌گیرد. نقش عمل به علم در اتکا به اشراف نیز از روایت «قَوْلُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَزَقَهُ اللَّهُ عِلْمًا مَا لَمْ يَعْلَمْ» استفاده می‌گردد؛ هر کس به چیزی که می‌داند عمل کند خداوند علم آنچه را که نمی‌داند به او می‌دهد. بنابراین از طریق عمل به علم نیز می‌توان مجرای علم مبتنی بر اشراف قرار گرفت.

بحار الانوار ج ۴۰ ص ۱۲۸

### سؤال چهارم: فرایند هدایت مرتبط با این روایت چیست؟

چهارمین سؤالی که در مورد حدیث فوق مطرح می‌باشد این است که این روایت کدام فرایند مرتبط با هدایت را تشریح می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤال مقدمتاً باید به این نکته دقت کرد که هر کلامی که از معصوم علیه السلام صادر می‌شود به غرض ایجاد هدایت در جامعه بوده و یک یا چند بُعد از ابعاد هدایت را مورد بحث قرار می‌دهد، زیرا معصوم علیه السلام هدفی جز هدایت جامعه ندارد و تمام سخنان او نیز به همین غرض صادر می‌شود. پس باید نقش حدیث فوق را در فرایند هدایت مشخص کرد و بیان نمود که حدیث فوق کدام بُعد از ابعاد مختلف هدایت را بیان می‌کند؟

در پاسخ به سؤال فوق باید گفت این حدیث در ارتباط با یکی از زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت یعنی مسئله علم است؛ برای فهم این نکته باید دقت داشت که هدایت جامعه امری نیست که تنها و تنها از طریق بیان و گفتگو و منبر انجام پذیرد، بلکه هدایت بجز بیان، نیازمند زیرساخت‌های غیربیانی دیگری نیز هست که در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی تعداد زیرساخت‌های هدایت در نه مورد استظهار شده است که یکی از این نه مورد نیز مسئله علم است؛ اگر علم در جامعه به صورت غلط تصویر شود، نتیجه‌ای که ایجاد می‌شود این است که در عوض هدایت، ضلالت در جامعه گسترش پیدا می‌کند؛ به عنوان نمونه اگر علم همان چیزی که بیکن تعریف کرده است باشد یعنی ابزار تصرف در طبیعت - محتوای علوم نیز معادلاتی خواهد بود که تنها و تنها تصرف در طبیعت را به انسان‌ها انتقال می‌دهد و انسان‌ها در دیگر شئون زندگی خود مانند رفتارهای خانوادگی و فردی و اجتماعی، انتخاب امام، انتخاب استاد و معلم و ... به دلیل نداشتن اطلاعات کافی دچار نقص و اشتباه می‌شوند و اشتباه در هر یک از این



امور موجبات ضلالت افراد را رقم می‌زند. پس بنابراین یکی از زیرساخت‌های هدایت جامعه مسئله علم است و این روایت نیز مرتبط با زیرساخت علم می‌باشد.

### سؤال پنجم: این روایت دقیقاً چه نقشی در فرایند هدایت مرتبط با خود دارد؟

پس از اینکه مشخص گردید روایت فوق با مسئله علم به عنوان یکی از زیرساخت‌های هدایت مرتبط است در سؤال پنجم باید تشریح کرد که این روایت چه نقشی در فرایند هدایت مرتبط با خود دارد؛ در سؤال چهارم مشخص شد که علم یکی از زیرساخت‌های هدایت است، حالا باید دید این روایت چه جنبه‌ای از مسئله علم به عنوان یکی از زیرساخت‌های هدایت را بحث می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که روایت فوق در مقام نظام مقایسه‌ی علم صحیح با علم غلط است؛ در واقع این تعریف از علم در مقام بیان ماهیت علم نافع و رد کردن تعاریف دیگری است که از علم ارائه شده است و تعاریف غیر نافی هستند. امیرالمؤمنین علیه السلام در این روایت بیان می‌کنند که علم، ابزار سلطان است و همانطور که در دوره حاضر تشریح گردید، استظهار از روایات و آیات این است که کلمه سلطان در روابط انسانی ظهور دارد و در نتیجه علم، آن معادله‌ای است که موجب بهینه روابط انسانی می‌گردد.

**پیوست رجالی شماره ۲: روایت «الْوَلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سِنِينَ، وَعَبْدٌ سَبْعِ سِنِينَ، وَوَزِيرٌ سَبْعِ سِنِينَ، فَإِنْ رَضِيَ مَكَانَفَتَهُ لَاءِ حُدَى وَعِشْرِينَ وَإِنَّا فَاضِرِبٌ عَلَى جَنْبِهِ؛ فَفَدَّ اعْتَذَرَتْ أَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»**

### سؤال اول: مصدر حدیث چیست؟

اولین نکته‌ای که در مورد حدیث فوق و به طوری کلی در بررسی احادیث باید مورد بحث قرار گیرد، مصدری است که حدیث در آن مصدر روایت و ذکر شده است؛ معنای مصدر نیز قدیمی‌ترین منبع حدیثی است که روایت شریف در آن ضبط شده است. با تتبع در کتب حدیثی و روایی مشخص گردید که روایت فوق در کتاب مکام الاخلاق ص ۴۷۸ روایت گردیده است.

تاریخ شهادت پیامبر ﷺ: سال ۱۱ هجری قمری

تاریخ وفات مؤلف کتاب مکارم الاخلاق حسن بن فضل طبرسی: قرن ۶ هجری قمری

### سؤال دوم: جایگاه سند در اتکای به اشراف چیست؟

در سؤال دوم در مورد یک حدیث باید به طور کلی به تبیین جایگاه سند در اتکا به اشراف بحث کرد؛ در واقع باید مشخص کرد که سند چه نقشی در رساندن علم متکی به اشراف - حدیث معصوم علیه السلام - به ما دارد؟ در واقع در این بخش تعریف جدیدی از سند ارائه می‌گردد که محور آن، مسئله هدایت ابناء بشر توسط معصوم علیه السلام است و سند به عنوان یکی از ابزارهای معصوم علیه السلام برای مدیریت امر هدایت در عالم تعریف می‌شود، نه به عنوان ابزاری که ما برای رسیدن به معصوم علیه السلام از آن استفاده می‌کنیم.

برای درک نکته فوق باید دقت کرد که معصوم علیه السلام - که حدیث از او صادر می‌شود - در تمام شئون و حالات خود مترصد امر هدایت جامعه بوده و در حال جریان دادن امر بسیار مهم هدایت در جامعه است. حال امام معصوم علیه السلام برای جریان دادن هدایت در جامعه از ساختارها و راه‌های مختلفی استفاده می‌کند که یکی از این ساختارها، جاری کردن هدایت در جامعه از طریق یک فرد مؤمن است که در واقع این فرد مؤمن، همان سند است. در واقع سند یک روایت، ابزاری برای رسیدن ما به معصوم علیه السلام نیست؛ بلکه سند، فرد مؤمنی است که معصوم علیه السلام از آن برای جاری کردن هدایت در جامعه و هدایت انسان‌ها بهره می‌برد و در حقیقت بزرگترین لطف و رحمتی که شامل حال یک فرد مؤمن می‌شود نیز همین موضوع است که خدای متعال و معصوم علیه السلام او را به عنوان یار خود قرار داده و امر خود را از طریق او در جامعه جاری و ساری کنند، بزرگ‌ترین نعمتی که خدای متعال به یک فرد می‌دهد داخل کردن او در بهشت نیست، بلکه بزرگترین نعمت برای یک فرد مؤمن قرار گرفتن او در طریق هدایت و رساندن هدایت از طریق او به جامعه است. بنابراین سند یعنی فرد مؤمن انتخاب شده توسط معصوم علیه السلام یکی از راه‌هایی است که معصوم علیه السلام از طریق آن، علم مبتنی بر اشراف خود را در جامعه جریان داده و جامعه را هدایت می‌کند.

### سؤال سوم: ساختار اتکا به اشراف به صورت استظهاری چیست؟

نکته‌ای که در سؤال سوم باید مورد دقت قرار گیرد این است که معصوم علیه السلام به عنوان مدیر هدایت در عالم، امر هدایت را تنها از طریق سند - فرد مؤمن انتخاب‌شده - در عالم جریان نمی‌دهد، بلکه ساختارهای دیگری نیز وجود دارد که افراد جامعه در زمان غیبت معصوم علیه السلام نیز می‌توانند از آن طریق هدایت را دریافت نموده و در جامعه جریان دهند، زیرا معصوم علیه السلام همواره حی و زنده بوده و مجری امر هدایت در عالم است و این امر را با ساختارهای مختلفی در جامعه جریان می‌دهد که سند یکی از آنهاست. در ادامه به بررسی استظهاری چند مورد از ساختارها و راه‌های اتکا به اشراف - ساختارهایی که معصوم علیه السلام امر هدایت را در جامعه جاری می‌کند - می‌پردازیم.

الف) زیارت: یکی از راه‌هایی که افراد می‌توانند از طریق آن امر هدایت و علم مبتنی بر اشراف را از معصوم علیه السلام تلقی کنند، زیارت معصومین علیهم السلام است که به دلیل زنده بودن همیشگی معصومین علیهم السلام، زیارت منحصر به حضور و ظهور امام نمی‌باشد، بلکه می‌توان از طریق زیارت قبور ائمه نیز به علم مبتنی بر اشراف دست یافت و هدایت را از معصوم علیه السلام تلقی نموده و توفیق حضور در طریق هدایت و یاری امام معصوم علیه السلام را به دست آورد.

دلیل استظهاری این مطلب نیز روایت شریف امام حسین علیه السلام است که می‌فرماید: «مَنْ أَتَانَا لَمْ يَغْدَمْ حَظْلَةً مِنْ أَرْبَعٍ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ وَ قَضِيَّةٌ عَادِلَةٌ وَ أَحَا مُسْتَفَادًا وَ مُجَالَسَةٌ الْعُلَمَاءِ»؛ هر کس به نزد ما آید هیچ یک از این چهار خصلت را از دست نمی‌دهد ۱. نشانه‌های محکم و استوار (که همان علم است) می‌شوند ۲. از قضاوتی عادلانه برخوردار می‌گردد ۳. با برادری سودمند و پرفایده روبرو خواهد شد ۴. اجر و پاداش مصاحبت و هم‌نشینی با علما و دانشمندان را خواهد برد.

ب) سند روایت: یکی دیگر از ساختارهای اتکا به اشراف و گسترش هدایت در جامعه توسط معصوم علیه السلام، مسئله سند روایت است که در سؤال دوم از همین پیوست سند به مؤمن انتخاب شده توسط معصوم علیه السلام برای جریان امر هدایت در جامعه تعریف گردید.

اهمیت سند روایت در اتکا به اشراف و گسترش هدایت در جامعه توسط معصوم علیه السلام نیز از طریق روایت امام صادق علیه السلام استظهار می‌گردد؛ «قَالَ جَعَزْتُ بِنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام اغْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا عِنْدَنَا عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ عَنَّا وَ فَهْمِهِمْ مِنَّا»؛ منزلت شیعیان نزد ما را به قدر روایاتی که از ما روایت می‌کنند و فهمی که از ما دارند بشناسید. در این روایت این نکته بیان شده است که منزلت و قدر هر فرد نزد امام علیه السلام، به میزان روایاتی است که از امام نقل می‌کند و فهمی است که از امام دارد؛ یعنی فرد هر قدر منزلت بالاتری داشته باشد امام علیه السلام بیشتر از او در مسئله مدیریت هدایت استفاده می‌کند و قدر و منزلت بیشتری نزد امام علیه السلام دارد و روایات بیشتری را از امام علیه السلام نقل می‌کند.

غیبت نعمانی، ص ۲۲

ج) عمل به علم: از دیگر ساختارهای اتکا به اشراف، عمل به علم است؛ هر فرد به میزان عملی که به علم خود دارد، علم بیشتری را از معصوم علیه السلام دریافت می‌کند و از این راه در طریق مدیریت هدایت توسط معصوم علیه السلام قرار می‌گیرد. نقش عمل به علم در اتکا به اشراف نیز از روایت «قَوْلُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَزَقَهُ اللَّهُ عِلْمًا مَا لَمْ يَعْلَمْ» استفاده می‌گردد؛ هر کس به چیزی که می‌داند عمل کند خداوند علم آنچه را که نمی‌داند به او می‌دهد. بنابراین از طریق عمل به علم نیز می‌توان مجرای علم مبتنی بر اشراف قرار گرفت.

بحار الانوار ج ۴۰ ص ۱۲۸

### سؤال چهارم: فرایند هدایت مرتبط با این روایت چیست؟

چهارمین سؤالی که در مورد حدیث فوق مطرح می‌باشد این است که این روایت کدام فرایند مرتبط با هدایت را تشریح می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤال مقدمتاً باید به این نکته دقت کرد که هر کلامی که از معصوم علیه السلام صادر می‌شود به غرض ایجاد هدایت در جامعه بوده و یک یا چند بُعد از ابعاد هدایت را مورد بحث قرار می‌دهد، زیرا معصوم علیه السلام هدفی جز هدایت جامعه ندارد و تمام سخنان او نیز به همین غرض صادر می‌شود. پس باید نقش حدیث فوق را در فرایند هدایت مشخص کرد و بیان نمود که حدیث فوق کدام بُعد از ابعاد مختلف هدایت را بیان می‌دارد؟ در پاسخ به سؤال فوق باید گفت که این حدیث با یکی از زیرساخت‌های نه‌گانه هدایت یعنی مسئله تربیت مرتبط است؛ برای فهم این مطلب باید دقت داشت که از منظر آیات و روایات هدایت جامعه امری نیست که تنها از طریق بیان و گفتگو تحقق پذیرد، بلکه غیر از بیان نیازمند زیرساخت‌های غیر بیانی دیگری هست که در اولین نقشه الگوی پیشرفت اسلامی که مورد از زیرساخت‌های هدایت (بیانی و غیر بیانی) استظهار شده است و یکی از این زیرساخت‌ها مسئله تربیت است.

اگر تربیت افراد به شکلی که در اسلام گفته شده است رقم نخورده و مبتنی بر قواعد و آداب اشتباهی صورت گیرد نتیجه‌ای که ایجاد می‌شود افزایش ضلالت و گمراهی در جامعه است، تربیت آنطور که اسلام فرموده یک امر غیر بیانی است، اما تأثیر فوق‌العاده بالایی در امر هدایت دارد و روایت فوق نیز با این زیرساخت حیاتی هدایت مرتبط است.

### سؤال پنجم: این روایت دقیقاً چه نقشی در فرایند هدایت مرتبط با خود دارد؟

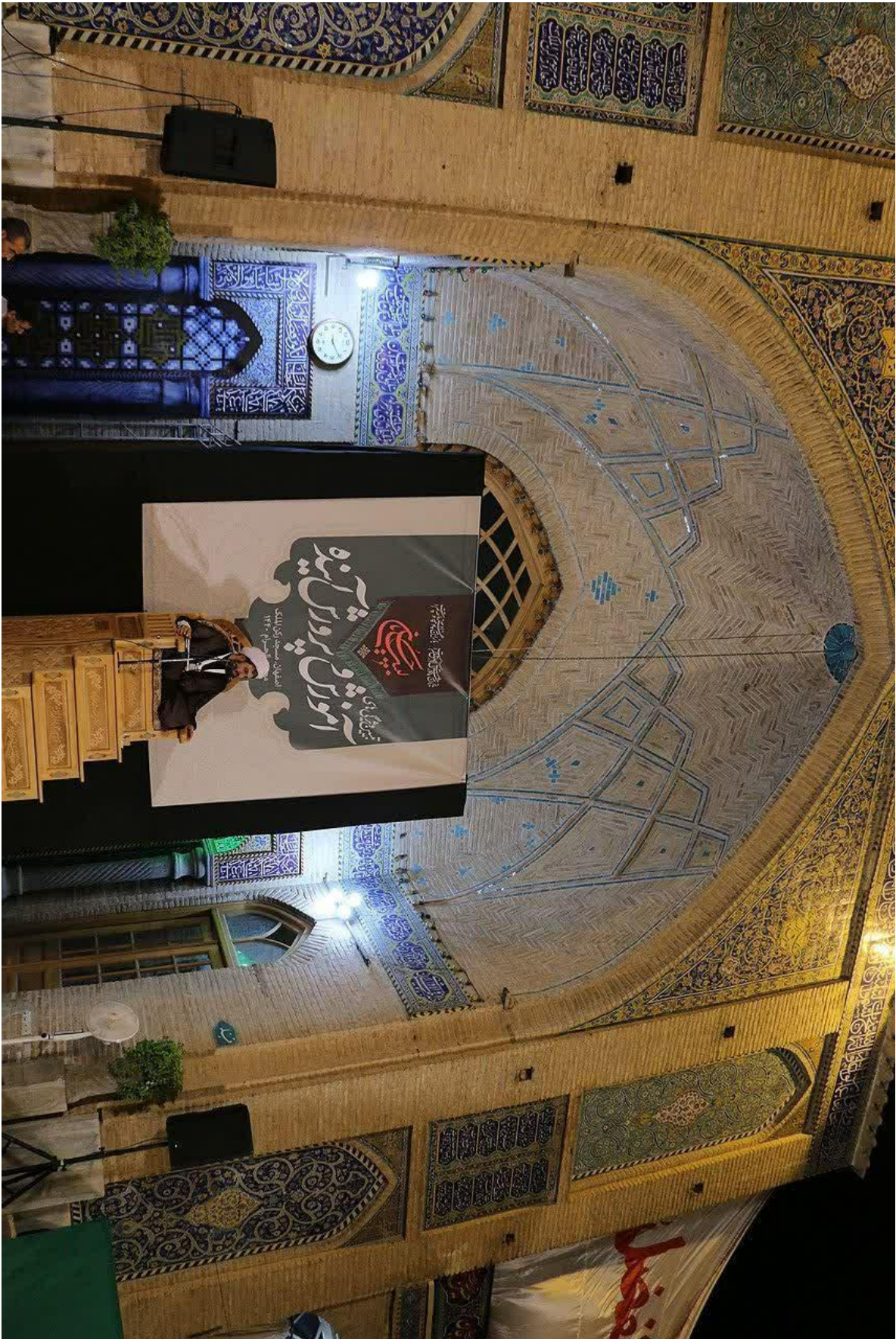
پس از اینکه مشخص گردید روایت فوق با مسئله تربیت به عنوان یکی از زیرساخت‌های هدایت مرتبط است در سؤال پنجم باید تشریح کرد که این روایت چه نقشی در فرایند هدایت مرتبط با خود و در مسئله تربیت دارد؛ در سؤال چهارم مشخص شد که تربیت یکی از زیرساخت‌های هدایت است، حالا باید دید این روایت چه جنبه‌ای از مسئله تربیت به عنوان یکی از زیرساخت‌های هدایت را بحث می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که روایت فوق در مقام نظام مقایسه‌ی تعریف صحیح از تربیت با تعریف غلط از تربیت است؛ در حال حاضر تصور عمده از تربیت این است که تربیت به معنای بیان پاره‌ای امور اخلاقی خرد و نوشتن کتب اخلاقی یا منابر اخلاقی و مواردی از این دست است، اما روایت شریفه در مقام تکمیل این دیدگاه بوده و بیان می‌دارد که تربیت تنها بیان امور اخلاقی نیست، بلکه عمدتاً به معنای ارتقاء ظرفیت فرزند از طریق مدیریت درست مراحل زندگی اوست که در این روایت شریفه به سه مقطع و با یک نگاه به چهار مقطع از زندگی فرد اشاره کرده و اصول اساسی تربیتی برای ارتقاء ظرفیت فرزند را بیان می‌کند؛ در هفت سال اول باید سیادت فرزند را به رسمیت شناخت تا ظرفیت تصمیم‌گیری و شجاعت در فرزند ایجاد شود. در هفت سال دوم باید فرزند را عبد قرار داده و از طریق امر و نهی تأدیب کرد تا ظرفیت پذیرش و تحمل در او ایجاد گردد. در هفت سال سوم باید فرزند را وزیر قرار داده و از او در امور مشورت گرفت تا ظرفیت مشورت در او ایجاد شود. پس از ۲۱ سالگی نیز باید

اختیار تصمیمات فرزند را به دست خود او داد تا آموخته‌های خود در مراحل قبلی را به صورت مستقل به کار بندد تا ملکات و صفات و آداب در او تثبیت شوند. بنابراین روایت فوق در مقام نظام مقایسه تعریف تربیت قرار داد و از این طریق در فرایند مرتبط با هدایت ایفای نقش می‌کند.





پیوست رسانه‌ای



# شناسنامه محتوایی

دوره مباحثاتی آموزش و پرورش آینده

## نظام سؤالات اصلی

این دوره مباحثاتی در پی پاسخگویی به ۷ سؤال اصلی برآمده است.

???

## نظام سؤالات فرعی

این دوره مباحثاتی در پاسخ به ۳۸ سؤال فرعی نوشته شده است.



الگوی جدیدنگهبانی



## نظام اصطلاحات

نظام اصطلاحات این جلسه ۸۶ عدد می باشد.



## نظام ارجاعات

این دوره مباحثاتی ۱۹۹ ارجاع به ۷۹ مرجع کتبی را شامل می شود



### نظام سؤالات

۱. محورهای سه‌گانه اشکالات نظام آموزش و پرورش فعلی چیست؟
  - ۱/۱. هدف‌گذاری آموزش و پرورش فعلی چیست؟
  - ۱/۱/۱. علت غلط‌بودن هدف‌گذاری فعلی آموزش و پرورش فعلی چیست؟
  - ۱/۲. محتوای آموزش و پرورش فعلی چیست؟
  - ۱/۲/۱. علت غلط‌بودن محتوای فعلی آموزش و پرورش فعلی چیست؟
  - ۱/۲/۲. محتوای آموزش و پرورش فعلی به چند دسته تقسیم می‌شود؟
  - ۱/۳. روش تعلیم و تعلم در آموزش و پرورش فعلی چیست؟
  - ۱/۳/۱. علت غلط بودن روش تعلیم و تعلم در آموزش و پرورش فعلی چیست؟
۲. ویژگی‌های سه‌گانه آموزش و پرورش آینده چیست؟ (پیشنهادات الگوی پیشرفت اسلامی برای رفع معایب سه‌گانه آموزش و پرورش فعلی چیست؟)
  - ۲/۱. هدف‌گذاری آموزش و پرورش آینده چیست؟
  - ۲/۲. محتوای آموزش و پرورش آینده چیست؟
  - ۲/۲/۱. محتوای آموزش و پرورش آینده به چند دسته علم تقسیم می‌شود؟
  - ۲/۳. روش تعلیم و تعلم در آموزش و پرورش آینده چیست؟
  - ۲/۳/۱. تفکر از نگاه اسلام به چند سطح تقسیم می‌شود؟
  - ۲/۳/۱/۱. ثمره مرحله اول تفکر برای آموزش و پرورش چیست؟
  - ۲/۳/۱/۲. ثمره مرحله دوم تفکر برای آموزش و پرورش چیست؟
  - ۲/۳/۱/۳. ثمره مرحله سوم تفکر برای آموزش و پرورش چیست؟
  - ۲/۳/۱/۴. ثمره مرحله چهارم تفکر برای آموزش و پرورش چیست؟
  - ۲/۳/۱/۵. ثمره مرحله پنجم تفکر برای آموزش و پرورش چیست؟
  ۳. گام اول برای حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده چیست؟
    - ۳/۱. چند نوع نگاه تربیتی وجود دارد؟
    - ۳/۲. فایده ارتقاء ظرفیت چیست؟
  ۴. تکنیک‌ها و مراحل پنجگانه ارتقاء ظرفیت (به عنوان گام اول حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده) کدام است؟
    - ۴/۱. مرحله اول ارتقاء ظرفیت کدام است؟
    - ۴/۱/۱. مراحل درونی مرحله اول ارتقاء ظرفیت کدام است؟
    - ۴/۱/۲. ثمره مرحله اول ارتقاء ظرفیت چیست؟
    - ۴/۲. مرحله دوم ارتقاء ظرفیت کدام است؟
    - ۴/۲/۱. محور مرحله دوم ارتقاء ظرفیت چیست؟
    - ۴/۲/۲. مرحله دوم ارتقاء ظرفیت چه ثمره‌ای دارد؟
    - ۴/۳. مرحله سوم ارتقاء ظرفیت کدام است؟
    - ۴/۳/۱. محور مرحله سوم ارتقاء ظرفیت کدام است؟
    - ۴/۳/۲. ثمره مرحله سوم ارتقاء ظرفیت چیست؟
    - ۴/۴. مرحله چهارم ارتقاء ظرفیت کدام است؟
    - ۴/۴/۱. محور مرحله چهارم ارتقاء ظرفیت کدام است؟
    - ۴/۴/۲. ثمره مرحله چهارم ارتقاء ظرفیت چیست؟
    - ۴/۵. مرحله پنجم ارتقاء ظرفیت کدام است؟

- ۴/۵/۱. محور مرحله پنجم ارتقاء ظرفیت کدام است؟
- ۴/۵/۲. ثمره مرحله پنجم ارتقاء ظرفیت چیست؟
۵. نهاد اصلی مدیریت مراحل پنجگانه تربیت و ارتقاء ظرفیت چه نهادی است؟
- ۵/۱. با محور شدن نهاد خانواده در ارتقاء ظرفیت و تربیت، آموزش و پرورش چه نقشی در تربیت پیدا می‌کند؟
۶. برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت پیشنهادی برای تقویت نهاد خانواده و ارتقاء ظرفیت چیست؟
- ۶/۱. برنامه بلندمدت برای تقویت نهاد خانواده چیست؟
- ۶/۱/۱. مشکل هزینه مسکن خانواده را چگونه حل کنیم؟
- ۶/۱/۲. مسکن خانواده‌ها را در چه قالبی بسازیم تا خانواده تقویت شود؟
- ۶/۱/۲/۱. ساخت خانه در قالب محله چه فوایدی دارد؟
- ۶/۱/۲/۱/۱. تعریف به عنوان یکی از فواید محله‌محوری چه ثمراتی دارد؟
۷. سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش (به عنوان رقیب اصلی نظریه آموزش و پرورش آینده) چه معایب و انحرافات دارد؟
- ۷/۱. جایگاه سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش در میان اسناد بین‌المللی چیست؟
- ۷/۱/۱. نتیجه اجرای اسناد بین‌المللی چیست؟
- ۷/۲. شکل اجرای خاص سند ۲۰۳۰ چیست؟
- ۷/۲/۱. نتیجه شکل اجرای خاص سند ۲۰۳۰ چیست؟
- ۷/۳. سند ۲۰۳۰ و اسناد بین‌المللی حاوی چه تعاریف متعارض با تعاریف دینی هستند؟

### نظام اصطلاحات

نظام اصطلاحات دیگران	نظام اصطلاحات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
<p>سرمایه‌داری - ارزش واسط - رشد ناخالص ملی - جوامع صنعتی - پوزیتیویست - تعادل اجتماعی - اپوزوسیون - فضای کسب و کار - ریسک‌پذیری - بیش‌فعالی فرزند - متابولیسم - ریزمغذی - درشت مغذی - الگوی تغذیه - هسته‌های تصمیم‌ساز - زنان مردواره - اصلاحات ارضی - ارزش پول ملی - هژمونی - اصل آهنین منافع شخصی - اقتصاد کلان - اقتصاد توسعه - تحریک حرص - خانواده هسته‌ای - TOD - کنوانسیون - آموزش جنسی - اهداف توسعه پایدار - NGO - برابری جنسیتی - تعریف خانواده در اسناد بین‌المللی - تعریف فقر در اسناد بین‌المللی - تعریف خشونت در اسناد بین‌المللی - تراریخته - آزادی انتخاب گسترده - لیبرالیسم - توانمندسازی - نظام ژنوم - دستکاری ژنتیکی - جایزه جهانی غذا - بیوتروریسم - شهر خلاق - شهر انسانی</p>	<p>شاخصه‌های اسلامی - بهینه روابط انسانی - العلم سلطان - زیرساخت شغل - زیرساخت نفی سبیل - زیرساخت بیان - زیرساخت معرفه‌الامام - زیرساخت علم - زیرساخت نظم اجتماعی - زیرساخت شاخص‌های ارزیابی - زیرساخت عبرت - زیرساخت تربیت و تزکیه - تحریک فکر - تأمل - تعقل - تدبیر - تجرب - تفقه - ارتقاء ظرفیت - مراحل ارتقا ظرفیت ظرفیت - ظرفیت تصمیم‌گیری - سن استقلال - ظرفیت تبعیت - ظرفیت مشورت - درایه - علم غیر نافع - علم نافع - نهاد ظرفیت‌ساز - نهاد متکفل تربیت - رفق - مسکن‌های وقفی - محله وقفی - تربیت جنسی - سود آخرتی - سود ارتباطی - تحریک ایثار - محله - شناسنامه مشاغل قابل ارائه در محلات - نیازهای چهارگانه خانواده - تعارف - خودکنترلی - مدیریت محله‌ای</p>

## نظام ارجاعات

١. قرآن كريم / ٨ بار
٢. نهج البلاغه / ٤ بار  
شريف الرضي، محمد بن حسين (٤٠٦ ق)، محقق: صالح، صبحي، قم: هجرت (١٤١٤ ق)
٣. الكافي / ٣١ بار  
كليتي، محمد بن يعقوب (٣٢٩ ق)، تهران: دار الكتب الإسلامية (١٤٠٧ ق)
٤. من لا يحضره الفقيه / ٣ بار  
ابن بابويه، محمد بن علي (٣٨١ ق)، قم: دفتر انتشارات اسلامي (١٤١٣ ق)
٥. تهذيب الاحكام / ١ بار  
طوسي، محمد بن الحسن (٤٦٠ ق)، قم: دار الكتب الإسلامية (١٤٠٧ ق)
٦. الخصال / ٤ بار  
ابن بابويه، محمد بن علي (٣٨١ ق)، قم: جامعه مدرسين (١٣٦٢ ش)
٧. الاختصاص / ٥ بار  
مفيد، محمد بن محمد (٤١٣ ق)، قم: المؤتمر العالمي لالفية الشيخ المفيد (١٤١٣ ق)
٨. كمال الدين / ١ بار  
ابن بابويه، محمد بن علي (٣٨١ ق)، تهران: اسلاميه (١٣٩٥ ق)
٩. بحار الانوار / ٨ بار  
مجلسي، محمد باقر بن محمد تقى (١١١٠ ق)، بيروت: دار إحياء التراث العربي (١٤٠٣ ق)
١٠. مكارم الاخلاق / ١ بار  
طبرسي، حسن بن فضل (٥٤٨ ق)، قم: الشريف الرضي (١٤١٢ ق)
١١. وسائل الشيعة / ٢ بار  
شيخ حر عاملي، محمد بن حسن (١١٠٤ ق)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام (١٤٠٩ ق)
١٢. امالي للطوسي / ٤ بار  
طوسي، محمد بن الحسن (٤٦٠ ق)، قم: دار الثقافة (١٤١٤ ق)
١٣. تفسير قمي / ١ بار
١٤. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / ١ بار  
نوري، حسين بن محمد تقى (١٣٢٠ ق)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام (١٤٠٨ ق)
١٥. تحف العقول / ١ بار  
ابن شعبه حراني، حسن بن علي (متوفى قرن ٤)، قم: جامعه مدرسين (١٤٠٤ ق)
١٦. تحرير المواعظ العددية / ١ بار  
مشكيني، علي (١٣٨٦ ش)، قم: نشر الهادي (١٣٨٢ ش)
١٧. مشكاة الانوار في غرر الاخبار / ١ بار  
طبرسي، علي بن حسن (٦٠٠ ق)، نجف: المكتبة الحيدرية (١٣٨٥ ق)
١٨. نهج الفصاحه / ٢ بار  
پاينده، ابوالقاسم (١٣٦٣ ش)، تهران: انتشارات دنياى دانش (١٣٨٢ ش)
١٩. الزام الناصب / ١ بار  
يزدي حابري، علي (١٣٣٣ ق)، بيروت: مؤسسة الاعلمي (١٤٢٢ ق)
٢٠. اعلام الدين في صفات المؤمنين / ٢ بار  
ديلمي، حسن بن محمد (٨٤١ ق)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام (١٤٠٨ ق)
٢١. سفينة البحار / ١ بار

قمی، عباس (۱۳۵۹ ق)، قم: انتشارات اسوه (۱۴۱۴ ق)

۲۲. کنزالعمال / ۲ بار

متقی، علی بن حسام الدین (۹۷۵ ق)، بیروت: دار الکتب العلمیه (۱۴۱۹ ق)

۲۳. شرح نهج البلاغه / ۲ بار

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۶۵۶ ق)، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی (۱۴۰۴ ق)

۲۴. البدائة و النهاية / ۱ بار

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل (۷۷۴ ق)، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی (۱۴۰۸ ق)

۲۵. تاریخ یعقوبی / ۱ بار

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۲۸۴ ق)، بیروت: دار صادر

۲۶. تفسیر ابن وهب / ۱ بار

دینوری، عبدالله بن محمد (۳۰۸ ق)، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون (۱۴۲۴)

۲۷. صحیفه امام خمینی / ۱ بار

خمینی، روح الله (۱۳۶۸ ش)، تهران: درباره مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (۱۳۸۹ ش)

۲۸. عیون الحکم و المواعظ / ۱ بار

لیثی واسطی، علی بن محمد (قرن ۶)، قم: دارالحدیث (۱۳۷۶ ش)

۲۹. جهان زیر سلطه صهیونیسم / ۱ بار

رحمانی، شمس الدین، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۶۱)

۳۰. صهیونیسم چه می‌خواهد؟ پروتکل‌های جلسات زعمای صهیونیسم / ۱ بار

۳۱. سلطه پنهانی / ۱ بار

صفاتاج، مجید، تهران: انتشارات آرون (۱۳۸۳)

۳۲. مقاله Economic Possibilities for our Grandchildren

مینارد کینز، جان (۱۹۴۶ م) / ۱۹۳۰ میلادی

۳۳. کندوکاوها و پنداشته‌ها / ۱ بار

رفیع‌پور، فرامرز، تهران: شرکت سهامی انتشار، (۱۳۶۰)

۳۴. مجله نقد و نظر / ۱ بار

ملکیان، مصطفی، سنت‌گرایی، مجله نقد و نظر، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۷

۳۵. اقتصاد: اصول عملیاتی / ۱ بار

O'Sullivan, Arthur; Sheffrin, Steven M. (۲۰۰۳), Economics: Principles in Action, Upper Saddle River, New Jersey, ۰۷۴۵۸: Pearson Prentice Hall

۳۶. فرهنگ اقتصاد در بازرگانی / ۱ بار

قره‌باغیان، مرتضی، تهران: انتشارات رسا (۱۳۷۶)

۳۷. نظام آموزشی و ساخت ایران مدرن / ۱ بار

منشاری، دیوید، ترجمه: عرفان مصلح، محمدحسین بادامچی، تهران: نشر حکمت (۱۳۹۷)

۳۸. مدارهای توسعه‌نیافتگی / ۲ بار

عظیمی، حسین (۱۳۸۲ ش)، تهران: نشر نی (۱۳۸۳)

۳۹. نو ارغنون / ۱ بار

بیکن، فرانسیس (۱۶۲۶ م)، نو ارغنون، ترجمه محمود صناعی، تهران: نشر جامی (۱۳۹۲ ش)

۴۰. کاهش شهر برای کاهش وابستگی خودرو / ۱ بار

پیتر نیومن و نورث جفری، طراحی شهر برای کاهش وابستگی خودرو

۴۱. توسعه اقتصادی و رشد هوشمند / ۱ بار

الکس آیمز و کاپلان پیپر، توسعه اقتصادی و رشد هوشمند

۴۲. کتاب غرب‌زدگی / ۱ بار

آل احمد، جلال (۱۳۴۸ ش)، تهران: انتشارات خرم (۱۳۸۵ ش)

۴۳. کتاب ثروت ملل / ۱ بار

اسمیت، آدام (۱۷۹۰ م)

۴۴. فارسنامه ناصری / ۱ بار

فسایی، حسن بن حسن (۱۳۶۶ ق)، تهران: امیرکبی (۱۳۸۲)

۴۵. حکم نافذ آقا نجفی / ۲ بار

نجفی، موسی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (۱۳۹۵)

۴۶. تاریخ مشروطیت اصفهان / ۱ بار

رجایی، عبدالمهدی، اصفهان: سازمان فرهنگی هنری شهرداری اصفهان

۴۷. کتاب توانمندسازی و کاهش فقر / ۱ بار

مترجمان: فرزاد پوراغفر سنگاچین، جواد رضوانی ص ۲۵ [ترجمه و ویراستاری و انتشار با تأمین مالی پروژه مشترک دولت جمهوری اسلامی ایران (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) با برنامه توسعه ملل متحد]

۴۸. وبسایت رسمی ثبت احوال کشور / ۱ بار

۴۹. وبسایت خبرگزاری ایسنا / ۷ بار

۵۰. وبسایت کمیسیون ملی یونسکو در ایران / ۱ بار

۵۱. روزنامه اعتماد / ۱ بار

۵۲. وبسایت باشگاه خبرنگاران جوان / ۱ بار

۵۳. پایگاه خبری تابناک / ۱ بار

۵۴. وبسایت رسمی سازمان آموزش و پرورش کشور / ۱ بار

۵۵. وبسایت خبرگزاری فارس / ۱۸ بار

۵۶. وبسایت خبرگزاری تسنیم / ۱۲ بار

۵۷. وبسایت جایزه جهانی غذا / ۱ بار

۵۸. وبسایت شبکه اطلاع‌رسانی دانا / ۱ بار

۵۹. وبسایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / ۴ بار

۶۰. سامانه میانگین موزون سنا / ۱ بار

۶۱. وبسایت دیده‌بان حقوق بشر / ۱ بار

۶۲. وبسایت خبرگزاری صدا و سیما / ۲ بار

۶۳. وبسایت خبرگزاری خانه ملت / ۲ بار

۶۴. وبسایت خبرگزاری میزان / ۱ بار

۶۵. وبسایت خبرگزاری ایلنا / ۲ بار

۶۶. وبسایت معاونت حقوقی ریاست جمهوری اسلامی ایران / ۱ بار

۶۷. وبسایت رسمی ناظر واتیکان در سازمان ملل متحد / ۱ بار

۶۸. وبسایت خبرگزاری خبرآنلاین / ۲ بار

۶۹. وبسایت خبرگزاری مهر / ۲ بار

۷۰. وبسایت خبرگزاری ایکنا / ۱ بار

۷۱. وبسایت خبرگزاری ایرنا / ۳ بار
۷۲. وبسایت خبرگزاری شبستان / ۱ بار
۷۳. روزنامه جبل المتین کلکته / ۱ بار
۷۴. وبسایت فرهنگستان علوم اسلامی قم / ۱ بار
۷۵. وبسایت واشینگتن تایمز / ۱ بار
۷۶. وبسایت رسمی دفتر آمار اروپا / ۱ بار
۷۷. وبسایت دفتر تدوین مقررات ملی ساختمان / ۱ بار
۷۸. وبسایت مرکز ارتباطات مردمی قوه قضائیه / ۱ بار
۷۹. وبسایت رسمی سازمان ملل / ۱ بار

## فهرست تفصیلی دوره

### جلسه اول

۱. ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش فعلی و ایجاد مشکلات فراوان در کشور؛ دلیل ضرورت تغییر نظم آموزشی فعلی ..... ۱
- ۱/۱. افزایش آمار طلاق؛ یکی از مشکلات ناشی از نظام آموزشی ناکارآمد کنونی ..... ۲
- ۱/۲. بهم ریختگی وضعیت اقتصادی کشور به دلیل عدم آموزش مسائل مرتبط با شغل؛ دومین مشکل ناشی از نظام آموزشی ناکارآمد کنونی .... ۳
- ۱/۲/۱. کمتر بودن مشکلات اقتصادی در دوران‌های گذشته مانند دوران صفویه به دلیل آموزش مسائل مرتبط با شغل..... ۴
- ۱/۳. انتخاب مسئولین نالایق به دلیل عدم آموزش مسائل مرتبط با انتخاب مسئول و امام؛ سومین مشکل ناشی از نظام آموزشی ناکارآمد کنونی ۴
- ۱/۴. لزوم حرکت به سمت تغییر نظام آموزشی فعلی و ساخت نظام آموزشی مطلوب ..... ۶
۲. طرح چهار دسته بحث در این دوره بحثی به منظور تصویر نظام آموزشی مطلوب ..... ۷
- ۲/۱. رابطه هیئت و حل مسائل اجتماعی مانند تغییر نظم آموزشی؛ دسته اول مباحث این دوره بحثی ..... ۷
- ۲/۱/۱. لزوم پرداختن به مسائل اجتماعی در هیئات و تلاش برای حل معضلات اجتماعی ..... ۷
- ۲/۲. تبیین مشکلات نظام آموزشی فعلی؛ دسته دوم مباحث این دوره بحثی ..... ۷
- ۲/۳. تبیین آموزش و پرورش مطلوب از نگاه اسلام؛ دسته سوم مباحث این دوره بحثی ..... ۷
- ۲/۴. نقد و بررسی آموزش و پرورش مطلوب سند ۲۰۳۰؛ محور چهارم مباحث این دوره بحثی ..... ۸
۹. پیوست‌ها..... ۹
۱۲. نظام سؤالات ..... ۱۲

### جلسه دوم

۱. ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش فعلی و ایجاد مشکلات حادّ در جامعه؛ علت ضرورت تغییر نظم آموزشی کشور ..... ۱۵
- ۱/۱. گسترش طلاق در کشور؛ یکی از شواهد ناکارآمدی نظم آموزشی کشور ..... ۱۵
- ۱/۲. ایجاد مشکلات اقتصادی در کشور؛ یکی دیگر از شواهد ناکارآمدی نظم آموزشی فعلی ..... ۱۶
- ۱/۳. انتخاب مسئولین بی‌کفایت توسط مردم؛ یکی دیگر از شواهد ناکارآمدی نظم آموزشی فعلی ..... ۱۶
۲. وجود سه اشکال اصلی در نظام آموزش و پرورش فعلی کشور..... ۱۷
- ۲/۱. مقدمه بحث: سابقه ۱۰۰ ساله نظام آموزش و پرورش فعلی در کشور ایران..... ۱۷
- ۲/۲. نقد و بررسی نظام آموزش و پرورش فعلی کشور از سه حیث توسط اولین نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی..... ۱۸
- ۲/۲/۱. محور اول اشکالات: هدف از ایجاد نظم آموزشی فعلی (ترتیب تکنسین بخش خدمات و تولید) ..... ۱۸
- ۲/۲/۱/۱. عدم توجه به تربیت و تزکیه انسان‌ها در نظام آموزش و پرورش فعلی؛ دلیل غلط بودن هدف‌گذاری نظام آموزشی فعلی ..... ۱۹
- ۲/۲/۲. محور دوم اشکالات: محتوای آموزش و پرورش فعلی (تکیه صرف بر علوم پایه، علوم تجربی و علوم انسانی برای تصرف در طبیعت) ... ۱۹



- ۲۰ ..... ۲/۲/۲/۱. تنظیم روابط انسانی (العلم سلطان)؛ محور محتوای علم از نگاه اسلام
- ۲۲ ..... ۲/۲/۲/۱/۱. بیان چند مثال از نقش روابط انسانی در آسایش و رفاه افراد
- ۲۴ ..... ۲/۲/۳. محور سوم اشکالات: روش آموزش در آموزش و پرورش فعلی (حفظ محوری)
- ۲۵ ..... پیوست‌ها
- ۲۷ ..... نظام سؤالات

### جلسه سوم

۱. غلط بودن هدف‌گذاری آموزش و پرورش (تربیت تکنسین بخش خدمات و تولید)؛ اشکال اول نظام آموزشی فعلی ..... ۳۱
- ۱/۱. تربیت تکنسین برای بخش خدمات و تولید؛ هدف نظام آموزش و پرورش فعلی ..... ۳۱
- ۱/۲. غلط بودن انحصار هدف‌گذاری در تربیت شغلی و لزوم قرار دادن تربیت همه‌جانبه به عنوان هدف نظام آموزشی ..... ۳۲
۲. غلط بودن نگاه به علم (تعریف علم به عنوان ابزار تصرف در طبیعت) و تدوین محتوای علوم بر اساس این نگاه غلط؛ اشکال دوم نظام آموزش و پرورش فعلی ..... ۳۲
- ۲/۱. نگاه بیکنی به علم (تعریف علم به عنوان ابزار تصرف در طبیعت)؛ محور محتوای آموزشی نظام آموزش و پرورش فعلی ..... ۳۲
- ۲/۲. تقسیم‌بندی علوم به علوم پایه، تجربی و انسانی؛ نتیجه حاکمیت نگاه بیکنی در حوزه علم ..... ۳۲
۳. تعریف علم به "ابزار بهینه روابط انسانی" در نگاه اسلام و تقسیم‌بندی علوم بر مبنای همین نگاه محوری به علم ..... ۳۳
- ۳/۱. غلط بودن تعریف علم به ابزار تصرف در طبیعت و لزوم محور قرار دادن بهینه روابط انسانی در تعریف علم و تقسیم‌بندی محتوای علوم ..... ۳۳
- ۳/۱/۱. آزادسازی ظرفیت‌های انسان و سامان یافتن تمام بخش‌های جامعه مانند صنعت و کشاورزی؛ نتیجه بهینه روابط انسانی ..... ۳۳
- ۳/۲. تعریف علم به ابزار تسلط بر روابط انسانی از طریق استظهار حدیث العلم سلطان ..... ۳۴
- ۳/۲/۱. جلوگیری از حرکت به سمت ظلم در روابط انسانی و تبدیل شدن به سلطان ظالم؛ ثمره علم از نگاه اهل بیت علیهم‌السلام ..... ۳۴
۴. لزوم فراگیری ۹ دسته علم به منظور بهینه روابط انسانی و تسلط بر روابط انسانی (تقسیم‌بندی علوم از نگاه اسلام) ..... ۳۵
- ۴/۱. علم شغل و مکاسب؛ دسته اول علوم مورد نیاز برای بهینه روابط انسانی ..... ۳۵
- ۴/۱/۱. افزایش احتکار در جامعه فعلی ایران؛ نمونه‌ای از به چالش کشیده شدن روابط انسانی در اثر غفلت از علم مکاسب ..... ۳۵
- ۴/۲. علم ایجاد عبرت و مجازات؛ دسته دوم علوم مورد نیاز برای بهینه روابط انسانی ..... ۳۶
- ۴/۲/۱. گسترش گسترده مجازات زندان؛ یکی از نتایج نداشتن علم کافی برای عبرت‌آفرینی و مجازات ..... ۳۶
- ۴/۲/۲. لزوم عبرت‌آفرین بودن و بازدارنده بودن مجازات‌های تعیین‌شده برای مجرمین ..... ۳۶
- ۴/۲/۳. تبیین تمثیلی به چالش کشیده شدن روابط انسانی در صورت نبود علم مورد عبرت و مجازات ..... ۳۷
- ۴/۳. علم تربیت و تزکیه؛ دسته سوم علوم مورد نیاز برای بهینه روابط انسانی ..... ۳۷
- ۴/۴. علم نفی سبیل و مدیریت تسلط دشمن بر کشور؛ دسته چهارم علوم مورد نیاز برای بهینه روابط انسانی ..... ۳۸

۴/۴/۱	تبیین تمثیلی به چالش کشیده شدن روابط انسانی در صورت عدم مقابله با مستکبر و عدم نفی سییل	۳۸
۴/۵	علم نظم اجتماعی؛ دسته پنجم علوم مورد نیاز برای بهینه روابط انسانی	۳۹
۴/۶	علم معرفه الامام و انتخاب امام؛ دسته ششم علوم مورد نیاز برای بهینه روابط انسانی	۳۹
۴/۷	علم بیان و صحبت کردن؛ دسته هفتم علوم مورد نیاز برای بهینه روابط انسانی	۳۹
۴/۸	علم شاخصه‌های ارزیابی؛ دسته هشتم علوم مورد نیاز برای بهینه روابط انسانی	۳۹
۴۲	پیوست‌ها	
۴۴	نظام سؤالات	

### جلسه چهارم

۱	اشتباه در هدف‌گذاری و تدوین محتوا؛ دو مورد از اشکالات نظام آموزش و پرورش فعلی	۴۷
۱/۱	تربیت تکنسین و عدم حرکت به سمت تربیت همه‌جانبه انسان؛ اشکال اول آموزش و پرورش فعلی	۴۷
۱/۲	حاکمیت نگاه بیکنی به علم و تدوین محتوا متناسب با این نگاه؛ اشکال دوم نظام آموزش و پرورش فعلی	۴۷
۲	استفاده از روش حفظ‌محوری و عدم حرکت به سمت تحریک فکر دانش‌آموزان؛ اشکال سوم نظام آموزش و پرورش فعلی	۴۸
۲/۱	از یاد رفتن محفوظات پس از گذشت زمان؛ اشکال اول روش حفظ‌محوری	۴۸
۲/۲	عدم وجود ملازمت بین حفظ یک مطلب و درونی‌سازی و فهم آن؛ اشکال دوم روش حفظ‌محوری	۴۸
۲/۳	لزوم تمرکز سیستم آموزش و پرورش بر روی تحریک فکر در عوض حفظ‌محوری	۴۹
۳	ترسیم پنج سطح برای تحریک فکر در اسلام	۴۹
۳/۱	تأمل؛ سطح اول تفکر از نگاه اسلامی	۵۰
۳/۱/۱	تبیین تمثیلی ایجاد تأمل توسط حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small>	۵۰
۳/۱/۲	بی‌رغبتی دانش‌آموزان به دروس؛ نتیجه عدم ایجاد تأمل در دانش‌آموزان	۵۳
۳/۱/۳	تبیین تأثیر ایجاد تأمل در مدیریت زندگی شخصی و فردی	۵۴
۳/۲	تعقل (سنجش نسبت بین همه امور و خداوند)؛ سطح دوم تفکر از نگاه اسلامی	۵۵
۳/۲/۱	متصل کردن فقر ذاتی انسان‌ها به یک غنی مطلق حمید و در نتیجه ایجاد آرامش برای انسان‌ها؛ ثمره ایجاد تعقل در انسان‌ها	۵۶
۳/۳	تدبیر (سنجش عاقبت امور)؛ سطح سوم تفکر از نگاه اسلامی	۵۷
۳/۳/۱	حرکت فرد به سمت رشد یا به سمت غی؛ ملاک عاقبت‌سنجی امور	۵۸
۳/۳/۲	جلوگیری از تصمیمات غلط فردی و اجتماعی؛ نتیجه گسترش تدبیر در جامعه	۵۸
۳/۴	تجرب؛ سطح چهارم تفکر از نگاه اسلامی	۵۸

- ۳/۴/۱. تبیین تمثیلی ایجاد تجزب برای جامعه ایران توسط امام خامنه‌ای علیه السلام در قضیه برجام ..... ۵۹
- ۳/۵. تفقه (تفکر در کتاب خدا و کلمات معصومین)؛ سطح پنجم تفکر از نگاه اسلامی ..... ۵۹
- ۳/۵/۱. دستیابی به علم خطاناپذیر؛ ثمره تفقه ..... ۵۹
- ۳/۴/۲. متفاوت بودن تجزب مطرح در دین با تجربه پوزیتیویستی ..... ۵۹
- نظام سؤالات ..... ۶۱

### جلسه پنجم

۱. ارتقاء ظرفیت افراد؛ مهم‌ترین لازمه‌ی توانمندکردن افراد برای اجرای در آموزش و پرورش مطلوب ..... ۶۵
- ۱/۱. امکان اجرای دو نوع برنامه تربیتی و لزوم تفکیک بین این دو نوع برنامه؛ مقدمه حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده ..... ۶۵
- ۱/۱/۱. آموزش امور تربیتی خُرد؛ نوع اول برنامه‌های تربیتی ..... ۶۵
- ۱/۱/۲. ارتقاء ظرفیت عقلی، جسمی و اخلاقی افراد؛ دسته دوم برنامه‌های تربیتی ..... ۶۶
- ۱/۲. لزوم اولویت دادن به برنامه ارتقاء ظرفیت به دلیل فراهم شدن زمینه برای اجرای حداکثری امور تربیتی خُرد ..... ۶۶
۲. تمرکز بر روی پنج مرحله تربیتی؛ پیشنهاد اسلام برای ارتقاء ظرفیت افراد ..... ۶۷
- ۲/۱. انتخاب همسر تا تولد فرزند؛ دوره اول ارتقاء ظرفیت ..... ۶۸
- ۲/۲. هفت سال اول زندگی؛ دوره دوم ارتقاء ظرفیت ..... ۶۸
- ۲/۳. هفت سال دوم زندگی؛ دوره سوم ارتقاء ظرفیت ..... ۶۸
- ۲/۴. هفت سال سوم زندگی؛ دوره چهارم ارتقاء ظرفیت ..... ۶۸
- ۲/۵. ۲۱ سالگی تا ۴۰ سالگی؛ دوره پنجم ارتقاء ظرفیت ..... ۶۸
۳. انتخاب همسر، نطفه‌گذاری، دوران حمل؛ مراحل چهارگانه‌ی دوره اول ارتقاء ظرفیت ..... ۶۸
- ۳/۱. انتخاب همسر با توجه به شاخص‌های اسلام؛ مرحله اول دوره اول ارتقاء ظرفیت ..... ۶۸
- ۳/۲. انعقاد نطفه؛ مرحله دوم دوره اول ارتقاء ظرفیت و اثرگذاری این مرحله بر ظرفیت جسمی، اخلاقی و عقلی ..... ۶۹
- ۳/۲/۱. زمان‌ها، مکان‌ها و شرایط انعقاد نطفه؛ محورهای سه‌گانه‌ی شاخص‌های انعقاد نطفه در اسلام ..... ۷۰
- ۳/۳. دوران حمل و وضع حمل؛ مرحله سوم دوره اول ارتقاء ظرفیت ..... ۷۱
۴. هفت سال اول زندگی؛ دوره دوم ارتقاء ظرفیت افراد و لزوم به رسمیت شناختن سیادت فرزند در این دوره ..... ۷۲
- ۴/۱. هفت سال اول زندگی؛ مرحله دوم ارتقاء ظرفیت ..... ۷۲
- ۴/۲. نبود قوه عقل و تحلیل در فرزند و نداشتن شناخت نسبت به جهان؛ ویژگی اصلی هفت سال اول زندگی ..... ۷۲
- ۴/۳. به رسمیت شناختن سیادت فرزند در هفت سال اول؛ اصلی‌ترین وظیفه پدر و مادر به دلیل نبود قوه عقل در فرزند ..... ۷۳

۴/۴. ترسو شدن فرزند و نداشتن قدرت تصمیم‌گیری؛ نتیجه به رسمیت نشناختن سیادت فرزند و امر و نهی‌های مکرر به او در هفت سال اول زندگی ..... ۷۳

۴/۵. قرار ندادن وسایل خطرآفرین در اطراف کودک؛ راه‌حل امر و نهی نکردن به کودک و مقابله با خطرهای تهدیدکننده او ..... ۷۴

پیوست‌ها ..... ۷۶

نظام سؤالات ..... ۷۷

#### جلسه ششم

۱. لزوم تمرکز بر ارتقاء ظرفیت پیش از برنامه‌های تربیتی خُرد و ترسیم ۵ مرحله در اسلام برای ارتقاء ظرفیت افراد ..... ۸۱

۱/۱. لزوم تمرکز بر ارتقاء ظرفیت پیش از تلاش برای به فعلیت رساندن ظرفیت افراد ..... ۸۱

۱/۲. ترسیم ۵ مرحله در اسلام برای ارتقاء ظرفیت ..... ۸۲

۱/۲/۱. انتخاب همسر تا تولد فرزند؛ مرحله اول ارتقاء ظرفیت ..... ۸۲

۱/۲/۲. هفت سال اول زندگی؛ مرحله دوم ارتقاء ظرفیت و لزوم مواظبت بر سیادت حداکثری فرزند در این دوره ..... ۸۲

۱/۲/۳. هفت سال دوم زندگی؛ مرحله سوم ارتقاء ظرفیت و لزوم عبد قرار دادن فرزند در این دوره ..... ۸۳

۱/۲/۴. هفت سال سوم زندگی؛ مرحله چهارم تربیت و لزوم وزیر قرار دادن فرزند در این دوره و مشورت کردن با او ..... ۸۳

۱/۲/۲/۱. سید قرار دادن فرزند در هفت سال اول یعنی بازی کردن فرزند در هفت سال اول و لزوم عدم ممانعت از بازی کردن کودک ..... ۸۴

۱/۲/۳/۱. عبد قرار دادن فرزند در هفت سال دوم یعنی آموزش ادب به او از طریق امر و نهی کردن به او ..... ۸۴

۱/۲/۴/۱. وزیر قرار دادن فرزند در هفت سال سوم یعنی همراه کردن فرزند با خود در تصمیمات و امور مهم ..... ۸۵

۱/۲/۵. ۲۱ تا ۴۰ سالگی؛ مرحله پنجم تربیت و تثبیت ملکات روحی و تربیت انسان به دست خودش در این مرحله ..... ۸۵

۱/۶. بی‌توجهی نظام آموزش و پرورش نسبت به ارتقاء ظرفیت افراد جامعه و در نتیجه ایجاد مشکلات جدی برای دانش‌آموزان ..... ۸۶

۱/۲/۳/۲. امر کردن فرزند به روزه در هفت سال دوم؛ یکی از آداب هفت‌سال دوم و ایجاد قدرت تسلط بر نفس و تصمیمات ..... ۸۷

۲. معرفی خانواده به عنوان محور اصلی تربیت و قرار گرفتن خانواده به عنوان پشتیبان خانواده؛ نتیجه محور بودن ارتقاء ظرفیت در امر تربیت ..... ۸۹

۲/۱. قرار گرفتن آموزش و پرورش به عنوان پشتیبان نهاد خانواده و نه محور اصلی تربیت ..... ۹۰

پیوست‌ها ..... ۹۲

نظام سؤالات ..... ۹۳

#### جلسه هفتم

۱. نهاد خانواده؛ محور اصلی تربیت و ارتقاء ظرفیت و لزوم پشتیبانی و تقویت این نهاد مقدّس ..... ۹۷

۱/۱. محوریت داشتن ارتقاء ظرفیت در امر تربیت ..... ۹۷

۱/۲. محوریت خانواده در تربیت و لزوم تقویت این نهاد به علت انحصار مدیریت ارتقاء ظرفیت در خانواده ..... ۹۷

- ۱/۱/۱. لزوم ارتقاء درک نظام آموزش و پرورش و مردم نسبت به مسئله تربیت (محوریت ارتقاء ظرفیت در تربیت) ..... ۹۸
۲. هزینه‌های بالای تأمین مسکن و جدا شدن دائمی اعضای خانواده در اثر شیوه فعلی ساخت مسکن؛ دو مورد از مشکلات جدی خانواده‌ها و لزوم حل این دو مشکل ..... ۱۰۰
- ۲/۱. وجود چالش‌های متعدد بر سر راه نهاد خانواده و در نتیجه کاهش کارکرد تربیتی این نهاد ..... ۱۰۰
- ۲/۲. بازشماری ۱۰۰ مورد از مشکلات خانواده در نقشه راه و ارائه راه‌حل برای این مشکلات ..... ۱۰۰
- ۲/۳. مسئله مسکن؛ یکی از اصلی‌ترین مشکلات خانواده ..... ۱۰۱
- ۲/۳/۱. بالا بودن هزینه‌های تأمین مسکن؛ مشکل اول خانواده‌ها در مسئله مسکن ..... ۱۰۱
- ۲/۳/۲. نساختن خانه‌ها در محله (با تعریف اسلامی) و جدا شدن دائمی اعضای خانواده از یکدیگر؛ مشکل دوم خانواده‌ها در حوزه مسکن ..... ۱۰۱
۳. امکان حل مشکل هزینه مسکن خانواده‌ها و تأمین مسکن تمام مردم ایران ظرف ۵ الی ۱۰ سال با استفاده از ابرحکم وقف ..... ۱۰۲
- ۳/۱. وجود آمار شگفت‌انگیز از وقف در کشور؛ نشانه‌ای از امکان استفاده از ظرفیت وقف برای تأمین مسکن ..... ۱۰۲
- ۳/۲. امکان تأمین مسکن مردم ایران با استفاده از موقوفات اماکن مقدسه و به محوریت حرم حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ..... ۱۰۳
- ۳/۳. نصف شدن هزینه‌های تشکیل خانواده؛ نتیجه استفاده از ظرفیت وقف در تأمین مسکن ..... ۱۰۳
- ۳/۴. لزوم ساختن مسکن‌های وقفی بر اساس ویژگی‌های بیان‌شده در اسلام برای مسکن ..... ۱۰۴
- ۳/۵. فتوای فقها به جواز وقف مشارکتی؛ یکی از موارد راه‌گشا در ساخت مسکن‌های وقفی ..... ۱۰۴
- پیوست‌ها ..... ۱۰۵
- نظام سؤالات ..... ۱۰۶

### جلسه هشتم

۱. هزینه‌های تأمین مسکن؛ یکی از مشکلات خانواده (نهاد اصلی ارتقاء ظرفیت) و امکان حل این مشکل با استفاده از ظرفیت عظیم وقف ... ۱۰۹
- ۱/۱. محوریت داشتن ارتقاء ظرفیت در امر تربیت و لزوم توجه به این موضوع ..... ۱۰۹
- ۱/۲. محوریت خانواده در تربیت (به دلیل محوریت خانواده در ارتقاء ظرفیت) و لزوم پشتیبانی از این نهاد ..... ۱۰۹
- ۱/۳. هزینه‌های تأمین مسکن؛ یکی از مشکلات اصلی خانواده‌ها ..... ۱۱۰
- ۱/۴. امکان حل مشکل مسکن تمام خانواده‌های ایرانی ظرف ۵ الی ۱۰ سال با استفاده از ظرفیت عظیم موقوفات ..... ۱۱۰
- ۱/۴/۱. نظام مقایسه میان نظریه دینی وقف و نظریه اقتصاد سرمایه‌داری؛ یکی از نتایج تأمین مسکن با استفاده از ظرفیت وقف ..... ۱۱۱
۲. جدا شدن مکرر اعضای خانواده از یکدیگر در شیوه فعلی ساخت مسکن؛ مشکل دوم خانواده‌ها در حوزه مسکن و رفع این مشکل با ساختن خانه‌های وقفی در قالب محله ..... ۱۱۲
- ۲/۱. جدا شدن مکرر اعضای خانواده از یکدیگر در شیوه فعلی ساخت مسکن؛ مشکل دوم خانواده‌ها در حوزه مسکن ..... ۱۱۲
- ۲/۲. لزوم ساخت خانه‌های وقفی در قالب محله ..... ۱۱۳

- ۲/۳. محله یعنی محل تأمین نیازهای چهارگانه خانواده ..... ۱۱۳
۳. مستحکم شدن خانواده به دلیل گسترش ارتباطات اعضای خانواده، ایجاد تعزف و کاهش مسافرت درون شهری؛ سه مورد از فواید بسیار مهم ساخت خانه‌های وقفی در قالب محله ..... ۱۱۵
- ۳/۱. افزایش ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و در نتیجه تحکیم خانواده؛ اولین فایده ساخت خانه‌های وقفی در قالب محله ..... ۱۱۵
- ۳/۲. افزایش تعزف در جامعه؛ فایده دوم ساخت خانه‌های وقفی در قالب محله و وجود حداقل ۳۰ میوه برای تعزف ..... ۱۱۵
- ۳/۲/۱. امنیت و خودکنترلی؛ اولین میوه تعزف ..... ۱۱۵
- ۳/۲/۲. ارتقا کیفیت؛ دومین میوه تعزف ..... ۱۱۶
- ۳/۲/۳. دقیق شدن انتخاب همسر؛ سومین میوه تعزف ..... ۱۱۶
- ۳/۳. کاهش سفرهای درون شهری؛ فایده سوم ساخت خانه‌های وقفی در قالب محله ..... ۱۱۶
۴. تشریح اجمالی محله علی قلی آقا در اصفهان و کارکردهای آن به عنوان یک شاهد بر امکان رفع مشکلات مردم با مدیریت محله‌ای ..... ۱۱۸
- ۴/۱. محله علی قلی آقا؛ یکی از نمونه‌های معماری و شهرسازی و وجود ۷ کارکرد در این محله ..... ۱۱۸
- ۴/۲. کارکرد اول: هدایت آب زاینده رود به این محله در دوران صفویه و پیدایش ۳ فایده مهم از طریق این کار در محله ..... ۱۱۸
- ۴/۳. کارکرد دوم: وجود یک حمام عمومی در این محله و ایجاد فواید بهداشتی و کسب اطلاع از اوضاع محله ..... ۱۱۹
- ۴/۴. کارکرد سوم: وجود یک بازار موقوفه در این محله و ایجاد سه فایده برای محله از طریق این بازار ..... ۱۲۰
- ۴/۵. کارکرد چهارم: وجود یک مسجد در این محله و گسترش علم از طریق آن ..... ۱۲۰
- نظام سؤالات ..... ۱۲۲
- جلسه نهم**
۱. تأمین مسکن خانواده‌ها در قالب محله (محله یعنی محل تأمین نیازهای خانواده)؛ قالب تهیه مسکن‌های وقفی برای خانواده‌ها ..... ۱۲۵
- ۱/۱. لزوم تأمین مسکن خانواده‌ها در قالب محله ..... ۱۲۵
- ۱/۲. افزایش ارتباط اعضای خانواده و در نتیجه تقویت نهاد خانواده؛ نتیجه ساخت مسکن در محله و تأمین نیازهای چهارگانه خانواده در محله ..... ۱۲۶
۲. تهیه شناسنامه مشاغل قابل ارائه در محلات؛ اولین گام برای حرکت به سمت ساختن محله‌های وقفی ..... ۱۲۸
- ۲/۱. از بین بردن شغل‌های محله‌ای با هایپرمارکت‌ها و مگامال‌ها در عوض ایجاد شغل در درون محله؛ اشتباه خطرناک وزارت مسکن و شهرسازی ..... ۱۲۸
۳. اشتراک‌گذاری نظریه آموزش و پرورش آینده در اقشار مختلف جامعه؛ اولین برنامه کوتاه‌مدت برای حرکت به سمت آموزش و پرورش آینده ..... ۱۲۹
- ۳/۱. اولین اقدام برای اشتراک‌گذاری: گفتگو راجع آموزش و پرورش آینده با وزارت آموزش و پرورش، معلمان و خانواده‌ها ..... ۱۳۰
- ۳/۲. دومین اقدام برای اشتراک‌گذاری: تولید و چاپ کتاب‌های مرتبط با نظریه آموزش و پرورش آینده ..... ۱۳۰
- نظام سؤالات ..... ۱۳۳

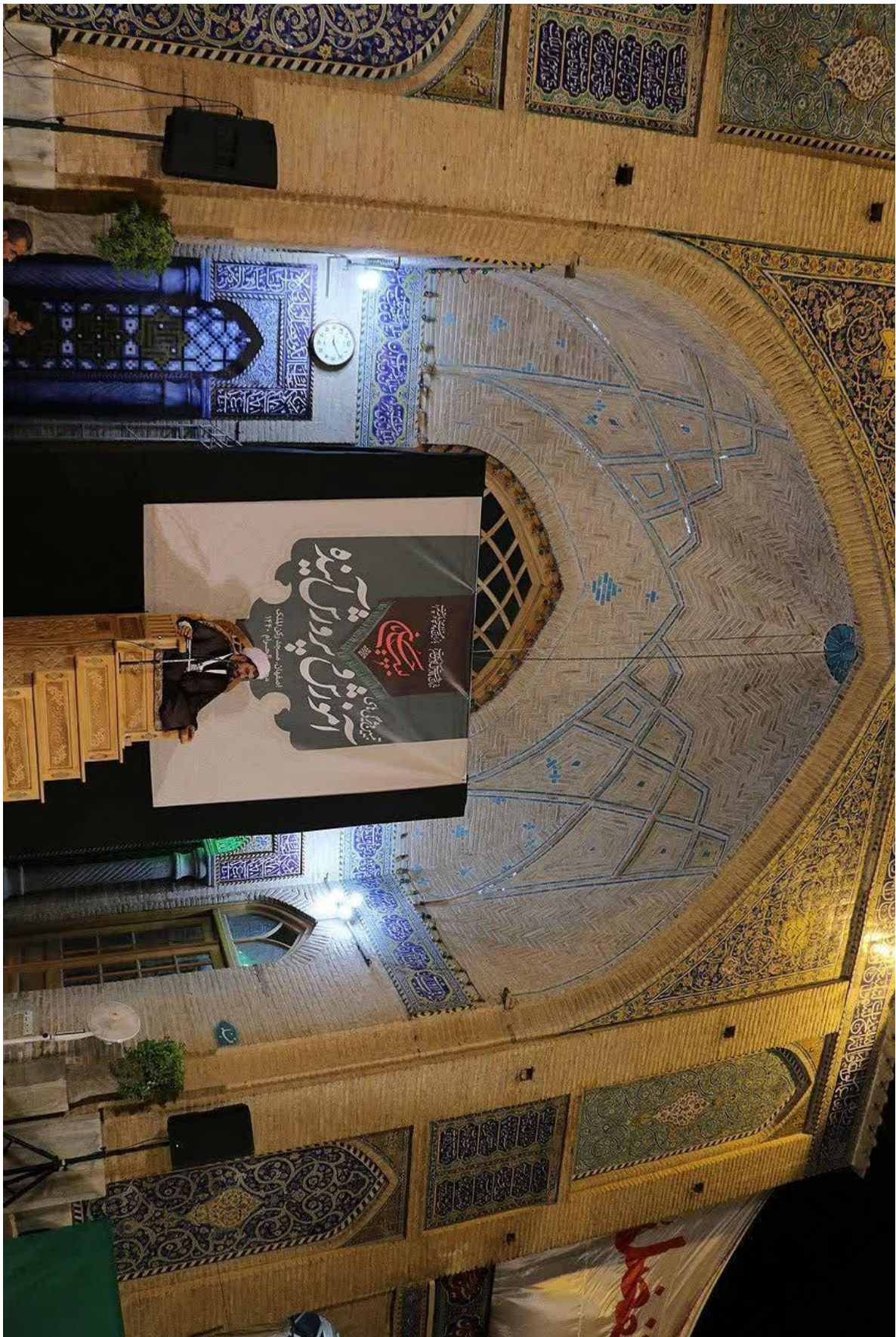
## جلسه دهم

۱. زمینه‌سازی سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش برای اجرای تمام اسناد هدف‌ده‌گانه‌ی توسعه پایدار و در نتیجه تغییر سبک زندگی مردم؛ مشکل اول سند ۲۰۳۰..... ۱۳۷
- ۱/۱. هجوم حدود ۱۰۰ سند بین‌المللی با هدف تغییر سبک زندگی جهان به هویت دینی و شیعی کشور ایران..... ۱۳۷
- ۱/۲. محوریت سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش در اجرای تمام اسناد بین‌المللی در کشورهای مختلف مخصوصاً ایران..... ۱۳۸
- ۱/۲/۱. تأکید بر محوریت سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش در پیشبرد تمام اسناد بین‌المللی در بیانیه اینچئون..... ۱۳۹
- ۱/۳. تغییر سبک زندگی مردم؛ نتیجه اجرای اسناد بین‌المللی و سند ۲۰۳۰ آموزش و پرورش..... ۱۴۰
۲. تغییر ذهنیت مسئولین نسبت به اسناد بین‌المللی و در نتیجه اجرای این اسناد از طریق شکل خاص اجرای سند ۲۰۳۰؛ مشکل دوم سند ۲۰۳۰..... ۱۴۱
- ۲/۱. اجرا شدن قطعی سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار با وجود ادعای غیر الزام‌آور بودن آن به دلیل شکل خاص اجرای اسناد بین‌المللی..... ۱۴۱
- ۲/۲. تبیین شکل خاص (فعالیت‌های شش‌گانه‌ی) اجرای سند ۲۰۳۰ و دیگر اسناد بین‌المللی در ماده ۱۷ بیانیه اینچئون..... ۱۴۱
- ۲/۲/۱. وکیل قرار دادن یونسکو نسبت به اجرای اسناد بین‌المللی در کشور و از بین بردن استقلال کشور؛ نکته اول در مورد شکل اجرای سند ۲۰۳۰..... ۱۴۲
- ۲/۲/۲. اقدام اول یونسکو: حمایت از کشورها برای تداوم تعهد سیاسی..... ۱۴۲
- ۲/۲/۲/۱. پیگیری تداوم تعهد سیاسی در ایران از طریق NGOها..... ۱۴۳
- ۲/۲/۳. اقدام دوم یونسکو: تسهیل گفت‌وگو برای سیاست‌گذاری..... ۱۴۳
- ۲/۲/۳/۱. تغییر ذهنیت مسئولین نسبت به اسناد بین‌المللی؛ نتیجه اقدام دوم یونسکو..... ۱۴۳
- ۲/۲/۴. سومین اقدام یونسکو: به اشتراک گذاشتن دانش و تدوین استانداردها..... ۱۴۴
- ۲/۲/۵. چهارمین اقدام یونسکو: پایش پیشرفت در جهت دستیابی به اهداف ویژه آموزشی..... ۱۴۴
- ۲/۲/۷. اقدام ششم یونسکو: اقدام به عنوان رابط ملی آموزش در چارچوب کلیه همکاری‌ها برای تحقق اهداف توسعه پایدار..... ۱۴۵
- ۲/۲/۶. اقدام پنجم یونسکو: برقراری پیوند میان ذی‌نفعان ملی، منطقه‌ای و جهانی برای راهبری اجرای دستور کار ۲۰۳۰ برای آموزش..... ۱۴۵
- ۲/۳. تغییر نگرش مسئولین نسبت به اسناد بین‌المللی و سند ۲۰۳۰ و در نتیجه اجرای این اسناد؛ نتیجه شکل خاص اجرای اسناد بین‌المللی..... ۱۴۵
۳. وجود مفاهیم متعارض با مفاهیم دینی؛ مشکل سوم سند ۲۰۳۰ و دیگر اسناد بین‌المللی..... ۱۴۶
- ۳/۱. تعریف خاص خانواده در سند ۲۰۳۰؛ یکی از مفاهیم متعارض با مفاهیم دینی..... ۱۴۶
- ۳/۲. تعریف فقر به محوریت لیبرالیسم؛ یکی دیگر از تعاریف متعارض اسناد بین‌المللی با تعاریف دینی..... ۱۴۶
- ۳/۲/۱. تأکید بر اصلاح فرهنگ خانواده برای رفع فقر؛ نتیجه تعریف غلط فقر در اسناد بین‌المللی..... ۱۴۶
- ۳/۳. تعریف غلط از غذا و معرفی محصولات خطرناک تراریخته به عنوان غذا؛ یکی دیگر از تعاریف متعارض اسناد بین‌المللی با تعاریف دینی..... ۱۴۸

۳/۴. تعریف خشونت به مفاهیمی مانند شهادت و انتظار؛ یکی دیگر از تعاریف متعارض اسناد بین‌المللی با تعاریف دینی.....	۱۵۰
پیوست‌ها.....	۱۵۳
نظام سؤالات.....	۱۵۹
پیوست رجالی شماره ۱.....	۱۶۱
پیوست رجالی شماره ۲.....	۱۶۴
صفحه یادداشت نقطه نظرات.....	۱۶۷
پیوست رسانه‌ای.....	۱۶۹
شناسنامه محتوایی.....	۱۷۰
نظام سؤالات.....	۱۷۱
نظام اصطلاحات.....	۱۷۳
نظام ارجاعات.....	۱۷۴



پیوست رسانه‌ای



# شناسنامه محتوایی

دوره مباحثاتی آموزش و پرورش آینده

## نظام سؤالات اصلی

این دوره مباحثاتی در پی پاسخگویی به ۷ سؤال اصلی برآمده است.

???

## نظام سؤالات فرعی

این دوره مباحثاتی در پاسخ به ۳۸ سؤال فرعی نوشته شده است.



الگوی جدیدنگهبانی



## نظام اصطلاحات

نظام اصطلاحات این جلسه ۸۶ عدد می باشد.



## نظام ارجاعات

این دوره مباحثاتی ۱۹۹ ارجاع به ۷۹ مرجع کتبی را شامل می شود